اسلامی علوم و خیر نو مرکز
Islamic Research Center

حکومت موقت هند در کابل

۱۹۱۵ ـ ۱۹۲۲ء.

تالیف: محقق میر محمد شریف «پکرای»

کابل-۱۳۶۸

مرکز تحقیقات علوم اسلامی
مدیریت عمومی نشرات

PROPERTY OF ACKU 4501

حکومت مؤقت هند

در کابل

۱۹۱۵ --- ۱۹۲۲م

تالیف: میر محمد شریف «پاکرای»

کابل - ۱۳۶۸

2

به مناسبت هفتاد مین سا لـگرداستر داد استقلال کشور عزیز مـا افغانستان .

ـ نام اثر: حکومت موقت هنددرکابل .
ـ تألیف : میر محمد شریـــف«پا کرای» .
ـناشر: مرکز تحقیقات علـــوم‌اسلامی .
ـ اهتمام: محمد سرور «پاکفر»ومحمدکریم.
ـ جای چاپ : مطبعه دولتی .
ـ تیراژ : دو هزار نسخه .
ـ سال چاپ : ۱۳۶۸ .
ـ شماره مسلسل :(۲۶) .

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
یادداشت	الف
مقدمه	یك
ریشه های تاریخی حکومت ...	۱
اثرات استعمار انگلیس در ...	۸
تاثیر اندیشه های سید جمال‌الدین	۵۱
دولت حبیب الله ...	۶۲
تنظیم هند یان در کابل	۹۸
فعالیت در داخل هند	۱۰۶
رابطه حکومت موقت با جرمنی	۱۲۹
روابط حکومت موقت با روسیه	۱۳۶
سلسله روابط با جاپان	۱۴۵
روابط اعضای حکومت ...	۱۵۶
سلطنت شاه امان الله و...	۱۸۰
روابط حکومت موقت با...	۱۹۵
نتیجه	۲۰۱
مآخذ	۲۰۹

بسم الله الرحمن الرحیم

یادداشت

بزرگی واصالت یك ملت وکشوروابسته به‌تاریخ مبارزات مردم آن وفرهنگ وکلتور آن میباشد .

کشور افغانستان که در گذشته‌بنام خراسان وقبل ازآن‌بنام آریانا مسمی گردیده بود دارای تاریخ کهن پنجهزار ساله است. درطول تاریخ پنجهزار سال مردم این‌مرز وبوم‌آلام‌ومصائب و سختی ها ومشکلات زیادی دیده‌ولی درعین زمان‌افتخارات بس‌بزرگ انسانی را کمائی کرده وتجارب مثمر زیادی را بدست‌آورده است .

کشور کوهستانی افغانها درطول‌تاریخ آزاد زیسته وهیچ‌قدرت‌جهانی نتوانسته به‌غرور وسربلندی وسر افرازی وقهرمانی های مردم آن ، لطمهٔ وارد سازد .

کلتور عالی وکرکتر بلند افرادآن‌همواره وابسته به این امر بوده‌که چون آزادی خود را دوست داشته‌ودر راه حفاظت آن‌مبارزات پیگیررا ادامه داده است ، خود نیز آزادی‌دیگران را محترم دانسته همیشه درپی‌آن بوده تاباهمسایگان خودزنده‌گی مسالمت آمیز خود را ادامه

بدهد ازهمین جهت است که مردم افغانستان بـــر علاوه اینکه آزادی دوست وازادی خـــواه بـــوده صلح وامنیت را نیز نسبت به جنگ وستیز وقتل وقتال ترجیح داده وعلیه تجاوز بیگانگان سرسخت ترین مقاومت ها ومبارزات را درطول تاریخ پشت سر گذشتانده اند .

بهمین علت درتاریخ معاصر افغا نستان هنگا میکه استعمار انگلیس شبه قارهٔ هند را فراگرفت ودست تجاوز وتطاول را برکشور پر افتخار افغانها درازنمود مـردم افغا نستان مبارزه علیه متجاوزین برآمدند نه تنها آزادی خـــود بلکـه آزادی مـردم هندو ستان را نیز میخواستند کـه بالاخره افغا نستان به مهد ومـرکز مبارزات علیه امپر یا لیزم برتانوی مبدل گشت ـ وهمه مبارزات مـردم هند نیز در کشور افغا نستـــان سازمان می یافت .

-کتاب حاضر تحت عنوان «حکومت مـــو قـــت هـند د ر کا بل »

که ازطرف دیپارتمنت تاریخ مرکز تحقیقات علوم اسلامـی تهیه شده خدمت خواننده گان محترم تقدیـم میگردد نشان دهنده آنست که مردم آزادی دوست کشور ما درطول تاریخ مبارزات شان علیه استعمار انگلیس نه تنها به آزادی کشور شان علاقمند بوده اند بلکه بـــرای آزادی کشور همجوار هندوستان ازیوغ استعمار برتانیه نیز از هیچگو نـــه مبارزه وتلاش دریغ نورزیده اند .

این احساس وهمدردی افغا نها نسبت بـــه مردم هندوستان سابقه طولانی دارد کـه مخصوصاً باآمدن انگلیس درهند این تشریك مساعی درپرتو روابط متقابله تاریخی، فرهنگی وسیاسی بیش ازهردوره دیگر روز افزون گشته وبه تاسی ازهمین روابط کهن تاریخی بودکه رهبران مبارزین هند چون شاه ولی الله دهلوی برای نجات هندبه احمدشاه درانی . آمد واستمداد جست متعاقباً مردم مبارزهند ازشاه زمان بحیث ناجی درهند

ازمردم افغانستان تقاضای آمدن بمنظور آزادی هندوستان را نمودند.

هنگا میکه افغا نستان نیز مانندهندوستان تحت تهاجمات استیلا ـ گران قرار گرفت بازهم مبارزین‌هندچشم امیدبه طرف افغانستان‌داشتند ازجمله مبارزین هند مولـوی سعیداحمد بریلوی ـ ملااسمعیل وسایـر مبارزین ازامیر افـغانستان دوست‌محمدخان تقاضا بعمل‌آوردند تابرای نجات کشور شان وانیزبرای طـــردانگلیس از هندوستان بـــا ایشان همکاری نمایند .

این روابط کمافی‌السابق ادامـــه‌داشت تا اینکه اندیشه های آزادی خواهانه جمال‌الدین افغانی مردم‌هندراتکان داده وآتش آزادی خواهی‌را در بین شان مشتعل گـــردا نید ه‌خصوصاً یك‌عده ازبزرگان سیاست وفرهنگ وفلسفه قاره هند کـــه‌بصورت مستقیم یـــا غیر مستقیم درمکتب سید تربیه شده بودند این‌شعله مقدس‌را که‌آن مـرد افروخته بود پس‌ازوی بدست گرفته وپرتـو آنرا در اکناف رسانیدند ـسیدازین شعله‌های افروخته شده کـه هریك‌ازآنها کانون فروزانی برای انتشار نور آزادی خواهی واستقلال شدندخلاصه اینکه خطابی که‌سید افغانـی جهت آزادی مردم هند به‌مبارزین‌آن‌می‌نمود چون ازقلب می‌برامد به‌قلب مبا رزین هـــند ا مـــثال مـحمدحـــسین (شـیخ ا لهـنـد)، داکتر مـولا نـا ابو الکلام‌آزاد،مولانابرکت‌الله ـ مولانا عبیدالله سندی‌ـ مولانا شوکت علی ـگاندی‌ـ نهروـمهند راپرتاب ـ وسایر مجاهـدین ومبارزین هندی می‌نشست ومبارزات‌خود را علیه استعمار انگلیس شدت می بخشیدند .

چون درخود هند برای‌این مبارزین‌سر شناس مجال فعا لیت و تنظیم وساز ماندهی مبارزات کمتر میسرمی‌شد تابالاخره آنهادرزمان سلطنت امیر حبیب الله خان مرکز مبارزات‌شانرا به‌کابل انتقال دادند .

همزمان بان یك هیات ترکی و جرمنی به معیت هیات آزاد یخواهان هندی به افغانستان آمدند هیات مذکور کوشید امیر حبیب الله را به طرفداری جرمنی و ترکیه برضد انگلیس داخل جنگ سازد ولی این آرزوی هیات نقش بر آب شد و امیر حبیب الله بی طرفی خود را به نفع انگلیس اعلام داشت هیات های ترك و جرمن ناکام رجعت داده شد .

اگرچه این اعلان بی طرفی چون آب سردی بود که براحساس آزادی خواهان مجاهدین و مبارزین افغان و هند فرو ریخت باآنهم چون روابط مستقیم و پایدار قبلی بین مبارزین و مجاهدین هند و افغان موجود بود بناء اوضاع واحوال برای هیات هندی آنقدر مایوس کننده نبود و در نتیجه مساعی خود کوشیدند که جمهوریت موقت هند را در (۱۲۸۱) موافق به دسمبر (۱۹۱۰) کابل تاسیس نمایند در عین زمان مردم سرحد آزاد و مسلمانان نیم قاره هند را تشویق به قیام عمومی علیه امپریالیزم برتانیه نمود این حکومت در آغاز به فعالیت های خود در سرحدات آزاد و داخل هند اقدام نمود فعالیت این حکومت تا سال ۱۳۲۳ مطابق به سال ۱۹۲۲م مصادف به زمان سلطنت شاه امان الله ادامه داشت که بعداً ازطرف حکومت امانیه متوقف ساخته شد ازمحتویات فوق برمی آید که تاسیس حکومت موقت هند در رابطه با استقلال طلبی مردمان افغان و هند یکی ازمثالها ی برجسته درتاریخ معاصر کشور مامی باشد که با وجود اهمیت این موضوع تاحال دانشمندان و محققان افغانی انگشت شماری درین بخش به تحقیق پرداخته اند خوشبختانه محترم میر محمد شریف عضو دیپارتمنت تاریخ مرکز تحقیقات علوم اسلامی تحقیقی نموده وبر موضوع روشنی انداخته است ـ که گفته می توانیم این اقدام وی گام مهمی در روشن شدن این موضوع که یك گوشهٔ ای ازمبارزات مشترك افغانها وهندیها را برای آزادی کشور های شان از یوغ استعمار برتانوی

دربر میگیرد شمرده میشود البته این امر بر هنمائی پو ها نـد سیـد سعدالدین هاشمی استاد تاریـــخ معاصر پوهنتون کابل تهیه شده است مورد تحقیق وتائید مرکز تحقیقا ت علوم اسلامی قرار میگیرد مـــا یقین داریم در آینده محققین و عـلمـای بزرگ افغانستان بتوانند تحقیقا ت بیشتر وسیعتری را درین عـرصـه نموده این موضوع را بیشتر روشن و روشن تر سازند .

بنا دیپارتمنت تاریخ مرکز تحقیقات علوم اسلامی لازم دانست تا به پیشواز هفتادمین سالگرد استرداد استقلال کشور این کتاب را بـــه علاقمندان تاریخ تقدیم نماید .

با اظهار سپاس .

عنایـت الله (رشید) رئیس دیپارتمنت تاریخ مـرکـز تحقیقات علوم اسلامی .

مقدمه

هندو افغانستان ازقدیم‌الایام‌یعنی‌از قبل التاریخ، دوره تاریخی دوره اسلامی تاکنون در بین خود تماسها وروابطه نزدیك وگوناگون داشته‌اند چه‌این نوع تماسها به‌اثر جنگها وگاهی به‌شکل اتحاد وترقی و ایجاد تمدنها در یکدیگر موثر بوده اند.

در موقعیکه دولت مغولی دهلی‌در اواخر ضعیف شده بود استعمار انگلیس معبود طلائی را درهند درچشم سر می‌دید چون گرگی درکمین نشسته ومترصد اوضاع بود تا به‌موقع مناسب هند را بلعیده‌وافغانستان را نیز به کام خود فرو ببرد.

از مدتیکه هند به این مصیبت‌مواجه شدبزرگان ومبارزان هندجهت نجات ورهائی از چنگال انگلیس‌متوجه افغانستان شدند واز رهبران افغانستان چون از احمدشاه‌شاه‌زمان دعوت آمدن به‌هند را به‌این منظور به‌عمل آوردند. مو قعیکه‌افغانستان خود نیز در کام انگلیس فرو رفت باآنهم امید آنها به این‌طرف بود ومبارزین هندی چون سیداحمد بریلوی وشاه اسمعیل‌که پیروان شاه ولی الله دهلوی بودند از امیر افغانستان امیر دوست‌محمدخان خواستند تابرای آزادی کشور افغانستان وهند باایشان هم دست‌شود چون برادران بارکزائی دست

به‌گریبان یکدیگر بودند نتوانستند ازین فرصت طلائی به‌خاطر رهائی افغانستان وهند سود ببرند .

در حالیکه کار از دست امیران‌سرسپرده انگلیس در افغانستان برای این منظور میسر نبود ولی‌افغانستان تحت رهنمائی رهبران‌ملی خود دست به‌قیام بزرگ زدند که‌در نتیجه جنگ اول باانگلیس‌تمام قشون متجاوز انگلیس را درافغانستان محو نموده وجزیکنفر داکتر برایدن که فرار کرد احدی را زنده‌نماندند .

این موفقیت نه تنها پیروزی برای‌مردم افغانستان‌وشکست امپریالیزم انگلیس تلقی شد بلکه تاثیر خودرا در قیام بزرگ ۱۸۵۷ هند نیز بجاگذاشته چه هندیان معتقدشدندکه مقابله باانگلیس جهت آزادی کشور ممکن است .

در پهلوی سایر روابط آزادی‌خواهانه افغانستان باهندیان یکی دیگر هم‌تأثیراندیشه های‌سیدجمال الدین افغانی در ایجاد مفکوره پان اسلامیزم وچگونگی‌اتحادبین هندوها ومسلمانان در هند بود .

این گونه روابط وهمکاری هابین‌هندیان وافغانستان ادامه داشته تا اینکه در قرن بیستم مصادف به‌دوره‌امیر حبیب‌الله از جمله تلاشهای آزادی خواهانه هندیان به آن منتج‌شد تاکابل رابه حیث یک مرکز فعالیت های خود درآورند. از همین‌جابه اقدامات خود ببر دازند تا بتوانند همزمان در یك وقت هم درداخل هند آشوبی برپا کنند وهم از خارج یعنی از افغانستان .

در نوامبر ۱۹۱٤ که بریتانیا باتر کیه داخل جنگ شد نهضت مسلمانان نزد بریتانیا ازین لحاظ‌خیلی خطر ناك شد .

بنأ بروز جنگ اول جهانی باعث‌گردید که پلان طرد نفوذ بریتانیه

مورد اجرا قرار گیرد یکی ازاجزای‌این پلان تعیین انتخاب اشخاص معتمد ومطمئن‌وفرستادن آنان به‌سرحدات آزاد به افغانستان وسایر کشور های دیگر بود .

در هند رهبر آزادی خواهان هندشیخ الهندمحمود الحسن‌که خودش راخلف سید احمد بریلوی و مولوی‌اسمعیل همکار او می‌دانست فیصله کرد که انگلیس فقط به وا سطه اسلحه از هند اخراج گردد. همچنین به‌این مقصد یك عده آزادیخواهان هند را درسال ۱۹۱۵ در سرحدات قبایل آزاد افغانی وکابل به غرض‌استمداد وفعالیت اعزام نمود .

چنانچه عبیدالله سندی یکی ازآنان بود. که‌به مشوره شیخ‌الهند ومولانا ابوالکلام آزاد به افغانستان فرستاده شد وهدف آن بود که تا امیر افغانستان را باقطع رابطه با برتانیه ،وادار سازد. ودر سرحدات آزاد طغیان وشورش را بر پانماید.

این وقت مصادف به ورود هیات ترك جرمن به معیت هیت هندی در افغانستان بود آنها کوشیدند امیر حبیب‌الله را به‌طرفداری جرمنی و ترکیه علیه انگلیس داخل جنگ نسازد. ولی این آرزوی هیت نقش برآب شد وحبیب‌الله بیطرفی خودرا به نفع انگلیس اعلان نمود گرچه برای سایر اعضای هیئت جواب رد داده شد ولی اوضاع احوال برای هیت هندی آنقدر مایوس کننده‌نبودآنها در نتیجه مساعی خود موفق شدند که برای به‌وجود آوردن دوموسسه پلان ریزی کنند .

این دو موسسه عبارت بودند از(جمهوری موقتی هند)و(حزب جنود ربانیه). در اول دسمبر ۱۹۱۵ حکومت موقت هند اعلان گردید (مهند راپرتاپ بحیث رئیس دولت‌وبرکت الله بحیث صدراعظم و عبید الله سندی بحیث وزیر داخله‌هند... انتخاب گردیدند) همینکه

این حکومت پابه‌عرصه وجودگذاشت فوراً به‌کار خود آغاز نمود وفیصله کرد که باقدرت‌های‌خارجی‌در تماس بیایند وبرای آزادی هند (لشکر خداوندی)را تقویه نمایند. ونیز آنها درمورد قدرتهای خارجی تجویز نمودند که نماینده‌گان خود را به‌روسیه ، جرمنی، انگلستان‌وجاپان گسیل دارد وبه این وسیله آزادی‌هند رابرسمیت بشناسند. که این فعالیت در ساحه بین‌المللی ایفاشد.

همچنان این حکومت توانست درداخل هند وسرحدات آزاد دست به فعالیتهای و سیع‌بزند که‌مایه‌دردسر انگلیسها را فراهم ساخته بود . گرچه کارحکومت موقت در۱۹۲۲ ازطرف دولت امانیه متوقف ساخته شد باآنهم نتائیج سودمندرا درمبارزات آزادیخواهی هند وسایر نهضت ها وجنبشهای آنکشور بجاگذاشت که اثر آن در آزادی هند کاملا محسوس میباشد .

فصل اول

ریشه های تاریخی حکومت موقت هند در کابل

بخش اول نفوذ استعماردر نیم قاره هند :

در سالهای اخیر قرن پانزدهم واوایل قرن ۱۶ م که دامنه اکتشافات آنکشاف یافت .برای اروپائیان دنیای نا معلوم وسیعتر گردید. قسمتهای جنوبی اوقیانوس اطلس یعنی افریقا واز مشرق زمین خصوصاً سواحل بحرهند سرزمین هند وجنوب شرق آسیا وسرانجام در مغرب زمین قاره جدید امریکا کشف شد کاشفین این نواحی بیشتر از همان دو مملکت جنوب غربی اروپا یعنی پرتگال وهسپانیه بو دند واسکو دگاما و کرستف کولمب دو نفری بودند که راه را بسوی همین دوقاره از طریق بحرباز نمودند عامل عمده ا ین اقدامات همانا یافتن راه به سرزمین هندو استفاده از اموال قیمت بهای آن منطقه که اروپائیان را شیفته خود ساخته بود میباشد .

استفاده از قطب نما وطریقه فن بحر پیمائی زمینه را برای تأسیس مستعمرات در سواحل اوقیانوس هند واطلس وبحرالکاهل فراهم

ساخت ودولت هسپانیه وپرتگال‌درشروع قرن ۱۶م از غنی ترین ممالك سواحل اوقیانوس اطلس دراروپا به‌حساب میرفت زیرا پیاده شدن کرستف کولمب در جزایر انتیل (جزایر شرقی امریکای مرکزی) وورود واسکو دوگاما در سر ز مین‌هندزمینه رابرای تأسیس‌مستعمرات فراهم آورد وبعد این‌سر زمین هاروزبه روز زیر استعمار اروپا قرار گرفت .

بعد از آنکه‌امریکا توسط کرستف‌کولمب کشف گردید حس رقابت پرتگالی هاو هسپانوی هاروز به‌روزدر زمینه بحرپیمائی شدت اختیار نموده وهمان بود که دولت پرتگال‌هیأتی راتحت‌رهنمائی واسکودوگاما به‌همکاری‌بارته‌لمی‌باز بطرف‌سرزمین‌هندروان نمود هیئات مذکور بتاریخ هفت جون ۱۴۹۷م ازپرتگال به‌عزم‌رسیدن به هند از طریق بحرالکاهل حرکت کرد. هیئات مذکور بعد ازیکسال مسافرت بتاریخ ۲۰ می ۱۴۹۸ به ساحل غربی هندوستان‌رسید بعد ازآنکه اروپا ئیان‌خصوصاً پرتگالیان در سرزمین هند راه‌یافتنداینان در حالیکه در کرانه های‌غربی هندوستان پایگاهی بتصرف درآورده‌بودند به مجمع الجزایر زولد وملوك دست یافتند .. (۱) و در صدد آن‌برآمدند که تامنابع اقتصادی آن مناطق راکه زیاد ترتجارت آن بدست‌اعراب بود زیر نفوذ خود بیاورند و در عین حال که اعراب راتحت فشارقرار می‌دادند تازمانی در آن هیچیك از اروپائیان را باآنجاه راه ندادندوبازرگانی اروپا راباشرق در انحصار خود گرفتند .پرتگالیان‌موفق شدند از شاهان محلی حق انحصار خرید‌ادویه وسایر کالا های بومیان را بدست بیاورند. آنان خرده ریزهایی‌راکه هیچگونه ارزشی نداشت و

---

۱ پروفیسور کایمینسکی ،تاریخ قرون و سطی ، ترجمه صادق انصاری ، طبع‌دوم ـتهران: ۱۳۵۰ ،ص ۱۸۳ .

اشیائی راکه هیچ به‌درد نمی‌خورد به‌زور به‌بومیان میفروختند ودر عوض ازآنان ادویه ،خاکه‌طلا، عاج ها ی گرانبها .جنس‌ومنسوجات‌ابریشمی میگرفتند (۱).

در سال ۱۵۰۵ پادشاه پرتگال. زمام امور مستعمرات آن کشور رادر هند به شخص‌موسوم به‌المیداسپرد. نامبرده درتحکیم حفظ منافع‌اقتصادی آن کشور از طریق توسعه روابط‌تجارتی وکنترول آن جدیت به خرچ داد تاآنکه بعدازوی البوکرك این‌وظیفه را به‌عهده گرفت نامبرده در صدد تشکیل دولت‌قوی پرتگالی درسواحل بحرهند برآمد واز هیچگونه سفاکی وخونریزی به غرض تأمین‌منافع شخصی در برابر اهالی‌خود- داری نکرد ویکتعداد زیاد تجارعربی‌وکشتی های تجا رتی شانرا تلف نمود وتمام بنا در بحیره عدن را بدست آورد و خود را در خلیج فارس رسانید .

امپر اطوری مستعمراتی پرتگالی که دراثرمساعی‌بیرحمانه وخونخو- اری البوکرك در سواحل هند وماورای آن استقرار یافته بود او لین امپراطوری مستعمراتی بودکه به‌اساس روابط تجارتی بنایافته بود وبواسطه تفوق اسلحه آتشین آن‌روز ونیروی دریایی حفظ و نگهبانی میگردید وحتی این مرد خونخوار این‌خیال را در دل می‌پرورانید که مسیر رود نیل را تغییر دهد وتجارت‌مصررا درهم شکند. گذشته ازآن‌پرتگال مملکت کوچکی بود که باتفوق کم‌درآن زمان قادر نبود که امپراتوری‌به آن عظمت را بتواندزیر سلطه ونفوذخود داشته باشند بدین جهت قدرت آن هم‌بیش از ۷۵ سال دوام نکردهما ن بود که هالیندی ها در قرن ۱۶م جزایر سوماترا راکه‌از پرقیمت‌ترین مستعمرات پرتگال بود ازآن مملکت گرفتند ودر حقیقت این عمل‌پایان قدرت استعماری پرتگال را در جنوب شرق آسیا اعلان مینمود .

۱- همان اثر ، ص ۱۸۳ .

« بهرحال بعد ها ـ هالیند هـا، انگلسیس‌ها، دنمارکی‌ها، داخل تجارت باهندگردیدند .هالیندی ها تا قرن هفدهم این تجارت را در دست‌داشته تقریباً پرتگالی‌ها را از صحنه خارج نمودند. انگلیس ها در سال ۱۶۰۰ کمپنی شـرق الهند راتـاسیس واجازه نامه تجارتی حاصل نمودمرکز خود را در(بسورت) ساحل غربـی‌هنـدبنیاد نهادنـد در ۱۶۱٤ جمیز اول شاه آنـگلیس نماینده ای بنام(سرتو ماس‌رو) بدربار جهانـگیر شهنـشاه هند فـرستاد وخواهش‌ارتباط تـجارتـی نـمود... کمپنی انگلیس در سال ۱۶۳۹ مدراس‌رااز راجای چند راگیری زمامدار قلعه کوهی کرنانک نام گذاری کردند.به‌این صورت تفرد وامتیاز اروپائی ها را ا علان نـمود در ۱۶٤۰ شهزاده‌بیگم شاه جهان بسوخت وکـمپنی‌او راتداوی کرد ودر بدل حق‌الزحمـه‌خود هوکلی را در نزدیك دهنه‌کانگا گرفت ومتعا قباً سه موضع دیگر راخرید که یکی آن کلکته بود بمبئـی اهنوز به پرتگال تعلق داشت ولـی‌هنگامیکه چارلس دوم انگلیس بـا دختر پادشاه پرتگال ازدواج نمـودبمبئی را در سال ۱۶۶۲ در جهیـز عروسی گرفت وشش سال بعد تـرچارلس بمبئی رُا در عوض اجاره سالانه (ده پوند) به‌کمپنی گذاشت‌کمپنی در ۱۶٤۰ در کلکته مـرکـز تجارتی افتتاح کرد .

در سنه ۱۶۸۹ کمپنی بواسطـه‌مداخله در اموورداخلی هند موردحمله دولت هند قرار گرفت عده‌ای کشته‌وعده دیگر گروگان دادنـد، سورت اشغال وبمبئی محاصره گردیدکمپنی‌تعهدکردکه در اموورداخلی هندمداخله نکرده آینده فقطمشغول تجارت‌باشدسال دیگر کمپنی قلعه سنت ویلیام را درکلکته آباد کرد در بنگال هم‌دربدل مراکز تجارتی خود پول اجـاره سالانه را به حکومت محلی‌می‌پردا ختند (در سال ۱۷۰۰ کمپنی هـای

انگلیس شرکت متحده هند شرقی‌را تشکیل وحق انحصار تجارتی را باهند تحصیل کردند.) همزمان با انگلیسها هالیندی ها نیز مراکز تجارتی در هند داشتند. وفرانسو یها در پونچری وچند الگرو غیره دارای مراکز تجارتی بودند، روسای تجار انگلیس وفرانسه هریك در مراکز خود عنوان(گورنر) آن‌محله‌راداشتند باهم در رقابت بودند. مخصوصاً بعد از آنکه در ۱۷٤٤ بین فرانسه وانگلیس در اروپا وهند جنگ در گرفت ومدراس را فرانسه‌فتح نمود گرچه در ۱۷٤۹ بین هر دومصالحه برقرار ومدراس به‌انگلیس مسترد شد، اما این رقابت باقی بود... (۱)تااینکه این دودولت‌رابه اطاعت در آوردن هندازارتش های ساخته وپرداخته شهزادگا نهندی سود جستند. جنگ پله تسی که در ۱۷۵۷ وقوع یافت نقطه‌اوج‌رقابت های سخت فرانسه وانگلیس بود در طی این نبرد روبرت کلیوکه‌قبلا بخاطر سفا کی‌هاورهزنی‌هایش شهرت داشت برارتش شهزاده‌بنگالی پیر و ز شد شا هزاده بنگا لی هفتاد هزار سر بازدر اختیار داشت درحالیکه ار تش کلیو متشکل از۹۰۰سرباز انگلیس‌و۲۲۰۰ سرباز هندی بود، که‌توسط انگلیسها کار برد سلاح را آموخته‌بودند .

انگلیسها در هند ریشه دواندندهر روز درین کشور پهناور بیشتر نفوذ کردن و مقاومت مردمان هندرادر خون غلطاندند. ماموران کمپنی هند شرقی شاهان‌کوچك وشاهزاده‌گان را مجبوربه کناره گیری‌ازقدرت کردند. وآنرا به‌پرداخت حقوق ومستمری وا داشتند ... (۲)

۱ـ میر غلام محمد غبار ،افغا نستان در مسیر تار یخ ،طبع دوم کابل: مطبعه دولتی ۱۳۵٤ صص٤۱٦ .

۲ـ آ. قیموف، ایلیاکا کیلکین،لئوزوك، الکساندر ماسنه‌ویچ:وسلو الود، اور لوت ،تاریخ عصر جدیدازانقلاب انگلستان تاکمون پاریس. ترجمه: فریدون شایان ،جلداول(کابل:مطبعه دولتی ،۱۳٦۲) صص ۲۹ .

بنا انگلیسس با دا شتن چنین موقعیتی که درمقابل رقبای خود غالب آمده بود یکی پس از دیگری سرزمین هند را در قبضه استعما ری خود درمی‌آورد .چنانکه مصادف باجلوس شاه زمان یعنی سال۱۷۹۳ یکنفر انگلیسس بنام (سرجان شور) به‌حیث گورنرجنرال مقبوضات‌هندی انگلیسس تعیین شد، دوسال بعد ازدولت مرتهه نظام دکن راشکست داده ونیم سرزمین آنرا متصا حب نمود چه سه سال بعد ازآن مارکی وسلی گونر جد ید هند انگلیسی‌اردوی بزرگی‌تشکیل وبغرض‌تسخیر هندوستان برای انهدام دولتهای‌هندی مرتهه‌نظام ومیسور برخاسته نظام دکن‌تسلیم، دولت مرتهه‌مغلوب‌وسلطان تیپو پادشاه میسور کشته شد . شهزاده‌گان راجپوت مطیع‌قدرت نظامی انگلیس گردید وآخرین قیام به قیادت (هولکر) در ۱۸۰٤منظما از برابر انگلیس عقب‌نشست درحالیکه درسال ۱۸۰۳ قشون‌تجارانگلیس پایتخت هندوستان دهلی واگره را اشغال کرده بود ، دولت‌انگلیس مصمم بود که سیطره استعماری خود را در سرا سرهندوستان بسط دهد لهذا مارکویس واسلی روش جد یدی در اغتصاب کشور هند بنام (اصول اعانه) ایجاد کردبدین وسیله برسفیر هندوستان‌درمعرض تاراج قرار داد ماحصل‌این سیستم واسلی آن‌بود که‌اول کشوردرسایه خدعه یاشمشیر غصب‌شود. آنگاه قشونی برای سرکوبی مردم وحفظ تسلط انگلیس مغضوبه‌تنظیم گردد کشور مغضوبه‌زما مدار دست‌نشانده مصارف این قشون را باعرق جبین بپردازد ودرعوض گذاشتن‌اختیار مرده وزنده خود را (درامور داخلی وخارجی بدست انگلیسها بسپارد ما دام‌العمر مشکور نیز باشند . (۱)

۱- میر غلام محمد غبار ، افغانستان درمسیر تاریخ، طبع‌دوم(کابل مطبعه دولتی ۱۳٥٤) ص ۳۷۹ .

به همین ترتیب «انگلیس دامنه‌استعمار خویشرا گرهند توسعه داد چنانچه درسنه ۱۸۴۳ اشغال گردیدتا سال ۱۸۵۰ مقاو مت سکها نا کام سا خته شد و پنجاب به هندوستان بریتانوی ملحق گردید ودیری نگذشت که برمای‌سفلی ، تاکپور داوده نیز جز و متصرفات انگلیس شد . بلوچستان‌درسال ۱۸۷۸ وبرمای علیادر ۱۸۸٦ به تصرف انگلیس ها درامد به‌این‌ترتیب تاسال ۱۹۳۷ جزوهند بود وبعد ازان واحد جداگانه امپراطوری‌انگلیس گردید» (۱)

۱ــ ك‌انتونووا، تاریخ هنددرقرون‌وسطی ، ترجمه پوهاند میرحسین شاه ، (کابل : دیپارتمنت تاریخ‌پوهنځی علوم‌اجتماعي پوهنتون‌کابل قوس ۱۳٦۰) ص ۱۱۹ .

اثرات استعمار انگلیس در زندگی مردم هند

برای اینکه اثرات استعمارانگلیس‌را درزندگی مـــردم هند پی‌ببریم می‌پردازیم به‌بحث مختصری دراین‌مورد ازلحاظ ـ اجتماعی ـ اقتصادی وسیاسی .

الف ـ ازلحاظ اجتماعی :

نیم‌قاره هند قبل ازاستعمار یـک‌سرزمین کثیر الملیت بحساب رفته که کثرت مذاهب ، اعتقادات و رسم‌ورواج‌ها وفرهنگ‌های مختلف مردم هند را بیشتر درنابرابری اجتماعی‌وطبقات گوناگـــون منقسم میکرد . ازهمه مهمتراینکه «مردم هند بـــه‌کاست های گوناگون منقسم بودند، روحانیون ، سپاهیان ، دهقانـــان‌وغیره بااین همه عده ای ازمـــردم وساکنان هند تعلق بـــه‌هیچ کاستی‌نداشتند وپست تـــرین قشر جامعه محسوب میشدند این‌مردم فاقدحقوق‌اجتماعی بودندآنان‌را نجس‌می‌نامیدند ومعاشرت باایشان وحتی شاید این‌مردم ازنظر روحانیون ناروا وزشت بحساب مـی‌آمـد نجسها درحقیقت‌بردگان متعلق به‌همه جامعه بودند» (۱)

۱ـ افینوف ودیگران ، تاریخ‌عهد جدید ، ج اول، ص ۲۸ .

«هندیان ازین لحاظ عقب مانـــده‌ودرواقع بصورت یك قسیل وموجود جامدمتحجردرامدجامعه هندباسنتهای مذهبی و باستاتـی متحجر وخشك شده بود .

سیستم اجتماعی آن‌هم‌نیرو وزنده‌گی‌خود را ازدست داده بود . کـم کم بی حرکت ومتوقف بود پس تعجب‌آورنیست که‌هندرنج بکشند برحسب اتفاق انگلیسها عامل این رنج شدنداگر آنها نمی‌بودند شاید مردمی‌دیگر بجان آنها می‌آمدند وبه‌همین شکـل‌عمل میکردند» (۱)

بـه‌گفته نهرو «ضعف ونادانـی‌همیشه موجباتی بـــرای حکومت استبدای هستند اگـــر انگلیسهامی‌توانند ازنفاق وجدائی مـاسود ببرند واستفاده کنندگناه خودماست که‌درمیان خود منازعه می‌کنیم اگـر آنها می‌توانند مـــا را تجرید کنندوباتحریك خود خواهی باگروه های جداگانه مادرمیان ماتفرقه بیندازنـدومارا ضعیف سازند خود این امـر نشانی از برتری انـگلیسها ست ،به‌این جهت اگرتو می‌خواهی بخشم آیی‌باید نسبت بـــه‌ضعف وجهل ومنازعات داخـلی خودمان خشمگین شوی زیرا این چیزها است کـــه‌مسئول واقعی ناراحتی هاوبرآشفتگی های زنده‌گی مامی‌باشد» (۲)

مورخ محترم غبارازمظالم اجتماعی‌انگلیس بالای هندیان یادآورمیشود. «لاردمارن هستنگز خود درمکتوبـی‌عنوانی مجلس انگلیس چنین‌نوشت: درهند ظلم بسیاری بنام انگلیس به‌عمل می‌آید وعده‌ای به‌لباس عسکری عنوان مامـــور و جاسوس انگلیس‌دارائی مـردم را در بنگال غـــارت می‌نمایند، چون مردم‌بنگال ازشنیدن‌نام انگلیس مرتعش میشوند (!)نزد من‌هم شکایت نمی‌کنند تاآنکه من‌به‌چشم خود دیدم » (۳)

۱ــ جواهرلعل‌نهرو، نگاهی‌بتاریخ‌جهان ، تـــرجمه محمود تفضیلی ، جلددوم (تهران ــ ۱۳٤٦) ص ۹۲٤ص ۹۲۵ .

۲ــ همان اثر ، ص ۹۷ .

۳ــ میرغلام‌محمدغبار، افغانستان‌درمسیر تاریخ ، ص ٤۳٦ .

انگلیسها ازمساعی منفی خـــوددست کشیدند تاکار مـردم هند را بجائی رساندند کـــه به‌سبب چنین‌معیشت هزاران نفرهندی درعید ها وعراوسی توانگران ازفاصله هـــای‌بعید رسیده وناکام برمی‌گشتند ودر عرض‌راه اطفال وپیران وبیماران‌شان‌جان می‌سپردند .

داکتر اسپری درکتاب خود (مودرن‌اندیا) می‌نویسد که‌درقرن ۱۹ حین تادیب طایفه‌کول‌دربنارس حسب‌الامرگورنر جنرال عساکر انگلیس تـمام دهات‌را آتش‌زده ومردان‌را اعـــدام‌نمودند ، داکتر می‌گوید : کـــه من دهقان‌های را دیدم که‌خاك‌می‌روفتندداانه‌های حبوبات‌را ازان برای‌سدرمق خود جدا میکردندوهم درناحیه‌می‌آیدکـــه مـردم برگ درختان‌را چیده می‌خوردند و مادرانی بودند کـــه‌دختران خود را به‌اغنیا می‌فروختند چنانکه خودم دختر هفت‌ساله ایـرا‌ازوالدینش به‌هفت‌روپیه خریدم (۱) در حالیکه کشور بزرگ هندوستان‌دارای اراضی شاداب وتوانگریست که ازمحصولات آن کاخهای معظمی‌درلندن اعمار گردیده است .

انگلیس‌ها دررأس تمام المـــورهندیها قـــرار داشت . مـردم هند صلاحیت نداشتند . آنهاچای،قهوه‌وسبزیجات را ازشدت فـقر نمی ـ شناختند ، ساقهای شان نـــازکتروپوست شان به استخوان چسپیده تربود تب ذات الریه و گـر سنگی‌ملیونها نفرهندی را سالانـه بدیار عدم می‌فرستاد (۱)

برعلاوه انگلیسها درتشدیدوخامت‌واختلاف میان هندوها و مسلمانان تحریکات زیادی می‌کردند وآنهابرای‌هندوها می‌فهماندند که مسلمانان مسکونینی اند غیر هندی یعنـــی‌فاتحین ومهاجمین خارجی انـــد . اختلاف وبینونت اجتماعی وتضاد وعقیده دینی‌که مابین هردوگروه های هند ومسلمان وجود داشت ، سابقا وسیله استفاده سیاسی انـگلیسها می‌گردید کـــه برحسب قاعده کلی(تفرقه بینداز وحکومت‌کن) را رسماً

۱ـ میرغلام‌محمد غبار، افغانستان‌درمسیر تاریخ،ص ۴۳۷وص ۴۳۸ .

برآتش نفاق وشقاق دامن می‌زدند. عاقبت دراوایل این قرن این مخاصمت وتفرقه به‌منتهای شدت رسید ودرعالم سیاست جدال وجنگی بوضوح تمام ظاهر گشت ، درهنگا میکه موضوع انتخابات مجالس ملی با سلو ب پاز لمان پیش آمد انگلیسها قاعده انتخابات جداگانه را برپایه اجتماعات مذهبی پیش کشیدندودربعضی نقاط مسلمانان خود را دربرابر هندوها ودربعضی دیگر هندوهان را درمقابل مسلمین تحریك کردند وبرای دوئیت وبیگانگی می افزودند . (۱)

«طبقاتی که باآموزش انگلیس پرورش می‌یافتند کم کم ازشهر ها زیاد میشدند ودرهمان یك طبقه جدیدرشد می‌یافت که شامل صاحبان مشاغل آزاد گوناگون میشد مانندمامورین کوچك بودند که به‌کار های اداری انگلیس درکشور کمك میکردندونیز وکلای داد گستری، پزشکان، بازرگانان، معامله گران... بودند...این طبقه به نسبت مختصری از استعمار توده های مردم بوسیله انگلیسها سهم می‌بردندومزدریزهائی زیرراکه ازمضره باشکوه وسر شارطبقه حاکمه انگلیس مزد می ریخت بدست می‌آوردند» (۲)

«اکثریت عمده این طبقه بورژوازی جدید هندوها بودند که ازنظر اقتصادی به‌مقایسه ازمسلمانان دروضع بهتری قرار داشتند که آموزش انگلیس بهتری دیده بودنداین آموزش خود جوازی برای اشغال به‌خدمات دولتی با سایر مشا غل شمرده میشد .» (۳)

۱ـ علی اصغرحکمت سفیر سابق ایران درهند ، سرزمین هند: بررسی تاریخ اجتماعی سیاسی هند آزاد باستان تاعصر حاضر (تهران ۱۳۳۷) ص‌ص ۲۴۱ ـ ۲۴۲ .

۲ـ محمد مهدی، سلطه وحکمرانی انگلیسها درکشور هند ، (رساله نشر ناشده دوره لسانس پوهنځی علوم اجتماعی قسم شبانه. پوهنتون کابل ۱۳۶۳) ص ۲۲ .

۳ـ جواهر لعل نهرو ، نگاهی بتاریخ جهان ، ص ۹۲۹ .

«مسلمانان هند بطور کلی فقیرتربودند که براثر سیاست انگلستان ونابودی صنایع هند ورشکست‌شده بودند وبه‌دهکده‌ها رفتند . مسلمان بودند ... وصاحب اراضی کوچك.معمولا مالك عمده (باینیا) (طرف رباخوار) دهکده که‌پول به دهقانان‌وام میداد ودکان دهکده به اوتعلق داشت هندو بودند . باین ترتیب‌مالك لبانیا درموقعیتی قرار داشتند که‌بردهقانان فشار می‌آوردند وآنهارا استثمار کردند . باید این نکته را خوب بخاطر داشت زیرا یکی‌ازعوامل عمده وریشه‌اصلی اختلافات وکشمکش میان هندوان ومسلمانان‌همین موضوع بود » (۱)

به‌هرترتیب به‌همان اندازه که‌بورژوازی تازه هند رشد می‌یافت حرص داشتهایش نیز زیادتر میشدآنهامیل داشتند که‌کار خود رادنبال کنند وپول‌بیشتری بدست آورند پست‌های (...)درخدمت دولتی‌اشغال کنند . تسهیلات بیشتری برای‌تاسیس وشروع صنایع داشته باشند . اماهمه‌جا انگلیسهارا برسرراه خود می‌دیدند وتمام پست های عالی درانحصار انگلیسها بودصنایع‌هند هم برای منفعت انگلیسها کار می‌کرد به این جهت یکدسته‌نارضایتی ها هیجانات مردم شروع شدکه ریشه اصلی نهضت‌ملی جدیدگردید . سپس ازشورش ۱۸۵۷ تقیضات وفشارهای بی‌رحمانه‌وشدیدکه بدنبال آن پیش آمد مردم چنان درهم شکسته شده بودند که‌دیگربه‌فکر هیجان واقدام تندی نبودند . سالها طول کشید تادوباره جان تازه‌گرفت . » (۲)

ب : اوضاع اقتصادی :

((در هند نظام اقتصا دی قد یمی بیش از آنکه انگلیسها به آنجا برسند در هم شکسته بود. یعنی بنای فیو دالیزم شکست برداشته بود و حتی اگر هیچ نیرو ی خارجی هم در آن وقت در هند نمی

۱ـ همان اثر ، ص ۹۳۰ .
۲ـ جواهر لعل نهرو، نگاهی بتاریخ جهان ، ص ۹۳۱.

آمد . نظم فیودالی دیگر نمی توانست مدت درازی باقی بما ند و مانند اروپا ناچار بود که جای خود را به‌سیستم تازه ای بد هد که درآن طبقات تولید کننده جدید قدرت بیشتر داشته باشند. » (۱)

از اینرو وقتی که انگلیسها به هند آمدند . نظم فیو دالی قد یمی هند در هم شکسته بود . سقوط امپر اتوری مغل هم یك‌خلاسیاسی وآشفتگی در بسیاری نواحی هند ایجاد کرده بود . معهذا همان طور که (راشی جند رات) یکی از علمای اقتصاد هند نوشته است . هند در قرن هجدهم همچنا ن که یك کشور مهم‌کشاورزی بود ازنظر صنعتی نیز کشور پر اهمیتی به شمار میرفت محصو لا ت کار گاه های صنایع دستی هند به‌بازارهای آسیا و اروپا فرستاده‌میشد. بازرگانان ومبادله‌گران اروپایی‌در آغاز کار به مواد خام‌هند توجهی نداشتند . بلکه به کالا های ساخته شده هند علاقمند بودند .(۲)

((انگلیسها در هند به عقب بازگشتند بایك روش ارتجاعی‌بربقایای فیو دالیزم که هنوز در هند وجود داشت تکیه زدند . این بقا یای فیو دالیزم مو قعیکه ا نگلیسهابر هند آمدند . دیگر قدرت زیاد نداشتند . اما انگلیسها آنهارا هم‌چنان حما یت و حفظ کردند. سهم کوچکی از استثمار کشوررا به ایشان‌می پر داختند.))(۳) واین نیز از آن خاطر بود که ((حکومت انگلیس از شور شهای جدید میتر سید اعلام کرد از این پس املاك شهز اده گان واربابا ن فیودال را تصاحب نخواهند کردو درنتیجه چند شهز اده هند ی که با انگلیسها خصومت داشتند جسم و جان رادر

۱ــ محمد مهدی ، سلطه حکمر انی انگلیسها در هند ، (رساله نشر ناشده دوره لیسانس).ص۳،

۲ــ جواهر لعل نهرو ، نگا هی بتاریخ جهان ، ص ۸۸٦

۳ــ محمد مهدی ، سلطه و حکمر انی در هند ، ص ٤

خدمت آنان گذاشتند.)) (۱) ولی حمایت به‌این طبقه ایکه دیگر دورانش‌بسر رسیده بود و فایده اش را از دست‌داده بود می‌توانست یك کمك موقتی باشد . موقعیکه این پشتیبانی از میان می رفتند. طبعا آنها هم سقوط می‌کردند یا ناچار باید خود شانرا به اوضاع وفق دهند .)) (۲)

((یك مشت مردم که طبقه بوژوازی جدید هند بودند . .. آنها هم خواستند تا سر مایه خودرا بکار اندازند. تا از سود آن‌درآمدی داشته باشند . بسیاری‌از ایشان املاك و زمینهای مالکان سابق را که فقیر شده‌بودند می خریدند. بدین ترتیب‌خود شان مالك‌میشدند. بعضی دیگر که سود و رونق صنایع انگلیس را می دیدند می‌خواستند با سرمایه های ایشان در هند صنایعی ایجاد کنند وکارخانه های بسازند به این شکل سر مایه های هندی برای تهیه‌کارخانه‌های بزرگ صنعتی صرف گردید و کم کم یك طبقه سر مایه داران صنعتی هم در هند پیدا شدند این وضع در سالهای حدود هژده ـ هشتاد بود .)) (۳)

((شاید بعضی گمان کنند که‌دولت بریتانیا بلاد هندوستان را فردوس برین ساخته وانواع نعمت را درآن سر زمین آماده کرده و سیستم های تیلگراف و تیلفون از هر سو کشیده وراه های‌آهن را درسراسر مملکت امتداد داده، مدارس تعلیم و تعلم باز کرده‌و اوضاع تجارت را تقویت نموده و در نتیجه مردم در مهدامن وآسایش و فراوانی باشند بعضی .... این تصورات و بالا تر از این‌ها را در باره هند میکنند ولی حقیقت بر عکس تمام این ها است ما فقط یك‌دلیل اضافه میکنیم وبه جرات اظهار می داریم که از زمان تسلط

۱ـ آه مینو ف ودیگران... تاریخ عصرجدید ،ج اول،ص۱۸۳.

۲ـ محمد مهدی ، اثر قبلی، ص ۱۵

۳ـ جواهر لعل نهرو، نگاهی بتاریخ جهان ، ص ۹۳۱.

دولت انگلیس بر مـما لك وسیعی هندو ستان برای خود اهالی هند ازجهت یك مصیبت ها وبلا هـای وارد شده که قـبل ازتصرف هند نظیر نداشته .

اینك ما مصایب، مجامعه وقحطی را به تنها یی می گو یم ومیانه اعداد واثرات آن قبل از انگلیس وعصرحاضر انگلیس را مقایسه مینماییم. تاریخ هندو ستان به ما نشان میدهد که بلادهند درهفتصد سال قبل در قرن یازدهم تا قرن هجدهم (ایـن مدت خیلی وسیع) شا نزده مرتبه دو چار متحما و غلا شده . . . . . ولی در عهد میمون و بـا سعادت بر یتا نوی یعنی در مـدت(۱۳۰ـ سال) از ۱۷۶۹ـ ۰ ۱۹ م هندو ـ ســتا ن ر ا ســـی و پـنـج مجا معه و قحـطی هـو لنـاك فرا گرفته غیر ازقحطی های کوچك محلی درسی سال اخیر قرن هجده قبلا چـهار قحطی عمو می شـــد که دسته مردم مدفون خاك شدند و شهر های کثیری رو به خرابـــی گذارد.

بنا برین هندو ستا ندر مدت قرن به سی و یك مجا معه مبتلاسی ملیون نفوس هندو ستان از گـــر سنگی راه عدم را در پش گرفتنـد که مساوی سه بـرابـر سا کنین مصر بود . (۱)

((و بالاخره با ید گفت که در زمان سلطه انگلستان در هند ملیو ـ نها دهقان از طاعون و یا گر سنگی جان خودرا از دست دادند)) (۲).

ج ـ اوضاع سیاسی :

((در قرن شانزده تقر یبا همه هند به تصرف (اکبر شاه مغـل) از دود مان مغو لها در آمد وی تمام هند را متحد کرد و مردم را بسه پر داخت ما لیات سنگین نا گزیر سا خت .

۱ـ سیدسعد الدین هاشمی، نقش افغا نستان در آزادی هند، پوهنتون کابل ، ۱۳۶۲، ص ۱۸۶و۱۸۷.

۲ـ آ.ا تیموف ودیگران ...تاریخ هند جدید ، ج اول، ص ۱۸۲.

سلطنت دود مان مغو لهاچندان نپایید در آغاز قـرن هـجد هـم جنگها ی درونی‌وقیا مها ی‌دهقانی امپر ا توری مغو لان را تجز یـه کرد و سبب انحطاط آن گردید و نتیجه آنکه سر زمین هند به قلمرو های فیودالی جدا از هم تقسیـم گردید)) (۱) . مثلا در سوا حـل چپ سند تا دریای‌ستلیج (پنجاب- ملتان و کشمـیر) دولت‌افغا نستان دولت احمد شا هی مسلط بود اوده در تحت فر مان شجاع الله والـه، پهارو بنگال قلمرو نواب علی‌وردی، هند متوسط متعلق دولت بـزرگ مر تـبه و شعب‌چهار گانه آن‌بود که دامنه آن قلمروازساحل شر قی هند تا سواحل غربی آن کشیـده شده .

هندجنوبی تحت حکومت دکن و مرکزش حیدر آباد بود دولـت میسور و سلطان مشهو ران حیدر علی در جنو ب کشور نـظا م قرار داشت که در شرق آن حـکومـت‌گرنانك بر یا ست نواب انورالدین افتاده بـو د ورو یهمرفته تـمام‌این حکو مت هنوز رسما یا عملا تابع دولت شنهشا هی با بـری هندو ستان ومرکز دهلی به شمار میرفت . همچنان یك تعداد زمامد اران کوچك محلی در هند وجود داشت که مستقل یا تابع حکو مـت‌از خود بزر گـتر بودند ... (۲)

مصادف با این ز مـان حملات‌احمد شاه درانی‌نیز بر هند صورت گرفت گرچه وی خواستا ران بـود تا پادشاه مغلی را برسر جا یـش قایم بدارد از اینرو نه تنها افغانها فدای این ارمان بی‌حاصل‌گردید بلکه مر هته ها کـه دشمن‌مغولها بودند آنها را مضمحل ساخت‌یعنی دوقدرت مغولان بزرگ از طـر یـق والـیان مغـولی و قـدرت والـیان مغلی از طـر یـق مر هتـه‌هـا تضعیف گر دید وبـاز کمرمرهته ها را افغا نها شکستا ند نـد در حالیکه همه در مقابل هـم‌صف

۱- آ.ا مینوف و دیگران ...تـاریخ عصر جدید ، ج‌اول،ص۲۹.

۲- میر غلام محمد غبار ،افغا نستان درمسیرتاریخ ،ص٤١٦و٤١٧.

بسته در داخل پیکا و انگلیسهاآمدند تمام‌هند را آهسته آهسته درحلقوم خودفروبردند»(۱)

طبقه حاکمه‌انگلیس که درداخل چنین اوضا عی (معبود طلائی) را به چشم سر در هندو ستان می‌دید برای دستر س به آن دیگر هیچ قیدو بند اخلا قی برای خود نمی‌شنا ختند . امـا ادراك‌می‌کردند. که‌معده یك آدم توان فروبردن‌یك اشتر را ندارد .

مگر آنکه اشتر را در پارچه های کوچکی منقسم سازند و آنگاه یك‌یك ازهضم رابع را بگذارنند اینست که‌فور مول (نفاق‌بینداز وحکومت کن در انگلستان) به‌میان‌آمد و مو فقیت انگلستان بر بنای ایجاد اغتشاش و خانه جنگی در کشور های دیگری استوار گردید

و مصرف این روش هم ازمصرف ا ستعمال شمشیر کمترو غیر مر ئی تر بودومیخواست چهل ملیون انگلیس‌را آقای چهارصد ملیون نفوس آنان قرار دهد که آقای پا لمر ستون یکی‌ازتشدید کننده گان این سیا ست درمشرق‌زمین بود .» (۲)

خلا صه اینکه با ید به خاطر داشت که ((کمپنی هند شر قی در بسط توسعه و نفو ذ خود در هند (که دو صدو سیزده سال طول کشید) سه مرحله را سپری کرده است : در مرحله اول کمپنی‌مذکور فعالیت خود را متو جه تجارت سا خت و در مرحله دوم جنگها ی مسلحا نه را با رقبای در باری خود شروع کرد و انحصار تجا رتی و نفوذ سیاسی خود را در هندتا سیس کرد و در مرحله دوم که

۱ــ محمد حسن ضمیر صافی (تاریخ افغا نستان ، ۱۵۰۱، ۱۷۴۷، طبع دوم، کابل: پوهنتون ۱۹۸۷ــ ص ۳۳

۲ــ میر غلام محمد غبار،افغانستان در مسیر تاریخ ، ص ۴۱۷،

با جنگ پلاس شروع شد تجارت را با فتو حات یك جا سا خت در سا حه کا میابی های خلا ف آرزوی شان حاصل کرد. (۱)

قیام مردم هند دربرابر انگلیس:

در طی این پیشروی ها مـــردم هند اعم از مسلمانان و هند آرام نه نشسته و در برابر قوای استعماری بـــیگـــا نه جنگید نـــدکه خلاصه بعضی از این اقدا مات ضد انگلیس را یاد آور میشو یم .

الف ـ تشریك مساعی افغا نها با مرهته ها علیه انگلیس :

از همه اولتر در هندو ستان افغا نهـا ومر هته هـــادست اتحاد به هم داد و در زیر قیا دت امیـر خان افغان و جیتوی هند بـــــه تشکیل دسته جات مبارز بـــنـــام (پنداری) پر دا ختند و درهندمتو سط درا وایل قرن نزدهم جنگهای گور یلا یی ضد انـگلیس آغاز گردید عده از این مبارزین ملی بزو دی به شصت هزار نفر هند و مسلمان رسید عملیات فدا کارانه ایـشا ن انگلیس را در کاسه سرآبداد تـا اینکه کارد هستنگر گور نر جنرال مشهور (۱۸۲۳ ـ ۱۸۱۳) ار دوی به تعداد (۱۲۰) هزار نفر ازمدارس، بمبئی وبنگال تجهیز وبه ضداین آزادیخوا هان جدی سوق نمود... گرچه دراین مبارزه ملی فداکارا ن مبارزین زیادی از بین رفتند اما سکوت هـند طو لی نکشیدوپس از چند سال باز هندی ها به تشکیلات سری ترو رسمی پر داختنـد .... یکی ازین مشکلات دسته داکویتـها بودند. » (۲)

۱ـ سید سعد الدین ها شمی **نقش افغا نستان درآزادی هند** ، ـ ص بیستو دو

۲ـ همان اثر، ص، ۲۲ .

ب- داکویتها :

« داکویتها که در عهد حکومت لارد بنگ گور نر جنرال هند به وجود آمد داکویتها که در تاراج مردم هند شهزاده ها وملاکین وتجار بزرگ هند و ستان راشریك انگلیسها می‌دانستند » (۱). همه‌را به یك چشم نگاه می کردند لهذا نخست از همین ها شرو ع کردند داکو یتها دردسته های سی چهل نفری تقسیم و مبلس به لباس مسا- فرین گردید شب ها در منازل متمو لین می‌در آمدندنه اینکه به‌تاراج دارایی های آنها اکتفا می کر دند بلکه از ضبط بسیار عما رات وکا- خهای ایشان را آتش می زدند »(۲)

ج - تکها :

دسته دیگر این انتقام جویان هندی (تك ها) بودند که دردسته های ده هزار نفری تقسیم شده به لباس مسافرین در می آمدند و مهما نان ناخواسته وواردین متمو لین هند را در جنگل ها کشیده‌سر می بریدند داراثی های شا نراضبط می کردند تك ها اصلا از افراد طبقه دهقانان محروم بودند که به زارعت می پردا ختند و برای- تشکیلا ت خود زبان- مخصو ص و اشا رات مخصو ص وضع نموده بودند البته حکومت انگلیس در برابر این اعلان جنگ مردم محروم هند تما شاچی باقی نما ندوهفت سال تمام با شد ت- کامل کوشید تا پانزده هزار نفر از تکتهاراکشف و دستگیرو اعدام‌نمود. اماانگلیسها درك ننمود ند که فعالیت محدوداین دسته جات عاصی هند طلیعه یك

۱- سید سعد الدین ها شمی، نقش افغا نستان در آزادی هند، ص ۲۲ .

۲- میرغلام محمد غبار، افغا نستان در مسیر تاریخ ص۴۳۴ وسید سعد الدین ها شمی نقش افغا نستان در آزادی هند ص۲۳.

طوفان بزرگی از قیام و هیجان ملی هندو ستان بر ضد ظلم و حرص در استیلا گران امپرا توری انگلستان است . . .(۱)

د- مجا هدات سید احمد بریلوی :

حرکت دیگر جهت آزادی هند از شعب مسلما نان هند هما نا مجاهدات سید احمد بر یلوی بود که در سال هژده بیستو شش م به حیث بزرگترین نهضت ملی و چلنج در برابر عظمت استعماربر- تانیه که شرح این موضوع را در آینده روابط آزادی خوا هانه افغانها با هند موردبحث قرارمی دهیم....

هـ- شورش سپاهیان (هژده‌پنجاه‌وهفت م) :

شورش سپا هیان را در۱۸۵۷ میتوان نقطه مبدا نهضت استقلال هند قرار داد چه‌ازآن زمان مردم‌آن کشور درطلب آزادی‌و خود مختاری قدم به میدان گذاشتند همه کس از لشکری و کشوری هندو مسلمان بر علیه کمپانی انگلیس قد بر افراشتند . چون شهر دهلی پایتخت سلطنت هند بود مر کزو کانون این شورش شد و دامنه آن به‌تمام نواحی هندو ستان انتشار یافت ... (۲).

با شروع در این انقلاب که تقربابعد از بیست سال انگلیسها طو فان هیجان مردم هند را بار دیگر به چشم سر دیدند .(۳). دو سال طول کشید تا انگلیسها بر شور یشان غلبه یا فتند در طول محاصره دهلی مرکز قیام همه‌عناصر فقیر شهر به‌سختی ازهر سنگر و هر کوچه و هر خا نه دفا ع کرد ند ،اما

۱- همان اثر، ص ۳۴۳

۲- علی اصغر حکمت ، سرزمین هند ، ص سه صدو شصت‌و شش.

۳- سید سعد الدین ها شمی، نقش افغا نستان در آزادی هند، ص بیست‌و چهار .

توپخانه سنگین که انگلیسها موفق شدند در پشت قیامها به حدوددهلی بیا وردند سر انجام نبرد را معلوم کرد. انگلیسها از نفاق شور شیان سود جستند . ار بابان وشهزاده گان که نمی خوا ستند جنبش مردمی را علیه بیداد گران بیگا نه تا پایان رهبری کنند به خیا نت گردید ند .

انگلیسها هند یان را به دهانه توپ می بستند وبا شلیك گلوله آنها را قطعه قطعه می کردند بعد از قیام بزرگ انگلیسها کمپا نی هند شرقی رادر هندبرچیدند واز ان به اداره هند مستقیما به صاحب منصبان حکو مت انگلستان واگزار گردید ... (۱) .

و ـ نهضت جدید هندو ستان:

با آنهم مردم هندو ستان خا موش نه‌نشتند بعداز مدتی نهضت های جدید در هندو ستان به میان آمد چنانکه در هژده هشتاد وسه به اثر توصیه یك نفر ما مور متقاعد بنام هیوم توسط فارغ التحصیلان دارلقشون کلکته اتحا دیه هایی‌ایجاد گردید . . . همچنان هیوم درسال هژده هشتادو پنج شا هد اولین جلسه کانگرس ملی هند بود که رئیس آن یك نفر بنام لوترجا ازبنگال بود که هفتادو دونفر عضو داشت به میان امد .

درسال هژده هشتا دو نو میلادی جنبش های اساس‌کا نگرس‌شروع ونماینده گی او در لندن افتتاح‌شد سپس جنبش حقیقی تو سط یك دسته روشنفگران اصلی هند به رهبری یك نفر مر تبه بنام تیلك کانگرس به میان آمد . . . . .ودر اوایل مسلما نان به کانگرس چندان اهمیت نمی دادند . تا اینکه مولانا محمد قاسم مدرسه دیو بند را

۱ـ آ، امینوف و د یگران، تاریخ عصرجدید ، جلد اول، ص‌ـ ۱۸۲ ص۱۸۳

تاسیس مجاهدین زیادی را ترتیب نموده و همچنان در سال نزدهصد حاجی ترنگ زایی «حزب الله» را در شمال پشاور تا سیس نمود .

در سال نزده هشت کانگرس تحت رهبری جناح راست (اعتلا-لی) قرار گرفت و تا۱۹۱۶همچنان ماند . د ر ا ین ایام جناح راست نشنا لس تهای اعتد الی و جناح نشنا لست های را دیکال نام گرفته بودند (۱) محمدحسن وابو الکلام آزاد دوستا ن با هم صمیمی بودند و به جناح چپ کانگرس ملی هند در پهلوی سایر هند و هاو مسلما نان قرار داشتند در اوایل جنگ جهانی اول محمود-حسن دربین جوانان افراطی انقلا بی شمال هندوستان ازمحبویت خاص بر خورد دار بودند همز مان با جنگ جهانی اول محمود حسن از دیو بند ایجاد اتحاد را در بین دولت های مسلمان ومسلمانان مترقی توصیه نمود تادرمقابل قدرتهای استعماری مخصو صا انگلیس ازآزادی شان حراست نما یند . . . . محمود حسن با اعضای گروپ های تروریستی وبا هندو ستانی های که از استعمار ا نگلیس به تنگ آمده بودند در جا های مخفی ملاقات مینمود ..... مو ضو ع برای انگلیس فاش شد .... وبالا- خره محمود حسن از طرف مقا مات ذیصلاح مجبور به فرار شد وبه مسافرت به دوره شرق ومکه پرداخت تا کمکهای دولت های اسلا می را بدست آورد . (۲).

مرکز دیگر بغاوت در سر حد ایالت شمال غربی پشتانه بود که قبلا محل اقامت میر احمد و شاه اسمعیل شهید بود .... معاون

۱- میرغلام محمد غبار، افغانستان درمسیر تاریخ ص ص ۴۴۰ - ۴۴۲.

۲- یو . دی . کا نکو فسکی ،در پاکستان تاریخ ،متر جم جمعه خان- صوفی ، جلد اول (کابل ریا ست نشرات و تبلیغات وزارت اقوام و قبایل ، س ۱۳۶۴)ص ص ۵۷-۵۸

PROPERTY OF ACKU 4501

نزدیك محمود حسن مفکر بزرگ عبیدالله سندی بود که در نهضت پان اسلا میزم هند سهیم بـــود و برضد امپر یا لیزم مبارزه میکرد مربوط به جریان را دیکال (سر- سخت) بود . بالاثر مشوره‌محمود حسن و ابوا لکلام آزاد بود کـــه عبید الله سندی به خاطر مذاکرات با جوانان افغا نستان و امیر حبیبه الله عازم افغا نستان شد . او در افغا نستان یك ساز مان مها جریـن که بنام نشنل کانگرس شهـــرت داشت ایجاد نمود و به همرای حلقه های تروریستی ز یر زمینی پنجاب که‌اکثریت آنها را هندوسك‌تشکیل میداد و مسلما نان نیزشا مـــل آن بودند تما س داشت . ایـــن شعبه که اعضای مسلمان و هنددر آن سهیم بودند. در کابل یك‌حکو مت موقت رابـه این غرض بنـــا نهادند تا در نتیجه قیام پیروز مند هند اختیار را بدست گیرد ...(۱)

((نتیجه اینکه محمود حسن و رفقایش که ار تباط بـا حـکومـت موقت داشتند بالاخره با ار سال نامه های ابر یشمی از جانب حکومت عنوانی محمود حسن ار سال یافته بود و در نزد انگلیس ها افتا دنند محمود حسن و رفقایش د ستگیرو به جزیره آب سیاه (اند یمان نزد- یك مالیزیا) متوارئ سا خته‌شد.

کوشش های محمودحـــسن در هند برنا آرامی های عمو مـــی و تسریع عمل اتکا داشت که دراثـر آن نهضت خلافت هم آغاز گردید. که در اوج انقلاب توده های مردم‌مخصوصا از سال نزده هژده‌تاسال نزده بیستو دو سهم گرفت.»(۲)

((واین نهضت که مدت ســـه سال (۱۹۲۰- ۱۹۲۳) پـــی درپی

۱- یو.دی کانکو فسکی، تاریخ پاکستان ، ج‌اول ، ص ۵۸.

۲- همان اثر، ص‌ص ۵۹-۶۰.

قوت میگرفت تا عاقبت مسلمانان با نهضت ملی هند ممزوج گشته ویك جبهه واحد را تشکیل دادند.» (۱)

((یك عامل دیگر یکه عمال حکومت بر یتانیا را دست و پاچه و مشوش ساخته بود به وجودآمدن جمعیت خدام مکه بود این جمعیت و اعظان و مبلغان مقتدر وآتش پارچه خود را برای تنویر اذهان مردم و تحریك آنها بر ضد حکومت بر یتانیا وتقبیح حکومت وقت بهر طرف گسیل داشته بود)) (۲).

همچنان قابل یاد آوریست که در دهه اول قرن بیست بود که کرم چند گاندی در افریقای جنوبی نهضت مشهور (مقاومت منفی) را شعار داد... در سال نزده هژده م اعتدالی ها با اعلان ریفورم (مونث مورد) توسط انگلیس ساز مان را بنام افید ریشن آزاد ملی ساختند . در سال نزده نزده مصادف استقلال افغانستان مولوی شوکت علی و محمد علی ،و هندو ها بر هبری مهاتما گاندهی دست اتحاد به همدیگر دادند . (۳). رویهمرفته این جریانات آزادی خواهانه هند دست بدست یکدیگر داده وتا کسب استقلال هند نزده چهل و هفت فعالیت های گوناگون را انجام داده اند .

۱- علی اصغر حکمت، سرزمین هند ، ص ص ۳۷۲- ۳۷۳.

۲- دوکتورس ان پراسات ،بحث درباره افغانستان مرکز ملیون و اقلابیون هندی ، مجله ادب سال بیست وسه شماره چار کابل پوهنتون - حوت ۱۳۵٤ ص ٥٤.

۳- میر غلام محمد غبار، افغانستان در مسیر تاریخ ، ص ٤٤۲.

بخش دوم

پس منظر تاریخی روابط آزادیخواهانه افغانان و هند

طور یکه میدانیم افغانستان و هند تاریخ مشترك چند هزار ساله دارد که تحولا تنا شی ازاین مسیر تاریخی به صورت مستقیم و عمیق از یکی به دیگری تاثیرداشته که از جهت انتشار و تمدن واز لحاظ سیاسی ، اقتصا دی ،اجتما عی و فر هنگی و مذ هبی .... فراز و نشیب زمانه هارا سپری نموده اند .... واین روا بطتاکسب استقلال افغانستان نزده نزده وتا کسب استقلال هند نزده چهل و ـ هفت م همچنان ادامه داشتهاست.

ولی از همه مهمتر انگلیسهادر زمان پیشروی استعمار خو یش در این سر زمین از این روابط افغان و هند واقف بودند و می دانستند ((که بدون شك برای هندوستانی ها(جهت اخذ کمك و ادامه فعا ـ یتهای شان) مرکز موزون ترو مناسبت تر کابل است و حکو مت

مغلی دهلی اگر چه در اخیرضعیف شده بود . ولی بان هم انگلیسها تا آن وقت در آنجا دست درازی گردند . تا آن وقتیکه بر بالای پنجاب قبضه نکردند و روابطآنرا با کابل قطع نمودند.(۱)و متعا قبا بر افغا نستان نیز حمله بردند . آن هم به این مقصد که چنان وحشتی را در افغا نستان ایجا د کنند که دیگر افغا نهامجال سر بالا کردن از عقب سرایشان نداشته باشند تا باعث مزا حمت ایشان در هند گردد . ولی با نهم بر خورد شجا عانه افغا نها به انگلیس قهر خود را در آزادی هند بهصورت عمیق بجاگذاشت وافغا نها به داد آنها رسیده است . و ما این دوره را تحت دو دوره ابد الیان وطول قرن نزد هم مورد بحثقرار می دهیم تا باشد به حیث عوامل قبلی تشکیل حکو مت مو قت هند در کابل مسحوب شود که البته این همه سرانجام به آزادی هند خاتمه یافت .

الف- ابدالیان ۱۷۴۷- ۱۷۷۳:

افغا نستان برای نخستین باردر سالی هفده چهلو هفت هنگا میکه احمد شاه ابدالی امارات مختلف آنرا در یك دولت منظم وحد ت بخشید به صورت یك واحدُ مستقل سیاسی چهره گشود . (۲).

بعد از آنکه احمد شاه ابدالی موقف خود را استحکام بخشید چندین بار جانب هندو ستانلشکر کشی کرد. مغو لهای هندوستان با آخرین قدرت باافغانها جنگیدند و انها را تا رود سند بازداشتند

۱- محمد سرور کاتب، هفتسال در سفر از ۱۹۲۲- ۱۹۱۵،- لاهور : مسلم مسجد چوك انار گلی، ب،ت، ص ۲۶.

۲ - اصغر حسن بلگرامی، افغا نستان وهند برتانوی از ۱۷۹۳- ۱۹۰۷ مترجم عبدالوهاب فنایی (کابل : اکادمی علوم افغا- نستان ۱۳۶۱) ص ۹.

در اقدامات بعدی او محمد شـــاه با واگذاری وتسلیم داشتن ماورای سند به ابدالی ها پایتخت خـودرا نجات بخشید .

در سال (۱۷۵۶-۵۷) عالمگیـر دوم از احمد شاه در خواست یاری و کمك کرد و مگر او جهت ثبا ت و استحکام موقف او نه شتا فت احمد شاه ابدالی تا آنجا که برایش مقدور بود ما نند اسلاف خود دز غارت و تاراج هندو ستان کوتا هی نکرد واین کشور را به خرا بـــه مبدل سا خت و آنرا آن چنا نکه‌در یافته بود بدانسان وا گذاشت (۱).

در شرایط حساس که در تاریخ هند انار شیزم وبی بنده با ری‌بی امنیتی به حدنهایی رسیده‌وبی‌اباتی حدو حصر نداشته است. شخصیت با نفوذ مسلما نان و متو لی دهلی بنام شا ه ولی الله نجیب الدو له‌را در داخل تشویق و از او تقاضاکرد تا برای نجات هندو ستان به‌اسرع وقت از احمد شاه ابدا لی کمـــك بخواهد .

ابدالی ها نیز از کمك وحمایه روهیلاو پاد شاهی او ده مطمیـــن بود. بدین حساب ششمین لشکـــر کشی احمد شاه ابدا لی دارای‌اهمیت ویژه ایست . زیرا احمد شاه نـــه تنها به اساس دعوت غـیر مترقبه ایکه از او به عمل آمده بود بلکه به منظور حمایت حکمر وائی افغا نها در پنجاب که پســـر او را از لاهور رانده بودند علم مجا هدت برافراشت بنا بران در سال‌هفده پنجاه و نومیلادی یك‌قشون‌نیرومند افغان به پنجاب حملهٔ کرد . بعداز ستقرار نظم و تسلط بر اوضاع‌آنجا احمد شاه راه دهلی را در پـــیش گرفت . مرتبه کوشیدند تا مانـع پیشرفت او در تا نیسو ار شو ند. مگر به شکست مواجه گردید نـد. رو هیلا و نواب او ده به مخا فت با مرهته ها و به طرفداری افغانها

۱- اصغر حسن پلگرا مـــی ، افغا نستان و هند بر تانـــوی‌از ۱۷۹۳- ۱۹۰۷، مترجم عبدالوهاب فنایی، کابل : اکا دمی علوم افغا- نستان ۱۳۶۱) ص ۱۷۰.

پیوستند روهیلا نوا ب او ده بـــه این منظور از افغا نها جانبداری کردند که هر گاه احمد شاه ابدالی به سر زمین آنها دست یا بـــد سرانجام او به کابل مستقر خواهد شده آنها را در امور داخلی قلمرو- شان آزاد تر خواهد گذاشت و بدین ترتیب احمد شاه فاتح از خستگـی های آنها خواهد کاست . در سال بعد بزرگترین رزم از مائی هـا اتفاق افتاد و متوالی افغا نستان و هندو ستان بتاریخ چهارده جنوری هفده شصت و یك در میدان تاریخی پانی پت مصاف بستند و به یـــك پیکار فیصله کن با هم دراو یختند از کشته ها پشته ها درست شـــد و سر انجام قوای مراته ها از هم پاشیده و به شکست قطعی روبرو شدند . این حادثه نقطه عطف در تاریخ هند محسوب میشود ... کـــه زمینه گسترش تسلط انگلیسها رادر سر زمین هند مساعد گردانید... چنین فرصتی امپراتوری مغـــول شاه عالـم به معیتا نـگـلیسهادر بیهار بود پادشاه افغا نستان آماده گی خود را به منظور اعاده قدرت و خود مختاری مغولها ابراز کرد.

زینت محل مادر شاه عالم بـــه فرزندش نوشت واز او تقا ضـــا کرد که به دهلی بر گشته واز احمد شاه دیدا ر و در بار حکمرائی خود را مجددا افتتاح کند . بهر حـــال شاه عالم بروایت و کفا یت وحمایه انگلیسها اعتماد زیاد کرد ومودبانه از حسن همکاری و مسا عد ت ابدالی کنار جست بارسیدن پاسخ بی قیدی و تعلل شاه عالم منافی عـلا یق او تلقی شد .

و شاه ابدالی راه کابل را در پیش گرفت . احمد شاه ابدا لـی حین اقامتش در هندو ستان سکها را در پنجاب مطیع و کشمیر را در سال هفده شصت و دو ضم کشور خود سا خت . در عین حال احمد- شاه حدود امپرا توری خود را در سند تثبیت نموده پنجاب شما لـی

را به سکها وا گذاشت . در هفده شصت و هفت احمد شاه ابدالی در نظر داشت که انگلیسها را از بنگال براند .

بررسی های سیاسی شوری کور نر جنرال افشا می دارد که قوای انگلیس بعدا سعی ورزید که طرح شجاع الدوله (نواب اوده) را که پنهانی به کمك شاه ابدالی درپی توطئه بود بی نتیجه و خنثی نماید. مگر با گذشت زمان احمد شاه برای بیرون راندن انگلیسها از هندوستان از لحاظ اینکه در این امر دو ستی و همکاری قوای سکها برایش میسر بود وهمچنان در دربار دهلی به مقابل او دسیسه در کار بود پلان هایش یك سره نقش بر آب گردید ... (۱).

به قول خان عبدالغفار خان احمد شاه از ورود انگلیسها در هند خبر بود واراده کرد تاانگلیسها را از هندوستان خارج سازد. انگلیسها ازاین نقشه احمد شاه خبر شد از اینرو هیاتی را بدربار ایران اعزام داشت تا آیرآ نیان را تحریك نموده که برافغانستان حمله کنند . احمد شاه نیز از این سازش انگلیسها با ایرانیان با خبر شده، بنا مقصد منع پیشروی انگلیسها درهند را گذاشت ورو براست به طرف افغانستان روان شد و حدود سیاسی کشور ش رااز دریای سند تا دریای آمو تعیین کرد .(۲)

۲ـ تیمور شاه ۱۷۷۳ـ۱۷۹۳ :

در هنگام مرگ احمد شاه ابدالی هفده پسر و سه امپراتوری اواز رود اترك تا رود سند تابحر عرب وسعت داشت فرزند او تیمور شاه افغانها را برای بیست سال پی در پی با آرامش و بدون اینکه دامنه

۱ـ اصغر حسن بلگرامی ، افغانستان و هند ، بر تانوی ص۸.

۲ـ عبدالغفار خان ،زما ژوند او جدو جهد ، (کابل : مطبعه ـ دولتی کابل ۱۳۶۲) ص ۷.

امپرا توری خود را گستر ش دهـد صرف به یك طرز و نحو بی ثباتی همان قلمرو خود راکه در اختیار داشت . اداره کرد (ولی انگلیسها در این مدت جای پای خود را در هند مستحکم تر نمود ند) وقتیکـه تیمور شاه چشم از جهان پو شیدامپرا توری او کشمیر ، ملتان، پشاور تمام افغا نستان سمت جنو بی هند وکش ،هرات وولایات بلخ ،خلم وکنار رود آمو را در بر می گرفت . خود مختاری افغا نستان از طریق قـلات بلوچستان و خر ا سان وفارس برسمیت شنا خته شد ه بود .سند همچنان شا مل قلمرو امپرا تـوری او بوده اگر چه فتح خان از اهـل تا پوراس برای چند سال از او ستایش نکرد بنا برین افغا نهـا امپر اتوری را در اختیار داشتند. که از آن بعضی از کابل کشور را به مقابل ممالك همجوار محا فـظه و شمال هند را زیر نظر قرا ر داده و با یکدست قوی ممکن جاو یدان می ماند . مگر شهزاده گان کهطی ربع یك قرن برای بدست آور دن تخت وتا ج افغا نستان جـنـگ و مبارزه دسیسه میچید ند نسبت بـه دیگران ضعیف تر بودند . تااینکه امپراتوری شان از هم متلا شی شد. اگر چه به مشکل همچو اتفا قـی انتظار میر فت تیمور شاه بیست و سه فرزند داشت که بعد از د ر گذشت او فرزندا ش بر تخت و تاج ابدالی داد و فزیاد سر دادند وعاقبت الامر تخت وشکوه و جلال کذشته خود را بر باد دادند .

بالاخره به کمك بعضی از سرداران افغان شاه زمان جوان ترین فرزند تیمور شاه در سال هفده نودو سه برسر یر تخت و تاج افغا ستـان تکیه زده. (۱).

۳- شاه زمان ۱۷۹۳-۱۸۰۱ :

(((در این دوره کوتاه زمانشاه با حوادث عظیم سیا سی،اجتما عی

۱- اصغر حسن بلگرا می افغا نستان و هند برتانوی،ص۱۷الی۲۱.

در جهان بوده و هم در همسا یگی افغا نستان و قایع تازه ای به وجود آمد و هم در جهان حاد ثات مهمی به وقوع پیوست ، چنانکه چارسال پیشتر از جلوس او انقلاب کبیرفرانسه دنیای ارو پا را تکا نداده بود .... وشش سال بعد ناپلیون ارو پا را به لرزه در آورده درشرق افغا نستان مصارف جلو س زمان شاه (سر جان شور) گور نرجنرال مقبوضات هندی تاسیس بود. درسال بعد دولت مرتهه ، دولت نظام دکن را درهم شکست و نصف کشور ش را مسخر نمود سه سال بعد (مار- کسی ولسلی) گور نر جد ید هند انگلیس اردوی بزرگ تشکیل وغرض تسخیر هندو ستان برای انهدا م دولت های هندی (مرته- نظام - ومیسور) برخاست نظام دکن تسلیم دولت مرتهه مغلوب وسلطان تیپو پاد شاه میسور کشته شد شهزاده گان راجبوت مطیع قدرت نظامی انگلیس گردید -)) (۱).

((از طرف دیگر زمان شاه که افغا نستان را بعد از طی تقر یبا نیم قرنه داخلی با دولت مر کزی در یافت که در داخله این امنیت عمو می و مرکز یت سیا سی را تحکیم نماید ودر خارجه از پیشروی انگلیس در هند جلو گیری کند مخصو صا که روش استعمار ی انگلیس در پنجاه سال آخری ملت، دولت ، راجه ها و نواب های هندو ستان را از خواب غفلت و حسن نیت به ارو پا ئی ها بیدار کرد ه بود آنها دیدند که انگلیسها در راه استعمار و استثمار دولت هند از هیچ گونه مزیب وزوروظلم دریغ نمی کنند .وچون قوای متشتت و متخالف فیو دالی هند خود رااز مدافعه د ربرابر قوای منظم انگلیس که برسایر توده های اروپا ئی تغلب جسته بود عاجز بودند لهذا (برای نجات شان) چشم امید به افغا نستان داشتند سرویلم جان گی در این مورد خود چنین نوشت:. ...((تمام دشمنان انگلیس درهند چشم

۱- میر غلام محمد غبار، افغانستان در مسیر تاریخ ، ص ۳۷۹

بسوی کابل داشتند .... از أو ده شمالی واز میسور جنوبی هندو - ستان چهار بار از شاه افغا نستان دعو ت آمدن به هندو ستان به‌عمل آمد و به پاد شاه افغا نستان وعده هر گونه کمك نظامی و پولی داده شد. وزیر علی سلطان تیپـــو پاد شاه افغا نستان را تشو یق مـی کردند که با قوای خو د در هنـــدسر از پربگردد . را جای جونا گـر متعهد شد که به مجرد رسیـــدن قشون افغا نی درمنطقه اورواز نـه یك لك روپیه (صد هزار) مصارف قشون کشی را خواهد پر داخت.حتی انواب را میور غلام محمد خـــان رو هیله شخصا بدر بار کـابـل‌و زمان شاه آمد . استد عای کمك و امدا د نظامی نمود تا بتوا نـــــد قلمرو واز دست رفته پدر خودش‌را مسترد نماید ..... (۱) .

همچنان در کتاب افغا نستـا ن‌و هند برتانوی . در این رابطـــه چنین آمده است:

((مسلما نان هند به‌شاه درانـی منحیث یك راجی خود نگر یستند و استقرار اعاده ســلاله تیمور رااز طریق مداخله افغا نها تصور مـــی کردند . طرح های زمان شاه در اکثر نقاط هند غوغا بر پا کرد . روهیلا ها اسلحه در دست گرفتند مسلما نان هرکدام باشور و شعـف فروان انتظار گرامی داشتن ایـــن قهرمان اسلام را داشتند در آن هنگام مرته ها قوای خودرا به‌جنوب سوق دادند و به منظور کمك بـه انگلیسها روی آوردند . رفتار و حرکات شدید سدو زایی مقا مـات کلکته را برا ن داشت تا قشون قوی را در انوپ شهر تشکیل دهند .خبر مواصلت افغا نها در لاهور زانـگ خطر جدی را در هند بصدا آورد . قوای نظامی تازه دمی به خا طـــر جلو گیری حمله زما ن شاه به‌دهلی به وجود آمد در سال هفده نود،یك قشون نظامی تحت قو مانده یـك

۱ــ همان اثر، ص ۳۸۱.

افسر فرانسوی به اسم امدی ینمو ظف گردید تا از طریق سند با یک کندک قوی منظم به وجود آورد و تا سال هفده نودو سه تعداد ـ افراد قشون آن منظم به بیست وچهار هزار نفر میرسید که با یکصدوسی میل تفنگ مجهز بودند واز طریق افسران نظا می کشور های مختلف ارو پایی تحت اداره ام. دی بوین سوق و هدایت میشد ند .

انتظار میر فت تشکیل همچویک قشون منظم تعلیم یا فته به مقا بل قوای نا منظم و پرا گنده افغا نها خیلی قوی باشد سخن پرا گنی‌های دیگر راجع به حملات از کابل در سال های هفده نودو هشت الی هفده نودو نومیلادی میان رهبران و حکمر انان هند ی یك فضای غیر منتظره را به وجود آورد . در این فرصت شخصی به نام غلام محمد از رهیل کند با دسته ای‌از عساکر به منظور تشویق پیشروی عسا کر شاه زمان به سوی پنجاب شتافت. وبه تعقیب نما یندہ گان از طرف اسعد الد وله (اوده) به حضورپاد شاه افغان عزام گردید تابوی‌اطمینان دهند که مسلما نان هند ازوی به‌صفت ناجی شاد باش خواهند گفت تیپو سلطان نیز حکمر وائی افغا نستان را تشوی ق کرد تا به سمت شمال هند پیشروی کند ودر چنین مو قع عساکروی نیز باقشون افغانها خواهد پیوست و متحداً نیروی مرتبه را در هم کو بیده‌و انگلیسهاراازهند بیرون‌خواهندراند. به همه حال انگلیسها در هند معلو ما ت‌کمی پیرا مون تجهیز و منابع دخالت نا متوازن یابی کفا یتی‌خود زمامدار افغا نستان که متو صل به این اقدام شود داشتند . فاصله و عدم معلو مات در این مور د خطر را بزرگ جلوه میداد مگر تمام تشویش ها هم بی اساس نبوده است . معا ندین و دشمنان انگلیسها هم چشم انتظار زمان شان راداشتند تا بدین وسیله بتوا نند از نوع استعمار اجنبی نجات‌وآزادی شانرا بدست بیاورند . با این منظور طو ریکه اشاره رفت. دعوت‌ها عنوانی حکمروایی افغان صادر ووعده های

مادی ، پولی و قوای بشری برای اوغرض ورودش به هنداداده شد))(۱)

بنا ((سیا سیون انگلیسی که در هند مانعی تاکنون بدین سنگینی ندیده بودند با قوای لشکری نمی توانستند در مقابل زما ن شاه برآیند دست به فعا لیتها ی سیاسی زدند و کار ولزلی گور نر جنرال هند یك نفر سفیر دولت بر یتا نیا کپتان جان ملکم را بدر بارا یران فرستاده ومعاهده هژده صدویك مورخه ده جنوری را با ایران امضاء کرد که به موجب آن پاد شاه ایران متعهد گردید که اگرشاه افغانستان بر هند بر یتانوی حمله کند .لشکر قاجار بر افغا نستان تجاوز خواهد کرد . اگر پاد شاه افغان یا فرانسه بر ایران بتازد یا درسواحل بحری ایران مداخله کند . دولت انگلیس افواج خود را به مدد ایران خواهد فرستاد)) (۲)

((به این ترتیب انگلیسها بااجرای مانو ر های سیاسی در داخل سر حدات امپر ا توری درا نی چنان و ضعیتی را ایجاد نمود نـد کـه زمان شاه دیگر نتوانست به علت بروز بی امنیتی ها در سر حدات غربی ، تطبیق نقشه های هند همت گمارد واز همین عصر افغا نستان راهی سیاست دول اروپایی شـد و بالای حوادث آن دیپلوما سی دول تاثیر نموده است .(۳)

۱ـ اصغر حسن بلگرامی،افغانستان و هند بر تانوی ، ص ۲٤و۲۵ .

۲ـ عبدالحی حبیبی ، تاریخ مختصر افغا نستان، جلد دوم ،کابل مطبعه دولتی ، اول سنبله ۱۳٤۹ ، ص ۲٤ و ۲۵.

۳ـ علی احمد جلالی ، مطالعه تاریخ افغا نستان از نگاه عسکری، جلد دوم (کابل): مطبعه دولتی ،اول سنبله ،سیزده چهل و نو ،ص ص سی و چهارو سی و پنج.

انگلیسها به آن سیاست اکتفاء نکردند . چون زمان شا ه‌را درسر- زمین هند رقیب قوی ونیرو منـدی دیدند به دسایس دیگری دست‌زدند در این باره چاره اسا سی کار را سنجید ند و خواستند از رقا بت برا دران ونفاق (داخلی افغانی‌ش مرض جا نگاه ملی) کا ر بگیر نـد و به‌کلی این رقیب مد هش خودرا از بین بردند . د. راین‌بار نـظـر سیاسیون انگلیس بر شهـزا ده محمود برادر و فراری زمان شـاه در ایران افتاد که با سردار فتـح خان بار کزائی اینك در ایران بـه حالت انتقام بسر بردند ی و چون سردار پاینده‌محمدخان‌پدرفتح‌خان‌به امر شاه زمان کشته شده بود. بنا برآن‌فتح خان‌نیز ازمخالفان‌شاه‌زمان به شمار میرفت .)) (۱)

((. فتح خان و دیگر فر زنـدان آن‌راکه تعداد شان به بیست‌و سه نفرمیرسید . وا داشت تا شاه محمود را به مقابل شاه زمان حمایه کنند . نتیجه آشکار بود و بعد به سند رسیدن رنجیت سنگ در لاهور وقتیکه زمان شا ه وا پس‌به کابل شتافت مغلوب وکور ساخته شد (۱۸.۱م) و سر انجام در لـو دیانه به قوای انگلیس پنا هنـده شد.)) (۲).

روابط افغا نان وهندیان درقـرن نزده: ۱۸۰۱ تا۱۸۲۹:

((بار کزائی ها تا مدت طو لانی شاه محمود را حمایه نتوا نستند و سر انجام او را از تخت و تـا ج بر انداختند و سپس شاه شجاع

---

۱ ـ عبدالحی حبیبی ، تاریـخ مختصر افغا نستان ، جلد دوم،ص- یکصدو چهار .

۲ـ اصغر حسین، افغان وهنـد پر تانوی ، ص سی‌و دو .

یکی از برادران محبوب زمان شاه پاد شاه شد مو قف شاه شجاع هیچگاه پایه و اساس درستی در کابل پیدا نکرد . اختلافات ورقابت میان سر دا ران وی باعث تمد ید قدرت وسلطه محبوب و همیشه تخت و تاج او را تهدید میمود افغانستان کانون داغ دسیسه وبی امنیتی شد . . . . . (۱)

شاه شجاع و شاه محمود هر کدام در چنین شرا یطی که هرج و مرج حکمفر ما بود با لنوبه درافغانستان حکمرا نی کردند . بهمه حال مقدارات آنان در دست سردا ران بار کزائی قرار داشت فتح خان جهت بقاو دوام حکمروایی سدوزائیها تاثیر داشت مگر میان سا لها (هژده شانزده الی هژده هژده م) مخالفتهای بین بارکزائی ها و سدو زائی ها به اوج خود رسید شاه محمود میخواست حکمروا ی مطلق شود پسرش شهزاده کامران درقبال تو طئه ودسیسه یی سردار فتح خان را در هرات کور کرده وسرانجام درسال هژده هژده میلادی اورا به قتل رسا ند .این حادثه موجب بر انگیختن قهر وغضب برادران فتح خان به مقابل سدوزائی هاشد و تاآنکه برادر او دوست محمد خان حکمروا ئی بار کزائی هارا آغاز کرد وبنیاد گذاشت(۲).

باسقوط دود مان سدو زایی در سال هژده هژده متصرفات قلمرو آنها منقرض شد .

بلخ در شمال ، پلو چستان و سند در جنوب ،خودرا مستقل اعلام کردند . در شرق رنجیت سنگ پنجاب و سند را درقبضه گرفته وبر امور سیاسی پشاور دست(۳) یافت همچنان سایر نقاط کشور برسر گرفتن قدرت رقابت وکشمکش قرار گرفت که این حالت بنام

۱- اصغر حسن بلگرامی، افغان و هندبر تانوی ، ص ۳۲.
۲- اصغر حسن بلگرامی،افغانو هند برتانوی ، ص ۳۳
۳-اصغر حسن بلگرا می ،افغان و هند بر تانوی ص ۵۷.

جنگهای فیو دالی از سا لـهـای هژده هژده‌الی هژده‌سی‌ونومیلادی‌در افغا نستان جریان داشت ودرطو ل همین مدت بین‌سا لهای‌هژده‌بیست‌ وهشت الی هژده بیست‌و نو وقتیکه دوست محمد خان در کابل وغزنی حکمروایی خود را استحکا م‌بخشید یك ترس ورعبیه تحت سر کردگی سید احمد شهید ورفیقها یـش علیه سك در پشاور طنین انداخت که از حیث ارتباط (افغان و هند) در این دوره یادآوری این موضوع اهمیت خاص داشت که درحقیقت امریکی از رشته ها برای تشکیـل حکومت موقت در کابل بحساب می رود که ذیلا از آن یاد آور میشویم.

مجاهدات میر احمد بریلوی:

در حدود یازده هفتاد قمری الـی هفده پنجاه وشش میلادی در مرکز امپر ا توری مغولیه دهلی یك‌حرکت بسیار مهم فکری و اصلا حی دینی به وسیله عالم مشهوران عصر شاه‌ولی الله دهلوی بوجود آمده‌بودکه ازطرف اخلاف‌این‌خاندان تعقیب‌شد واز اصول مهم آن اصلاحات‌اجتما عی واقتصا دی و جهاد در راه‌حفظ حکومت اسلا می بود وچون بعداز این لارد لیك حکمران انگلیسی در هژده سه میلادی دهلی راگرفت.

در پنـجا ب سلـطه خـودرا اسمعیل دهلوی نواده شاه ولـی‌ استوار داشتند . بنابرین مولوی اسمعیل دهلوی نـواده شاه ولـی الله به معیت سید احمد بریلـوی با کاروانی از مجا هـدیـن وارد باغستان گردید و جنبش را بـراه انداخت . (۱)

دراین زمان برا دران بارکزائی درگریبان یکدیگر افتا ده بود نـه وافغا نستان از سال هژده هژده‌تا هژده سی‌و نو گرفتار جنگهای ـ فیودالی ادامه داشت . درچنیـن وقتی بود که سید احمد بر یلوی

۱ـ اصغر حسن بلگرامی ،افغا ن وهند پرتانوی ، ص ٦٦.

نهضتی را براه انداخت و یک شخصیت و چهره مشهور شمال هند آن‌وقت (اترا پر دیش) است که نهضت آن بنام نهضت وهابی معروف است.(۱) .بنا بزرگترین نهضت ملی و چلنج در برابر نهضت استعمار بریتا نیا به‌تبلیغ جهاد توسط یکی از شعب مسلمانان بود . این جنبش و حرکت درزیر بنای وضع نابه سا مان اقتصادی، اجتما عی زار عان منشاء میگر فت.

سید یکی از عالم مذهبی ومرد متقی و دلیری بود . او در اوایل جز مامورین نواب امیر خان پنداوه قرار داشت که‌در شمال‌هندجنگهای متعددی با انگلیسها کرده بود. ولی بعد از آنکه امیر خان با انگلیسها سازش نمود و لوا یی ترنك را گرفت . سید خدمت نواب را ترك کرد و مرتاض شد وبعدها به دهلی رفت ویك نوع اصلاحات مذهبی را آغاز نمود .

او اهل قرآن بود و جز قران‌و حدیث موافق قران دیگر چیز ها را بدعت میشمرد .

ملاها ی منور مخصو صا مولوی شاه اسمعیل و ملا عبدالحی که از مشاهیر علمای مذهبی بودند باعده ای از مردم به سید پیو ستند . سید جمعیت مجاهدین فدا کاری را تشکیل کرد .

اما پیش از انکه دست به شمشیر جهاد برد در هژده‌بیست‌ودو میلادی اول‌به‌حج‌رفت وچهارسال‌بعد به دهلی برگشت و تبلیغ جهادنمود.

«مساله جهاد یکی‌از مسایل بزرك در مبارزه برضد تسلط استعمار انگلیس‌درهند به‌حساب‌می رفت . انان از مفکوره جهاد و مجا هدین سخت به هراس افتا دند. انگلیسها تلاش ورزیدند تا (فتوای جهاد)که نماینگر روحیه قوی مسلما نان مبارزه علیه دشمن استعماری بود . و مورد تایید سید احمد بریلوی قرار گرفته‌بود

۱- میر غلام محمد غبار ،افغا نستان درمسیر تاریخ، ص ۵۱۵.

مضمر جلوه دهند ولی سید مذکور له ادم عمل بود. از مظا م انگلیس سخت عقده کرفته بود فشار بیشتر در پیاده کردن جهاد علیه انکلیس وارد نمود (۱).

او بعد از مراجعت از حج‌چیز یکه او بیشتر در غرجستان آموخت موضوع توهین و تحقیر مسلمانان ونفوذ سریع قدرتهای استعما ری غرب در کشور هـای شرق بـود. این مفکوره موجب شد که هرچـه زود تـر علیه دشمنان اسلام کـه قدرت سیاسی و اقتصادی آنا نـرا فلج کرده بودند بجنگند و سـرزمین خود را از حکمروایی وسلطه شا ن نجات دهد . در تنظیـم جنبش و حرکت خویش دوسیستمی راایجاد کرد که توسط آن روح مقابله طغیان را علیه حکمر وایـی برتانیه‌برا ی پنجاه سال زنـده نگهد اشت .

در تدارك و آماده گی بـرای جهاد این سه موضوع شا مل‌شد: تهیه وترتیب یکدسته جنگ جویان که از لحاظ نفرات و سامان‌جنگی کافی باشند تا بتوا نند در مقابل دشمنان ایستاده گی و مقا و مـت نمایند . تعیین یك لید ریکه واجد شرایط قوما ندانی قوا باشدونیز یك سر زمین که‌تحت حکمر وایـی مسلما نان باشد تا مصو نیت‌این جنگجویان را متضمن نما یند دوشرط اول انجام پذیرفت چه چندین صد نفر مسلمان هند ی حاضربه این کار شدند و سید احمد رابه حیث (امام) تعیین کـردند. ولی از آنجا که شرط سو می در داخل محدوده هند امکان پذیر نـبود. بنا برآن منطقه قبایل سرحـدی افغا نستان برای مقا صد ایـن عملیات انتخاب شد در(هفده) - جنوری هژده بیست‌و شش حرکت آغاز کرد و دو نفر از مشا و ران مشهور بنام های مولوی محـمد اسمعیل و عبدالحی که هر دو از

۱- میر غلام محمد غبار،افغا نستان در مسیر تاریخ ، ص ۵۱۵،

نزدیکان شاه عبدالعزیز بود نـدویرا همرا ثی میکر دند و مشورهمی دادند .

گوالیار نخستین ایستگا ه‌ایشان بود .آنان از آنجا به پنج سمت تقسیم شدند ازگوا لیا ر به تانگ‌سپس راه اجمیر وبعدا از طریـق را چپو تانه وارد سند شدند.

در حیدر آباد سند موقـــع داشتند . که امیران سند که هـم کیش و هـــم د یـن شان بـود. با ایشان هـــمراهی خواهند نمود. ولی ازکمك آنان‌مایوس شده راسا جانب شکار پور درحرکت افتادند در آنجا سید احمد از بزرگان و علما در خواست نمود که ایشان‌را دراین جهاد یاری کنند، جواب‌آنان‌مایوس کننده بود بعداز راه هـای کوهستان و دشت و صـــحـرای بلوچستان از طریق دره بـو لان‌به به‌کویته رسیدند واز آنجابه‌قندهار، غزنی وکابل صفر نمودند.

مقارن باعملیات مجا هدین فداکار سید احمد بریلوی در افغا- نستان برا دران محمد زائـی روی صحنه بود ه ویکی به گردن دیگری افتاده بودند .خلق افغا نستان بـه ستوه آمد در بین برا دران میان- جیگری کرده صلح را بر قـــرار سا ختند .

برا دران محمد زایی در(هژده بیست‌و شش‌میلادی) عهدی‌را بروی قرآن بسته وحصص مختلفه افغا نستان را مجددا بین خود تقسیـم کردند و منیحث عموم مراکز ثلاثه شانرا در کابل ، قند هار وپشاور تشکیل میداد .

گرچه انگلیسها از این پـــلان و تنفر مجا هدین فدا کار آ گـاه بودند ولی از آنجائیکه سید مذکور هدف خود را اولا سکها و بعدا - انگلیسها قرار داده بود لهذاانگلیس ها نیز باچنین جهادی که عجا لتـا متوجه دولت پنجاب بود مخالـــف نبودند .چه دولت پنجاب در ایـن وقت به حد کافی قوی شده بـودوازنـظر استعمار انگلیس مستحق - سرکوبی و گوشما لی بود .

دوست محمد خان که خود را قادر به عملیات جنگجو یانه بمقابل قوه بزرگی مثل سکها نمی دید. اگر چه ظاهرا سید احمدموصوف را احترام کرده در باغ سلطان‌جان در کابل جای داد لیکن در باطن به اوفهماند که برای مقصد یکه دارد بهتر است . نزد برادران دیگرش در پشاور مراجعه کند. باینصورت غم سید احمدرا ازسر خوددورکرد وهم برای بردران پشاوری خویش مشغولیتی فراهم نمود. در هرحال باتاسف باید گفت که نه سرداران قندهاری ونه دوست محمد خان از این چانس نیکو استفاده کردند. سید احمد کابل را به مقصد پشاور ترك کرد تا از مردم افغانستان شرقی استمدادجوید دربیست نوا مبر (هژده بیست‌و شش) به پشاور رسید . آنان (چارسده)را مرکز فعالیت خود قرار دادند و از آنجا اعلامیه جهاد را اعلان کرد نه وافغانهای مناطق شرقی از بنگش سوات وتیرا و غیره به حمایت‌او برخاستند و قشونی را تهیه دیدند و جنگهای خونین بین طرفین درخ داد (۱)

سید درسال هژده بیست‌وهفت وارد علاقه پنجتار شد افغانهاکه از نیت او آگاه شدند از بنگش و سوات وبنیره و غیره به حمایت‌او برخاستند رنجیت قشونی به‌قیادت (بدهه سنگهه) علیه اوسوق کرد و سید در (اکوری) جلودشمن را گرفت سردار پاینده محمد خان حاکم پشاور نیز بنام امداد سید وارد ارمگاه شد . ولی در جریان جنگ طرف سکهه را التزام کرد و قوای افغانی سید متلاشی گردید. سید به پشاور برگشت و دشمن‌به پشاور رفت ....

سید در هژده سی‌و نو به‌اتفاق مردم یو سفزایی و خلیل ومهمند در اشنغر بالای سر دارمحمد سعید خان حمله کرد واو رامنهدم ساخت.

۱ــ سید سعد الدین هاشمی، نقش افغانستان در آزادی هند، ص‌ص ۱۶ــ ۱۸.

سردار یار محمد خان درحمله متقا بل که در اشنغر بود در میدان جنگ کشته شد . سید متعاقبا در پشاور حمله و سر دار سلطان محمد خان را منهدم کرد. معهذا حکومت پشاور را مجددا در برابر مالیات سالانه یکصد هزار روپیه به سردار داده و دست دولت سکها رااز پشاور قطع کرد مگر سو قیات مجدد رنجیت سنگ به قیاد ت پسرش - شیر سنگ و جنرال پنجو ، اشنغر را فتح کرد و در سال هژده سی سید را در جنگ(هزاره) با تحمل ششهزار کشته منهدم ساخت .

از این بعد جنگهای سید احمد با دولت سکها و سر دار سلطان- محمد خان تکرا ر شد تا بار دیگر پشاور در دست سید افتاد واوپشاور را باز به سردار داد . زیرا او از نظر مذهبی انقراض سکها رامی خواست نه از افغانهای مسلمان(۱)

دلچسپ وقابل یا آور یست گفته‌شود که حکمر وایان بارکزائی پشاور مخالف نهضت های و هابی بوده وو هابی ها به مخا لفت‌سلطان محمد خان و یار محمد خان پشاوررا اشغال کردند . همینکه خبر اشغال پشاور -به لاهور رسید. رنجیت سنگ قشون منظمی از عسا کر را برای مقابله و جنگ با نهضت وهابی هابه پشاور فرستاد . مگر تازمان مواصلت‌قوای رنجیت سنگ به پشاور سلطان محمد خان باسید- احمد خان به موافقه رسید و امور پشاور را در اختیار گرفت . دامنه نهضت های غازیان با مجاهد ین تامناطق قبایل گستر ش یافت و آنها مسلمانان‌راتحریك وبرانگیختند تاعلیه سکها قیام کنند. شیرسنگ والی‌سکهابکشمیر حمله‌عجیب‌وحیرت آوری نمود وغازی ها درسراسیمگی افتادند و در طی کار زار بالاکوت سید احمد شهید (وشاه اسمعیل)

۱- میر غلام محمد غبار ، افغا نستان در مسیر تاریخ،ص۵۱۵.

وپیروان تاو مار کشته شد نـــد. پیروان سید احمد هنوز هم نظـر دارند که در حقیقت امر به خاطـر خیانت افغا نها بود که ماموریـت سید احمد شهید ناتمام‌ماند .(۱).

((بعداز سید احمد پیروا نـش بنام مجا هدین در منطقه یوسفزایی ها سالها برای برتانیه دردسر ایجاد کردند . گرچه غیاب سید احمـــد ضربه شدیدی باین جنبش بـــود ولی سازمان او دارای تنظیمی شده بود که یك شبکه قوی را در هند روی کار آورده بود و نماینده های وی مسلما نان را در سرا سر هند برای جهاد آماده می سا ختند .آنان پول و نفر برای مجا هدین فداکار در مناطق افغا نهای قبا یلی مـــی فرستا دند . هیات ها در حیدرآباد ،دکن، مدراس ،سنیگال، بمبئی‌ودر تمام ولایات که‌فعلا بنام(اپرا پردیش) معروف است تاسیس شده ،دفتر مرکزی این جنبش درپتنه بود بهر صورت تا مرگ رنجیت سنگ و نخستین جنگ بین سکها وانگلیسها (هژده چهل‌و پنج) تسلط برتانیـــه برپنجاب نمودار ومجاهدین حـــالا توجه خود را ازسکهاجانب برتانوی ها یعنی دشمن اصلی شان معطوف ساختند .)) (۲).

((انگلیسها نیز تدابیر لازم غر ض جلو گیری آن اتخاذ کردنـــد ولی این مجادله بین شان سا لهـــا طول کشید وبرتانیه را در هندسخت نا راحت سا ختـه بودند . تا اینکـه بعد از درمین محاکمه در پتنه در (هژده هفتادو یك) ستون فقرا ت این جنبش شکست . گرچه جنبش سید احمد به‌ناکا می انجا مید ولی‌آثار وعلایم آن نتایج‌طولانی‌ببارآورد چه جنبش مذکور آرزوی آزادی را در بین مسلمانان هند زنده نگهداـ

۱ــ اصغر بلگرا می ، افغان و هند برتانوی ، ص ۶۷.

۲ــ سید سعدالدین هاشمی، نقش افغا نستان در آزادی هنـــد، ص ۱۸.

شت)) (۱). که تاسه ده او لـــی قرن بیست خیلی فعال بودنـــد و اشخاص مثل شیخ محمد الحسن (شیخ الهند) ـ ومولانا ابوالکـلام آزاد و مولانا محمد علی وسایـــر مبارزین خط السیر اورا تعقیب و جهت آزادی هند توجه خود را بـه یاغستان جلب کردند . و آنرامرکز فعالیت های خودقرار دادند. تاآنکه بروز جنگ اول جهانی باعث گردید که پلان طرد نفوذ برتانیه مـــورد اجرا قرار گیرد . یکی از اجـزای بزرگ این پلان تعیین انتخا ب اشخاص متعهد و مطمین وفرستادن آنان به سر حدا ت آزاد وافغانستان وسایر کشورهای دیگر بود)).(۲).

((در هند رهبر آزادی خوا هـــان شیخ الهند محمود الحسن. کـــه خودش را خلق سیاسی سید احمد بریلوی و مولوی اسمعیل همکاراو می دانست . فیصله کرد که انگلیس فقط بواسطه اسلحه از هند اخراج گردد . همچنین به این مقصد یـک عده آزادی خواهان هند در سـال (نزده پانزده) در سرحدا ت آزا د قبایل افغان وکا بـــل به غـــر ض (استمداد وفعالیت اعزام نمود)(۳) چنانچه عبید الله سندی یکی ازآن جمله بود که به‌مشوره شیخ‌الهند، مولانا ابوالکلام آزاد به افغا نستان فرستاده شد .

هدف آن بود که تا امیـــــرافغا نستان را با قطع‌را بطه بـــا برتانیه وادار سازد . در سر حـدآزاد طغیان و شورش بر پا نماید)) (۱) و بعدا همین عبید الله سندی بود که بحیث عضو فعال حکو مت

۱ـ همان اثر، ص ۲۱.

۲ـ همان اثر، ص ۱۳.

۳ـ میر غلام محـمد غـبار، افغانستان در مسیر تاریخ، ص٤٦١.

٤ـ سید سعدالدین ها شمی، نقش افغا نستان در آزادی هنـد، ص ۱۱۳.

موقت هند در کابل تعیین گرد یدو با پیروی از این سیا ست وارد عمل شد .

جنگ اول افغان و انگلیس (۱۸۳۹ـ ۱۸۴۷):

((انگلیسها ی هندبه اتفاق حکو مت سکها در زیر نقاب شاه شجاع در (هژده سی‌و نو) با چهل‌وپنج هزار عسکر منظم . توپ خانه به افغا نستان تاختند و تا دامنه های جنوب هندو کش آمده گردن بندـ ولسلی را در گردن افغا نستان‌انداختند . زیرا (کمیته مخفی) انگلیس در یاد داشت بیست‌و پنج جون (هژده سی‌و شش) خود به لارد ـ اکلند گورنر جنرال هند نو شته بود :(در افغا نستان جهت مقا بله باپیشرفت نفوذ روسیه بهرنوعیکه‌می خواهد عمل کند ...) انگلیسها د رباز گشت از افغا نستان ولا یت سند و بلو چستا ن را نیزاز افغاـ نستان مجزا وبه حکومت انگلیس‌ملحق نمودند . متعاقبا خودرا جاـ نشین حکومت سکهه در ولایت شرقی افغا نستان اعلام کردند. از این بعد استقلال سیا سی افغا نستان معدوم شد)) (۱)

به این ترتیب ((انگلیسها توا نست تو سط شاه شجاع پاد شاه ابدالی افغا نستان‌معا ملات لاهور و قند هار را (هژده سی‌و هشت‌الی هژده سی‌و نو) بر افغا نستان‌تحمیل وولایت شرقی کشور را مجزا نماید . و هم طبق پلا ن ولسلی قوای نظامی خودرا مسلط وا داره کشور را نظارت نماید .

امیر دوست محمد خان نیز ازمقابل‌قشون دشمن جنگ ناکرده به بخارا فرار کرد و باز جنگ ناکرده بهانگلیس تسلیم شدو با یکصدوپنجاه نفر خانواده خود در هند رفت‌وجیره خوار انگلیس گردید.))(۲).

۲ـ میر غلام محمد غبار، افغانستان در مسیر تاریخ، ص٤٤٦.

۲ـ میر غلام محمد غبار، افغانستان در مسیر تاریخ،ص ٤٤٨ .

((در این وقت که سران حکومتی امیر دوست محمد خان سال (هژده چهل) ازمملکت رفتندووطن را به دشمن گذاشتند ملت افغان با لشکر متجاوز انگلیس اعلان غزا داد ا ما مجا هدین ملی در شمال کابل به سالاری مسجدی خان وسلطان محمد نجرابی و غیره با متجا وزان فر نگی دست به غزازدند .عبید الله خان اچکزی و امین الله خان لوگری و دیگران نیز در اوایل خزان(دوازده پنجاه وهشتم) به تفاق مردم کابل به فر نگیان وشاه شجاع شورید ند و سر دار محمد اکبر خان پسر دوست محمد خان هم از طرف شمال با ایشان پیوست و کار را بر انگلیس تنگ گردند .دراین گیرو دار از مکتاتن به تاریخ بیست و سه دسمبر هژده-چهل و یك بد ست سردار اکبرخان در کابل به قتل رسید و نیز الکساندر برنس در دوم نوامبر هژده چهل و یك میلا دی از طرف غازیان گشته شد و بعد از آن خود شاه شجاع هم در کابل بد ست غازیان به قتل رسید . و چون لشکر انگلیس در زمستان همین سال از کابل بسوی جلال آباد رفتند درراه بدست غازیان همه قتل عام شدند.... وجز یکنفر داکتر برا یدن نام احدی زنده نه بر آمد))(۱) لهذا مردم افغا نستان بعد ازراندن انگلیسها از کشور زمینه تشکیل یك دولت مرکزی، وحدت سیاسی وتامین استقلال و استر دادخاکهای از دست رفته افغا نی را آماده سا ختند . مخصو صا که بار مرگ رنجیت سنگ دولت متز زل پنجاب از حفظ ولایات شر قی افغا نستان عاجز شده در برابر فشار انگلیس بدوستی و سازش با افغا نستان متمایل گردیده بود استفاده ازچنین زمینه یی البته کار یك دولت آگاه و فعال و صمیمی رهبران انقلاب مانند وزیر اکبر خان نایب امین الله خان لو گری محمدشاه خان غلجائی و غیره هم بود . اما چنین نشد، مردم بر هبران انقلاب اعتماد

۱- عبدالحي حبيبي، تاريخ عصر جديد ، ج اول ، ص ۱۱۳.

کردند... اینست که بعد از نثار خون هزاران نفر افغان ملت پرست. یکدسته سر دارا ن و شهزاده گان گریزی و فراری که وطن را در برابر شمشیر دشمن بزرگ ترك کـــرده بود... وارد شد و به سریر حکومت ریختن گرفتند، پس امیر دوست محمد خان مجددا به تخت کا بـل نشست .(۱)

تاثیر جنگ اول افغان وانگلیس بالای قیام هژده پنجاوهفت هند:

به‌قول نهرو انگلیسها خیلـــی زود یـعنی در سال هـژده سی‌ونو میلادی بدون هیچ بـهانه یی بـه افغانستان حمله بردند . اما افغانها به حمله متقا بلی پردا ختنـد.وانگلیسها را بیرون راندند. هـــر چند که افغا نها ممکن است ازبسیا ری جهات عقب مانده باشند آزادی خود شانرا بسیار دوست می‌دارندو تا آخرین نفس برای حفظ آنان‌می جنگید ند وبه این جهت افغانستان‌همیشه برای هر ارتش مهـــا جـم خارجی یك (لانه‌زنبور) بوده است‌هرچند که انگلیسها کابل وقسمت های دیگری از افغا نستان را اشغال‌کردند .

امانا گهان یك شورش عمومـی‌در همه جا آغاز گشت و انگلیسهـــا بیرون رانده شدند ویك ارتش کامل انگلیسی به کلی نابود گردیـد)) (۲) ((که این الها م بخش قیام‌ملی هند در هژده پنجاه وهفـــت گردید .)) (۳)

((ساورکر زعیم ملی هند بلوای عساکر بومی هند را در هـژده - پنجاوه هفت میلادی مطا بق‌دوازده هفتاد وسه هجری قمری کـــه در حقیقت اولین قیام ملی مرد مـــان هندو ستان به مقابل سلطه انگلیس

۱- میر غلام محمد غبار،افغا نستان در مسیر تاریخ ص۵۷۳.

۲- جواهر لعل نهرو ،نگا هـی بتاریخ جهان ،ص ۸۷۵.

۳- سید سعد الدین هاشمـی ، نقش افغانستان درآزادی هندص۲٤.

بود تاثیر مستقیم شکست انگلیسها بدست افغانها درس خوبی یادگرفتند واز همان وقت شاید قبل‌ازآن تاریخ نیز از خاطر براندختن‌قیدهای اسارتی بودند که انگلیسها به گردن افغانها نهاده بردند.)) (۱).

در کتاب (افغانستان و هندبرتانوی...) در این باره چنین آمده است:

((این فصل تاثر آور در رابطه افغانستان و انگلیس به طراحان امپراتوری انگلیس در س آموزنده و یادگاری داد. تا در امور کشورها و سر زمین های آزاد تجاوز نکند. به آنها عبرت داد تا درآینده سیاست عدم مداخله را تعقیب نماید . انگلیسها طی برخوردهابا افغانان آموختند و آنرا به حیث زیر بنای سیاست شان در دهه های بعدی قرار دادند . از نگاه بعضی ها درس آموزنده وغم‌انگیز یکه افغانها به انگلیسها دادند. زمینه شورش ها واغتشاشها را در هند اساس گذاشت. نخست شکست انگلیسها عقیده شکست ناپذیری آنهارا ازاذهان هند یها بدر آورد. دوم در گیریهای انگلیسها موجب بلند بردن مالیات در هند گردید و اقتصاد کور را ناتوان ساخت. چنین فکر میشد که اگر پول پس انداز برای انکشاف و بهبودمردم هند مصرف میشد این اغتشاشات شدید هم واقع نمی شد (۲).

((دوست محمد خان در حین انقلاب (هژده پنجاو هفت هند) امتحان خوبی داده و سر حدات قسمت پشاور و افغانستان را برای انگلیسها صمیمانه حفظ نمود)) (۳).

۱- سید سعد الدین هاشمی ، نقش افغانستان و آزادی هند ، ص ص ۲۱ - ۲۲.

۲- اصغر بلگرامی، افغانستانو هند برتانوی ، ص ۱۲٤.

۳- سید سعد الدین هاشمی، نقش افغانستان در آزادی هند، ص ۲۵.

و طبق معاهده هژده پنجاه‌و پنج وبعد طبق معاهده هژده‌پنجاه‌وهفت میلادی خویش با انگلیسها وفادار ماند .

((نویسنده گان‌و سیاستمند ان ران انگلیس اعتراف کرده اند که در این زمان وضع در نیم قاره هند به اندازه خراب بود که اگر امیر دوست محمد خان اقد امی به عمل می آورد کار انگلیسهادرهند خراب میشد وهرگاه از راه تهدید پیش می آمد برای سکوت‌اوپشاور را به او می‌گذاشتند .

متا سفانه امیر دوست محمد خان پسر دوم خود اعظم خان‌رااعتبار قرار داده‌از این‌فرصت طلائی‌به‌نفع‌هند وافغانستان استفاد ه نکردو خواسته های جدی مردم افغا نستان‌مبنی بر جهاد علیه انگلیس هاعلت اینکه (جهاد) در برابر دشمن بدون‌امر واجازه‌امیرالمؤ منین نارواست. خنثی گردید . این وفا داری امیر دوست محمد خا ن نسبت به انگلیس در حقیقت انگلیس را درهند در تابستان هژده پنجاه‌وپنج... ازبزر گترین بحران نجات داد.ورنه‌یك کلمه امیر مذکور تمام افغانها را موجی از هیجان در سراسر دره‌های ثروتمنه ،پشاور دیره جات میر یخت و مجددا ازطرف افغانهاتصاحب میگردید اما این کلمه را تلفظ نکرد .(۱)

از ۱۸۶۳ــ ۱۸۷۹:

امیر دوست محمد خان درزما نامارتش امیر شیر علی خان را که جوانترین فرزندش بود. بحیث جانشین ووارث تخت وتاج تعیین کرد ه‌بود که بعد از وفات اوبه‌قدرت رسید .

۱ــ سید سعد الدین هاشمی ، نقش افغا نستان در آزادی هند، ص ۲۶ــ ۲۷.

ولی برادران بزرگ او محمد افضل خان و محمد اعظم خان که در سن کلانتر بودند. به مخالفت پرداختند. بنا بین سالهای هژده شصت و سه الی هژده شصت و نو اوضاع سیاسی در افغانستان تا اندازه ای دست خوشی حوادث بود))(۱) تا اینکه حکومت وی در سال هژده شصت. وشش توسط عبدالرحمن خان سقوط نمود. بجای آن سردار محمد افضل خان محبوس به پادشاهی رسید که از (هژده شصت و شش الی هژده شصت و هفت) میلادی حکومت کرد و بعد از وی امیر اعظم خان از (هژده شصت و هفت الی هژده شصت و هشت) به امارت پرداخت... تا اینکه امیر شیرعلی خان در سپمتر هژده شصت و هشت در محل شش گاو ، باقشون مخالف رزم دادوغلب شد)) در نتیجه افغانستان در دوره اول ودوم امیر شیرعلی خان به عبور از مراحل مختلفی بود. این مراحل در سه دوره تقسیم میشود. دوره اختلال و جنگ خاندان شاهی دوره استقرار دولت مرکزی در ریفورمهای اجتماعی و دوره تجاوز سیاسی و نظامی انگلیس در افغانستان (۲).

۱ــ اصغر بلگرامی ، افغانستان هند برتانوی ،ص۱۴۳.
۲ــ میر غلام محمد غبار ،افغانستان در مسیر تاریخ،ص ۵۹۱

تاثیر اندیشه‌های سیدجمال الدین افغانی در مبارزات هند

یکی از پیش قدمان این نهضت (ریفورم شیر علی) سیدجمال الدین افغان بود موصوف پسر سیدصفدر خان و در سال هژده سی‌و هشت‌در اسعد آباد کنر تولد شد ...

پدرش او را نزد استاد بزرگ‌جهت تحصیل وقت فرستاده انجام علوم وقت را بوجه کمال فراگرفت((موصوف از هژده پنجاه الی هژده پنجاه‌و هفت سفری به هندنمود))(۱) که در این سفر وی برتحصیل رفت مدت کوتاهی درآن دیاراقامت گزین شدودراین‌مدت‌خودباکتب‌های جدید سیاسی و فلسفی تماس گرفت و بعد از این سفر غرض ادای حج ایشان به بلاد اسلا می چون عربستان، عراق، شا مات‌ویك سال تما مدرآن کشور ها سپری نموده . .. (۲).

واز ادب اخلاق واوضاع رفتاربار ملیون آن مناطق آگا هی حاصل نمود که باعث تحول فکری سید گردید. در همین سفر سیدبدربار

۱ــ همان اثر، ص ۵۸۹.

۲ــ همان اثر، ص ۵۹۲ .

هند . بعد از اینکه اوضاع رقت بار هندیان مخصو صا مسلما نان را - مطالعه نمود ضدیت سید در برابر استعمار غرب به صورت عموم ودر برابر انگلیس به صورت خصو صی شدت یافت ، دست به مبارزه زده زیرا وی نیم قاره هند رامحل منا سب جهت پیش بردن مرا مهای خود می دانست وناگزیر شد تا بار دوم وارد این سر زمین شود (۱)

سیددر سال دوازده هفتادوسه‌هجری از سفر حج به وطن بازگشت امیر دوست محمد خان درایت،قابلیت و تدبیر او را ستود و به حیث مصاحب خود مقر رش نمود درسا ل دوازده هشتاد از جهان گذشت عوض او امیر شیر علی‌خان‌تخت کابل را اشغال نمود .این امیر نیز سید رابعهده اش‌گذاشت‌سید در این عهد اولین جریده شمس النهار را منتشر ساخت‌نه تنها در داخل مملکت پخش‌میشد بلکه به خارج کشور نیز ارسال می‌گردید.

سید به کار وبا دفا تر حکو متی‌انتظام خوبی بخشید تربیت عسا کر رابه طریق نو آغاز کرد. مدارس‌حکو متی و شفا خانه های چندی‌را افتتاح نمود.، امور پستی‌را رونق‌بخشید برای مشوره پاد شاه هیا تی از وزرا را تعیین کرد امور ارسال‌شعرا به خارج اتنظیم نمود .

بعد از دو سال پاد شا هی شیر علی خان با راول محمد اعظم خان سلطان کا بل شد سید رابه مقام وزارت اعظم گزید چندی نگذشت‌که محمد اعظم خان سلطنت را رها کرده به ایران رفت وامیر شیر علی خان دوباره امیر کابل‌شد به رسوم سید صدمه ای نرسید

۱- اصغر حسن بلگرا می ،افغا نستان و هند برتانوی از ۱۷۹۳ - ۱۹۰۷ مترجم عبدالوهاب فنا ئی (کابل :اکادمی علوم افغا نستان ۱۳۶۱) - ص ۱۸.

دیگر یکی از یاران مانند محمدرفیق خان لودی رقیب او شد))(۱)دربین امیر شیر علی خان و سید جمال الدین منا سبات بهم خورد زیرا سید درعهد امیر دوست محمدخان چندی معلم سر دار محمد اعظم خان رقیب آینده امیر شیرعلی خان بود . .

بعد از فرار اعظم خان امیر شیر علی خان چنین تلقی کرد که سید پناه گاه طرفداران سر دار محمد اعظم خان بود در حالیکه سید جدا حامی دولت مرکزی بوددر مرگ امیر دوست محمد خان سید ،سردار محمد اعظم خان راوا داشت که به برادر کوچك خودامیر شیر علی خان بیعت کند .

در هرحال سید که تمایل امیرشیر علی خان را به خارج شدن خود از افغا نستان احساس کردپذیرفت وطبق امرقول داد که ازراه ایران عبور و سردار محمد اعظم خان راملاقات نکند. سیدبعدازوداع باامیر شیر علی خان در ارگ بالاحصار کابل ،تمام نظر وپرو گرام اصلاحی خود راکه در طو مار طویلی نوشته بود. به شاه تقدیم نمود شاه به خوشی پذیرفت ووعده تطبیق آنرا در سملکت داد. سیداز آن به بعد در هند وستان ،مصر،روسیه ، فرانسه ، لندن وجرمنی،به مسافرتهای متعددی پر داخت وفعا لیتهای متنو عی نمود . (۲)

((در سفر دوم سید))(در اواخرسال هژده شصت و دو به هندرسید بلا فاصبله به تبلیغ اتحاد و اتفاق بین جوامع مختلف هندبمقصدرهایی از یوغ اسالات بیگا نگان شروع کرد.

از اینرو دولت استعماری برتانیه که تازه از قیام هژده پنجاه و هفت

۱ــ اولتیا توم ــجمزولیم،(سید جمال افغانی) ،دایرة المعارف آریانا میزان ۱۳۴۱، جلد چهارم،ص۹۹۳.

۲ میر غلام محمد غبار ، افغا نستان در مسیر تاریخ ،ص۵۹۲

هندیان فراغت حاصل کرده بود وهنوز اذهان عامه هندیان علیه انگلیس مشتعل بود). (٢)

((سید در هند سفر های متعد دی نمود ودر آنجا موضوعی که برسید جما ل الدین تا ثیر کرد .این بود که در قرن هجدهم شاه‌ولی الله دهلوی‌توصیه کرده بود.قوانین اسلامی برطبق‌ضرورت عصرترتیب گردد . و نکته دیگر ا ینکه دوره‌خلافت زنده شود این همه عقاید تهداب پان اسلا میزم بود. (٢)وبهترین واعلی ترین مقصد وغایه زنده گی سید از آن این بود که درفرقه های مختلف اسلام روح‌اتفاق واتحاد راپف کند وبه یك نقطه ایشان را جمع کنند و تمام سلطنت های اسلامیه را از یك‌زنجیر بیاو یزد ....(٣)

که بعد از این نظر یه درچو کات نهضت خلافت بروز کرد)) که به پشتیبانی از خلا فت‌عثما نی آغاز شده بود وآن به این خاطر که انگلستان برضد ترکیه می جنگید)). (٤)

مسله جهاد موضوع دیگری بودکه در آن دوره جلب توجه میکرد. جهاد دار الحر ب لازم‌بود نه دارلا سلام . در سال هژده سه شاه‌عبد العزیز فتوای داد ه‌بود که هند دارالاسلام نیست و بعضی از علما درشورش سپا هیان هند نیز جهادرا اعلام کرده بودند . برطبق تحریر کولی .شاه ولی الله وسید احمد بریلوی از کشور های آسیای میانه و افغا نستان خواهش کمك کردند .تاهند را ازدست حکمرانان

١ـ سید سعد الدین ها شمی، نقش افغا نستان در آزادی هند، ص ٣٠

٢ـ محمد عثمان صد قی، سید جمال الدین پیشوای انقلاب درشرق، ص ٢٨، کابل موسسه انتشارات بیهقی ١٣٥٥، ص ٢٨.

٣ـ محمود طرزی، ((مقصدزنده‌گی سید جمال الدین)) ، سراج‌الاخبار ،سال ٥ ، ص ١٠.

٤ـ جواهر لعل نهرو، نگاهی بتاریخ جهان ، ص ١٤٣٤.

آن نجات بخشند . در جنگ اول افغان وانگلیس مجا هدین باافغانها همنوا شد ند. در حالیکه در هنگام وقوع شورش سپا هیان ،پارتی بزرگی به قیادت یکی از اسلاف خاندان سید جمال الدین در شرق افغانستان تشکیل شد . تابا انقلا بیون معاونت کند.

باآنکه هند ازسید جمال الدین شدیدا مراقبت میکرد علاقه زیادی ازمردم نرسیده بود، سخنان او نقل مجلس می شنیدند که تاآن وقت بگوش شان نرسیده که تاآن سخنان او نقل مجالس گردید . استاد مرتضی مدرس می نویسد :

هنوز هفته اول بپایان نرسیده بود که در کشور پهناور هند جنبش مذهبی آغاز شد. بزرگان ودانشمندان وراجه های آنان بدیدار سید می شتافتند واطاقهای سید پراز جمعیت میشد . دولت هند نتوانست مردم را ازدیدار سید جمال الدین بازدارد...

دولت انگلیسی هند نماینده خودرا نزد سید فر ستاد وباو اعلام داشت دولت هندوستان وسایل اقامت دوماهه شمارا تهیه کرد . اما امروز به شما میگویم که محیط این سازمان باتوقف شما همراه نیست !کسانیکه در مجلس سید بودند . خواستند تهدید دولت را پاسخ گویند ولی بعد اشاره بخاموشی کرد وبرخاست و گفت: بهندوستان نیامده ام تادولت رابترسانم نه قدرت آنرا دارم که انقلابی برپاسازم ونه آنکه کاردولت را انتقاد کنم . بااین وصف مثل منی که سیاح گوشه گیری هستم دولت وحشت میکند !

ازآنانیکه بدیدار من می آیند باآنکه ازمن ناتوانتر هستند می ترسد! اینها ثابت میکند که اداره دولت کوچك وناتوان شده وشان و شوکت او ریخته است.دراین جاعدالت وامنیت اجتماعی حکومت نمی کنند درحقیقت دولتی بدین کشور پهناور هندوستان حاکم است. که حتی ازاین ملت ناتوان ترست.

پس از آن توجه به حاضران کردو گفت ای مردم به حق و عدالت سو گند با آنکه دولت ازشما حمایت میکند. فرزندان

تانرا بکار وامیدارد که اسلحه بدست گرفته. استقلال وثروت شما راازبین ببرند. باتمام تعدادش ازده هزارپیشتر نیستند . هرگاه شما صدها میلون پشه شوید ودرگوش دولـــت زمزمه کنید . صدا بگوش بزرگ آنان کلاستون (صدراعظم انگلیس) خواهدرسید (۱) ((واگر خداوند شمارا که تعداد تان به‌صدها ملیون بالـــغ میگردد . به صورت سنگ پشت خلق میکرد . دربحر می‌رفـــتید . جزایر برتانیه رااز هر طرف احاطه میکردید می توانستید آنرا درقعربحر بکشا نید وآزاد بـــه‌هندوستان بر گردید .(۲)

سخنان سید مردم را بگریه انداخت . سید باصراحت گفـــت: کریه کار زنان است ....

ملتی که‌در راه استقلال خودبـه‌دشمنی حمله ورشده‌مرگ‌رااستقبال کند آن‌ملت زنده جاوید خواهد ماند(۳).

((سیدجمال الدین با وصف‌آنکه‌از موقف افغانها جهت تامین آزادی شان ازطریق نشرات فعالیت جـدی مینمود چندین مراتبه کوشش نمود تاجهت بسر ساندن ماموریتی واردافغانستان گردد . مگر انگلیس هـا بوی مجال ندادند . تاآنکه بعـــدازختم جنگ دوم وجلوس امیرعبدـ الرحمن خان در هـــژده هـشـتـاد قیودبر حرکات وتماسهای سیـــد جمال الدین در حیدرآباد دکن‌اندکی تخفیف یافت (٤) .

خدماتی که سید به‌مردم هنـددرایجاد استقلال شان‌انجام دادواقعا

۱ـ محمدعثما ن صدیق ،سیـــدجمال الدین پیشوای بزرگ شـــرق، ص ص ۲۸ـ۲۹

۲ـ سید سعدالدین هاشمـی، نقش‌افغانستان درآزادی هند،ص۳۱.

۳ـ محمد عثمان صدیق، سیدجمال‌الدین پیشوای بزرگ شـــرق ص ۲۹.

٤ـ سید سعد الدین ها شمی، نقش افغانستان در آزادی هنـــد ص ۲۳.

قابل قدر است وی توانست که تمام ملل شرق من‌جمله هندرا بر ضد استعمار یون انگلیس وفرانسوی بر انگیزد . (۱).

((سید برای فعالیتهای عقلی و تهیج افکار به تاسیس مجله)) معلم الشفیق پرداخت ... بعدا سید در جریان دوسال خدمت خودرا در حیدر آباد مقالات دیگری برای جراید (سیدالاخبار)و (مفرح‌القلوب) وروز نامه های دیگر هندی نیز می نوشت ....)) (۲).

((دراین نشرات مردم هند رابا مطالب و روشهای سیاسی استعماری انگلیس آگاه ساخت وی‌درسفرهایش از نارضایتی واحساسات‌ضد انگلیسی جوانان هندی و آثارش یادآوری نموده وآنها راهر چه‌بیشتر بر علیه دولت انگلیس‌دا یمی میشمرد این مرد قهرمان درآن شرایط اختناق‌و مملواز قیودات هشتاد تا نود سال پیش از امروز ازاظهار حقیقت در مقابل دولت امپر یالیستی نترسید. همه مردم رادرمقابل این‌دولت‌بیدار ساخت . بالاخره گفته میتوانیم که نهضت های‌ضد استعماری بعداز جنگ اول جهانی منشاء شانرا از همان فعالیتهای سیدگرفته‌اند))(۳)

((خلاصه آتش انقلاب فکری سیاسی واجتماعی راکه سید افغانی آن‌زعیم نهضت علمی واجتماعی دنیای اسلام و پیش آهنگ‌نهضت های‌آزادی خواهی مشرق زمین‌افرو خته بودبامرگش خاموش نشد .بلکه شاگردانش در کشور های اسلامی وملل‌شرق زمین‌نیرومندترین‌وفرو-

---

۱- حبیب راوی ، تاثیر استقلال‌افغانستان بالای هند (رساله نشر ناشده‌دوره لیسانس پوهنتون کابل ۱۳۶۰ - ۱۳۶۱) ص ۳۱

۲- سید سعد الدین هاشمی نقش افغانستان‌درآزادی هند ص۲۳.

۳- حبیب راوی، نقش افغانستان در آزادی هند، تاثیر استقلال‌افغانستان بالای، هند ص۲۱

زن‌ترین مشعلی راکه سید در دست داشت فرونگذاشتند. آزادیخواهان هند .مشروطه خواهان افغانستان و ایران .مجاهدین ومبارزین هندو ترك جوان‌وهمه خودرا ازعلمبرداران این مرد بزرگ می‌دانند .خصوصا یك عده‌از بزرگان‌سیاست وفرهنگ وفلسفه نیم‌قاره هند که‌بصورت مستقیم درمکتب سید تربیه شده بودند این شعله مقدس راکه‌آن مرد بزرگ افروخته بودپس ازوی به دست گرفتند وپرتو آنرا دراکناف رسانیدند. بعدازاین شعله ها ی افروخته شدکه هریك از آنهاکانون فروزانی برای انتشار نور آزادی خواهی واستقلال طلبی شدند .

خلاصه ناله های‌که سید برای مردم هندمی‌کشید ازحلقوم داکتر مولانا ابوالکلام آزاد، سلیمان‌تزوی،شوکت‌علی،محمد علی ، گاندهی، نهرو، مهندرا پراتاب،مولانا عبیدالله‌سندی ومولوی برکت الله وسایرمجاهدین (مبارزین) هندی برآمد وهندی‌راکه‌او می خواست ازجنگ استعمار نجات یابد (۱).

برای اینکه تاثیر اندیشه های‌سید جمال الدین افغان رادرموضوع موردبحث خویش (یعنی اعضای حکومت موقت‌هند) دریابیم می پردازیم دراین‌مورد:((مهند راپراتاب این آزادیخواه معروف هند(ورئیس حکومت موقت هند درکابل) که‌به پیروی ازنظریات وافکار سید جمال الدین افغانی طرفدار وحدت هند ومسلمان بود (۱).

برکت الله (مبارز دیگر هندو صدراعظم حکومت موقت هند در کابل) به پیروی ازسید جمال الدین افغانی طرفداراتحاد هندو مسلمان و صمیمیت مسلمانان هندبا مسلمانان‌جهان بود چنانچه یاد داشت اوبه زبان‌فارسی درنشریه مولای اردو درعلیگره در(نزده‌هفت) به‌نشر رسیده وهم موقعیکه موصوف در سال نزده نو که‌به حیث پرو فیسور در

۱ــ سیدسعد الدین هاشمی، نقش افغانستان‌درآزادی هند،ص۳۸.

یونور ستی توکیومقررشد اودرآنجا درنزده ده به‌بخش نشریه بنام‌اخوت اسلامی آغازگرد این اخبارکه بـــا ضدیت برتانیه .پان اسلامیزم وپان آسیاتیك تبلیغات میکرد (۱). بزعم برکت الله پان اســلامیـــك روزی تشکیل خواهد شد ... که این اتحاد شامل افغانستان‌وچاپان‌آینده.آسیای مرکزی خواهد بود به‌زعم او تمـام پلان یك‌لیدر را ضرورت داشت و این لیدر ممکن در آسیای مر کـزی یاافغانستان جائیکه فیر تفنگ یـك افغان علامه برای طغیان و قیـــام تمام مسلمانان خواهد بود .عـرض وجود خواهد کرد . به مجرد یکـه افغانستان آماده باشد دروازه سرحد خود را برخ معتقدان جنگ که تحت بیرق سبز محمد (ص) پایتخـــت بیرق خودش می جنگند باز نمایـد این‌پلان عملی میشود)) (۲). و نیـز شخصیت برجسته دیگر حکو مـت موقت هند مفکر بزرگ مولاناعبید اللهسندی‌بود که معاون‌نزدیك‌محمودحسن بود .وی در نهضـت پـان اسلامیزم هند سهیم بود و برضـد امپر یـــا لیزم مبارزه میـکرد که به جر یا ن راد یکال مربوط بود. (۳) همچنان‌مرتب کتاب هفت سا ل در سفر در ین را بطه‌از قول مولا نا عبید الله سند ی می نو ـ یسد : که «من عقیده پان اسلامیزم راگرفته به کابـل آمدم ...» (٤).

ـ از ۱۸۷۹ـ ۱۹۰۱:

((در زما ن سلطنت دو م شیر علی خا ن دو لت‌هندبرتا نوی‌سیاـ ست معروف (فارورد پالیسی)برسر حدات افغا نستان مدارکار گردانیـد

۱ـسید سعد الد ین ها شمی نقش افغا نستان در آزا دی هند ص ۹۷.

۲ـ همان اثر ، ص‌ص۱۰٦ـ۱۰۷.

۳ـ محمد سرور کاتب، هـفـت سال در سفر ،ص ۱۸.

٤ـ عبدالحی حبیبی، تـــاریخ مختصر افغانستان ،جلد دوم،ص۲٤.

وتجاوز را برای حفاظت هند یگانه راه نجات شمرد، چون دولت روسیه یکنفر سفیر راکه جنرال سیتلاتوف نام داشت به کابل فرستاده بود. آمدن این سفر سیا سیون هندرا سخت مشوش داشت تاکه دست به آغاز جنگ دوم افغان وانگلیس زدند وبه خاك افغانستان تجاوز کردند.(۱)

((امیر شیر علی خان نیز مثل پدر ازمقابل قشون انگلیسی جنگ ناکرده فرار کرد وبه غرض استمداد ازیك دولت خارجی دیگر (دولت استعماری روسیه تزاری) بمزاررفت یعنی از زیر باران برخاست وبه زیر ناودان نشست .بعد ازوی امیر محمد یعقوب خان به قشون انگلیس تسلیم گردید ومعاهده گند کمك (هژده هفتادو نو) را امضا وطرق سیستم وسلی رابه گردن گذاشت وقسمتی از مناطق دیگر شر قی کشور را به شمن داد (اوهم یکنفر انگلیسی که سر لویس نام داشت درامضای معاهده گندمك از طرف انگلیس نماینده گی میکرد به حیث نماینده انگلیس مقرر شد وازجولای هژده هفتادو نو در باحصار کابل سکونت گرفت اما چند ماه بعددر افغانستان جنبش عمومی آغاز شد غازیان افغان دست به کشتار فرنگیان بردند. ولشکر یان مقیم بالاحصار کابل نیزشورش کردند وبه مجاهدین پیوستند .ازهمه اولتر در بالاحصار نمایند ه انگلیس را باتمام عمله آن کشتند .۳ستمبر هژده هفتادونو))(۲)

((امیر عبدالرحمن خان که سه هزار سپاهی داوطلب ملی درمعیت خود داشت بدون جنگ قشون محصور وهراسان وگریزان انگلیسی را از شمشیر ملت نجات داد وبر مجاهدات مطلوبه انگلیس امضا گذاشت. او تمام ولایات مهم شرقی افغا نستان را طبق معاهده دیورند (هژده نودو -

---

۱- میر غلام محمد غبار، افغانستان درمسیر تاریخ ، ص ٤٤٨.
۲- عبدالحی حبیبی، تاریخ مختصر افغانستان ، ص ۱۲۵.

سه) بدشمن مغلوب‌سپرد واستقلال‌کشور را فدای دوستی با انگلیس نمود))(١).

((عبدالرحمن افغانستان را متحد ساخت . تمام قدرت واقتدار را در دست خود گرفت ، وی یك شبکه جاسوسی تاسیس کرد تا از تمام وقایع ورویداد های مملکت مطلع باشد)) (٢) همچنان بارز ترین خصو صیت درسیاست خارجی‌عبد الرحمن خان همانا پیروی پیگیراز سیاست اصالت تجرید بوده است معاهده وی باگریفین نمود که افغانستان را از روسیه و ایرا ن‌تجرید کرده ودر وازه های روابط سیاسی را تنها به‌روی بریتانیه باز گذاشت)) (٣). ولی روی همرفته در سا حه رو ابط افغان‌و انگلیس (بی‌نظمی) وجود داشت که‌تااخیر روز های زنده گی امیر دوام یافت . حکومت هند پلان های‌اضافی را که بعداز مرگ امیر به صحنه اجرا بگذارد طرح کرد)) (٤) تا اینکه‌درسوم ماه اکتوبرسال نزده یك به مرگ طبیعی خودچشم ازجهان بست .

١ــ میرغلام محمدغبار، افغانستان‌درمسیر تاریخ ،ص ٤٤٨.

٢ــ اصغر حسن بلگرامی، افغانستان وهند برتانوی ، ص ٢٥

٣ــ همان اثر ، ص ٢٧.

٤ــ همان اثر، ص ٢٩

فصل دوم

دولت حبیب الله

تأسیس حکومت مؤقت هند در کابل

اول- حکومت امیر حبیب الله از ۱۹۰۱- ۱۹۱۹: :

((امیر حبیب الله خان بعد از مرگ پدرش درکشور خاموش حکومت یافت . وباآرامی سلطنت کرد .
هژده سال فرمانبرد اری کرد درطی این مدت سیماهای مختلفی از خود نشان داد))(۱)

((امیر حبیب الله طبق معاهده نزده پنج تمام تعهدات پدر را با انگلیس صمیمانه رعایت نمود ... در سال نزده هفت به دعوت کامتتو نایب السلطنه هند رفت وی آثار ... از مدنیت جدید رابه مملکت آورد)) (۲).

۱- میرغلام محمد غبار، افغانستان در مسیر تاریخ ، ص ۶۹۹.
۲- عبدالحی حبیبی ، تاریخ مختصر افغانستان ، ص ۱۳۲.

* در باره روابط امیر با هند برتا نوی محمد سرور نویسنده کتاب هفت سال در سفر چنین تذکر میدهد ((امیر شهید اگرچه شاه افغانستان بود . مگر بحیث یك قونسل انگلیسی دیگر کدام مقام و منزلتی نداشت.)) (۱) همچنان استاد محترم پوهاند هاشمی درکتاب خویش (نقش افغانستان در آزادی هند) می نویسد: ((بتاریخ شیانزده اپریل نزده هژده یك مجلس مشورتی مخصوص جنگ در دهلی دایر ووایسرا درحضور، مردم گفت:....

غرض ازاین اجتماع شما آماده جنگ است که برجان ومال بدهید ... چون از مدت بسیار نظرمدبرین دولت جرمنی بطرف هندوستان در صورت طمع کاری های غاصبانه مینمود ....

لیکن از سمت شمال مملکت هند دوست حقیقی مایان ((امیر صاحب افغانستان)) مثل یك دیوارآهنین نمی گذارند که ریشه دوانی دشمن در مملکت وی بارور شود وازابتدای جنگ تاحال حسب الاقرار اولین خود بالای غیر جانب داری استوار است)) (۲) وباز هم درکتاب هفت

وباز هم در کتاب هفت سال درسفر آمده است((مولانا عبیدالله در وقت بودوباش خویش در کابل این را هم دید که امیر برای اضافه ساختن تادیات (معاشات سالانه) خود از جانب انگلیس هرچه بیشتر خود را به انگلیس نزدیکتر میساخت. حتی بعضی بزرگان مذهبی آنجانیز تحت تاثیر انگلیس قرار داشتند. مولانا عبیدالله سندی و دیگر رفقایش تاوقیکه به کابل نرفته بود نسبت به امیر حبیب الله خوش باوری های بزرگی مبتلا بودند. مثلیکه دیگر هندو ستانی ها درباره دیگر شاهان اسلام نیز به چنین غلط فهمی سر دچار شده بودند. ولی آنها وقتیکه به کابل رسیدند. دیدند که امیر حبیب الله مثل سایر

۱ــ محمد سرور کاتب ، هفت سال درسفر، ص ۳۳.

۲ــ سید سعد الدین ها شمی نقش افغانستان درآزادی هند، ص ۵۶.

سلاطین از عیوب اخلاقی پاك نیست وحالا این مرض دراو بسیار ترقی کرده ودختر ها ی اشر اف را مورد تعرض خود قرار مید هد که دراین جمله بعضی زنهای عفیف ازجهت عصمت دری شان خود کشی کردند)) (۱).

((صرف نظر اززنده گی خصوصی امیر حبیب الله که اویك پادشاه اصلاح پسندبودوما دراظهاراین رای شك وتردید نداریم که اگر بعد از امیرعبدالرحمن خان مثل حبیب الله خان یك پادشاه بسر اقتدار نمی آمد، درافغا نستان این دوره ترقی به میان نمی آمد. حبیب الله دومکتب (حبیبه- وحربیه) دوشفاخانه ملکی ونظامی را به طریق نواحداث کرد ... امیر- حبیب الله در اصلاح وترقی شرق افغانستان بسیار کار کرد، درکابل خانه ها ازبیرون طورمعمو لی به نظرمیرسیددرحالیکه داخل آنها نهایت صاف منظم و آراسته بود.)) (۲)

((امیر حبیب الله خان سراج الاخبار را جاری کردکه اداره آنرا به محمود طرزی سپرده بود ... اگر موصوف محور کارهای امیر شهید دانسته شود ، مبالغه نخواهد بود . زیرا من بافراز ونشیب زنده گی عبیدالله سندی خوب آشناهستم.

موصوف در راه اصلاح کشورش باثبات فکری کوشیده است، مانند وی دراین زمان در ملل شرق کمتر کسی وجود دارد .

برادر خورد امیر شهید سر دار نصرالله به حیث نایب السلطنه ،پسر بزرگ او سردار عنایت الله به حیث معین السطنه وسر دار امان- الله خان به حیث معین الدوله در اداره سلطنت شریك بودند. مثلا امیر نایب الحکومه ها راتعیین می نمود. تعیین مامورین خوردرتبه وظیفه

---

۱ محمد سرور کاتب ، هفت سال در سفر، ص ۱٤.
۲-همان اثر، ص ص ۳۱ - ۳۲.

معین الدوله بود .علاوه برین یـــك وزیر سالخورده ومتقاعد به اســـم سردار اعتماد الدوله عبدالقدو س خان به‌حیث وزیر مالـیه در اداره دولت سهم داشت‌و امیراز اوزیادتر قدر دانی مینمود وبه روزهای اعیاد خود به خـــد مت او میـــــرسید،ونیز او از حاضری معاف بـــــود. سردار اعتمادالله واله دو برادر زاده نیز داشت : بنامهای محمد یوسف‌و محمد آصف که لقب مصاحبان امیررا دارا بودند که در مجلس امیـر همیشه حاضر میبودند .

پسر سردار محمد یوسف خان، نادرخان سپه سالار بودکه در امور حکومت امیر سردار محمد نادرخان مسولیت سرپرستی هندو ستانی ها را داشت وخاصتا (عبیدالله سندی) کهمن ممنون اوهستم . اگرچه تماس من باوی کم‌بود ولی به هرمشکل مـا رسیده‌گی میکرد . اواین خدمتی را نه‌اظهار میکرد ونه به‌طمع ستایش خویش ازجانب مابود .

آنطور یکه سردار محمودطـرزی دل‌داده معاشرت ترکی بود ، همـا نطور محمد نادر خان‌به معاشـرت هندوستانی علاقه داشت)) (١).

١ـکابل مرکز فعالـیـت آزادی خواهان هند :

((هندو افغانستان برای هـــزار سالی در بین خود تماسها ور وابط نزدیکی داشته اند و درطی قرون این روابط نزدیك باهمی به اشکال مختلفی تبارز نموده گاهی به شکل جنگها وزد وخورد های‌غیر منـــظم وپراگنده وگاهی به شکل اتـــحاد ویگانگی سیاسی درآمده‌است))(٢) که‌این روابـط مخصـــوصـــا با دوره استعمار انگلیس درهند و افغانستان

---

١ ـ محمد سرور کاتب، هفت‌سال در سفر ، ص ٣٣و٣٤.

٢ـدکتور.ای.ان‌براساد. درباره(افغانستان مرکز ملیون وانقلابیون‌هند). ،مجله ادب ،ش٤، پوهنتون کابل،حوت ١٣٥٤، ص ١٨٠.

متضمن همکاری بیشتر گردیده و مبارزین مجاهدین زیادی از هند به‌مقصد آزادی هندوارد کابل شدند. ((از جمله تلاشهای آزاد یخواهانه هندیان یکی‌هم این بود که کابل را به‌حیث مرکز فعالیتها ی‌خود در آورند ودر همین جابه اقدامات خود بپردازند تابتوانند همزمان و دریك وقت‌هم درداخل‌هندآشوبی برپاکنند وهم ازخارج یعنی از افغانستان به یك حمله مسلح بپردازند)) (۱).

((دراین شك نیست که برای‌هندوستانی ها مرکز موزون تر از کابل‌وجودنداشت واینزاحکمرانان‌ظالم هندوستان نیزخوب‌میدانستند تا آنکه حکو مت مغلی‌هند در اخیر ضعیف شد (انگلیس مترصدفرصت مناسب‌بود) انگلیس ها تاآن وقت بردهلی حمله نخواهد کرد تانخست پنجاب را قبضه نکرده باشد تابدین وسیله‌راه کابل ودهلی قطع گردد...(۲)

بدین ترتیب میتوانیم بگوییم‌که ازآغاز قرن(نزده) تااواسط قرن بیستم دسته های از این مردم هنددر دوره هردولت افغانها موجود بودند که‌بعضی از این دسته هابه به منظور آزادی هند جهت اخذ کمك همکاری وپیشبرد فعالیتهای‌شان وارد شده بودند.

که‌این دسته آزادی خوا هی رابرای هند از همین جاآغاز کردند.و به این‌ترتیب بار دیگر افغانستان‌مهجر وپناه گاه جوانان هندوستان قرار گرفت. چنانکه مدتها پیشتر مبارزان آزادیخواه‌هندچون‌سیداحمد بریلوی به کابل وقندهار آمده بود(که‌ذکرش گذشت...) در مراجعه دوم هندی ها دولت وملت افغانستان‌ایشانرا پذیر فتند به هنگامیکه‌در (نزده چهارده) جنگ بین‌المللی‌اول‌شروع شد. درولایا تسرحدی‌آزاد

۱- همان اثر، ص ۱۸۱.

۲- محمد سرور کاتب، هفت سال در سفر، ص ۳۵.

افغانستان ، فعالیتهای سیاسی و نظامی ضد انگلیس مشتعل بود. ازیك طرف رهبران ملی افغانستان چون آخند زاده ، فضل محمد ، حاجی ترنگ زایی ..... وغیره این همه امدادمالی وهدایت از مرکز دست چپ حکومت افغانستان حاصل میکردند، این دست چپ حکومت ازطرف سردار نصرالله خان نایب السلطنه برادر امیر حبیب الله خان ومامورین او رهبری میشد ... در حالیکه امیر حبیب الله نظریات نایب السلطنه را رد وطرفداران او راتوسط میرزا محمد حسین خان مستوفی الممالك وعده در باریان خود نظارت مینمود))(١).

((باشروع جنگ جهانی اول هیات ترك وجرمن وهندی واردکابل شدند تاامیررا برقطع رابطه باانگلیس وحمله به هند تشویق کنند و متعاقبا محمود الحسن از دیوبند به کمك داکتر انصاری ودیگران عبید الله سندی راغرض اخذ کمك به افغانستان فرستادند، حکومت موقت هند در کابل تاسیس شد . محمود الحسن برای حصول کمك به مکه رفت پایان جنگ احساسات مسلمانان به صورت (نهضت خلافت) تبارزیافتا بود)) (٢).

((ورود هندیان در افغانستان تاآزاد شدن هندو پاکستان روز افزون بود درملی این هجوم رشته شناسایی آزادیخواهان وانقلابیون حقیقی هند با اشخاص بیطرف ومنفی چون موی مجعد درهم پیچید ودرهرحال اینها در افغانستان وخارج آن سرگذشت های مخصوص وجدا گانه ای دربین داشتند مثلا یك عده از قبیل مولوی عبیدالله سندی، مولوی

١ــ میرغلام محمد غبار، افغانستان در مسیر تاریخ، ص ٤٦٠.

٢ــ فضل الدین توفیق ، نقش افغانستان در جنبش آزادی هند، (رساله نشرناشده دوره لیسانس پوهنځی علوم اجتماعی) پوهنتون کابل ١٣٦٣، ص ١٦.

ظفرحسن، رحمت‌علی، خوشی محمد، متراسنگهه (که بعد توسط انگلیس کشته شد)مولوی برکت الله،مهندرا پراتاب وغیره در کشور های خارجه چون ترکیه ، روسیه ، اروپا، جاپان وغیره‌مشغول فعالیتهای‌سیاسی بنام مردم هندوستان گردیدندواما یکعده در سرحدات آزادافغانی مصروف فعالیتها ی سیاسی شدند. مانند مولوی محمد بشیر شهید (نام اصلی آن عبدالرحیم لاهوری) ووکیل مجاهدین ورفقها یش در جمعه ، باجور وغیره ... که یك‌عده‌شان هم در کابل مصروف فعالیت بودند که از طرف مقامات افغانی حمایت میشدند ...)) (۱).

دسته دیگر از هندیان نیز بودندکه ظاهرا سنگ آزادی خواهی هندرا به سینه می گوفتند مگر جز خدمت‌به انگلیس ورخنه ،وارد کردن در بین مردم افغانستان وآزادی‌هند کاری نداشتند ((این گونه هندیان که با پاره از اعمال خود حتی‌آدرس‌هاو اسمای مبارزین جوان هندی را در این‌کشور زیرسلطه خودقراردادند که‌نه تنها برخلاف منافع افغانستان بلکه برضد آزادی هند هم‌عمل کردند.)) (۲) که‌طور نمونه یکی از این قبیل را یاآدور میشویم که‌از ((اطبای وطن پرست هندی داکتر عبدالله از فراه توضیح میکردکه‌احسان‌الله جویا ادویه غیر صحی به امیر خوارانده رفت تا اورا از حالت طبیعی بر آورده‌واز رسیده‌گی به امور کشور بازماند)) (۳)

دسته سوم ازهند یان‌نیزوجودداشتندکه در امور اداری، تجارتی، علمی وفنی دولت افغا نستان‌چه‌دردوره امیر حبیب‌الله (چه‌قبل‌از آن) خدمت‌میکردندکه تعداد آنها زیادبوددراین دسته اولین دسته معلمان

۱- میرغلام محمدغبار ، افغا نستان درمسیر تاریخ، ص ٤٦٢.
۲- همان اثر ، ص ٤٦٥.
۳- میر غلام محمد غبار، افغا نستان در مسیر تاریخ ، ص ٤٥٩.

هندی که به افغانستان جلب شدند داکتر عبدالغنی وبرادرش بودند که برای تدریس وتنظیم مکتب حبیبیه به کابل آمدند ... وی در مساله مشروطه با برادرانش مولوی محمد حسین (که در عصر امان الله مدیر مکتب ابتدائیه وبعد ازآن رئیس تدریسات در ارگ محبوس شدند))(۱)

همچنان مثال دیگر در کتاب هفت سال درسفر آمده است :((اداره مکتب حبیبیه بدست هندوستانی ها بود وحافظ احمد الدین سرمعلم حبیبیه بود وبه قول عبیدالله که قبل از سفر خویش به کابل محمد ابراهیم رابه معرفت او به کابل فر ستاده بود ، محمد علی منصوری را همین حافظ صاحب باخود انتخاب کرد ه بود. سرپرست شفاخانه - نظامی یك داکتر هندوستانی بنام الله جویا خان بود.... امیرعبدالرحمن خان ماشین خانه را قبلاساخته بود، دراین ماشین خانه افغان ،ترك وهندو ستانی ها کار میکردند))(۲)

وبالاخره به قول عبیدالله سندی که میگوید : ((وقتیکه ما به کابل رسیدیم علاوه برهندو سك هندوان دیگر نیز زندگی میکردند که ما آنهارا چنین تقسیم بندی میکنیم:

۱ـ هندو ها ومسلمانان هندوستانی که به مقصد تجارت به افغانستان رفت وآمد داشتند .

که درمیان آنها سندی ،هندوو مسلمان وپشاوری زیاد تربه نظر می رسید .

چنانکه مسلمانان سر حدی که در پشاور بانفع سرمایه انگلیسی به تجارت اشتغال داشتند وآنها گماشتگان شانرا در افغانستان منتشر نموده بودند .

۱ـ عبدالحی حبیبی ، جنبش مشروطیت در افغانستان ،چاپ دوم، کابل :مطبعه دولتی ،سال ۱۳۶۷، ص ص ۶۳ـ۶۴.

۲ـ محمد سرور کاتب، هفت سال در سفر ، ص ۳۲.

۲- درزمانه‌های قدیم برای حصول زبان عربی و تکمیل علم دین طالب العلم افغانیتان در مدارس هند تحصیل می نمودند که این مردم زبان هندی می دانستند و به هندوستانی ها بسیارهم مانند بودند .

۳- از وقتیکه امیر حبیب الله به ترویج علوم وفنون اروپایی توجه کرد، ازآن وقت یك تعداد معلمین هندی در کابل زنده‌گی میکردند.

٤- علاوتا یك تعداد زیادپنجابی‌ها درکابل بودند ، که یك عده آنان طبیبان لایق وتعدادی از آنها طبیب نمابودند که این داکتران وداکترنما ها معاشات خوب اخذ میکردندوبر علاوه از طریق تداوی های شخصی نیز منافعی بدست می آوردند .

٥- درکابل یك تعداد از معلمین هندوستانی به جرم شرکت به مشروطه خواهان افغانی محبوس بودند، یکتعداد تعلیم یافته گان پنجابی هندوستان راترك داده ازراه افغانستان به ترکیه می رفتند که در این جاگرفتار شدند که تحت نگرانی پولیس بسر میبردند. در این زمانه دو دوست بزرگ من شیخ محمد ابراهیم ام بای و مولوی محمد علی منصوری ام بای به‌خاطر تعلیم وتدریس به کابل آمدند و در مکتب حبیبیه تدریس میکنند که من برادر زاده خودعزیزاحمد بن حبیب الله راباوی در کابل اعزام داشته بودم که درمکتب حبیبیه تحصیل کند .

دراکتوبر (نزده یانزده) درهفته اول یك هیات هندوستانی که در آنها ترك وجرمنی نیز شامل بودندبه کابل آمدند . (۱)

۲- امیر حبیب الله وفکرنشنالیستی هند یان :

یك نقطه قابل عطف که در تاریخ هند وجود دارد آن عبارت از احیای فکر نشنالیستی هندیان میباشد .برعلاوه طرز فکری راکه سیدجمال الدین افغان برای تمام هندیان در جهت اتحاد (هندو مسلمان) به ارمغان

۱- محمد سرور کاتب ،هفت سال در سفر ، ص ص ۲۹- ۳۱.

گذاشته بود درهندنیز فعالیتهای‌در چوکات کانگرس ملی هندبراه‌افتیده بود که امیر حبیب‌الله نیز درتقویه این اندیشه ملی هندیان سعی‌وتوجه به‌خصوص داشته که بطور جدی‌قابل بحث میباشد .

به‌قول محمد سرور کاتب: ((مولانا عبیدالله سندی به این خیال به کابل رفته بود که خودش‌مسلمان است وبرای‌یك مسلمان فرض‌است که تابابرادر دیگر مسلمان‌خود کمك نماید، زیرا تمام مسلمانان از روی قران باهم برادر ند. در این‌زمانه در مسلمانان هند این عقیده سیاسی بود اگر راست گفته شوداکثریت مردم همین عقیده سیاسی را دارا بودند واین عقیده راپان اسلامیزم نام گذاشته اند موقع که‌مولاناعبیدالله البته به‌کابل‌رسید، هندیانی که قبل ازوی به کابل رفته بودند برای مولانا گوشزد کردند که‌در ملاقات باامیر به حیث یك مسلمان نی، بلکه به حیث یك قوم‌پرست هندوستانی ملاقات‌کند وبه این ترتیب از یکسو باعث عزت‌شما گردد وازطرف دیگر در مقاصد سیاسی خود نیز کامیاب خواهند شد.

ازاینرو مولانا در یاد داشتهای‌روزانه خویش نگاشته است که‌اوبه حیث یك‌وطن پرست هندوستانی‌با امیر حبیب‌الله ملاقات کرد و نتیجه حسب دلخواه برآمد وسخن‌عجیب اینست که امیرحبیب الله‌خان به‌این واسطه مولانا راماننند سایر هندوستانی ها محب وطن دانست واورا احترام زیاد نمود. به قول‌خودمولانا: که‌من‌عقیده پان اسلامیزم را گرفته به‌کابل آمدم ولی‌در کابل به‌همرای امیر بحیث‌یك محب وطن هندوستان آشنا شدم واو نیز مرا رهنمایی‌کرد تابجای پان اسلامیزم به‌حیث‌یك نشنلیست هندو ستانی فعالیت کنم)) (۱).

این مفکوره نزد حبیب الله خان‌ازآن جهت اهمیت داشت که درهند اختلاف میان هندوها ومسلمانان ازیکطرف واختلاف میان خود دسته

۱ـ محمد سرور کاتب ، هفت‌سال در سفر ، ص ۱۸.

های هنود از طرف دیگر به شدت خود در جریان بود، چنانکه ابـو الکلام آزاد این وضع را بیان مـی کند :

((... چیزیکه رنجم داد مشاهده اختلافات فرقه های گوناگون مسلمان بود... چرا باید اینطور اخـتـلاف داشته باشد ... در (نـزده پـنـج) لرد کرزن هندوان را ضیف کرد و خواست تا (باتقسیم بنگال) میـان مسلمانان وهندوها تفرقه همیشگـی بیاندازد)) .(۱) یااینکه انگلیس به هندوها چنین تلقین نموده بود که مسلمانان یك اقلیت عرب یاعجـم مهاجم یافاتح بیرونی می باشنـد قسمت اعظم هندوستان را هندوها تشکیل می‌دهد مولانا عبیدالله سندی در پاسخ به این استدلال مغرضانـه دشمن اظهار داشته است که مـن قبلاهندوی سك بودم و بعدا ... به دین اسلام مشرف شدم، همچنان از گفته های دیگر عبید الله سندی نیز معلوم میشود:

مولانا عبید الله سندی بـه را جامهند را پراتاب ودیگر اعـضای غیرمسلم وطن پرست هندوستانی در کابل باهم ملاقی میشدند وبرای شان این احساس پیداشد وقتی که برادر های هندوی ما هندو ستانی ها را در کشور های‌دیگر معرفی می‌نمایند همراه آنها هندومی باشد وکلیتـا مسلمانان راازنظر می اندازند))(۲) با اینکه ((برای مسلمانان بر اعظـم هند مانند مسلمانان سایر کشورهـا همان مشکل پیش می آیـد که اگـر اوبه حیث یك مسلمان هندوستانـی خود را معرفی کند چند ان عزتـی نمی‌یابدوان طوریکه از برادران مسلم خود توقع دارد ...وبلکه اکثراوقات تحت شك وشبه نیز می آید... واو به هندوستانی بودن خود از ایـن

۱ـ ابو الکلام آزاد، هندآزادی گرفت، ترجمه امیرفریدون گرگانی، (تهران،خیابان، کوچه٤٦، لیترماه، ۱۳٤۲) ،ص‌ص ۱۳ـ ۱٤.

۲ـ محمد سرور کـاتب ،هفـت سال در سفر ، ص ۲۰.

لحاظ اسرار نمی کرد که بطورعموم مراد از هندوستانی مردم هندبود... مسلمانان چنین نامی را بالای خود نمی خواهند بگذارند ، زیرا که به مسلمان بودن شان خاتمه‌داد ه‌خواهد شد. ازاین جهت مسلمان هند و ستان کاملا پریشان است و همیشه در او این تذبذب وجود دارد که‌خود را مسلمان نام‌کنند یاهندوستانی مسلمان ؟... که در چنین صور تی هندو ها خفه خواهندشدودیگران نیز خوش نخواهد شد . .. (۱).

ازاینرو چون هند وستانی‌هااعم‌از هندو ومسلمان جهت آزادی هند وارد افغانستان شده بودند تاطبق گذشته های تاریخی شان امداد و کمکی را از امیر ومردم افغانستان توقع نمایند، بنا امیر برای بدست آوردن نتیجه مطلوب فعالیتهای سیاسی شان این طرز فکر(اتحاد ـ ملی) میان هندوو مسلمان جهت آزادی هند حتمی شمرد وبه‌عبیدالله سندی وسایر هندیان چنین توصیه نمودتااینکه به‌اثرهمین‌مساعی بودکه متعاقبا در (نزده شانزده) حکومت جدید موقت مرکب از هندو ومسلمان به اساس این مفکوره در کابل ایجاد شد، که بعدا این حکومت در فعالیتهای ملی (کانگرس ملی هند) سهم ارزنده خویشرا ایفا نمود چنانکه ((عبید الله سندی توانست که در کابل عضویت کانگرس ملی هند را حاصل کند و یکی ازتبلیغات چیان آن گردد ،در(۱۹۲۲)ء یك شاخه ای از کانگرس را درکابل اساس گذاشت و خودش ریاست آنرا به عهده گرفت واین نخستین شاخه کانگرس خارج از سر حدات امپراتوری برتانیه بود...)) (۲).

۱ـ همان اثر ،ص ۱۹.

۲ـ سید سعد الدین ها شمی نقش افغانستان در آزادی هند، ص ۱۱۵.

بنا تقویه چنین طرز فکر در بنیاد اساسی فعا لیتهای سیاسی هندیان در کابل و باحکومت موقت هنددر کابل توسط حبیب الله خان توصیه گردید که درآتیه آزادی هند تاثیر عمیق خود را بجا گذاشت.

۳ـ ورود هیات ترك و جرمن و هند:

پیش از آنکه جنگ جهانی اول آغاز گردد وترکیه داخل جنگ گردد وزیر جنگ آن کشور به جرمنی پیشنهاد کرددرآن هیاتیکه از طرف ترکیه با افغانستان می رود سهم بگیرد تابدان وسیله افغا نستان را با نیرو های مرکزی هندوستان سازد انور پاد شاه بدین فکر بود که چند تن نماینده نیروهای اروپایی راجز هیات خویش نموده و بدان وسیله خودش را وزین نشان دهد، بدون اینکه خصوصیت پان اسلامیزم ازهیات وی سلب گردد . بعدازآنکه ترکیه داخل جنگ شد، انور پادشاه اطلاع دادکه امیر افغانستان برای وی پیامی فرستاده واز ترکیه پرسیده است که افغانستان بهروسیه حمله کند یا بربرتانیه بتازد؟ وزیر جنگ ترکیه ازآن پیام بوی همدردی اسلامی را استشمام نموده و عقیده داشت که امیر منتظر پیشنیبانی و تشویق نیروهای مرکزی بوده ومی خواهد به هند حمله کند))(۱).

از اثر پیشنهاد ترکیه ((دراوایل ماه سپتامبر سال (نزده چهارده) یك دسته (بیستو سه) نفری جرمن زیرریاست ویلهم واسموس (...) رهسپار قسطنطنیه گردید، واسموس یگانه عضو این هیات بود که شخصا باشرق میانه آشنایی داشت. بندرممر بایك گروپ دیگر جرمنی هیات

۱ـ لودیك ادمك ، روابط سیاسی افغانستان اززمان عبدالرحمن تااستقلال افغانستان، ترجمه علی محمد رسا، (کابل :موسسه نشراتی افغان کتاب ،سال ۱۳٤٥) ،ص ۱۰۹.

واسموس را دنبال کردند. این هیات درا وایل ماه جنوری سال (پانزده پانزده) بسوی بغداد حرکت کردند در آنجا در باره هیات تجدید نظر به عمل آمد... مصارف هیات بدوش جرمنی ها بود و بندر میر واسموس آرزو نداشتندآله وابزاری در دست ترك ها باشند ...بنا کپتان کلین اتاسند نظا می سابق جرمنی در سفارت تهران کربلا رفت و فتوای جهاد را از نزد شیخ علی العراقین ومجتهدین بزرگ علیه متحدین حاصل نمود.این نکشافات جدیدوتصاد مات شخصیت بین جرمنها وترکهاسبب اصطحکاك وباعث شك طرفین گردید... درعین زمان اعضای کمیته هندو ستان در برلین بوزارت خارجه جرمنی پیشنهاد کرد یك هیات دیگری با افغا نستان اعزام گردد تاباانقلابیون هندی روابطی تاسیس نموده وتبلیغات ضد نگلیسی را در آن سامان ادامه دهند(۱).

جرمنی با این پروژه موافقت کرد با استفاده از فرصت مبارزات پیهم ملی انقلابی مردم هند چنان طرحی را روی دست گرفتند تا برای برتانیه در هنددردسر ایجاد کنند تابرتانیه مجبور شود قوای خود را به‌عوض میدان اصلی جنگ اروپا به‌نیم قاره هند بفرستداز اینرومرام خود که می خواستند انقلا بیون‌هند بایست با نهضت اسلامی ائتلاف نمایند ومتحدا بر ضد دشمن مشرك عملا داخل شوند ، خیلی موفق گردیدند و یکتعداد زیاد آنها درپی آن بودندتابتوانند همکاری‌ها ومساعدت های ترکیه را به‌نفع ملیت خواهان‌هندی‌جلب کنند... البته در این مرام خود نیز موفق شدند وانور پادشاه وزیر دفاع ترکیه داماد سلطان عثمانی بدین امر موافقه‌نمودکه یك هیات سیاسی به‌افغا نستان

۱ــ همان اثر ، صص ۱۱۰ــ ۱۱۱.

فرستاده شود تا افغانستان راتشویق کند که برای تحقیق مرام مذکوردر کنار ترکیه داخل جنگ گردد .

درنتیجه مذاکرات و کنفرانسهای زیاد ومطول بالاخره مهندرا پرا تاپ پلان راپی ریزی کرد وآنرا به‌دفتر امور خارجه المان سپرد . این پلان دریك فرضیه استوار بود که ازروی آن پنداشته میشود که گویا هند برتانوی در آستانه قیام عمومی قرار دارد در چنین فرصت حساس وخطرناك اگر حمله برهند ازجانب افغانستان صورت گیرد خیلی موثر وقاطع ثابت خواهد شد پلان وطرح مهند راپراتاب مورد قبول واقع شد (۱).

مهند رابا بعضی کار مندان حکومات جرمنی وترکیه‌یك سلسله مصاحباتی نمود وهم‌چنان از تصمیم ویلهم دوم سلطان محمد غازی پنجم ودزیو عباسی حایمی مخلوع دیدن نمود. مهند راپراتاب آرزو داشت از امیر افغانستان که قشون قهرمان آن‌غالبا نیروهای برتانیه وروسیه را محوو نابود کرده بپرسد چه‌نوع اقداماتی رابرای آزادی هندوستا ن توصیه می نماید؟ مهند را درعین زمان آرزو داشت که‌ازجریان او ضاع‌در اروپا امیر را مطلع‌سازد ودر حضورامیر ابراز عقیده نماید که عنقریب نیروهای مرکزی جنگ‌را بمفاد خودخاتمه خواهند داد هنشنگ موظف بود در راه دیپلو ماسی بین طرفین‌جرمنی و افغانستان مجاهدت نماید وهمچنان شهزاده را کمك کندتاوی با انقلابیون هند تماس حاصل نماید)) (۲).

۱- سید سعد الدین هاشمی، نقش افغانستان در آزادی هند، ص ۸۵ ومجله ادب سال ۱۳۴۵ ،ص‌ص ۱۸۵ - ۱۸۶.

۲- لودیك ادمك ، روابط سیاسی افغانستان از زمان عبدالرحمن، ص۱۱۳.

((همان بود که هیات جرمنی شامل پارتی های ترکی ،آستریایی وهندی جانب افغانستان روانه شدند.)) (۱).

بدین ترتیب آغاز جنگ جهانی اول افغانستان رایك بار دیگر در صحنه سیاست بین المللی داخل کرد. آن روز گاریکه امپراتو ری های استعماری روسیه تزاری وبر تانیه بر افغانستان فشار وارد نماید سپری شدوهردوی این دولت‌هاحاضر شدند برای تسکین افغانستان تا انداز ه ای با امیر مصالحه نمایند . اما این مصالحه راسفر هیات بند رمیر به افغانستان مشکل ساخت وبه تجدید افغانستان خاتمه داد.)) (۲).

بتاریخ ماه مارچ سال(نزده پانزده) نا یب السلطنه بر تانوی‌هاردینگ به اعلیحضرت امیر حبیب الله چنین نگاشت: ورودهیات بی‌جهت وعاجلانه ترکیه در جنگ در بسیاری ممالك اسلامی موجبات بی‌انتظامی وناآرامی ومشکلات زیادی را فراهم کرده است وهم تذکر داده‌بود که متحدین تعهد نموده اند که به مقامات‌مقدسه اسلامی زیان وآسیبی نرسانند و هتك حرمت نکنند و نیز از امیر خواسته بود که‌تحت تاثیر تبلیغات مامورین مخفی جرمن نروند ، آنها در تبلیغات خود حتی این رانیز پخش نموده‌بودند که‌امپراتورجرمنی بدین اسلام گرائیده است .وهاردنیگ همان معاهده ایرا که در سال (نزده پنج) بین افغانستان وهند بریتانوی منعقد شده بود ... باو خاطر نشان نمود ورسما آن را خواستار شد تابی طرفی کامل خودرادر این جنگ حفظ کند .

۱ـ سید سعد الدین هاشمی، نقش‌افغانستان درآزادی هند،ص۸۵.

۲ـ سید سعد الدین هاشمی نقش افغانستان در آزادی هند، ص ۸۲و ۸۳ ولودیك ادمك، تاریخ روابط افغانستان ، ص ۱۰۹.

در جواب حبیب الله (نامه ها ر دیتنگ راتائید نمود وگفت که‌در کشورش به کدام سوقیات وآماده‌گی‌غیر عادی نظامی امر نداده است.

حکومت برتانوی‌هند مطمین‌شدکه مامورین ترکیه وجرمنی با این موفق نخواهند شد که سیاست بی‌طرفانه افغانستان رابه سود خود برگردانند)) (۱).

همچنان ((بتاریخ ششماه جولای سال (نزده پانزده)حکومت‌هند امیر را ازمسافرت دسته های جرمنی، آستریایی ، ترکی ، جرمنی وهندی باایران به‌عزم اینکه داخل افغانستان شوند اطلاع داد. حکو مت هند از امیر خواهش کرد که بااین دسته به‌حیث یك‌قدرت بیطرف معامله نماید :

یعنی آنهارا زندانی وخلع سلاح نموده وتاپایان جنگ در داخل خاك افغانستان نگهدارد . نایب السلطنه ازحبیب الله خواهش کرد تاآن‌آوازه هاوقصه هارا که‌درسرحد افغانستان پخش گردیده ومی گویند که لشکر ترکها وجرمن هااز طریق افغانستان به‌هندوستان حمله‌میکنند ،ردنماید،

امیربه پاسخ در خواست نایب السلطنه وعده داد تابان دسته های خارجی‌که داخل خاك افغانستان می‌شوند مطابق خواهش نایب السلطنه معامله خواهد کرد .

امیر به‌نایب السطنه اطمینان داد که وی‌دراین مورد به‌نایب الحکومه هرات هدایت داده است ودر پایان‌خودش به نایب السطنه نوشت که است ودر پایان پیام‌امیر به خط او نباید در باره هرات این دسته هامشوش گردد . برای اینکه آنها در مرحله نخست داخل افغانستان

۱ـ فضل الدین توفیق ،نقش‌افغانستان در جنش آزادیخواها نه هند ص ۲۵ ومجله ادب ، سال ۱۳٤٥، ص ۱۸٦.

نخواهند شد وباز هم اگر داخل شوند با امید خدا به‌هیچ صورت نخواهند توانست در موقف بی‌طرفی اورخنه کنند(۱). ونیزدرمقابل آن نایب السلطنه در نامه های دیگر خویش به‌لندن پیشنهاد کرد که دولك روپیه بر مستعمره امیر بیفزاید)) (۲).

باارتباط فوق یاد آور میشویم که‌هیات جرمنی بریاست سیاسی او توفن هنتنگ آمریت نظامی بندرمایرهیات هندی تحت ریاست مهندرا- پراتاب وهیات ترکی بریاست کاظم‌بیگ افسر نظامی‌ترك عازم افغانستان شدند. این هیات که تعداد شان بـه(هشتاد) نفر میرسید ودر آن شش نفرجرمنی از جمله داکتو کارل‌بیکرصلیب ، داکتر روز تجار سکر تر عوض هنتنگ، ترجمان ترکـی وفارسی سه نفر ترك به شمول کاظم بیگ ، یکنفر از علما، دونفر هندی، شش نفرازافغانهای افریدی که‌اززندانیان کمپ جنگ جرمنی بودند . دو نفر افغا نهابنیربنا- مهای عبد الرحمن وسبحان خان که‌از ایالت متحده امریکا آمده بودند، شصت نفر عسکر عربی وعده ای‌ازاستر یایی ها وارمنی ها بااین‌هیات شامل بودند. هیات بتاریخ(بیست‌و چهار) اگست (نزده پانزده) ازطریق بغداد وفارس وارد هرات شدند.

جنرال قونسل برتانیه درمشهد بتاریخ (چهار اگست (نزده‌پانزده)- اطلاع داد که شصت نفر ازاعضای‌هیات به‌هرات رسیده ودرباغ شاه برای شان جاداده شده است. نایب‌الحکومه هرات محمد سرور نام‌با لباس رسمی از آنها باز دید نمودآنانرا گذاشت که‌از شهردیدن‌کنند جنرال هیـك اطلاع گرفت که یکد سته مرد م دست های اعضای هیات را می بوسند، سپاهیان کابل وقندهار در حال

۱-لودیك آدمك، تاریخ روابطسیاسی افغا نستان ،درزمان‌عبدالرحمن خان ،ص‌ص ۱۱٤-۱۱۵.
۲- همان اثر، ص ۱۱۷.

حاضر از جرمنی ها جانبداری می نمایند. در (دوازده) سپتامبر (نزده پانزده) جنرال قونسل اطلاع داد که جرمن ها بروز سوم در دربار نایب الحکومه بار داده شدند وآنها اعلامیه جهاد را که ازطرف سلطان ترکیه صادر شده بود ارائه نمودند. بهمین منوال به جنرال قونسل اطلاع داده شدکه جرمنی ها به افغانستان وعده امداد نظامی داده است واظهار داشتند که جرمنی آماده است به افغانستان چنان امداد نمایند که ترکستان را تاسمرقند وهندرا تا بمبئی فتح نماید . (۱)

قرار گفته مهند را پراتاب حین ورود گورنر که شخص محسن و ظریف بود از آنا نچنان پذیرائی به عمل آورد که هیات احساس کردند که بخانه خود هستند وسایل ساعت تیری وضروریات شان از قبیل غذا ، لباس، ترمیمات وغیره شان فراهم گردیده بود. به روز جمعه (بیست و هفت) اگست اعضای مسلمان این هیات در نماز جمعه در مسجد جامع شهر هرات اشتراك ورزیدند.

هیات بعد از اقامت دوهفته بتاریخ (هفت) دسمبر (نزده پانزده) هرات را از طریق هزاره جات به مقصد کابل ترك گفته و در دوم - اکتوبر (اوایل ماه میزان) بکابل رسیدند ، در تمام عرض راه هرات کابل به خانه های حکام سرراه هدایت داده شده بود که ضروریات آنانرا مرفوع سازند ، به فاصله قریب یك ساعت راه کابل یك گروپ ده نفری از آنان استقبال کرد در حوالی شهر یك قطعه عسکر تشریفاتی افغانستان به قوماندانی میر بیك قوماندان مکتب عسکری کابل مورد پذیرایی گرم قرار گرفتند. بعدا مهمانان جانب مهمانخانه مشهور باغ بابر رهنمایی شدند وبرای هریك از ایشان اتاق علیحده داده شده به

۱- سید سعد الدین هاشمی، نقش افغانستان در آزادی هند، ص ص ۸۵-۸۶ ولودیك آدمك ، تاریخ روابط سیاسی ، ص ص ۱۱۵۰-۱۱۶.

صفت مهمان دولت باآنها معامله شد و احتیاجات ایشان از طرف حکومت تهیه میشد ، مگر امیر ازهمان روز اول برآنها اجازه قیود وارد کرد واز مردم تجرید گردیدند. خارجی هااز آنجا دور نگهداشته شدند، به آنهااجازه نبود که‌بابرادر ودیگر اعضای خاندان امیر تماس بگیرند و در زمان‌گشت و گذار پاسپانان آنهارا بدرقه میکرد. حافظ سیف‌الله نماینده برتانیه در کابل بدولت خود اطلاع‌داد که هیات‌تحت مراقبت شدید به سر میبرند.سراج‌الاخبار مجاز به نشراین خبر عمده سیاسی نبود و قیود زیادی بالای‌ژور نالیستان مذکور وارد شد. استاد عبدالهادی داوی در مصاحبه‌خود با محترم پوهاند هاشمی‌اظهار نمود که بعضی کار مندان عمارت‌وظیفه داشتند در باره حرکات و سکنات هیات بـا امیر حبیب الله طور سری معلومات وراپور بدهند. یکی از این کار مندان موظف صندوق جامه دان یکی از اعضای هیات را درغیاب‌او پنهانی گشودتا باشد کاغذ عمده درآن بیابد. صاحب صندوق از روی احتیاج‌قبلاچنین ترتیب گرفته‌بود که‌باگشودن آن تفنگچه به صدا می آمد وهمچنان شد. ازحسن تصادف باز کننده صندوق جامه دان زخمی‌نگردید .

((طوریکه گفتیم امیر حبیب الله نامه های متعددی را ازوا یسرا به دست آورده بود که درآن حکومت هند برتانوی حکومت افغانستان را از پذیرایی این هیات برحذر میداشت. امیر موصوف مجبور شد بارعایت نظریات برادرخود نصرالله‌خان وفرزندان خود عنایت الله ، امان الله راکه شیفتگان افکار محمودطرزی بودند امر داد تاز هیات پذیرایی نشود))(۱).

۱ــ سید سعدالدین هاشمی، نقش افغانستان در آزادی هند ص ص ۸۴ــ۸۷.

به این ترتیب ((امیر حبیب الله تمام معاملات ضد بریتانیه را به سردار نایب السلطنه سپرد وخود معاملات بـه طرفداری انگلیس رابدوش گرفت)) (۱).

باید تذکر داد تقریبا در عیـــن وقتیکه هیات مذکور واردهرات شدند یك پارتی (دوازده) نفری ،آستریایـی سرحد روسیه تزاری و افغانستـان راعبور کرده وارد مزار شریف شدند وحین ورود به کابل برای شان خانه وروزانـــه دو روپیه داده میشد ، بعضی از آنان در کـــار هـــای خدمات عامه مانند رنگمالی وغیـره استخدام شدند، ایشان زندا نیـان جنگ بودند که از کمپ های بـازداشتنی آسیای مرکزی فـرارکرده بودند .

بعد بتعدادصد هانفر ازاینگونه محبوسین فراری وارد افغانستان وایران سرا زیر شدند و نماینده گان قدرت های محور درپی آن شدند که ایشانرا تنـظیم بخشند وبه شکل یك قـــوه نظامی علیه برتانوی وقزاق روسیه به جنگ بکشانند .

باآمدن هیات ترك وجرمنی به کابل یك انجنیرانگلیس بنام (لینچ) شخصی که امیر حبیب الله اورا غرض کمك در صنایع صابون سازی، شمع سازی وباروت سازی، استخدام کرده بود کابل رابه عزم هندترك داد واظهار میکرد تازمانیکه جرمنی ها کابل راترك نگفته اند بازگشت خواهندکرد. ازوی پرسیده مشد که چرا؟ درجواب گفت که: (زیرا با آنها مانند راجاها رفتار ومعامله میشود وباما مانـــدسگها معامله میکنند.)

اوگفت که باوجود یکه آنها راغالبا دربازار دیده است ولی هیچگاه باپارتی ترك وجرمنی سخن نـزده است وما از مقابل هم عبورمی کردیم وبایك دیگر مانند دوسگ نگاه مـی کردیم کـــر د یـــم با ستثنا ی

۱ـ محمد سرور کاتب ،هفت سال در سفر، ص ۹۷.

امیر، هرفردافغانستان از برتانوی‌های شدیدا تنفر دارند .(۱)
طوریکه در بالا تذکر دادیم ((هیات بعداز ورود کابل در باغ - بابر نگهداشته شد و اجازه نداشتند بجای دیگر بروند و بعدازآنکه هیات باعتصاب گرسنگی دست زدند امیر آنهارا بدر بار داد حبیب‌الله در اقامتگاه تابستانی خویش‌درپغمان بیشتر از مدت معین تاچارم ماه نوامبر اقامت گزید. برخی این‌امر را چنان تو جیه میکردندکه‌امیر آرزوند ارد هیات خارجی را بپذیرد لکین حقیقت امر این بود که امیر می خواست هیات را دراقامت گاه‌کوهستانی خویش دور ازچشم های کنجکاو نمایند .بریتانیا ملا قات کند))(۲).

بهر صورت بعد از انتظار سه‌هفته شخصیت های مهم این هیات به ذریعه موترتوسط سردار عبدا لعزیز در آرمگاه تابستانی امیر واقع درپغمان برده شدند ، امیر مجلسی‌بدین منظور تشکیل داده بود که در آن مامورین عالی رتبه حکومتی‌شامل سردار نصرالله‌خان وشهزاده عنایت‌الله وشهزاده‌امان الله،سردارمحمد یوسف وسردار محمد آصف، محمد نادر وخوشدل وعده دیگر حضور داشتند . مکاتیب السمان، سلطان ترکیه ، جانسلر جرمنی،انور پادشا وزیر دفاع ترکیه،باتحفه ها وهدایای که آورده بودند به امیر تقدیم گردید وبعدا به عرا- یض آنهاگوش داده مقصدومسافرت‌شانرا توضیح خواست به‌امیر گفته شد که‌قدرتهای مرکزی او را به‌حیث حکمروایی آزاد و مستقل شناخته واز اودعوت بعمل آوردندکه ازمغلوب ساختن دشمن دیرینه معنوی‌اش باآنهاداخل جنگ‌شده‌وباداش وانعام این‌عمل او دراین‌خواهد بودکه علاوه از استقلال قلمرو های باستقامت سرحدو بنه رآزاد در

۱ـ سید سعدالدین هاشمی، نقش‌افغانستان در آزادی هند ، ص‌ص ۸۷ـ۸۸.

۲ـ لودیك ادمك، تاریخ روابط سیاسی افغانستان‌ص‌ص۱۱۷ـ۱۱۸.

گراچی ازآن وی خواهد بود. علاوتاراجع به کمك های اقتصادی ونظامی به افغانستان که هردوی آن به افغانستان برای دفاع افغانستان ضروری بودو کرکتر پان اسلامیك ومذهبی توسط تیدو مایر ، فن هنستنگ، مهندر اپراتاب ، برکت الله وکاظم بیگ صحبت شد، امیر پاسخ شخصی به آنها نداد ودرجواب آنها اظهار کرد تازمانیکه مجلس شورا تجاویز پیشنهاد ات ترك وجرمن رامطالعه نکند جواب گفته نمی تواند ودرعین زمان امیر حبیب الله اعلان کرد که می خواهد باهریك از اعضای هیات های سه گانه هندی ، جرمنی وترکیه بصورت انفرادی ملاقات نماید وبعد ازآن قادر خواهد بود که تصمیم خودرا اعلان نماید وجریان مذاکرات شخصیتهای دربار به دوحصه تقسیم شدند : درحرب جنگ نصرالله خان. امان الله خان، عنایت الله خان ومحمود طرزی شامل بودکه روحانیون عناصر طرفدار ترکیه را اکثریت قبایل ازآن پشتیبانی میکرد ودر گروپ طرفدار انگلیس که درآن سردار محمد یوسف ومحمد نادر وسردار عبدالعزیز، سردار عبدالقدوس ،اعتمادالدو له ویك عده ازتاجرانیکه با هندوستان تجارت داشتند شامل بودند .

فن هنستنگ راپور داد که: نخستین ملاقات وبازدید ش باامیر در یافت که نصرالله در موضوع همدردی نشان می دهد ،ولی برتماس پسران سردار محمد یوسف که بسیاری ازآنان موقف های عالی حکومتی داشتند، بیشتر باقدرتهای بریتانیا و کمتر جانب خارجیان تمایل داشتند.

ملاقات نخستین با امیر حبیب الله که زمینه ملاقات های انفرادی رایاد کرده بود وامیر باهریك ازپارتی های متذکره علیحده صحبت وباز دید کرد تادسمبر (نزده پانزده) دوام نمود ومهند راپراتاب می نویسد که بروز ملاقات امیر باهیات آزادیخواهان هندی یك پارتی از محصلان هندی به منظور کمك با مسلمانان ترکیه از هند فرار کرده بودند نیز مورد گفتگو قرار گرفت و امیر به رهایی آنان موافقه کرده به سردار

نصرالله صدراعظم امر کرد که درظرف چند روز زندانیان هندی رهاو باآنان به‌حیث مهمان معامله شـــود(۱).

قابل یاد آوریست که هیات درمصاحبه با میر درپغمان در مرورماه اکتوبر ودر ملاقاتهای بعدی درکابل امیر راتشویق میکردند از اعلان جهاد جانبداری کرده و بانیروهای مرکزی علیه خصم عنصری خویش داخـــل پیکار گردد چنان اطلاع داده شدکه نامه انور پاشاه نکات زیر را دربـر داشت:

۱ـ جهاد راسلطان عثمانی اعلان کرده است ، از امیر سوال میشود که آیا به‌صدای سلطان عثمانی لبیک میگوید؟

۲ـ آیا امیر به‌لشکر کشی عثمانی اجازه میدهدکه ازراه افغانستان بـه هند برود ؟

۳ـ ازافغانستان دعوت شـــده بودروابط خود راباامیر قطع کند؟

٤ـ امیربه ملاهای پرنفوذ اجـازه دهد جهادرا اعلان کنند؟

اززبان امیر حبیب الله اطـــلاع دادند که‌وی درجواب هیات گفتـــه بود: افغانها مسلمان‌های فداکاراند اماوسایل جنگ راندارند ،افغانهـا به‌عقیده امیرهمیشه برای جنگ آماده بوده اندامامقاومت نتوانسته‌اند.امیر اظهار کرد :

افغانها رقیب وخصم پر قـدرت شده میتوانند وبرای دفاع از مملکت خود داوطلبانه قیام می نما یندافغانستان به‌عقیده امیر استقلال خود را به‌بهایی فقرو ناداری خریده اسـت افغانستان ازکسی مدیون نیست وبـر هیچ مملکت خارجی متکی نمی‌باشد(۲).

۱ـ سعید سعدالدین ها شمـــی، نقش افغانستان در آزادی هند ص ۸۸وص۹۸۹.

۲ـ محمد سرور کاتب، هفـــت سال درسفر ، ص ۹۸.

مسلمانان درطی جریان مذاکرات امیر حبیب‌الله هیات به سه نفر صاحب منصب دربین زندانیان آستریایی بنا مهای کپتان سراینر لفنت ایمل ولفنت دوپلاند اجازه داد که تنهایا جرمنها درباغ بابر یکجا شوند(۱).

امیر خواست مذاکرات را با هیات سیاسی ترك و جرمنی طول دهد تامقاصد سیاسی خو یشرابالای انگلیس از راه مفا همه بقبولاند،اما نمی خواست برضد انگلیس برای منظور اعلام جنگ دهد (۲) ولی قسمی که گفتیم یك قسمت بزرگ فامیل امیر حبیب الله و در باریان ومامورین افغانستان به رهبری سردار نصرالله طرفدار اتحاد وشمولیت در جنگ به نفع جرمنی وترك علیه انگلیس بودند. چنانچه دوائلنای طرح این مسله در مجلس مشورهٔ ((سردار نصرالله مقدم برهمه استاد شد و گفت :باانگلیس جنگ اعلان شودمن درقندهار معین السلطنه در محاذ خیبر اهزام گردیم تابا شمشیراستقلال اراضی از دست رفته افغانستان را مسترد کنیم ، امیر صاحب در کابل قوت الظهر باشد »(۳).

علاوتا توده های مردم سخن ازجهاد میزدند وملاها موضوع حمایت اسلام رابه نفع ترك وجرمن تبلیغ میکردند .... خاصه مردم وزیرستان مبارزه مسلحانه خود را علیه انگلیس ادامه می داند ، امیر حبیب‌الله اعلان جنگ باانگلیس وارد کرد ، هیات های اولی متذکره را ناکام ومایوس رجعت داد ،ولی براثر فشارافکارعامه محض برای آبرو منه‌ی هیات ودر عین زمان خرسند ساختن (حزب جنگ) یك قرار داد مشروطی که

۱ـ لودیك آدمك، تاریخ روابط سیاسی افغانستان ،ص‌ص ۱۱۸ ـ ۱۱۹.

۲ـ میر غلام محمدغبار «افغانستان در مسیر تاریخ ، ص ۷۳۹.

۳ـ همان اثر ،ص ٤٦٠

محض یك ترکیه وجرمن فاتح ممکن‌از عهده تعمیل آن برآمده می‌توانست باهیات عقدکرد چارم جنوری سال‌نزده شانزده(۱).

این معاهده که دارای ده‌ماده بود با اعلامیه‌دوستی بین جرمنی‌وافغانستان آغاز میگردید و جرمن وقدرت‌های محور استقلال افغانستان را به رسمیت خواهند شناخت در حالیکه‌افغانستان موافقت کرد که منافع نظامی وسیستم اداری خود راتکمیل نماید، افغانستان روابط سیاسی با مردمان‌ایران،هند وترکستان‌دوستی بر قرار نماید .

جرمنی بروی عهدیك صد هزار تفنگ، سیصد توپ، ده‌میلون‌پوند ستر لنگ رابه دسترس افغانستان‌می‌گذارد ،وروابط بین افغانستان‌و جر منی تاسیس شد.وفن هنستنگ به حیث نماینده جرمنی در افغانستان شناخته شد ودرعین زمان فیصله‌گردید که یك‌نماینده افغانستان به ایران مسافرت کند تابا نیرو های‌محور مذاکره کند. سپس در باره مسایل مختلف در قونسلگری ها وتاسیس یك‌سفارت درکابل بصورت مشروع به تفصیل سخن گفته شد(۲).

از جانب دیگر بتاریخ (بیست‌و پنج) جنوری (نزده شانزده) یك‌روز بعد از امضای معاهده جرمن وافغانستان امیرحبیب‌الله نماینده برتانیه در کابل حافظ سیف الله را احضارکردو به او اطمینان دادکه افغانستان خودش را احضار میکند ونیز اظهارکرد که وی‌عزم دارد در دربارحضور تمام سران و نماینده‌گان‌مردم‌افغانستان بیطرفی خود را اعلان‌کند. بتاریخ(بیست‌و نو) جنوری (نزده شانزده) یعنی چهار روز بعد از امضای قرار داد در باردایرشدو امیر بایك‌حرکت‌دراماتیك بمردم‌کابل وسران مملکت‌گفت: وی نمی‌تواند از سیاست‌عنعنوی افغانستان‌دربرابر

۱ــ سیدسعد الدین هاشمی، نقش‌افغانستان در آزادی هند، ص ۹۰.
۲ــ سید سعد الدین ها شمی، افغانستان در آزادی هند، ،ص۹۱.

همسایه های خویش اعتراف کند، امیر اعلان داشت که وی بیطرفی خود را درجنگ حفظ کند. در این اجتماع وزیر مالیه مستو فی الممالک که ازنظر مذهبی از انگلیسها تنفر داشت گفت که به تنهایی شش لک مرد مجهز تنها درکوهدامن وکوهستان کمک کرده میتواند، پس باید باترکها کمک شود. نصرالله وعنایت الله نیز آنرا تایید کرد ولی یکی ازمصاحبان وی پدر نادر خان عدم موافقه خودرا براز کرد .(۱)

به این ترتیب هیات مذکور که به خیال تشویق امیر حبیب الله مبنی براینکه باانگلیسها قطع رابطه نمایدوبه هندحمله نماید آمده بودندچنین نشد که مقاصد خودرا حاصل دارندوتما مذکراتی راکه باهیات مذکور نموده بود آنرا حرف به حرف توسط قونسل انگلیسی به وایسرای هند ارسال نمود که انگلیسها هم دربدل این خدمت برای امیر پول هنگفتی فرستاد ونیز برتادیات سالانه او بیافزود.

علاوتا امیر درپهلوی این مذاکره یك نتیجه دیگر را حاصل کرد که بایك تیر دوشکار نمود، به این منعی که برادر کوچك امیر حبیب الله سردار نصرالله نایب السلطنه بود امیر ظاهرا به وی صلاحیت داد تابا این هیات هامذاکره نماید و ازطرف دیگر به انگلیسها بفهماند که من حامی شما هستم .البته برادر من به طرف دیگر (خلاف شما) میلان دارد .در حقیقت امیر دراین تدبیر خود مطلب دیگر نیزداشت تا ولیعهدی رابرای پسر بزرگ خود سردار عنایت الله (به عوض سردار نصرالله) ازانگلیس حاصل نماید .(۲)

((همینکه امیر باقدرت شاهانه خود فیصله سردار نصرالله را رد

۱ـ سید سعدالدین هاشمی، نقش افغانستان در آزادی هند، ص ص ۹۱ـ۹۲ ولودیك آدمك روابط سیاسی افغانستان ،ص ص ۱۲۵ـ۱۲۶.
۲ـ محمد سرور کاتب ،هفت سال در سفر ، ص ص ۱۳ـ۱۴.

کرد اتحاد اعلیحضرت وسردارنایب‌السطنه را شکست ،در افغانها آثار انقلاب ظاهر گردید. سردار نایب‌السلطنه متیقن گردید که این کارها فقطبرای این‌است که انگلیسها و لیعهدی ویرامنسوخ نماید ، بنابه سازش کاری شروع نمود (۱)

این رواش امیر دربین خلقها ی‌افغانستان و مردمان قبایل که‌منتظر اعلان‌جهاد بودند تولید نفرت وانزجار عمیق نموده مخصو صاروشن‌فکران وآزادیخواهان جدا د رضدمخالفتهای مادی برآمدند.

محمود طرزی‌تحت عنوان استقلال‌علیه افغانستان در (نزده هژده)چنین نوشت:

دولت افغانستان دولت بااستقلال‌وآزادی خواه بوده وهست وخواهد بود (۲).

فقط پیش ازآنکه جرمنها در ماه‌می سال (نزده شانزده) افغانستان را ترك دهند نصرالله برای آخرین بار سعی کرد هیات را معطل سازد، نصرالله به آنها اظهار داشت که‌وی برخلاف حبیب‌الله داخل اقدام‌می گردد. ورهبری قبایل سرحد را دردست گرفته علیه برتانیه پیکار آغاز میکنند . این اقدام نصرالله بعد ازوقت بود جرمنها در ك‌کرده بودند که افغانها به‌وعده های خشك وخالی وبدون‌ضمانت وکم محسوس به‌کاری اقدام نمی کنند .بعد از مذاکرات طولانی خسته کننده هیات‌بدون اینکه بتواند چیزی به امیر تقدیم نماید افغانستان را ترك دادند ومصرو ف فعالیتهای بسیار مثمری گردید نـد.

این هیات در برآورده ساختن بعضی منظور های‌شان درافغا نستان موفق بودند هیات در اثر فعالیتهای شان برتانیه وروسیه را مضطرب

۱ـسید سعدالدین هاشمی، نقش افغانستان در آزادی هند ،ص ۹۰.

۲ـمیر غلام محمدغبار ،افغانستان‌در میسر تاریخ ،ص.۷٤۰.

ساخت وتبلیغات خصومت آمیزی رادرآن سرزمین های که تماما مربوط آن دونیروی اروپایی بود راه انداخت این هیات فقط بایك پیام با افغانستان آمدونزدیك بود موفق گردند که افغانستان راداخل جنگ نمایند(۱).

بهرکیف در (بیستو یك) می(نزده شانزده) لیدر های هیات جرمنی، افغانستان را ترك کردندو بندر مایر ازطریق ترکستان روسی به فارس رفته واز آنجا به قلمرومتصرفه ترکیه داخل شد.

در حالیکه فن هستنگ جانب مشرق درحرکت افتاده وازطریق واخان، چین وبالاخره به امریکا واپس به جرمنی رفت. باآنهمه ناکامی هاورود هیات به کابل نه تنها بحران وناآرامی رادر افغانستان خلق کرد ، بلکه منبع بزرگ نارامی وطغیان در هند نیز گردید آزادی خواهان هندی در کابل به کلی مایوس شده ومهند راپراتاب ومولوی برکت الله درافغانستان باقی ماندند . زیرا حالات تماما بهضرر آنها نبود بلکه آنهااز حمایت جدی بعضی از اعضای فامیل امیر چون سردار نصرالله ودیگران برخوردار بودند .

درکنار آن محمودطرزی وسراج الاخبار افغان در افکار واقدامات آنان حمایت میکرد ، حتی امیر به نماینده برتانیه گفت که آنان درکابل باقی می مانند ومهمان امیر بوده دلیلی برای اخراج شان نمی بیند هیات هندی ازاین چانس استفاده کردویك حکومت آزاد هند در حال تبعید رادر کابل تاسیس کردند)) ویك هیجان برای آزادی واستقلال هند در کابل رهنمایی میشد . (۲)

۱ـ لودیك ادمك ،تاریخ روابط سیاسی افغانستان ،ص۱۲٦.

۲ـ سید سعدالدین هاشمی، نقش افغانستان در آزادی هند ،ص۹۲.

تأسیس حکومت آزاد مؤقت هند در کابل

وفعالیت آن‌مصادف به دوره‌سلطنت‌امیر حبیب الله از (۱۹۱۵ـ ۱۹۱۹)

به‌قول مولانا عبیدالله سندی((هیات‌های ترک،جرمن وهند یك هفته قبل از رسیدن من به کابل آمده‌بودندو ملاقات های مفصل را انـــجام داده بودند .وقتیکه من‌به اعلیحضـــرت روبرو شدم بعدازآن‌بمن اجازه‌دادند تابا اعضای آن‌هیات ملاقی شوم.))(۱)واز ملاقات‌های مفصلی که بـا هیات نمودم این حقیقت برایم‌دست‌داد که اعضای هندوستانی واعضای جرمنی در مورد مستقبل هند دربین‌خودهم جهتی (اتفاق‌نظر) نـدارند، چنانکه برای انجام همچو یك کـارسیاسی مهم پنداشته میشد. اعضای هندو ستانی همه ملاحتی را بـدوش‌اعضای‌جرمنی می انداختند ، ولـی اعضای جرمنی ثابت کردند ،بـــاغ‌سبزی که دربین برلین واستانبول نشان داده شده است یك بردهـــم‌حصه آن‌دراین جامیسر نیست (۲).

۱ـ محمدسرور کاتب، هفت سال‌درسفر ،ص ۴۳.

۲ـ همان اثر ،ص‌ص۵۳ـ۵۴.

((درابتدا هیات بامن از روی خلوص نیت ملاقات نکردند مگر به تدریج افکار من بالای ایشان تاثیر نمود ... ومن به اعضای هندو ستانی بیشتر احترام می کردم ورفته رفته باهم نزدیك میشدیم))(۱).

((نخستین بازدید مهند راپراتاب باعبیدالله دردفتر منیر بیگ سر طبیب شفاخانه کابل صورت گرفت))(۲) « به قول مولانا عبیدالله سندی درنتیجه تبادل افکار بامهند راپراتاب یك حقیقت ناگوار برایم معلوم شد)) (۳) که نظریات راجا صاحب مبنی بود براینکه ((مسلمانان در هند کدام موجودیت قابل حساب نمی باشند... وی تامدتها به آن مفکوره باقی مانده بود... تا اینکه درنتیجه تبادل افکار که بااو نمودم اواز نظر قبلی خویش متقاعد گردید، چنانکه مسلمانان رادر معاملات هندوستان شریك بداند)) (٤).

نقطه دیگر قابل توجه این است که شمولیت مهند راپراتاب درمعیت هیات جرمنی نسبت به وی در هنداین سوظن را بوجود آورده بود که خودرا در خدمت قیصر المان گذاشته مهند پراتاب که خیالی جز آزادی هند نداشت ،برای رد این غوغا که توسط عمال انگلیس براه انداخته شده بود مضمونی تحت عنوان یك ضروری خطبه مدیریت نشرات سراج الاخبار به این عبارت ارسال نمود:

یك نهایت ضروری خط: قصر باغ بابر شاه اکابل!

دوست عزیز من جناب ایدیتر صاحب (مدیر مسوول جریده) سراج- الاخبار !معاف بفرمایید. من شمارا قدری تکلیف می دهم ،من حیران

۱- همان اثر، ص ٤٤.

۲- سید سعد الدین هاشمی، نقش افغانستان در آزادی هند، ص۱۱۳.

۳- محمد سرور کاتب، هفت سال در سفر، ص٤٥.

٤- همان اثر، ص ٥١.

شدم که درچند اخبارهند ،خوامخواه‌مرابدنام می‌کنند، من‌می خواهم که بواسطه شما تردیدسخن غلطرابکنم،گفته اند که‌من‌خود رایك‌بزرگ مها راجه ساخته درستاف اعلیحضرت‌قیصر داخل شدم این‌هامرا ناحق تهمت می‌دهند من هرگز خود رامهاراجه نه‌خیر، راجه‌هم نگفته امونه هیچ یا.درستا ف یادرنوکری دیگر داخل شدم. البته من‌به خیال دیدن حالت جرمنی دروقت‌جنگ درآن‌ملك‌رفتم آنجا دولت جرمنی بسیارالطاف نمود ومرا موقع دادکه من جنگ‌را از خندق پیش ترین و ازطیاره «ایروپلین» دیدم بلکه اعیلحضرت‌قیصر خود مرادیدند ،بعد ازآن‌مساله هندوستان اشیا رابادولت عالیه جرمنی د ر ست کرده‌سندهای ضروری را گرفته بطرف‌شرق حرکت نمودم باخدیومصر وشهزاده گان‌ووزارامشهورومعروف. انور پادشاه با اعلیحضرت خلیفه مبارك سلطان المعظم ملاقات کردم‌ازدولت عالیه عثمانی هم‌مساله هندوستان وشرق رادرست کرده‌ضروری‌سندها یافتم .

همرای من افسران جرمنی وترك‌ومولوی برکت‌الله فرستاده شدندو هنوز همرای من هستند با وجودخطرهاتکلیف های‌سخت از مرحمت خدا براه بغداد ،اصفهان به افغانستان‌آمدیم.حالا به‌موجب اعلان بی‌طرفی اعلیحضرت امیرصاحب بااحترام‌مهمان دولت شان هستم ، باید که دوستان من این رادانسته باشند واگرممنون نمی شوند هرگز چیزی فضولی نگویند، من دشمن هیچ آدم یاقومی نیستم، من‌دوست عالم هستم. من‌فقط این‌رامی خواهم‌که هرکس وهرقوم درخانه یا مملکت خود با آزادی وآرام باشد وجنگ و جدل‌ازدنیا زایل شود . مهند ر اپراتاب خادم عالم راقسم هندوستان دوست‌بوده است)) (۱).

۱ـ مهند راپراتاب ،((یك ضروری‌خط))سراج الاخبار،سال ۱۹۱۶، شماره ۱۷،ص۰٤.

به قول مولانا عبیدالله: ((پیش‌ازینکه هیات رهسپار شود من‌بااعضای هیات جرمنی (گاه‌گاهی) ملاقات می‌نمودم که‌دراین جریان همکاردرست من‌عبدالهادی (که مسولیت ترجمانی‌میان‌مارا رابه‌عهده‌داشت) بدرد من خورد وچون‌راجاصاحب نمی‌خواست‌که هندوستانی ها بااعضای جرمنی ملاقات کند وهمینکه ملاقات مسلسل‌مارا باهیات جرمنی دید راجا صاحب (پلان) دعوت شمولیت در حکو مت‌موقت هند رابه من پیش نمود، او چنین میپنداشت که شاید من‌این اشتراك را نپذیرم زیرا که برای‌شمولیت در این حکومت‌بارا جا صاحب بجا آوردن حلف ضروری بود مگرمن به‌بسیارخوشی‌آنرا قبول کردم وجلف نامه میان ما رد وبدل شد که منظور نمودند(۱).

((حکومت موقت هند در شام‌اول‌دسمبر (نزده پانزده) میلادی که مصادف با سالروز تولدی مهندرا پراتاب بود ویك تعداد رفقهای‌هندی وجرمنی منجمله کپتان نیدرمایر، فن‌هنتنگ ،کپتان کاظم‌بیگ،داکتر منیر بیگ سرطبیب شفا خانه ملکی کابل‌که تعداد شان‌به‌ده‌نفر می‌رسید، دراتاقی واقع باغ‌بابر اجتماع نموده بودند. این‌گردهم آیی که‌سرآغاز نخستین حکومت موقت در کابل‌بود، درآن مهند راپراتاب به‌حیث رئیس دولت،مولوی برکت الله به حیث‌صدراعظم وعبیدالله سندی که‌هنگام ورود هیات‌ترك‌وجرمنی ازهندبکابل رسیده بودبه صفت وزیر داخله و منیر بیگ کلمات تشویق کننده بیان‌داشتند)) (۲).

((حکومت موقت رابه این غرض بنا نهادند تادرنتیجه قیام پیروزمند هند اختیار را بدست گیرد.))(۳)

۱ـ محمدسرور کاتب، هفت سال‌در سفر ، ص ٦٦.

۲ـ سید سعد الدین‌هاشمی، نقش‌افغانستان در آزادی هند ،ص۹۳.

۳ـ یو،ای،مانکوفسکی، تاریخ پاکستان ،ج،۱ ،ص۵۸.

حکومت موقت هند درابتدامتشکل ازهمین سه نفر بودند وبعد تعداد آن زیاد شد ((چنانچه مولوی بشیر(مولوی عبدالرحیم) به صفت وزیر دفاع، جام پاکرامن پلاتی بحیث وزیرخارجه، محمدعلی به حیث وزیر مختار شمشیر سنگ (مهتراسنگ)عبد العزیز ، عبد الباری و بسیاری دیگران)) (۱).

((علاوه از هندیان یك تعداد ترکان والمانها نیزدر حکومت موقت شامل شدند ...

متعاقبا حکومت موقت تجویزگرفت که علاوه از کابل در نیپال وبنگال نیز حکومت موقت آزاد تشکیل گردد.)) (۲).

اگر چه حبیب الله روابط سردمابانه بااین تبعید شده گان داشت بر علاوه دولت حبیب الله فعالیتهای آن حکومت را در داخل افغانستان مجال نشناخت وروسای آن به ممالك دیگرعزیمت کردند.)) (۳) « والی برعکس حبیب الله سردار نصرالله ،شهزاده امان الله، اعضای پارتی جنگ باآنان تماس بسیار نزدیك داشتند ...مساعی این حکومت موقت از همان بدو تاسیس رهنمایی مستقیم تبلیغات وواژگون ساختن بر تانیه از هند وهم مجهز ساختن انقلابیون هندی بابمب واسلحه بود .

اعضای حکومت موقت غالبا بـ شهزاده امان الله وعنایت الله بازدید نموده ودریکی ازاین ملاقات های اجتماعی کاظم بیگ نیزاشتراك داشت. همینکه حکومت موقت پابه عرصه وجود گذاشت ،دست انلر کار شده وفیصله کردندکه باقدرت های خارجی درتماس آیند ودر عین زمان پیشنهاد کردند که اگر حبیب الله برضد برتانیه داخل جنگ شود، اورا بحیث

۱ـ اکبر شاه ، دآزادی تلاش، (کابل مطبعه دولتی سال ۱۳۶۶)، ص۷.

۲ـ سید سعد الدین ها شمی نقش افغانستان در آزادی هند، ص۹۳.

۳ـ میر غلام محمد غبار ،افغانستان درمسیر تاریخ، ص ۴۶۱.

پادشاه انتخاب خواهند کردودرموردقدرت های خارجی تجویز گرفتند که نما یندگان خودرا به روسیه، جرمنی، هند، چین وجاپان بفرستند همان بودکه تجویز گرفتند هیاتی رابه روسیه تزاری اعزام دارند))(۱) که درترتیب آن میتراسنگ وخوشی محمد به آنها اعزام شدند که شرح مفصل آن(دربحث فعالیتهای سیاسی هیات با روسیه) خواهد آمد .

((پس از سفر این هیات مهندراپراتاب تصمیم گرفت که هیات دیگری به ترکیه فرستاده شود ولی آنان در حوالی محمود آباد ایران توسط گارد روسی دستگیر و به انگلیسها تسلیم داده شد))،(۲). هیات سومی که شامل عبدالقادر وداکتر میتراسنگ بود از راه روسیه روانه چین وجاپان شدند. این هیات حامل خطوط مهند راپراتاب وبرکت الله عنوانی داکترسن یات سن(چین)ومیکاد ور شهنشاه جاپان بود. آنها از راه تر کستان روسی سفر کردند ودر آنجا بدست حکام تزاری گرفتار گردیده ،در مشهد به جنرال قونسل بریتانیا سپرده وبه لاهور آورده شدند .)) (۳)

نتیجه اولین پروتست حکومت هندبرتانوی آن بودکه شیخ محمد ابراهیم ومولوی محمد علی(ابن نفر غیرازمیرزاعلی است)ازوظیفه شان در مکتب حبیبیه سبکدوش شدند. عزیز احمد برادر زاده مولانا عبیدالله که درمکتب حبیبیه محصل بود از مکتب اخراج گردید وشیخ محمد ابراهیم و مولوی محمد علی مقصودی در سرحد آزاد نزد حاجی ترنگزایی رفتند ودر آغازدر میان مجاهدین بود وباش می کردند ،از جمله محمد ابراهیم بعد از سپری نمودن مدت چند تصمیم گرفت تاازراه افغانستان به روسیه برود ولی او حین سفر در باغستان ازطرف دزدان یابه گمان

۱- سیدسعد الدین ها شمی، نقش افغانستان در آزادی هند، ص٦٤.

۲- محمدسرورکاتب ، هفت سال درسفر، ص ۸۵.

۳- عبد الحی حبیبی، جنبش مشروطیت در افغانستان ،ص۹٦.

اغلب از طرف عمال انگلیسی بـــه شهادت رسید .... (۱)

برای اینکه به فعالیتهای سیاسی حکومت موقت هند در کابل پی‌برده باشیم ضرورت می افتد تا اینگونـه فعالیتها راالی سال نزده نزده کـه ختم دوره حبیب الله میباشد درنظر گرفته قرار ذیل به‌بحث میپر دازیم:

۱ـتنظیم هندیان در کابل .

۲ـ فعالیت حکو مت موقت هنددر داخل هند .

۳ـ فعالیت حکو مت موقت هنددر کشور های خارجه چون:روسیه، ترکیه ،آلمان وسایر کشور ها.

۱ـمحمدسرور کاتب،هفت سال در سفر ،ص ۸۶.

تنظیم هندیان در کابل

طوریکه گفتیم قبل از تشکیـــل حکومت موقت هنددسته های مختلفی ازهندیان وارد کابل شده بودند، با تاسیس حکومت موقت ایجاب مینمود تامیان این دسته های مختلف هندوستانی که آراسته اندیشه های گوناگـــون بودند اتحاد وهمبستگی ایجاد شود. که پی ریزی این فعالیتها حکو مـت موقت راتحت عناوین جمعیت محصلان لاهور ونهضت جنودربانیه (لشکر- خداوند) ذیـلا بهشرح می‌رسانیم:

الف- جمعیت محصلان لاهور:

آغاز جنگ اول جها نی در (نزده چهارده میلادی) وشمولیت ترکیه در جنگ، جهانی هیجانی را در بیـــن مسلمانان سرتاسر هند تولید کرده که البته محصلان هندی نیز از آن مستثنی مانده نمی توانستند .درکتاب تحریك شیخ الهند چنین تذکر داده شده است که روزی کار تون شیـخ الاسلام ترکیه در اخبار گرافیـــگ بنشر رسید اورا درحالتی نشان می‌داد که فتوای جهاد رابرای مسلما نـــان تبلیغ ونشر میکردودرپهلوی تصویر برسبیل تسمخر این الفاظ تحریـرشده بود:(الله واکبر قیصر رسول- الله) محصلان از دیدن این کارتون متاثر شده آنرا یك عمل توهین انگیز

برتانیه به اسلام دانستند ومحصلان بعد از جلسه فیصله کردند که در کشوریکه اینقدر توهین با اسلام نماید باید از آن هجرت کرد (بمنظور این هدف) اولا به افغانستان رفته واز آنجا به کمك حکومت افغانستان به ترکیه بروند وبه جهاد شامل شوند، این عهدوپیمان شان باسوگند وامضا صورت گرفت اسمای شان قرارذیل است :

۱ـ عبدالحمید پسر محمد حسین ازناحیه لودیانه (بنام مستعاریحیی) محصل سال دوم لاهور .

۲ـ خوشی محمد پسر جان محمد ازجلندر (بنام مستعار محمد علی) محصل سال دوم لاهور .

۳ـ رحمت ولی پسر کرم الهی ازلاهور (بنام مستعار ذکریا) محصل سال دو م لاهور .

٤ـ محمدحسن پسر غلام نبی از لاهور(بنام مستعار یعقوب) محصل سال دو م لاهور .

٥ـ نواحسین بی، ای پسر سیداکبرشاه از پوهنځی حقوق لاهور.

٦ـ شیخ عبدالله پسر شیخ عبدالقادر (بنام مستعار صادق) از سال چهارم تورنمنت کالج لاهور .

۷ـ الله نوازپسر خان بهادرنواز از شهر ملتان (بنام مستعار محمد عمر) تورنمنت کاج لاهور.

۸ـ ظفر حسن پسرحافظعظیم الدین آرین ازکرنال محصل سال چهارم تورنمنت کالج لاهور .

۹ـ عبدالرشید سید حافظ عبدا لطیف از لاهور (بنام‌مستعار یوسف) محصل سال چهارم از تورنمنت کالج لاهور .

۱۰ـ محمد حسین بنام مستعار (عبدالباری)ازنعل پور .

۱۱ـ شیخ عبدالقادر (بنام مستعار اسمعیل) از تورنمنت کالج لاهور.

۱۲-عبدالله بی،ای (بنام مستعار ،صادق) سال چهارم تورنمنت کالج لاهور.

۱۳- شجاع الله (بنام‌مستعارمحمدیونس) ازلاهور سال دوم پوهنځی کالج لاهور .

۱٤-شجاع نواز برادر الله نواز (بنام مستعار محمد) که شخص بی سواد بود .

۱۵- شیخ عبدالحق جدید السلام(بنام مستعار الیاس) (۱).

((محصلان مذکور برهنمایی یک‌نفر بنام علم‌الدین نخست به‌اسمش مرکز مجاهدین در سرحد آزادرسیدند ...)) (۲).

با مولوی نعمت‌الله جانشین مولوی‌عبدالکریم امیر المجاهدین صحبت کردند، آنان اراده داشتند که ازطریق علاقه بنیر در سرحد راه‌ورود عساکرترکیه را بازنماید ، تاجاییکه‌اسناد نشان میدهد محصلان در اسمش در یافتند که‌مولانا ابوالکلام‌آزاد در صحبت خود به شیخ‌عبدالله مشوره داده بود که نبایداز هندخارج‌شوند ولی به‌اثر اصرار عبدالمجید وعبیدالله این مهاجرت صورت گرفت. محصلان مذکور از اسمش نخست روانه جلال آبادشدند واواخرمارچ (نزده پانزده)به آنجا رسیدند چون پاسپورت نداشتندمورد سوال‌پولیس قرار گرفته وزندانی شدند. مامورین مسوول آنانرا درمی نزده‌پانزده به‌کابل فرستادند ابتدا در توانوالی‌وبعدادرکوچه عاشقان‌وعارفان‌تحت‌نظارت گرفته شدند . چندی بعدازآنها تقاضا به عمل آمد که‌یابه‌هند باز گردند یااینکه تعهد نمایند که بدسته های بیش از دوسه نفری‌گشت وگذار نکرده با هندیان کابل هیچ‌نوع ارتباط نداشته باشند هم‌زمان بازندانی شدن آنها یك گروپ

---

۱ -سیدسعد الدین‌هاشمی، نقش‌افغانستان در آزادی هند،ص‌ص ۱۱۹-۱۲۰.

۲- سید سعدالدین هاشمی، نقش‌افغانستان در آزادی هند،ص ۱۲۱.

چهار نفری متعلمین کوهات نیز ازراه‌تیرا وارد افغانستان شدند (۱) که اسمای شان قرار ذیل‌است:

۱ـ فقیر شاه‌متعلم مکتب‌کوهات.

۲ـ عبداللطیف از کوهات محصل‌اسلامیه کالیج

۳ـ عبدالحمید کشمیری ازپولیس‌کوهات .(۲)

این هر دو گروپ در کابل یکجا زندانی بودند ، این وضع تازمان آمدن مولوی عبدالرحیم پیام آورامیر المجاهدین بکابل دوام کرد، مولوی مذکور با سردار نصر الله‌تماس گرفت واین وضع باعث شد تافشار برمحصلان مورد نظر تخفیف یابد و بایشان گفته شدکه‌باحاجی عبدالرزاق نفر مورداعتماد واطمینان‌سرادر نصرالله مامور خفیه رابطه داشته باشند.البته این زمان‌مصادف به‌ورودهیات‌ترك وجرمنی‌مهندراپرا ـ تاب‌ومولانا عبیدالله سندی بکابل‌بود، وورود آنان به کابل ومجاهدت شان((در آزادی محصلان)) لاهورموثر افتاد.

باوجود هدایات جدی امیرحبیب الله در قسمت عدم تماس محصلان با اعضای‌هیات ترك‌وجرمن‌تماسهای مخفی آنان بااین هیات و اعضای حکومت موقت آغاز شده وفعالیت آنان که سازمان عبیدالله یعنی اگست(۱۹۱۵)بدون هدف‌مانده‌بود واوبامساعی خویش ایشانرابرای یك هدف مشترك دعوت نمود(۳).

((به قول عبیدالله سندی ازجمله اینها یك نفر شاگرد تعلیم یافته‌هند وستانی (به‌اسم عبدالباری) که در کابل بود در نظرداشت که به ترکیه رفته شریك جنگ شود واودرکابل محبوس گردید ،بود .چنانکه من (عبیدالله) که‌باحسن ملاقات باسردار نصرالله اورا ازحراست‌پولیس آزاد

۱ـ همان اثر، ص ۱۲۲.

۲ـ همان اثر، ص ۱۲۰.

۳ـ سید سعدالدین هاشمی، نقش افغانستان در آزادی هند ،ص۱۲۲.

ساختم وبرای بودوباوش وی خانه ایکه مادرآن بسرمی بردیم تعیین گردید، وی بازهم خیال رفتن به ترکیه را درسر داشت من ازاو خواهش کردم که خیال رفتن به ترکیه را ازسر خود ترك کند ودرکابل تا جا ییکه حکومت (افغان) اجازه می‌دهد همراه ماکار کند ... دراین وقت در بین جوانان لاهوری چند جوان پشاوری هم بود که بعدا میان آنها دودستگی پیداشد ورفته رفته نسبت عامل بیکاری بین خود جوانان لاهوری نیز کشیدگی به میان آمد... بناء من آنهارا تنظیم بخشیدم وازجمله آنها یکنفر جوان عبدالباری نام را درصدر آن جماعت تعیین نمودم که واسطه ارتباط من با این جمعیت همین جوان بود (۱).

((ازاین تاریخ به بعد آنها سهم بارزگرفتند ودر مجلس سری که غالبا در دفتر منیربیگ ویا منزل حاجی عبدالرزاق صورت می گرفت اشتراك می‌ورزیدند . مولوی عبدالرحیم نیز درهمین مشوره گاه مخفی بااعضای حکومت موقت هند وهیات ترك وجرمنی ملاقات میکرد وباغالب اعضای پارتی جنگ تماسهاداشتند...))(۲).

باید افزود که اینها تنها نبودندقبل از ایشان وبعد ازین هایك تعداد زیاد افغانهای هندی و هندی‌ها واردکابل شدند (۳) که تحت تاثیر حکومت موقت به فعالیتهای سیاسی می پرداختند که عبارت بودند از:

((قاضی عبدالولی ،مولوی سیف الرحمن ایوبندی (اصلا قندهاری)، دکتر فقیر محمد بنوتی، مولوی عبداللطیف کوهاتی ،حکیم اسلم خان، قاضی محمود خان سنجری ،صاحبزاده ذکریا، فقیراحمد ،غلام رضا ، ذوالفقار ،میرمحمد صدیق، تورن علی دوست ،مولوی محمدعلی ،پروفیسور تاریخ مولوی محمد صدیق ،محمد یعقوب سکاوت معاون شعبه انتلیجنت

۱-محمدسرور کاتب ،هفت سال در سفر ، ص ٦١.

۲-سید سعدالدین هاشمی ،نقش افغانستان در آزادی هند ،ص ۱۲۲.

۳- همان اثر ، ص ۱۱۹.

سرویس کویته ،افضل قادر پشاوری،شیرعلی ،میربخش کوهاتی ،محمد نعیم، میرصاحب خان، برادر ش ،چند نفر سرداران سدوزایی پنجاب، وسرداران کویته، شیخ‌محمدابراهیم‌سندی ،مولوی محمد علی منصوری، علی عباس بخاری، مولوی فضل‌ربی‌دیوبندی پنجابی ، عبدالرزاق ، مولوی محمد اکبر، داکترنور محمد،سید عبدالله ،معروف به شاه چی‌که نام اصلی اش قربان حسین بود،ومولوی جمال الدین وداکتر قریشی داکتر سید عبدالغنی شاه، داکترسید سعدالدین ،داکتر عبدالروف، داکتر احمدعلی داکتر عبدالحمید،داکتر محمدعلی ، داکتر جوا هری، داکتر عبیدالله ، داکتر دلاور علی‌خان، داکتر هاشمی ، عبدالخالق، بابو خان، حاجی عبدالغفور،حاجی‌عباس وامثال هم ..... (۱)

جنود ربانیه (لشکر خداوندی):

در نزده شانزده میلادی حکو مت موقت هند درکابل برای آزادی هند از چنگال استعمار برتانیه پلان دیگری راطرح کردند که نام آن را (جنود ربانیه) دادند (۲)((حزب‌جنود الله هم دراول مرکب از مجاهدین هندی بود بعدا یکعده افغانهای پیرو حاجی ترنگ زایی در کابل آمده در این حزب شامل شدند))(۳).

((تهداب این نهضت را محصلان‌مهاجر هندی تشکیل‌می دادندچنانچه هریك ازآنا ن وظایف بزرگ نظامی‌را درآن حاصل کردند ،مرکز اصلی وعمومی آن‌مدینه و قاید (جنرال‌آن)محمد الحسن تعیین شد.مراکزثانوی آن قسطنطنیه، تهران وکابل تعیین‌گردید ، مولانا عبیدالله قوماندان و قایم مقام جنرال را در کابل دارابودومراکز درجه سوم که مقام نفت

۱ـمیر غلام محمد غبار،افغانستان‌در میسر تاریخ، ص۴۶۳.

۲ـ سید سعد الدین هاشمی، نقش افغانستان‌درآزادی هند،ص۱۲.

۳ـمیر غلام محمدغبار ،افغانستان‌در مسیر تاریخ ، ص ۴۶۱.

جنرال را دارابود ودرسایر دولتهای اسلامی تحت اثر کفار تعیین گردید. درجدول سونفر حامی (سلطان ترکیه ، سلطان احمد قاجار شاه فارس وامیر حبیب الله) دوازده فیلدمارشال که بابعضی از انان حتی مشوره هم نشده بود ،عباس حلیمی پاشا، شریف مکه ،سردار نصردار ،سردار عنایت الله ،نظام حیدر آباد والی بهود پال، نواب رام پور، نظام بهاولپور، رئیس مجاهدین ، و لیعهد عثمانی ، صدر اعظم دولت عثمانی، دونفر جنرال (مولانا محمود الحسن ومولانا عبیدالله سندی) سی نفر لفسنتت جنرال ، مولانامحی الدین، مولانا عبدالرحیم ،مولانا غلام محمد از بهاو لپو، مولانا تاج محمد سندی، مولانا حسین احمد مدنی، مولوی حمدالله ، حاجی ترانگ زایی، داکتر انصاری ، حکیم عبدا لرزاق، ملا صاحب بابراکه دربین قبایل سالار زایی وهلمندنفوذ زیاد داشت، ملاکوهستانی (دردسمبر نزده پانزده در سوات برقوچ برتانیه حمله کرد) جان صاحب باجور، مولوی ابراهیم ، مولوی محمود میان، حاجی بصیر احمد، شیخ عبد العزیز حلیم آبادی، مولوی عبد الرحیم عظیم آبادی ، مولوی عبدالله غازی پور، نواب مشیرالدین احمد مولوی عبدالباری ،ابوالکلام آزاد، مولانامحمدعلی مولانا شوکت علی، مولانا ناظرعلی، حسرت موهانی ،مولوی عبدالقادرقصوری ،مولوی برکت الله پهوپالی، پیراسدالله شاه(سندی) ده نفر لفننت کرنیل ،افضل محمود، محمد حسن بی.ای مهاجر ،شیخ عبدالله بی.ای مهاجر ،ظفر حسن بی.ای مهاجر، الله نواز بی.ای مهاجر، رحمت علی بی.ای مهاجر، حاجی شاه بخش سندی ،مولوی عبدالقادر دین پوری، مولوی غلام نبی ،محمد علی سندی، پنج نفر مجر: شاه نواز، عبدالرحمن، عبدالحق، دونفر کپتان (محمد سلیم، کریم بخش) یك نفر لفسنتت نادرشاه.

نظری به جدول فوق نشان میدهد که ازتعداد تورن ها، تعدادجنرالها اضافه تربنظر می رسد وغالباهدف آن بود که رتبه پایین را به افسران و مامورین جدید الورود واگذارند.

به هرکیف حکومت موقت جنودربانیه درپی آن بود که افغانستان را بطرفداری جرمنی وترکیه در جنگ شامل سازند در عین زمان مردم سرحد آزاد مسلمانان نیم قاره هندرا تشویق به طغیان وقیام علیه امپریالزم برتانیه نمایند .

ولی اعلان بی‌طرفی امیرحبیب‌الله پیشرفت این پلان هارا خنثی ساخت ومانند این بود که آب برآتش وهیجانات ریخته شد (۱).

۱ــ سید سعدالدین هاشمی، نقش افغانستان در آزادی هند ،ص‌ص ۱۲۵ــ۱۲۷.

فعالیت در داخل هند

درصفحات قبل تذکر داده شدکه کابل مرکز فعا لیتهای سیاسی و تحریکات ضد انگلیس قرار گرفت تاسیس حکومت موقت هند درکابل یکی از پلانهای این حکومت آن بودکه ازیکطرف خودرا باحکو مت ترکیه متحد سازد واز سوی دیگر باآزادیخواهان هند مکاتبه داشته باشندتا مطابق پلان ناآرامی هاومشکلات درخاك هند علیه برتانیه را ایجـــاد نمایند (۱).

بنابرآن برایمعلومات مزید در اینمبحث این گونه فعالیتهای حکو مت موقت هندرا تحت عناوین نامه های ابریشمی وتحریکات در سر حدآزاد ذیلا مطالعه می نماییم:

الف نامه های ابریشمی:

با امید اینکه عنقر یب ازطرف افغانستان حملات نظامی برضـــد بریتانیا در خاك هند آغاز خواهـد گردید ودر آنجا درهندوستان آشوب هاوبغاوت هاشروع خواهد شـــد آمدند ، مکاتیب ابریشمی عبارت از وطرفداران خود در هند در تماس حکومت آزاد موقتی هند بادوستان آنمراوداتی بودکه ازطرف عبیدالله بنام مولانا محمدحسن شیخالهندبه مکه معظمه صورت می گرفت (۲).

۱ــ سید سعد الدین هاشمی، نقش افغانستان در آزادی هند ،ص ۱۲۳.

۲ــ دکتوراس، این، پراسارد، مجله ادب، سال ۱۳٤٥، ص ۱۸۹.

((مولانا عبیدالله سندی‌شخصیت‌برجسته ووزیر داخله در حکو مت موقت در کابل کوشید که ارتبـاط‌خودرا بارفیق وهمکار قبلی خـــود محمود الحسن قایم سازد همان بودکه یك نامه مطولی بـه ضمیمه‌نامه های دیگری به اسم عین شخص‌که‌تاریخ آن (نه جولای نزده شا نزده) بود قبلا توسط محمد میان انصاری‌که‌دراین وقت در کابل بود نوشته شده بود . ...

مکاتیب سه‌گانه‌باابریشم زردروی پارچه هابود واضمح بـــزبان اردو نگاشته شده بود.

از ترس آنکه مبادا بدست‌برتانویان افتد، بطور غیر مستقیم به هدف اصلی رسانیده شود)) (۱)

وقضیه این مکاتیب چنان است‌که عبیدالله سندی خطوط را بـــر دستمالهای ابریشمی مینوشت کـــه‌ظاهرا دیده نمی شد ولـی مرسل‌الیه میتوانست بعد از انجام یـــك‌عمل کیمیاوی آنرا بخواند. (۲).

این نامه بامضا مولانا عبیدالله سندی بنام عبدالرحیم و مـــولانـا محمد اسحق آدرس مضمون شده‌بود نامه‌راعبیدالله‌سندی‌به‌عبدالحق‌سپرد تا اوآنها رابه محمد میان‌انصاری‌درمهانپور برساند اوبه نوبه خودآنها را به‌حیدر آبادسندبه‌شیخ‌عبدالرحیم‌بفرستد عبدالرحیم آخرین شخـص بود که نامه‌هارا باکمال‌مهارت‌توسط‌کدام نفر به حاجی مولانا مـحمود‌الحسن در مدینه تسلیم دهد .

البته مکتوب سومی نامه‌توضیحی‌برای عبدالرحیم بود، در این نامـه تذکر رفته‌بودکه به‌مولانامحمودالحسن‌تحریری وشفاهی خبر داده شودکه

۱ـ سید سعدالدین هاشمی، نقش افغانستان در آزادی هند ،ص۱۲۳.

۲ـ عبدالحی حبیبی ،جنبش‌مشروطیت در افغانستان ، ص ۹٤.

بکابل بیاید ونیز مولوی عبدالرحیم کوشش نماید که خود رابه کابل برساند وباعبیدالله ملاقات نماید.(۱)

در مکاتیب دوگانه محمود الحسن ازاهداف وپروگرامهای حکومت موقت هندوجنودالله (لشکرخداوندی) گذارش داده شده بود وجنود الله سه حامی داشت وآنها عبارت بودنداز سلطان ترکیه، شاه فارس وامیر افغانستان .

دراین نامه ها معلومات داده شده بود که هیات جرمنی بازگشت کردند وترکها هانوز موجوداند، ولی بدون آنکه کدام کاری را انجام دهند محصلان مهاجرا ازهند فرار کرده اندو آتش طغیان رادر علاقه سند، باجور، سوات ومناطق دیگر برافروخته اندوتوزیع (غالب نامه) درین مناطق تاثیر بارز نموده است .حکومت موقت هند تشکیل شده است وشروغ تاسیس مراکز درهندوطرح اتحاد با قدرتهای دیگری نموده است ودراین راه کامیابی هایی نصیب شده است ومحصلان مذکور اعضای فعال این پلان ها میباشند بعدا نویسنده مکتوب معلومات مفصل راجع به جنود ربانیه میداد))(۲) ودر آن ((پلانی طرح گردیده بود که مردم هند اعم ازمسلمانان وهندوها بایك اشاره معین قیام نمایند البته مردم پشتون قبایل سرحدی ودسته های نظامی افغانستان به کمك ایشان خواهند شتافت واز طرف سایر ممالك اسلامی نیز به ایشان کمك صورت میگیرد .اگر در نتیجه این قیام هندپیروز گرددد هندبرای تمام مردم آن به خاطر تامین حقوق دیموکراتیك جمهوریت اعلان خواهد گردید وبه این ترتیب محمود الحسن وعبیدالله سندی وسایر دسیسه کاران اندر این قیام

۱- سیدسعدالدین هاشمی، نقش افغانستان در آزادی هند ، ص ۱۲۳و مجله ادب ،سال ٥٤،ص۱۸۹.

۲- همان اثر ،ص ۱۲٤

عمومی هند کسانی بودند که بامردم‌هند رابطه نزدیك داشتند (۱).

((سلسله مکاتیب ابریشمی از هم گسیخت وبه ناکامی مواجه شد زیرا شیخ عبدالحق که همراه محصلان پنجابی به‌کابل‌آمده بود وملازم‌الله‌نواز بود خیانت کردوبه‌عوض اینکه‌این‌نامه های سری وخصوصی رابه هدف اصلی اش برساند بدست‌خان‌بهادر، رب‌نواز ملتانی، پدرالله نواز (بعدها که سفیرافغانستان‌دربرلین‌بود)داد. نامه هاتوسط رب‌نواز به مایکل ادوایر گورنر جنرال پنجاب تقدیم شد ،گورنر مذکور پی بردکه نامه‌ها واجد اهمیت فروان است لذاآنرا به سمله فرستاد. دفتر جرایم ضبط احوالات پی برد که یك توطیه‌وپلان عظیم در جریان است لذا درپی خنثی‌کردن آن‌برآمد وبدین ترتیب‌اسرار تحریك شیخ الهند ومولانا عبیدالله بر ملاشد پولیس بادریافت‌نامه هادست بااقدامات زدودر حدود پنجاه نفررا بازداشت وزندانی‌نمود.برتانوی هادر حجاز شریف مکی را برضد خلیفه دراستانول برافروخت‌وبدین ترتیب نهضت اسلامی را ضعیف ساختند .

در دسمبر(نزده شانزده) مولانامحمود الحسن قبل از آنکه به سرحد آزاد برسد باچهار نفر همکارا نش‌در محل دستگیر گردید. نخست به مصرو بعدا به مالتافرستاده شد ودرآنجا زندانی گردید وبدینسان این اقدام نا کام سا خته شد محمودالحسن بعد از سه سال وهفت ماه یعنی در (هشت) جون(نزده بیست)رهاشد وبه هند بازگشت)) (۲).

این نکته رانیز باید بخاطرداشت که احساس این‌نامه ها باعث ((احتجاج انگلیس بالای حکو مت‌افغانستان وحکومت موقت هند شد که درنتیجه آن‌باید منصور انصاری‌ومولاناسیف الزحمن به باغستان

۱ـیو.دی کانکوفسکی ،تاریخ پاکستان ،جلد اول،ص ۵۹.

۲ـسید سعد الدین‌هاشمی، نقش‌افغانستان در آزادی هند، ص‌ص ۱۲۴ـ۱۲۵، ومجله ادب،سال۱۳۵۴،ص ۱۹۰.

اعزام شوند آن‌دو تاجلال‌آباد باهم‌همراه بودند وامادر جلال‌آباد سیف الرحمن را انگلیس باخود گرفت(وباهم‌وعده همکاری دادند.) وبعدا مهمان مستوفی الممالك بود وتااخر حکومت حبیب‌الله باوی باقی ماند کاری‌که مستوفی الممالك برای تاییدانگلیسها انجام می‌داد سیف الرحمن اورا یاری می‌رساند .))(۱) چنانکه درواقعه بدست آوردن غالب نامه درهند مستوفی الممالك را همین شخص رهنمایی کرده بود که شرح آن‌در بخش روابط حکومت موقت با ترکیه خواهد آمد .

ب- تحریکات در قبایل آزاد :

طوریکه که گفتیم از شروع قرن(نزده) دسته های مختلف ومبارز هندوستانی به منظور آزادی هند درسرحدات افغانستان‌سرازیرشدندودر حقیقت مبارزین آزادیخوا هند چون‌مولوی سید احمد شهید ومولوی اسمیعل‌شهید وسایرین‌به آن‌مفکوره‌بودند که بهترین محل جهت براه انداختن فعالیتها ومبارزات شان‌مناطق قبایلی یاسرحدی می باشدکه بین افغانستان وهند قرار داشته‌است وآنها این منطقه رابه حیث مرکز فعالیتها خویش انتخاب کردندتادر آنجا اسلحه وسپاهی جانباز بسیج نمایند علاوه‌برآن‌جوانان قبایل‌همیشه آماده جهاد اند ونیز قوی هیکل وجانباز میباشند. (۲)

آغاز قرن بیستم حرکت آزادی‌خواهی کانگرس در هند بود(۳) که مصادف با دوره‌حبیب الله بود.امیر مذکور روابط دوستانه با انگلیسها داشت ،درچنین شرایطی ناآرامی‌هادرمناطق قبایل آزاد همجوار بروز می‌نمود ودر عقب این ناآرامی ها‌ازجانب افغانستان سردار نصر الله

۱ـ محمد سرور کاتب ،هفت‌سال‌درسفر ،ص ۸۹.
۲ـ همان اثر ،ص.۱۰.
۳ـ عبدالحی حبیبی ، جنبش‌مشروطیت ، ص ۷۹.

که شخص مذهبی ویکی از مخالفین سرسخت انگلیس بود قرار داشت چنانکه در سال (۱۹۰۷ میلادی) ذکا خیل افریدی از کابل بازدید نمود ونصرالله خان علاوه ازاینکه معاشات آنان رازیاد کرد باایشان در قسمت خرید تفنگ واسلحه وتفنگهای جدید که از طریق خلیج فارس بدست آورده میشد کمك مینمود وبااین اسلحه بودکه در (نزده هشت) پیروان ذکا خیل برپشاور حمله کردند وبرتانیه را مجبور باجرای بعضی تقاضا ها وخواهشات خود نمودند (۱).

((مخصوصا باشروع جنگ اول جهانی که ترکیه به طرفداری آلمان وبرضد برتانیه داخل جنگ شده مفکوره پان اسلامیك (سید جمال الدین افغان) به طرفداری ترکیه اوج گرفت از جمله مبارزین هندرابه این فکرانداخت تاطرفداری دولت افغانستان رادراین معامله کسب نمایند دست به تحرکات ضد انگلیس به سرحدات بزنندتاباشدکه ازطرف دولت افغانستان ازاین جابر بالای هندحمله صورت گیرد در چنین فرصت بود که درهند رهبر آزادیخواهان هند شیخ الهند که خود راخلف سیاسی سید احمد بریلوی شهید ومحمد اسمعیل شهید همکار او می دانست فیصله کردکه انگلیسهارا بزوراسلحه باید از هند خارج کرد (۲).

((برخی از پیشوایان مسلمانان هندبه اشاره وتلقین شیخ الهند مولانا محمود الحسن حرکات آزادی خواهی را در داخل هند وخارج هند ادامه دادند که ازآن جمله مولانا ابوالکلام آزاد ومولانا محمدعلی جوهر وقاسم اجمل خان ونواب وقار الملك وداکتر مختار احمد انصاری ومولانا تاج محمود امروتی وغیره بودند (۳).

۱ـ میر غلام محمد غبار ،افغانستان در مسیر تاریخ ، ص ٤٦١.

۲ـ عبدالحی حبیبی ، جنبش مشروطیت ، ص.۸.

۳ـ میر غلام محمد غبار، افغانستان درمیس تاریخ، ص٤٦١.

((بنا شیخ الهند محمود الحسن حاجی ترنگ زایی را ازموضوع مطلع ساخت ولازم دانست که به باغستان برود وحتمی قرار داد که حاجی مذکور روحیه جهاد را دربین مردم سرحد تقویت کند وعلیه انگلیس تحریك شان نماید .اوبه باغستان رفت ودر آنجاجمع کثیری ازمجاهدین راگرد آورد.)) (۱) شیخ الهند((به این مقصد یك عده آزادیخواهان هند را در کابل و سرحد ات آزاد افغانی که روحیه جهاد درآن قوی نگهداشته شده بود ونیز به غرض استمداد وفعالیت اعزام نمود چنانچه در جون (نزده پانزده) چهار نفر محر کین به شمول حاجی ترنگ زایی که قبلا ذکرش رفت ومولوی های مهاجر یعنی مولوی سیف الرحمن مدرس مسجد فتح پوردهلی ،مولوی فضل ربی ومولوی فضل محمود به سرحدروانه شدند، آنان وظیفه داشتند تابین قبایل مفکوره جهاد راتحریك نمایند وعلیه برتانیه طغیان رابراه اندازند.همه اینان لیدرهای مجرب وخطرناك جهاد درصوبه سرحد محسوب شدند (۲).

((بعد ازچند مدتی جنگ شروع شد ومجاهدین پیروزی های شایانی بدست آوردند ولی دراین اثنا انگلیس ازراه دیپلوماسی سرادران قبایل را باز داشت وآنها راشکست دادنتیجه این شدکه مجاهدین به شیخ الهند این پیغام رافرستادند که :((الحمدالله مابهادران بسیار داریم ولی اسلحه وجود ندارد آنچه که مواد وخواروباروا سلحه با خود آورده بودند در شرف اختتام است، اگر کار توس میسر شود ماباتوپ وتفنگ وتانك مقابله کرده میتوانیم ... شما آنرامهیا دارید ... بنابرآن اراده شیخ الهند تغییر یافته ومولانا عبید الله را به آن مقصد به کابل اعزام نمود)) (۳)، «خرد شیخ الهند نیز درابتدا خواست که به سرحد آزاد برود ولی

۱ـ محمدسرور کاتب، هفت سال درسفر، ص۱۱.

۲ـ سید سعد الدین هاشمی نقش افغانستان در آزادی هند، ص ۱۲۸.

۳ـ محمدسرور کاتب، هفت سال درسفر، ص ۱۱۲.

بعدا به لحاظ اینکه حکام برتانوی در آن زمان فعالیت زیاد درسرحد داشتند وبه جزیی ترین اشتباه‌مردم راتوقیف میکردند، ازاین مفکوره منصرف شد وعازم حجاز گردید. ودر عربستان باانورپاشاوجمال‌پادشاه داخل مذاکره شد واعلان جهاد بنام مسلمانان بر ضد استعمار ارو پایی هابه امضا غالب پاشاه ترکیه درمکه بنام غالب نامه معروف شده است فرستاد... که توسط سیف الرحمن در قبایل پخش شدکه آنرا به‌تعرض بالای پنجاب‌تشویق میکرد. این‌نامه هاوتبلیغات موثر افتاد و نارامی هاتوسط قبایل شروع شد)) (۱) ولی در مقابل انگلیسها فعالیت های تدا فعی وتعرضی راعلیه مبارزین آغاز کردند وآن بدین ترتیب:

((عساکر زیادی از نقاط مختلف هند جمع وبه سرحد رسانیدند بین عوام تبلیغ کردند که‌جهاد بدون‌حکم پادشاه جوا زندارد پول‌را مثل آب مصرف نمودند ، نماینده گان خودرابه سردارن قبایل فرستادند تاکه در دادن پول ومال مردم دیگر راکه برای مجاهدین وخاجی ترنگ زیی کمك می‌کردند مانع شوند در بین عوام مردم سرحد تبلیغ کردند که پادشاه افغانستان ،پادشا هان‌مردمان مسلمان سرحد است .

مسلمانان باید به امیرحبیب‌الله‌بیعت وجهاد بکنند وباید مردم تا وقتی انتظار بکشند که‌امیردوصوف بیرق‌جهاد رابلند کند، لازم است بیعت جهاد به کاغذ نوشته شود وامضا شودودرمقابل به‌امیرحبیب‌الله باغهای سبز رانشان دادند که بعدازجنگ فلان ویا فلان وعده راعملی میکند (۲).

((همچنان ورودهیات ترك‌وجرمن نه‌تنها بحران وناآرامی‌رادر افغانستان خلق کرد بلکه منبع ناآرامی هاواضطرا ب در سر حد آزاد هند

۱ـ سید سعدالدین‌هاشمی، نقش‌افغانستان در آزادی هند، ص ۱۲۹.
۲ـ سیدسعدالدین هاشمی، نقش افغانستان در آزادی هند، ص۱۲۹.

گردید.)(۱) وازطرف‌هم‌امیرحبیب‌الله نظر به‌ملحوظات‌سیاسی‌واقتصادی‌نیز تصمیم گرفت تابتاریخ(بیست‌و نو)جنوری (نزده شانزده) در لویه‌جرگه اعلان‌کند که وی بیطرفی خـــود راحفظمیکند .مردم افغانستان وسرحد آزاد که منتظر اعلان جهاد بودنـــداز‌این تصمیم مایوس شدند ،ولـــی اقدامات افغانها درطرد نفوذاستعماربه اینجا خاموش نشد فعالیتهای‌شان ادامه داشت چنانچه سردار نصرالله خان که شخصی بانفوذ ی‌بود بـــه هیات ترك وجرمن اظهار دشت که اوبرخلاف تصمیم امیر حبـیب‌الله داخل اقدام شده‌رهبری قبایل‌سرحدرا دردست گرفته است وعلیه‌برتا‌نیه به‌پیکار آغاز نموده اســـت واعضای هیات ترك وجرمن نیز کـه بازبانهای محلی آشنایی داشتنـــد وبدان وسیله می توانستند با مـــردم تماس گیرند بصورت موثر دربیـــن‌قبایل سرحد اعمال نفوذکردند))(۲) دراین زمان کابل مرکز فعالیتـــهای‌آزادیخواهان هند گردید وقسمیکـــه قبلا نیـــز تـــذکـــر داده شـــده‌اســـت حکو مت مو قت هـــند) حزب (جنودالله) جمعیت مجاهدیـــن‌هندی در همین جابا تایید ســـردار نصرالله به میان آمدویکتعداد زیادهندیان وافغانهای سرحـــد آزاد در اینجا گرد هم جمع‌شدند وبه‌فعالیت‌های جدی پرداختند. (۳)

بنا در ارتباط بانچه که تاکنون گفته آمدیم‌در حقیقت تشکیل حکومت موقت‌هند درکابل بربنای یکی ازاین‌پایه های فکری(تحریکات در بیـــن قبایل سرحدات آزاد) استوار بودو به این‌ترتیب اعضای فعال وسایـــر کسانیکه بعدا ذکر فعالیتهای شـــان‌می‌آید در ارتباط باحکومت موقـــت هند اشتراك مساعی همه جانبه‌داشته‌اند ودوشا دوش هم‌قدم می‌گذشتند

۱ـ همان اثر، ص.۱۳۰.

۲ـ همان اثر،ص ۱۲۸.

۳ـ همان اثر، ص ۱۳۰.

میتوان ادعا نمود که چنین شخصیت های مبارز هندی در حقیقت امریکی از جمله مشمولین ویا ازجمله اعضای مهم حکومت موقت هند بشمار می روند . چنانکه به این مقصد((حکومت موقت هند درکابل به عبید الله وفتح‌محمد سندی یك تعدادمکاتیب وپیام هارا تسلیم کرد تاآنرا به هند برده به شیخ عبدالرحیم سندی‌واحمد علی د هلوی وفضل الحق بر- سانند ودرزمره این مکاتیب نامه‌ای بود که بزبان‌دری‌بنام مولانا‌ابوالکلام آزاد وفضل الحق وداکتر انصاری نوشته شده بود ودر آن تجارب‌و مقاصد خودرا توضیح‌داده‌بود))(۱)و نیز مبارزین ومجاهدین سرشناس هندرا ازقبیل مولوی عبدالرحیم لاهوری ،مولوی محمد بشیر وکیل المجاهدین (که مسولیت وزارت‌دفاع حکومت موقت را بدوش داشت) ورفقهایش در چهرکنند (یکی ازمراکز مجاهدین)مولوی یعقوب حسن،عبدا- لرشید ، نعمت الله وتقریبا هشتادنفردیگر در باجور،تیرا، وزیرستان وغیره(۲) تحت رهنمایی واشتراك‌مساعی حکومت موقت هند در کابل به فعالیت می‌پرداختند ،از جمله مولوی عبدالرحیم مبارز مشهور هندی در اوایل سال (نزده شانزده)پول واسلحه از کابل باخود گرفته وبه قبایل سرحد رسانید وسپس‌از اشتراك درجنگی که کالا سنگ (عضو حکومت موقت) نیزدر آن‌حصه‌داشت دوباره بکابل آمدند ودر این جنگ مجاهدین بنیره ومهمند داخل‌جنگ بودند وحاجی ترنگ زایی سرکرده قبایل مهمند بوده مولوی‌عبدالرحیم قبایل آزاد را متحد ساخته‌وعده وفاداری به امیر افغانستان وجهاد علیه برتانیه را ازآنها حاصل کرد .

این اسناد توسط او به سر دار نصرالله سپرده شد، شجاع الله‌پسر شیخ حبیب الله در راپور خودتذکرداده است که مولوی عبدالرحیم

۱ــسید سعدالدین هاشمی، نقش افغانستان در آزادی هند، ص ۱۱٤.
۲ــمیرغلام محمد غبار،افغانستا ن در میسر تاریخ، ص ٤٦۲.

معروف به مولوی محمد بشیر پسر رحیم بخش یکی ازشخصیت های بسیار متعصب واحساساتی بوده درتحریکات انقلابی سرحدات آزادسهم فعال داشت ودر قسمت کمك در فرارمجاهدین و مهاجرت طلاب لاهوربا افغانستان بهمنظور اشتراك در جهاد علیه برتانیه تعهد خاص شانرا نموده بود، اساس آنرا او گذاشت وی درغیاب عبدالکریم رئیس مجاهد ین وظیفه اش راانجام می داد وگاه گاهی به کابل غرض اخذ کمك ومشوره می آمد ودرکابل (بااعضای حکومت موقت) باسردارنصرالله وحاجی عبدالرزاق بازدیددمیکرد ودرحقیقت نماینده سردار نصرالله در سرحد بود، سردار نصرالله به اوصلاحیت داده بود که هرشخص راکه باخود می آورد مستقیما پاسپورت افغانی برایش داده شود .

او مکاتیب ونامه های نصرالله خان رابه خوانین قبایل سرحد می برد معاش سالانه خوانین متذکر از طرف سردار نصرالله پرداخته میشد غالب مجالس او در منزل حاجی عبدالرزاق صورت می گرفت ومولوی عبدالرحیم فعالیت خود را بیحدمخفی نگهمیداشت .در جولای (نزده شانزده) مولوی مذکور محمد حسین، عبدالرشید ،شهنواز ، محمد علی کندی ودونفر مهاجر دیگر را بهعلاقه های سرحد آزاد روانه کرد تا در آنجا مطبعه ای برای چاپ اوراق باغیانه تاسیس کند.

راپور متذکره علاوه میکند که مولوی عبدالرحیم پول امدادی راکه از سردار نصرالله بدست می آورد از آن در خرید اسلحه از قبیل تفنگ ، تفنگچه ، شمشیر ساخت سرحد آزاد ، ساخت کارخانه کابل وساخت اروپا در دکان های اسلحه فروشی کابل صرف میکرد. چنانچه که او روزی به خانه عبدالرحیم رفته بود درحدود هفتاد عدد تفنگ مارتین و انباری گلوله کارتوس را درمنزل وی مشاهده کرده بود ، این اسلحه

به مردم قبایل فرستاده میشـــدهمرای مو لوی عبدالر حیم، داکتر گوجر سنگـک ه در سال (۱۹۱٦) همرای مولوی عبدالرحیم ، داکتـر صدرالدین بکابل رسیده بود ...و در (۱۹۱۸) در جنگهای سرحـدی شرکت داشت . داکتر میتراسنگ، داکتر صدرالدین و آزادیخواهان دیگر او را کمك میکردند..(۱)

((از فعالیتهای دیگر مو لـــوی عبدالرحیم درسرحدات قبایل عبدالرزاق صاحب گفت :((وقتیکه به کابـل رسیدم متوجه شدم که مولانا عبداـ لرحیم که نام خود را محمد بشیـــر نهاده بود به همرای چند مجا هدین وچند قاطر در مقابل من تصـــادف کرد مرا دید و گفت :پس برو ! من به بنیره رفتم ودر آنجا مولـوی محمد ولی نیز آمد ه بود ومـــن در خانه او بصورت خفیه بسر می بردم برعلاوه او این کار را نیز بمـــن حواله نمود تابه هندو ستان رفتـه واز راه های خفیه مجا هدین رابـه سرحد بیاورم ، من به این کار اقدام کردم ... در مدت دو سال پنجصد مجاهد رابه علاقه قبایل رسانیدم. مولوی بشیر احمدگفت که مجاهدین با سواد وتعلیم وتربیه یافته ضرورت است تابه آنها تعلیم جنگ گوریلائی داده شود وساختن بم وبکار بردن آنرا بیاموزند ...)) (۲)

هرنام سنگ و داکتر میتراسنگ که هردو اعضای حکومت مو قـــت ونیزدرپارتی ضد بریتانیه در کابل شامل بودند به سرحد آزاد رفتـه ومشترکا مقالات انقلابی برای جریده (گاید زمردان) که مدیر آن هرچرن

۱ـ سید سعد الدین هاشمـــی، نقش افغا نستان در آزادی هنـــد، ص ص ۱۳٤ـ ۱۳۵ .

۲ـ محمد سرور کاتب، هفت سال سفر، ص ۱۱۳.

سنگ بود می نوشتند ، اکثـــــر مسایل مربوط قبایل آزاد را سردار نصرالله توسط معتمد خود حاجـی عبدالرزاق اجرا میکرد ...

قدرت و صلاحیت او به اندازه‌یی بود که پاسپورت بعضی‌از انقلابیون هندی به امضای او صادر میشد... وحاجی مذکور که بین نصر الله و قبایل سرحد آزاد واسطه بود چنان این وظیفه مهم و خطیر را انجـــام داده که یك نو بت مورد قهروعتاب امیر حبیب الله قرار گرفت وامربـه کندن ریش او نمود . (۱)

وبالاخره در اثر فعالیت چنیـن‌مبارزین راه آزادی بـــود کـــه در (نزده هفده) تاخت‌وتاز های‌متشتت‌وپراگنده به‌یك رستاخیز و قیـــام عمومی‌قبیله مسعودمنجر گردیدودرد سر شدید برا ی‌برتانیه خلق‌کردند. (۲)

باقی فعالیتها را در سر حـــدآزاد در بخش دوره امانیه موردبحث قرار خواهیم داد .

بااین همه فعالیتها ی‌که درسرحد ات آزاد به منظور آزادی هـنـد در مناطق باغستان براه انداخته شـد چه نتایجی را باخود داشت که‌بـه جواب این سوال در کتاب هفت‌سال در سفر پرداخته شده‌است که‌ازقول عبیدالله سندی چنین تذکر به‌عمل آمده است :

((دراین وقت نه تنها مردم‌هند بلکه خواص آن مثل مولانا محمـد علی ، مولانا ابوالکلام آزاد،حضرت شیخ‌الهند و دیگر بزرگان در چنین یك اشتباهی در گیر بود ند وفکر میکردند که باغستان را به حیـث

۱ـ سید سعد الدین هاشمـــی، نقش افغانستان در آزادی هنـــد، ص ص ۱۳٤ـ ۱۳۵ .

۲ـ همان اثر،ص ۱۳٤.

مرکز مبارزه خویش انتخاب کنند و این منطقه ایست که در بین افغانستان وهندوستان واقع شده‌که مردم آنجا همیشه برای جهاد آماده اند واگر آنها متحد ومتفق گردانیده شوند وروح جهاد درآنها دمیده شود یك طاقت بزرگی را خواهد ساخت .

این چنین‌طرز تلقی و اشتباه آمیز از اکنون بمیان نیامده بود بلکه از آن موقعیکه حکومت هند ازدست آنها رفته بود به آن اشتباه افتاده بودند، چنانکه حضرت‌سید احمد شهید وحضرت‌شاه اسمعیل شهید فدا وقربانی چنین‌یك اشتباهی گردیدند .

مولانا سید حسین احمد در(نزده پانزده) در مورد مجا هدین هند (که به این مقصد وفکربه‌باغستان رفته بودند) چنین یاد آور میشود: ((مجاهدین کی صبر کرده‌میتوانند آنها پی هم حملات متواتر را انجام نموده اند . دسته دسته‌دشمنان را مانند زردك و ملی سر بریدند و همینکه این لشکر یان به‌پیش رفتند ،امداد وسایر مواد غذایی و سلاح بالای شان بند شد، دیگر هزار هانه بلکه صد هزارها نابود شدند و صد ها هزار روپیه‌اموال تلف شد.

ولی گذشت تاریخ این را نشان‌داد که مردم قبایل آزاد آنقدر در بین خود بی اتفاق اند که اصلامتحد ومتفق‌ساختن آنها محال‌خواهد بود ولی همینکه بالای‌اینها ازجانب‌شرق یاغرب حمله ای صورت گرفته حمله آوران تاب مقاومت آنها را نداشته اند.چه اگراین‌حمله ازجانب مغلها یابابریا سکها بوده باشد یااز جانب پاد شاهان ایران ودیگران. همچنانی که این قبایل دارای‌یك اخوت مجتمع نیستند واز طرف‌دیگر

باتفنگهای دست داشته مقابله کردن باتوپ وسلاح مدرن دلیل شکست آشکار است .

علاوه برین جادوی پول بالای این قبایل آنقدر تاثیر دارد که ضرورت به تذکر آن نیست همچنان به آسانی میتوان آنهارا باهم انداخت که با یك باد سرسری متلاشی میشوند که امید به داشتن این چنین یك قوت جز ساده لوحی چیز بیش نیست .

به اساس همین سنجش غلط در مورد طاقت قبایل بود که ازهمه بیشتر حضرت سید احمد شهید ورفقایش انجام دادند وبه این ترتیب که این بزرگان در (هژده هژده)میلادی یك تحریك بزرگ اسلامی را ایجاد کردند که نظیر آن و جودندارد وآنها برای جان نثاری وجان فشانی مجاهدین زیادی را گردآورده به باغستان آوردند که تا از آنجا بالای هندو ستان حمله نمایند ،مسلمانان بار دیگر آزادی ازدست رفته خود را بدست آورند .ولی این همه جدوجهد نابود شد، به این مفهوم که حضرت شیخ الهندو رفقایش در سنه (هژده سی و هفت) شهید شدند ودر این موقع این همان قبایل آزاد بودند که بعضی مجاهدین هندو ستانی را چوروچپاول وغارت کردند)) (۱)چنا نکه موضوع را خان عبدالغفار خان زعیم ملی پشتونها در سرحد آزاد نیز چنین تایید کرده که سید احمدنسبت بی حرمتی که از جانب سکها به نوامیس پشتونها صورت گرفته بود ... کمر غیرت بسته و ننگ پشتونها را بجا آورد وعلیه سکها اعلان جهاد نمود ولی پشونها در پشتیبانی او وطرفدا را نش همت وغیرت نکردند... وقتی این مردم بی خبر قبایل به اتهام وهابیت (اصلاحات مذهبی)بسیاری از آنان را کشتند و یا بسیاری ازآنهارادر علاقه هزاره درحوالی دریای اباسینند متواری ساختند ویا اینکه عده ازین مردم را به سکها سپردند تا بدست

۱- محمد سرور کاتب، هفت سال در سفر، ص ص ۱۴-۱۶.

آنهاچوروچپاول و بقتل رسانیده‌شدند (۱)البته خواننده محترم جهت معلومات مزید در این رابطه به‌کتاب(زماژوندا وجد وجهد)خان عبدالغفار خان صفحات (۸—۹) مراجعه نمایند .

به قول مولانا عبید الله بنا به‌توجه ایکه در کوه های باغستان شد اگر درسرزمین همجوار صورت‌میگرفت آیا حال مسلمانان به این حالت میبود ؟...

آینده‌گان نیز این بد قسمتی راکه ناشی از بزرگان شان بود... بازهم باغستان را مرکز فعالیتهای خود قرار دادند واز جمله شیخ‌الهند که خود نیز مرتکب چنین سهوی گردید . ...

و لی آنها دیدند (۲۰) یا (سی) سالی که در آنجا تکلیف کشیدند و موهای سر خودراسفید ساختند ،بالاخره نا امیدانه دل شکسته به‌وطن خود عودت‌نمودند وبه بسیار تاسف اظهار نمودند : ای‌کاش !!!آن قدرکار رادر وطن خود مینمودیم ... (۲)

۱ــ خان عبدالغفار خان ، زماژونداوجدو جهد، ص‌ص ۸ــ۹.

۲ــ محمد سرور کاتب، هفت‌سال در سفر، ص‌ص ۱۶ــ۱۷.

فعالیت در کشورهای خارجی

یکی دیگر از جهات اساسی فعالیت حکومت موقت هند فعالیت وتحکیم روابط سیاسی با کشورهای خارجی چون ترکیه، المان، روسیه، جاپان وسایر کشور ها بوده که ما اینگو نه روا بط و فعا لیتها رادرهر یك از کشور های مذکور به‌ترتیب هم مورد بحث قرار میدهیم .

الف ـ روابط و فعالیت سیاسی باترکیه:

باید گفت که همدردی مسلمانان هند باترکیه سابقه طولانی داشته و این همدر دی مخصو صا از مفکوره پا ن اسلامیزم سید جمال ا لدین افغان در قرن نزدهم شروع شد و بیشتر اوج گرفت .

در حقیقت حمایت از خلافت عثمانی یك شعار ضد انگلیس و همچون ضربه بود ه است که مسلما نان روشنفکر فعال هند در مبارزات نا سنیو نالیزم استعماری ازآن استفاده می کردند .عامل دوم موجب پدید آمدن این نهضت همانا روشن شدن خصلت شیطانی استعمار انگلیس به‌دولتهای کوچك از جانب دیگر درتجزیه دولت مقتدراز جمله اسلامی

بـه دولـتهـا ی‌کوچك ازجانب‌دیگر بوده لذا انگیزه روح مسـلمانا ن وبه الهام روشن بینی ودقت نظـرخود نهضت خلافت را براه انداخت وبه حمایت از دولت عثمانی بـــرخاسته بود بعدا زمانیکه مغلوبیـت ترکیه در جنگ ایتالیا و تریبو ن سال (نزده یازده) وجنگهای بالقـان (نزده دوازده ونزده سیزده) بـــه‌گوش آنان رسید مخالفت کشـور های اسلامی از جمله هند شـــروع‌شد. (۱)

ابوالکلام آزاد از طریق جریده اردو زبان الهلال (نزده دوازده) ومولانا محمدعلی از طریق اخبـــار انگلیسی عامرید(نزده یك) وهمدرد (نزده یازده)، مظفر علی خان‌توسـط اخبار (زمین‌داور)لاهورعلیه‌انگلیس ها مشاجره کرد و ازجمله در سال (نزده دوازده) یك هیات بـــزرگ طبی به سر کردگی داکتر انصاری به ترکیه همراه باپول امدادی‌وکمکی اعانه که حتی فقیر ترین مـــــردم داوطلبان داده‌بودند فرستاده شـد (۲)

که در قطار اول ملیت خوا هان‌هند احراز موقع کرده بود. رهبری این هیات وظیفه داشت تامیانجیگری میان ترکیه‌و ایتالیا را ایفا نماید وحتی که‌به‌کشور خود هندبازگشت‌درجه انزجار ونفرت او از دولـــت برتانیه دوبالا شده بود .... که دراین وقت نهضت‌ملی اسلامی‌درهندـ ستان بیش از بیش تقویه یافته‌بود واین نهضت از مو قف ترکیه جدا حمایت می کرد (۳) « به‌تعقیب‌آن... آغاز جنگ عمومی اول‌وهند احساسات همنوایی و همدردی کـه‌نسبت به ترکیه وجود داشت زیرا

۱ـ فضل الدین توفیق، نقـــش‌افغانستان در جنبش آزادیخواهانه، هند، ص ۱۵.

۲ـ جواهر لعل نهرو، نگاهـی‌بتاریخ جهان، ص ۱۴۲۲.

۳ـ فضل الدین توفیق، نقش‌افغانستان در جنبش آزادی خوا هانه‌هند ،ص۲۰.

ترکیه مرکز خلافت اسلامی درمورد علاقه مسلمانان هند بود بر علاوه از کشور آسیایی بود که در مقابـــل بریتانیا ومتفقین اروپایی اش قرار گرفته بود می جنگید ،همه دلـشان می خواست که المان شکست سختی بر بریتانیا وارد سازد)) (۱).

به این ترتیب ((باجریان جنـــگ عمومی اول ،پلان براه انداختن برتانیه تهیه گردید محمودالحسن ازدیوبند، به کمك داکتر انصاری و دیـــگران.

عبیدالله سندی (فتح محمد، محمدعلی) راغرض اخذ کمك به افغانستان فرستادند متعاقبا حکومت مو قت هنددر کابل تاسیس شد و محمود الحسن برای حصول کمك (دردسمبر سال نزده پانزده)رهسپار مکه معظمه شد.

در مورد یاد داشتهای سری بریتانیای هند این واقعه گزارش یافته است... محمود الحسن با یکدسته از مولـویان می خواهند که درجهاد با افسران ترکی ملاقات ومشوره بنمایند ... محمودحسن با نایب پا شاه در حال چیدن توطیه برضد بریتانیااست ،درحجازفتوای برای جهاد داده شد ه که بنام نویسنده اش (غالب پاشا) به غالبنامه مسمی است که در هند وستان بود وبه محمد میان انصاری که در سهـانپور که یك عضوی از دسته محمود حسن است ....

به هندوستان فرستاد... از ایـن غالبنامه برای تحریك در بین قبایل میان هند ـ افغا نستان به اندازه کافی استفاده به عمل آمده ونسخه هـای تکثیرشده در بین مردم هندو ستان نیز پخش شده است (۲).

((در راپور نوشته شـده بود در دسامبر (۱۹۱٦) مولانا محمد حسـن و چهار رفیق وی بدست بریتانوی ها گرفتار شدند که حالا به حیث اسیر جنگی در یك مستعمره انگلیس بنام جزیره مالتا نظر بندهستندوغالب-

---

۱ـ جواهرلعل نهرو ،نگاهی بتاریخ جهان، ص ۱٤۲۲ .

۲ـ فضل الدین توفیق ، نقش افغانستان در جنبش آزادی خواهانه هند ، ص ۲۲ .

پاشا که‌درین نامه امضا نموده بود نیز به حیث یك اسیر جنگی‌میباشد و اواقرار نموده است که محمـود حسن و جماعتش بوی‌یك یادداشت را تقدیم کرده بودمن بالای آن‌امضا نمودم که متن این نامه قرار ذیـل است :

مسلمانان آسیا ، افریقا و اروپاانواع خوب سلاح را بدست گرفته برای جهاد برآیند.سپاس مرخدای‌بزرگـــ است که . . . و مجاـ هدین‌بر بالا دشمنان اسلام غالـــب‌شده اند . پس ای مسلمانان بـر ضد حکومت‌ظالم کفر قیام کنید که‌در غلامی اش گر فتار هستید وبه عزم راسخ و سرعت تمام دشمـن‌را در پرتگاه مرگ بُیندازید .

وبدین طریق نفرت و عداوت‌خودرانسبت به این دشمن مکار به‌اثبات برسانید واین برای‌شما معلوم‌خواهد بود که‌مولوی حسن‌احمد که‌مدرس سابق دیوبند بود نزد ما آمده وبه‌ما مشوره نموده و رای ما را طلـب نمود مادرین باره باوی متفق هستیم‌و به وی هدایت لازم داده ایم واگر آنها را کمك کنید ... (۱)

بهر حال حکومت دولت هند که‌در کابل تاسیس یافته بود بـــا شیخ محمد الحسن و سایر مبارزین‌در تماس‌بودچنانچه یك‌نسخه ازین نامه عنوانی عبیدالله سندی‌وحکومت‌موقت هند نیز ارسال یافته بود .

در موقعیکه به‌حکومت هندوستان‌اطلاع رسید که مولانا شیخ الهند خط را از انور پاشاه مبنی به‌فتوای‌جهاد علیه انگلیس گرفته به هندـ وستان ارسال داشته است، آن خط‌به نزد اکا بر دیو بند درکدام‌جایی محفوظ است برای بدست آوردن‌این‌خط هر قدر کوششس که از جانـب انگلیس در هند صورت گرفـــت،کامیابی بدست نیامد و از حکومت حبیب‌الله درین مورد کمك مطالبـه‌نموده بناء برای انجام‌اینکارمستوـ فی‌الممالك به‌استشاره سیف‌الرحمن‌این شخصی نخست عضویت‌حکومت

۱ـ محمد سرور کاتب ، هفـت سال در سفر ، ص‌ص ۹۰ـ ۹۳ .

موقت را دارا بود ... و بعد با انگلیسها پیوست که قبلا به آن اشاره شده است یکنفر را که شاگرد قدیمی شیخ الهند بود ... و با او خصوصیات داشت در داخل افغانستان پیدا نمود و برای وی گفته شد که اعلیحضرت کاغذی را میخواهد و او را به این مقصد به هند اعزام کرد، گویند که برای نامبرده شك و شبه ای پیدا شد ... ازینرو خط بدست نیامد بعد ازین مردم احتیاط پسند آن خط را سوختاندند (۱).

برعلاوه فعالیت فوق تاسیس حزب جنود ربانیه و ارسال نامه های ابریشمی نیز موید این حقیقت است که حکومت موقت هند از طریق محمود حسن و رفقایش با حکومت عثمانی ها باهم در ارتباط بوده و مقدماتی را برای آزادی هند طرح نموده بودند.

از طرف دیگر هیات ترك و جرمنی مادامیکه مقاصد اولیه خود را در افغانستان عملی نتوانست بناء برای پیشبرد اهداف آینده شان موقعیکه حکومت موقت هند تاسیس شد در عضویت این حکومت شامل شدند و به کمك و رهنمایی هایی سردار نصرالله خان نایب السلطه به فعالیت آغاز نمودند و حکومت موقت هند نیز بنابر اهم بودن رابطه با ترکیه عثمانی تصمیم گرفت که هیات سیاسی خویشرا جانب استانبول اعزام دارد که در ترکیب آن داکتر شجاع و عبدالباری شامل بودند . هیات مذکور درحوالی محمود آباد ایران دستگیر و به انگلیس سپرده شد و این فعالیت عقیم ساخته شد .

ولی آنعده ترکها که درعضویت حکومت موقت هند شامل بودند بیکار نه نشستند و برای اینکه به سود خود ازتوقف اجباری درآن سامان استفاده نموده باشند مصمم شدند تا مسلمانان ترکستان - به خصوص ترکمن ها را تحریك کنند و فتنه و بلوا کنند ... که کاظم بی

۱- محمد سرور کاتب، هفت سال در سفر، ص ص ۸۹- ۹۰.

عضو ترکی ((حکومت موقت)) وبرکت‌الله این‌فعالیت را تحریـــک می نمودند (۱) .

بر علاوه آنها دست به فعالیتها در بین قبایل آزاد نیز زدند ....در مـاه جنوری (۱۹۱۶م) نماینده‌برتانیه در کابل اطلاع داد که چهارنفر ازاعضای هیات ترکی اجازه حاصل کردند که از جلال آباد دیدن‌نموده‌و مراکز نظامی را در بخش شرقـی معاینه کنند، یك‌هفته بعد تر همیـن نماینده راپورداد که‌بعضی ازاعضای‌هیات به حیث نماینده موظف‌گردیده اند تا از منطقه مهمند و وزیردیدن‌نمایند)) (۲) همچنان کمشنر بر— یتانوی در سرحد شمال غرب درماه‌جولای (۱۹۱۶)اطلاع دادکه برعلاوه دسته هاییکه به تیرا وبا جورفر ستاده شده دسته های دیگرترکها به همرای افریدی های فراری بـه‌سرحد مسعود ونزدیك چمن رفتـه اند ودر ماه‌اگست سال (۱۹۱۶)روز کیپیل‌یاد داشت‌نموده بود :... چنان می نماید که ترکها بر بیـــم‌و حراس‌روزهای نخست شان چیره شده و حالا بیشتر فعال گردیده‌اندآنها دربین‌اورکزی وقبایل کوچکتری که به سرحد کرم واقع است ،مسا فرت نموده‌اند.اگر آنها این مبارزه را دراوایل تابستان شروع‌میکردندباعث آزار و اذیت بیشتری می‌گر— دیدند .اماحالا وقت به آنها همدردی‌نمی کند ،هواسرد شده میرود و آنها قرار معمول در چنین موســـم‌رهسپار دیار هند می گردند .

...این کمشنر عقیده داشت که‌همکاری بین‌ترکها ونصرالله برقرار است زیرا ارتباط کاروانهای پسته‌به صورت آشکار بین نصراللـــه و ترکها عطف توجه مینمود .(۳)

همچنان در حکومت موقت چهار قطعه فتوای شیخ السلام (ترکیه‌را)

۱ــ لودیك آدمك ، تاریخ روابط سیاسی‌افغانستان ،ص‌ص ۱۲۹ــ۱۳۰.
۲ــ همان اثر، ص ۱۲۸.
۳ــ ایضا ، ص‌ص ۱۳۰ــ ۱۱۳.

که به چاپ رسیده بود این فتواها به حمدالله، فضل الحق وابوالکلام آزاد فرستاده شد در نامه فتوای که به اسمی ابوالکلام آزاد فرستاده شده بود از آمدن وی به کابل ذکری به عمل آمده بود وقتیکه این نامه به ابوالکلام آزاد رسید او حاضر شد به کابل سفر کند))(۱) .

همین طور نهضت خلافت که در اثنای جنگ جهانی اول (۱۹۱٤) بوقوع پیوست و این نهضت مدت سه سال (۱۹۲۰ تا ۱۹۲۳) پی در پی قوت میگرفت (۲) حکومت موقت نیز ازین نهضت پشتیبانی کامل نموده و بادست اندر کاران این نهضت تماس مستقیم داشته تا مسلمانان با نهضت های ملی هند متحد وممزوج گشته و یک جبهه واحد برعلیه انگلستان تشکیل دهند.

۱- سید سعدالدین هاشمی ، نقش افغانستان در آزادی هند ،ص ۱۱٤.

۲- علي اصغر حکمت ،سرزمین هند ... ، ص ۳۷۲ .

رابطهٔ حکومت مؤقت با جرمنی

مبارزات پی هم و انقلابی مـــردم هند روز تاروز علیه بریتانیا افزون میشد (این همه به مامورین مخفی و سیاسی جرمنی فرصت داد که ازین همه عوامل دریك وقت مناسب ونار زك بر ضد بریتانیا استفاده عمـــل بکنند) البته طرح آنها ازین قـــرار بود که در داخل خاك هند برای بریتانیا چنان دردسری ایجاد نمایند که بریتا نیا مجبور شود قسمت از قوای خودرا به عوض میدان اصلـی جنگ باروپا به این صوب برای دفاع در هند معطوف و گسیل دارند .(۱)

((عده ای از هندیان که در آلمان و سایر کشورهای اروپا بودند در برلین گرد آمدند تا بدشمنان انگلستان کمك و برای این منظور کمیته ای ترتیب دهند. به این ترتیب حکومت آلمان هم برای قبول هر نوع کشمکش آماده بود د راین جهت ازین انقلا بیهای هندی مقیم آلمان حسن استقبال کرد (۲) ((تا اینکه جرمنی ها بـــادوکتور چامیاکرامان پیلانی درتا ـ سیس یك جمعیت به نام کمیتـــه طرفدار در هنداز کمك ها ومسافر ـ تهای لازم دریغ نداشتند . (۳) و نیز آلمانها یك موافقتنامه رسمی میان

۱ـ دکتور اس . ان پراساد ، مجله ادب ، سال ٥٤ ،ص ص ۱۸٤ـ ۱۸٥ .

۲ـ جواهر لعل نهرو، نگاهی به تاریخ جهان ، ص ۱٤۲۳ .

۳ ـ دکتور اس .ان پراساد ، مجله ادب ، سال ٥٤، ص ۱۸٥.

طرفین حکومت آلمان و کمیته هندی با امضا رسید که در ضمن آن هندی ها وعده می دادند که در زمان جنگ به حکومت آلمان کمک دهند و آلمان نیز در صورت پیروزی استقلال هند را برسمیت خواهد شناخت .(۱).

((کمیته مذکور در زوریخ تشکیل یافته بود ریاست آنرا دکتور چامپاکرامان پیلاتی به عهده داشت دوکتور ادوارد بریر به حیث نایب رییس و سترالیند کراشنا ورماکارل طبیب تریوبحیث همکاران آنها اجرای وظیفه می کردند .که در آغاز این کمیته مخفی چندمقاله بر ضد بریتانوی که درمطبوعات سویس وجرمنی به نشر سپردند ودر ۱۹۱۳ نشریه های جرمنی و فرانسوی آن باشرح مفصل مقالات توزیع شد .

درسال (۱۹۱٤)چاپاکارمان پیلاتی نزد قونسل جرمنی رفته واوتلاین جنبش انقلابیون هندی را به او تفویض کرد قونسل مذکور وعده داد که ازحکومت خویش اجازه نشر مقالات ضد بریتانوی را در جرمنی حاصل کند ، این تجویزمورد قبول واقع شد ودر اکتوبر همان سال چامپاکارهان پیلاتی ازازرویخ به برلین رفت ودرآنجا قسمیکه در بالا تذکر داده شد تحت نظروزارت خارجه جرمنی بکار خود دوام داد از(۱۹۱٤)به بعد کمیته سابق الذکر که به نام های جمعیت هندی برلین باحزب ملی هند ، برلین شناخته شد شهرت یافت چهار عضومعروف این حزب در آغاز تاسیس آن عبارت بودند از چامپاگرامان پیلاتی وپرتدانات پارهایا، داکتر باب ها کروداکتر عبدالحفیظ به تعقیب آن یك تعداد انقلابیون دیگر هندی خود را از اروپا ، امریکا و هند به برلین رسانیدند » (۲)راجامهندرا پراناب، محمد برکت الله رهبران دسته هندی کامل که در هند بر ضد حکومت حکمروایان بریتانوی بودند نیز به

۱- جواهر لعل نهرو، نگاهی به تاریخ جهان ، ص ۱٤۲۳ .

۲- سید سعدالدین هاشمی، نقش افغانستان در آزادی هند ، ص۸٤.

برلین رسیدند))(۱) به این حزب پیوستند واز جمله سرشناسان جدی و فعال آن حزب گردیدند .

((جرمنها در مرام خود که می خواستند انقلابیون هند بائیست با نهضت اسلامی ائتلاف نمایند و متحدا بر ضد دشمن مشترك عملا داخل اقدام شوند خیلی موفق گردیدند ، یك تعداد زیاد آنها درپی آن بودندتابتوانند همکاریها ومسا عدتهای ترکیه رانیز به نفع ملیت خواهان هندی جلب کنند ... البته درین مرام خود نیز موفق شدند و انور پاشا وزیر دفاع ترکیه بدین امر موافقه نمودکه هیات سیاسی به افغانستان فرستاده شود تا افغا نستان را تشویق کند که برای تحقیق مرام مذکور در کنار ترکیه داخل جنگ گردد .(۲)

طوریکه گفتیم هیات ترك وجرمن وارد افغانستان شدند ودر مقاصد خود در افغانستان به کدام نتیجه‌ای نرسیدند بازهم در تلاش موقع مناسب بودند جهت فعالیتهای آتیه شان تا اینکه متعاقبا حکومت موقت هند ... تاسیس و عضویت آنرا حاصل کردند که ازساحه این حکومت به فعالیت پرداختند ازجمله دوواگنر را میتوان نام برد که نمایندگانی به بخارا ، چار جوی و سمرقند فرستادتا مردم آن سامان را به بلوا علیه انگلیس وا دارد که درین کارکاظم بیگ (ترکی)ومحمد برکت الله(صدر اعظم حکومت موقت) باو همکاری کردند . (۳).

همچنان ، مهند راپراتاب به اساس رابطه قبلی دیرینه که در آلمان داشت و نیز در هیات ترك وجرمنی در رهبری اعضای هندی

۱ــ دکتور . اس .ان .پراساد ،مجله ادب ،س ٥٤،ص ۱۸٥ .

۲ــ فضل الدین توفیق، روابط آزادی خواهانه ....،ص ۸٥.

۳ــ لودیك آدمك ، تاریخ سیاسی افغانستان از محمد عبدالرحمن، ص ص ۱۲۹ ــ ۱۳۰ .

در افغانستان ایفا نمود . بعد از تاسیس حکومت موقت بازهم توجه خودرا به طرف آلمان معطوف نمود و«مکررا هیات سفارتی به جرمنی فرستاد» (۱) وخود نیز تصمیم گرفت تاجهت اخذ کمك به آلمان سفری نماید بناء با کمیته هندی در برلین در تماس شده تا از دولت آلمان اسلحه بدست آورد وآنرا ازطریق مناطق قبایلی پشتو نها برضد حکومت بریتا نوی هند وبه مقصد آزادی هند به کار برده مگر تزار روسی برای مذکور اجازه گذشتن ازروس را نداد ومو قعیکه انقلاب بوژوا دموکراتیك دوم (در جریان انقلاب ۱۹۱۷) به پیروزی رسید باز هم گر سنگی به سفر مهندرا پراتاب از راه روسیه به آلمان موافقه کرد تااینکه با پیروزی انقلاب اکتوبر (۱۹۱۷)خود بلژویکها حاضر به انجام هر نوع همکاری باحکومت موقت هند در کابل گردیدند. (۲). ونیز علاوه بر آن وموقعیکه بین مهند را پرا تاب وحکومت شوراها موافقه به عمل آمد که جنرال سقاف جرمنی صلاحیت پنجصد هزار روبل را به دفتر خارجه شوروی برای پیشرفت این جنبش غرض خود ارادیت هند تسلیم کرد وده عدد طیاره جرمنی به اثر تقاضای کمیته مسکو به مسکو فرستاده شد . تا آمادگی برای تعرض بزرگ بر هند گرفته شده مواضع برای نخایر پترول وغیره مواد درشهر ها، قراوقصبات تعین شد ولی مغلوبیت جرمنی در جنگ نوامبر (۱۹۱۸) تمام آرزوها و طرح های مهند راپراتاب را نقش بر آب ساخت)) .(۳).

علاوه برآن حکومت موقت برای پیشبرد اهداف سیاسی خویش با دولت آلمان از طریق اعضای جرمنی شامل حکومت موقت و باسایر آلمانهای که به این منظور وارد سرحد افغانستان میشدند تماس داشت.

۱ـعبدالحی حبیبی ، جنبش مشروطیت در افغانستان ، ص۱۶.

۲ـ یو . دی کانگوفسکی ،دآزادی به تلاش کی ، ص ۶.

۳ـسید سعدالدین هاشمی، نقش افغانستان در آزادی هند ،ص۱۰۰.

این تنها نبود بلکه دولت آلمان خود نیز به اساس این ارتباطنفرها و جواسیس خود را جهت اخـــذ معلومات از وضع جنگ در هند ویا تماسهای لازم با حکومت موقـــت عندالزوم اعزام می نمودند چنانچه جریده سراج‌الاخبار پرده از روی اینگونه فعالیتها برداشته است که ذیلا به شرح آن میپردازیم :

((از تیلگراف ریوپتر واضـــح میشود که در اواخر ماه فبروری (۱۹۱۷) کاره کرزن به دیوان عام‌در خصو ص‌سر گر می جاسوسان جرمنی درهندوستان یك‌نطق خوانده بود ، بعد از آن لارد کوپو وزیـر هند خیالات هند را درین باب ظاهر کرد و سامعین را به بسیار حیرت انداخت. نتیجه نطق لارد کویو دراین بود که در ممالك مشرق بـــه خصوص سازشهای جرمنی را هیچ‌علم نیست . ریوتر برین در ایـن زمینه می نویسد که درین معاملات باید که زیاد تر از کمك کوپو دیگر هیچ کس واقفیت نمی داشت . ریوتر درین باب یك مقاله مطبوعه اخبار تایمز پیش کرده ظاهرمیکند که سازشهای جرمنی در هندو ـ ستان بکدام حد رسیـــده بود ومینویسد که کاغذات نظارت خارجه ودفتر های خبر رسانی و تفتیش‌جرایم هندو ستان در کاروایی های جاسوسان جرمنی مملو هستند و بلا خوف و تردید گفته میشود که در ضمن خسارات ســـنه (۱۹۱۷) دست سازشهای جرمنی هم میـان شان بود واین ضرورت هم‌محسوس شده بود که اتاشی قونسل جنرال جرمنی مقیم شده بود . کلان ـ کلان شهر هندوستان‌هرقدر که‌سوداگران و ملاها و مالکان ، بنك ودلالتهای جرمنی هستند ، این همگی احوال نویسان خفیه می باشند و نیـــز این معلوم شده بود که بعضـــی اخبارات هندوستان که رویه اشی به طبع مقاله های مغویانه مایل بود مدیران او همراه جرمنیان مذکور ربط و ضبط می داشتند و سرکرده

شورش پسندان مسلمانان هند وستان همرای انور پاشا که زیر اثر جرمنی کار می کردند خط و کتابت می داشتند چند سال شده بود که در کارخانه اسلحه سازی افغانستان یك سرکرده کارخانه گروپ سررشته دار اسلحه خانه مذکور بود ... در سرحد شمالغرب هندوستان هم از اداره های جرمنی متعهد به انکشاف شده است ویقیناً از ده سال گذشته جرمنان درین باب این قدر سرگرمی ظاهر کرده اند که لا علمی لارد کوپوعوام‌رادر حیرت انداخته نمی تواند درین خصوص غیر ازین دیگر چه گفته میشود که ارگان وزارت سابقه درین سختی ها دیده و دانسته چشم پوشی می کردند یا سراسر غافل و بی خبر بودند و با وجود سرباز تنبیه کردن هیچ تاثیر نمیشد (۱).

در جای دیگر تحت عنوان جرمنها تا کجا می روند آینطور به نظر می رسد :

((گرفتاری دونفر جاسوسان جرمنی ـ به همین روزها خبروصول شده که از کوهستان کشمیر دو جرمنی جاسوس گرفتار شدند ، کیفیت چنین است که این هر دو تا کوه منهزه علاقه چترال رشیده‌راه را غلط کردند و یك شخص‌چترالی را پنجصد روپیه داده وعده کردند که ما هردو را راه کابل نشان‌بدهید لاکن شخص مذکور به بهانه اینکه من کالای خود را از خانه می آورم در ده خودرفته سر کرده منهزه را خبر کرد و سرکرده مذکور به پولیتگل ایجنت اطلاع رسانده .پولیتگل هم امر کرد که این هردو گرفتار کرده شوند چنانچه هر دو را زیر حراست نزد پولیتگل ایجنت رساندند او آنهارا تا

۱ـ پ . ن .سراج‌الاخبار سال، ٦ شماره ، ۱۱ ص ۱۵ .

مقام بانه ی پوره زیر نگرانی خود آورد ... که یکی جرنیل است واین هر دو لباس مردم چترال را پوشیده بودند .))(۱)

یك مثال و نمونه مداخله امیر برای جلوگیری از فعالیتهای متهاجمین افغان در قلمرو برتانیه دریك تلگراف بتاریخ (۲۰) ماه جون سال ۱۹۱۶ به قوماندانی عمومی نظامی دوسیمله چنین اطلاع داده شده:

((بعد از شنیدن خبر فتح امیر امر داد :هیچ کسی زیر اثرجرمنها اسم نویسی نکنند و جرمنها به سوی کابل حرکت نه نمایند ... در آن فرصتی که جرمنها قله کنگ را (برای استفاده) درست و آماده می کردند سردار های وادی هیرمند آماده گی میگرفتند تا به پست ها و خطوط ارتباطات و مخابرات برتانیه که در غرب کویته واقع بود بسازند، این خبر به امیر رسید و او به نایب الحکومه قندهار امر داد تا سردار های مزبور را دستگیر نموده به کابل بفر ستند ...))(۲)

وبالاخره آنچه درین مورد وجوددارد در بخش فعا لیتهای این حکومت در زمان دولت امان الله مورد بحث قرار خواهیم داد .

۱ـ ب . ن. جرمنی ها تا کجا میروند ، سراج الاخبار ، سال ٦ شماره ١٦ .

۲ـ لودیك آدمك، تاریخ سیاسی افغانستان از ... ، ص ۱۲۹ .

روابط حکومت مؤقت با روسیه

روابط حکومت موقت هند در کابل با کشور روسیه پیوسته بنابر تحولاتی که در آن کشور روی‌داده است مطالعه میشود که حالات جدا- گانه را سپری نموده است . حالت اول کشاندن توجه دولت تزار به وضع مبارزات در هندوستان علیه بریتانیا و تشویق آن دولت برضد بریتانیا و نیز غرض اخذ کمك از آن دولت به‌منظور ادامه فعالیتهای حکومت وقت بود .

طوریکه گفتیم حکومت موقت در کابل تاسیس و برای اولین بار تصمیم گرفت تا هیاتی را بروسیه تزاری اعزام دارد که سردار نصرالله و حاجی عبدالرزاق نیز درین مشوره شریك بودند ، فیصله مذکور در منزل حاجی عبدالرزاق صورت گرفت.)) (۱)

و(... سردار نصرالله نایب السلطنه این امر را منظور کرد و این معلوم نبود که کدام یك ازهندوستانی هارابرای انجام این ما مو ر یت اعزام دارند که از عهده آن بدرشود. به قول مو لا نا عبیدا لله- سندی که می گفت ما با هر یك ازاشخاص مورد نظر روبرو صحبت کردیم وبالاخره ... در نتیجه مذاکرات روز دوم ... راجا صاحب تجویز گرفت که داکتر میتراسنگ (بنام مستعار شیر سنگ) را به صفت هیات روسی اعزام دارد که مولوی بر کت‌الله این تجویز راجا صاحب را

۱ـ سید سعدالدین هاشمی، نقش افغانستان در آزادی هند ، ص٦٤.

تایید کرد . چون اعضای دیگر این حکومت نیز به مساله ملی داخل هند دلچسپی نداشتند . آنها هم موافق این نظر شدند و تقریبا این مساله به فیصله قطعی رسیده بود. من (عبیدالله سندی) از موقف سیاسی میتراسنگ خوب با خبر بودم ازین جهت تصمیم گرفتم تابه همرای وی یك جوان مسلمان نیز باشد ، راجاصاحب به مباحثه شروع کرد . اصلا هدف من از اشتراك مسلمانان به آن خاطرنبود که در جماعت تاریخی یك اقلیت مسلمانان هم باشد و امور مربوط را غیر مسلم پیش ببرد بلکه(به منظور اتحاد هندو ومسلمانان) در کار های عملی شرکت مسلمانان ضروری است . این مناظره میان ما تا آن جابالا گرفت که تا کنون هیچگاه با چنین تلخی با راجاصاحب صحبت نه نموده بودم موضوع به سردار نصرالله خان تقدیم شد (۱) وبه اثر تجویز نصرالله خان بود که یکنفر مسلمان همراه میتراسنگ به روسیه فرستاده شدند (۲)مولانا گوید از رئیس نوجوان (جهت تحصیل لاهور) برای بسر رساندن این ماموریت یك عضو خواستم او بعد از مشوره با جماعت خود داکتر خوشی محمد را انتخاب کرد .... نام مستعار او میرزامحمدعلی تجویز گردید و به حیث عضو دوم در پهلوی داکتر میتراسنگ انتخاب گردید (۳).

((دو نفر مذکور به صفت هیات ونیز دونفر مستخدم با ایشان همراه ساخته شد که خادم میتراسنگ یك سك کابلی و خادم خوشی محمد یك افغان بود تا به روسیه اعزام شوند (٤) چنا نکه (حکومت موقت بعد از جلسه تصمیم غرض استمداد و جلب همکاری روسیه برای آزادی

۱ـ محمد سرور کاتب ، هفت سال در سفر ، صص ٦۱ـ٦۲ .

۲ـ همان اثر، ص ٦٤.

۳ـ محمد سرور کاتب، هفت سال در سفر ، ص ٦٤.

۳ـ همان اثر، صص ۸۱ـ۸۲.

هند مکتوبی که در آن تعریف وتوصیف نیکلای دوم تزاری برلوحه ای از طلا نوشته توسط میرزامحمد علی (خوشی محمد) و دسمتیرسنگ (میتراسنگ) بروسیه فرستادند . مهند راپراتاب در فعالیت خودبرای برقراری روابط حسنه بین روسیه و جرمنی از آماده‌گی خود اطمینان داده بود و نیز تذکر داده شده بود که اگر افغانستان به‌طرفداری جرمنی در جنگ شامل شود وروسیه مداخله نکند و نیز علاوه شده بود که این خط باید توسط گورنر جنرال روسیه تزار برسد))(۱) .

برعلاوه پلیت والا - خطوطدیگر نیز به امضای برکت‌الله صدراعظم، بنام گورنر جنرال تاشکند و صدر اعظم روسیه نیز با هیات بود .آنان از راه ترمز به تاشکند رسیدندو حکومت تزار را از موضوع آگاه ساخت هیات با ماموران‌رسمی‌بطور خیلی جدی وفصیح‌و صمیمی‌صحبت کردند وبه مقامات روسی گفتندکه افغانستان در جنگ جهاد به هیچ وجه بی علاقه مانده نمی تواند .

وقتیکه به این هیات گفته شدکه روسیه نمی خواهد باجرمنی متحد شود زیرا چانس موفقیت آنها به نظر نمی رسد آنها در جواب گفتند که در مبارزه هندیان درمقابل بریتانوی ها اطمینان دادند که آنان در هندچندان تسلطندارند وشکستخواهند خورد (۲) .

درین وقت انگلیسها مطالبات زیادی از حکومت تزاری به عمل آورده و هیات مذکور راجعل قلمداد کردند ،اگرچه تزار روسیه روی خوشی به‌هیات نشان نداد ولی‌ورود هیات بی اثر نبود چه در اتحادبین روسیه و انگلیس مشکلات ایجاد شد و برای رفع این معضله سفر ره ردکچند حتمی پنداشته شد ، انقلابیون روسیه یك پا مفلیت‌نشر کردند و نیز یاد داشتی به گورنر تاشکند فرستادند (۳)

۱- سید سعدالدین هاشمی، نقش افغانستان در آزادی هند ص٦٤.
۲- سید سعد الدین هاشمی، نقش افغانستان ، در ... ، ص ۹۵ .
۳- محمد سرور کاتب ، هفت‌سال در سفر ، ص‌ص ۸۱-۸۲ .

وقتیکه این هیات واپس بکابل عودت نمود داکتر میتراسنگ نزد سردار نایب‌السلطنه رفت ، نایب السلطنه از چگونگی نتایج سفرآنها از او سوالاتی نمود مگر میتراسنگ در پاسخ فقط همین قدر میگفت که به خیر رفتیم و به خیر آمدیم و بعدا آن سردار نایب‌السلطنه خوشی محمد را نزد خود خواست و کیفیت سفر را از او پرسید احمد علی تمام واقعات را بصورت مختصر نوشته کرده بود کتاب خود را از جیب کشیده و برای امیر تقدیم کرد(که کیفیت سفر در آن بود)و همه گفته ها رابرایش شرح نمود .بعد از آن نایب‌السلطنه از شخص من (عبیدالله)قدردانی زیادی نمود وبه اشخاص خود گفت که اگر ماسخن مولانا عبیدالله را قبول نمی کردیم نفر راجا صاحب یك حرف هم بامن گفته نمیتوانست (۱) .

بعد از آن قرار بود راپراتاب رییس حکومت موقت که به منظور جلب کمك روسیه تزاری در خزان سال(۱۹۱۶) عازم آن کشور شود چنانچه او به این نیت عازم مزار شریف گردیده ودر آنجا از طرف سردار سلیمان‌نایب الحکومه‌آن‌والااستقبال نیك از وی به عمل آمد. آزادیخواه مذکور به موافقه نایب الحکومه افغان کوجارسنگ (کلا-سنگ)رابه روسیه‌فرستاد .موصوف سرحد افغان وروسیه را عبور کرده با جنرال اکو و خادم انگلیس ملاقات کرد مگر نماینده مذکور در بازگشت خود به مزارشریف پیامی باخود آورد که در آن تذکر داده‌شده بود که رفتن مهند راپراتاب به قلمرو روسیه تزاری خطرناك‌است. به تعقیب آن در بهار (۱۹۱۷) مهند راپراتاب به همراهی ازرفقا-یش در حالیکه یك گروپ چهار نفری محافظین افغانی‌آنان راهمراهی میکرد عازم پامیر شدند ...(۲).

۱ـ همان اثر ، ص ۱۸۲.

۲ـ سید سعد الدین هاشمی نقش افغانستان در ... ، ص ۹۸.

حالت دوم ـ استفاده بهتر از وضعی بود که در نتیجه انقلابات بورژوادیموکارتیك روسیه بمیان آمده بود . لنین هنگام بررسی مبارزات ضد استعماری و آسیا این جنبشها را پیروزی آسیا نامید چنانچه بالا گرفتن مبارزه‌آزا دیبخش هند نیز تحت تاثیر انقلاب (۱۹۰۷ و ۱۹۰۵) روسیه بود که خلقهای ستمدیده هند را مانند بسیاری خ لقهای دیگر در خاوربه حرکت آورد (۱). چون‌سیر مبارزات حکومت موقت هند شاخه ای از مبارزات آزادیخواهانه هند محسوب میشود ناگزیر بر/تاثیر این‌تحول‌در فعالیت ها ی اعضای حکومت موقت نیز بی نتیجه نمانده و رشد یافت تا اینکه بعد از انقلاب اکتوبر به وضاحت ملاحظه گردید .

پیروزی انقلاب اکتوبر که شعار ضد استعماری و ضد استثمار رابا خود آورده و طرفداری خود را از رهایی خلقهای تحت مستقیم اعلان نمود مورد توجه مزید آزادیخواهان هند قرار گرفت طوریکه (اخبار رویداد های این انقلاب نه تنها از راه مطبوعاتی) بلکه‌شفاهی هم‌برای مردم هند رسید » (۲)وتاثیرخود را برمبارزات پیگیر هند به جا گذاشت ونیز در جنبش شرایطی بود که زمینه فعالیتهای حکومت موقت هند بیش از هر وقت دیگر در روسیه تزاری مساعد ترشد ، چنانکه ظفر حسن می نویسد :

((در سال ۱۹۱۷ در روسیه انقلاب بلشویك صورت گرفت ،این حکومت یعنی اداره بلشویکی با انگلستان دشمنی داشت وازین‌جهت

۱ـ لینن وجنبش‌های آزادیبخش ملی در شرق ، ترجمه محمداخوان، بخش سوم و چارم ، کابل :مطبعه دولتی ، سن ۱۳٦۳ ، ص ۱۰٤ .

۲ـ لنین وجنبش های‌آزادیبخش‌ص ۱۱۲ .

مولانای مرحوم با این حکومت رابطه پیدا کردند و از او در امر آزادی هندوستان کمك خواست))(۱) در جای دیگر می نویسد :

((... ازطرف دیگر مولانا عبیدالله و رفقایش به حزب بلشویك متاسبات قایم کرده بودند ودرین جا موقع بدست آمد که اثر کمونیزم در هندوستان انتشار یابد، درچنین حالات نازك در خود هندوستان نیز بر ضد انگلیس تحریك عموما جریان داشت که این امر برای منافع استعماری انگلیس یك مساله بزرگ خطرناك وقابل تشویش گردید»(۲)

برای اینکه این قسمت از مبارزات اعضای حکومت موقت را از نظر بگذرانیم لازم دانستیم تا چگونگی این فعالیتهای را الی ختم دوره ـ حبیب الله استقلال افغانستان درنظر بگیریم زیرا از طرف دیگر با آزادی افغانستان در (۱۹۱۹) شکل وما هیت تماسها حکومت موقت بااتحاد شوروی نیز به طور موثر تغییر می نماید .

((باروی کار آمدن حکومت موقت در روسیه مهندراپراتاب بار دیگر آرزو کردکه با مامورین روسیه در ترمز ارتباط حاصل نماید ولی درین نوبت نیزجواب منفی ازحکومت حاصل کرد . بان هم ما ـ یو سیت ها دامنگیر هیات هندی نشد وبالاخره بابر سرحدات رسیدن دولت شورا از دولت هندی دعوت بعمل آمد تا به ترکستان روسی سفر نماید . قراریکه مهندراپراتاب می نویسد در آن فرصت روسیه احتیاج زیاد به غله افغانستان داشت ودر مقابل بطرول خود را عرضه مینمود و هیات هندی ازتا شکند توسط قطار آهن به پتروگراد رفتند و با تراتسکی کمیسار جنگ ملاقات کرد (اول مارچ ۱۹۱۸ در یك اجتماع بزرگ درشهر پتروگراد که سالگرد انقلاب اکتوبر برگذار

۱ـ محمد سرور کاتب ، هفت سال در سفر ، ص ۷۵.

۲ـ همان اثر ، ص ۷۵.

میشد و (۱۳)مارچ (۱۹۱۸) مهند راپراتاب بصورت خلاصه و مختصر هدف سفر خود را به کشوز شورا بیان داشت : (روسیه آزاد باید ضرور باجرمنی همکاری نماید ... افکار عامه در هند تماما بر ضد انگلستان بود .) او تقاضا کرد که دولت شورا ها در تطبیق و تعمیل پلانیکه توسط وی پی ریزی شده بود کمك کند ،البته درین پلان همکاری جرمنی در آزادی هند آرزو برده شده بود .

طرح بدین منوال بود که یك سپاه بین‌المللی سوسیالیستی که شامل آستریایی ها ، بلغاریها ، جرمنها ، ترکها و سوسیالیستهای کشور های شورا باشد ترتیب و تهیه گردد این سپاه از جنوب سرزمین شوروی عبور کرده هندرا آزاد نماید ، به این ارتباط قرابت فزیکی سرزمین شوراهاباهند مهندراپراتاب از روسیه شوروی آرزو نمود که وسایل و لوازم ترانزیتی این سپاه را تهیه بدارد . حکومت شوروی به دو دلیل به تقاضای او جواب مثبت داد : نخست اینکه به گفته مهند راپراتاب شوروی بر سرقدرت است و آنان غله افغانی را در مقابل پطرول خریدار بودند...دوم اینکه پلان مهندراپراتاب به یك طبقه انقلابی ارتباط داشت(۱).

این قسمت فعالیت مهند راپراتاب تا ختم دوره حبیب‌الله در نظر گرفته شده ، عضو دیگر هیات موقت به اسم رحمت علی ذکریا است که درچنین محدوده ای نیز عازم شو روی گردیده است که ذیلاآنرا به شرح می‌رسانیم :

((در باره فرار رحمتعلی ذکریا ظفر حسن در (آپ بیتی) می‌نگارد: رحمت علی بسیار آدم خوب و جوان بود طبیعت او از حالات بسیار به تنگ می آمد و بر ضد ماحول خود بغاوت میکرد بعد از نظربندی

۱ـ سید سعدالدین هاشمی، نقشی افغانستان در آزادی هند ، ص ص ۹۹ـ ۱۰۰ .

به تنگ آمده اراده کرد که به هر ترتیب باشد از کابل فرا رکند،او مولانا را از اراده خود باخبرساخت مولانا او را ممانعت نکرد ، برای اینکه الزام فرار او بالای مولانا نیاید مولانا (روزی تدبیر) ازحکومت افغانستان تقاضا کرد که او را از ایشان جدا سازد و کدام جای دیگر را برای سکونت وی تعیین کند. حکومت برای وی در سراچه خانه مرزا محمد حسین مستوفی المالك جا ی‌داد ، این مستوفی الممالك بسیار انگلیسس پرست بود . ... وی درآنجا زنده‌گی میکرد .درنوامبر سال (۱۹۱۷) رحمت علی بواسطه یك ریسمان از سراچه‌خانه(مستوفی الممالك) خارج شد و به همرای یك عضو جماعت مجاهدین بنام عبدالرزاق که باوی قبلا مشوره‌کرده‌بود از کا بل گر یخت وبه طرف مزار شریف رفت ، در آنجا به حضور نایب‌الحکومه سردار محمد یوسف خان رسید و به وی گفت: مرا حاجی عبدالرزاق رییس‌محکمه شرعیه به روس فرستاده است و ازین جهت به‌مزار آمدم که‌به روسیه بروم در آن وقت در روس انقلاب بلشویکی صورت گرفته بود ،کمو نیست ها حکومت تزار را سقوط داده بود اختیارات را بدست گرفته بود نایب‌الحکومه از رحمت علی معرفی خط خواست ، او گفت که برای من از حبیب‌الله خان از جهت اینکه من برای کار خفیه مامور شده ام خط نداد ولی از جهت نشانی بمن گفته بود که شما برای‌اواسپی را به طور تحفه ارسال نموده بودید او از شما اظهار امتنان کرد نایب الحکومه به سخن او اعتماد کردزیرا که او به حاجی عبدالرزاق یك‌اسپ ترکی روان کرده بود ولی در حقیقت رحمت علی این معلومات را از ضمن صحبتهای مولانا عبیدالله در نهن داشت وی ازین راز استفاده نموده بدین وسیله راه روس را برای‌خود مهیا ساخت :

محمد سرور کاتب میگوید که ما (هردو) با عبور از دریای آمو به بخارا رسیدیم ... در آنجا از ما سوالاتی به میان آمد ... و با ما

یك نامه سفیر ترکی مقیم کابـــل موجود بود ... وآنرا نـشان دادو گفت که برای ملاقات سفیر تـرك آمده ایم ... در یـن جـا با مـولا برکت الله که به رو سیه آمـده بود ملاقات نمودیم و اینَ وقت مصادف به امضای معاهده صلح عارض بود که در ختم جنگ اول به میان آمده بود از آنجا به سمرقند رفتیم وازآنجا با مولانا محمدمیامنصور (عضو حکومت موقت) که در ریل خدمـت میکرد ملاقی شدیم متعاقبا ازسمرقند به تاشکند رسیدیم و درایستگاه آنجا روسها ازما استقبال خوبی به عمل آوردند . درین وقت خبر رسید که امیر حبیب‌الله فوت نمود و سفیر روسی قصد رفتن بکابل را دارد خود را واپس به بخـــارا رسانیدیم تابا سفیر مذکور عازم کابل شویم ،ولی حکومت افغان به سفیر روسی اجازه نداد من (محمد سرور کاتب) به کابل مراجعت کردیم در حالیکه ذکریا (جهت ادامه فعالیتهای بعدی اش) راه مسکو رادر پیش گرفت (۱).

۱ـ محمد سرور کاتب ، هفـت سال در سفر ، ص‌ص ۹۲ ـ۹۵ .

سلسلهٔ روابط با جاپان

درین رابطه در یکی از مقالات سراج‌الاخبار تحت عنوان اخـــوت هندوستانیها و جاپانی ها در توکیو آمده است :

((در توکیو پایتخت جاپان حالا بسیار هندوستانیها اقامت مستقل اختیار کرده اند و پهلوی حسرت‌ـ انگیز آن اقامت اینست که تعلقات آنها با ژاپانیها بسیار خوب معلوم میشود ... در توکیو انجمن بنـام (اندو ژاپانیزاسوی ایشن) قایـــم شده است که اغراض و مقاصـــد آنرا در پیش نظر داشته. این‌خیال و اندیشه بیجانخواهد بود که‌توکیو عنقریب به یك مرکز بزرگ اخوت ژاپانی و هندوستانی تبدیل خواهند شد ... (۱)

در مورد روابط هند با جاپان یاد آور میشویم که قبل از تشکیل حکومت موقت اعضای آن جهـــت آزادی هند در آنجا به فعالیتهایی مشغول بودند، چنانچه مهند راپر اتاب بدین منظور در سال (۱۹۰۷) به جاپان سفر نمود (۲) همچنـان مولوی برکت‌الله در سال (۱۹۰۹) به حیث پروفیسور درنیورستی توکیو به حیث استاد دری مقرر شد ودرآنجادرسال (۱۹۱۰) بحیث مدیر نشریه ای به نام ((اخوت اسلامی))

۱ـ محمود طرزی ، ((اخـــوت هندوستانی ها و جاپانی ها))سراج‌الاخبار افغانیه ، ش ۲ ،سال چهارم ، سن ۱۲۹۳ ، ص ۱۳ .

۲ـ سید سعدالدین‌هاشمی ،نقش افغانستان در آزادی هند ، ص۹۷.

آغاز کرد . این اخبار که با ضدیت برتانیه ،پان اسلامیزم‌وپان آسیاتیك تبلیغات میکرد توانست نظریات‌خود را در سراج‌الاخبار به نشربرساند در جون (۱۹۱۱) برکت‌الله توکیورا به مقصد قسطنطنیه و قاهره‌ترك کرد .

در اکتوبر (۱۹۱۱) دوباره بـــه توکیو مراجعت کرده و به نشر یك اخبار پرداخت در شماره سه همین سال راجع به یك اتحاد بزرگ پان اسلامیك که بزعم او روزی تشکیل خواهد شد صحبت کرد و تذکر داد که این اتحاد شامل افغانستان ، جاپان آینده و آسیای مرکزی‌خواهد بود .

مساله دینی ، سیاسی واجتماعی که به امضای محمدبرکت‌اللهازتوکیو به پایتخت افغانستان ارسال نموده است در قسمتی از آن م ی‌خوانیم:

((... برکت‌الله راجع به ضرورت یك مدرسه دینی و طبیعی بـــرای چاپانیان و مسلمانان تبصره کرده‌است . پس از امیر افغانستان که مرجع آمال و آرزو های مسلمانان‌عالم است بنابرآن‌او بایددر تحصیل علوم دینی ، طبیعی مساعی بخرچ بدهد و در سیاست خارجـی حقایق مربوط به اسلام را پخش‌و پروپاگند نماید و تبلیغات دشمنان راخنثی نماید . برکت‌الله تجویـز کرده بود که امیر حبیب‌الله بایـد اقلا یکصد نـفر جـوان افغانی (پنج پنج نفر از هر قبیله) برای تحصیل علوم دینی ، طبیعی به مدرســـه اسلامیه توکیو بروند ، شاگردان متذکره بعد از تحصیل در جاپـان به اروپا بروند سپس به کشور خود افغانستان برگردند .

همچنان برکت‌الله از امیر افغا نستان تقاضا روابط تجارتی بـــا جاپان را نموده این مقاله به امضای برکت‌الله تاریخی (۱۸ می ۱۹۱۳)از جاپان به کابل فرستاده شد .(۱)

۱ـسید سعدالدین هاشمی ،نقش افغانستان در آزادی هند ، ص۶۵.

بناء به اساس همین ارتباط قبلی بود که باتاسیس حکومت موقت در کابل تصمیم گرفته شد تا هیاتی را که در آن عبدالقادر و داکتر میتراسنگ شامل بودند به چاپان اعزام دارند، چنانکه این هیات از طرف انگلیس دستگیر و از جمله هیات میتراسنگ اعدام شد و عبدالقادر که شخص وطنپرستی بود از غصه زیاد بمرد و این فعالیت عقیم ساخته شد .

سلسلهٔ روابط با سایر کشورها

به جا خواهد بود که اگر گفته شود که اعضای حکومت موقت پیش از تاسیس و بعد از تاسیس در ممالك مختلف جهت برآورده ساختن آرمانهای ملی شان در تکاپو بودند و به مسافرت های گوناگون به کشور های مختلفه پرداختند که ما اینگونه ارتباطات راکه اعضای حکومت موقت انجام داده اند درین محدوده زمانی به طور خلاصه بیان می نماییم :

مهند راپراتاب به منظور اهداف سیاسی خویش در سال (۱۹۰۸) یك سفر به کشور های خارجی از جمله فرانسه ، ایتالیا، جرمنی، انگلستان ، ایالات متحده امریکا، کانادا ، جاپان و چین نمود و سفر دوم وی در کشور های اروپایی درسال (۱۹۱۱) صورت گرفت (۱)

در سال (۱۹۱۷)مهند راپراتاب همراهی از رفقایش در حالیکه یك گروپ ازمحافظین چهار نفری سواره افغانی آنانرا همراهی میکرد وارد پامیر شدند . هیات هندی به کمك حکمران خان آباد پلان ارسال یك هیات رابه نیپال پی ریزی کردند(۲).

عضو دیگر مولوی برکت الله است که در سال (۱۸۹۷) در لندن در جلسه مجمع وطنپرستان مسلمان شرکت ورزید در (۱۹۰۳) به امریکا

۱ـ سید سعدالدین هاشمی ، نقش افغانستان در آزادی هند ،ص ۹۷ .

۲ـ همان اثر ، ص ۹۸ .

سفر نمود در (۱۹۰۶) در نیویارك یك سلسله فعالیتها و تبلیغات را علیه بریتانیا و به نفع آزادی هند انجام داد))... (۱)

((... دسمبر (۱۹۱۴) ازاجتماعات هندیان در ایالات متحده برکت الله ودیگر رفقایش اعلان کردند :هند وها به خانه برگردیدتا برای انقلاب بجنگید ! آنان هندیان را تشویق می کردند تا به برادران دیگر خود بگویند و ابلاغ کنند که وقت انقلاب فرا رسیده است (۲). و امثالهم .... .

۱ـ همان اثر ، ص ۱۰۶ .

۲ـ سید سعد الدین هاشمی نقش افغانستان در آزادی هند، ص ۱۰۸

روابط اعضای حکومت موقت و سران دولت حبیب الله

((وقتیکه امیر حبیب‌الله پادشاه شدبرادرخورد خود سردار نصرالله را ولیعهد خود قرار داد و به اتفاق هردو برادر کار پیش میرفت .ولی همینکه جنگ اول جهانی شروع شد حبیب‌الله تمام معاملات ضد برتانیوی را به‌نایب السلطنه‌سردار نصرالله برادر خورد خود سپردو خود معاملات به نفع برتانیه‌را بدوش گرفت (۱)و تنها معین‌السلطنه سردار عنایت‌الله پسر ارشد امیر طرفدار نظر پدرش‌بود (۲) .

طوریکه در فصل قبلی یاد آور شدیم امیر حبیب‌الله حین ملاقاتهای خویش باهندیان این کلمه راتوصیه میکرد که محب وطن یعنی وطنپرست هندوستانی باشند که این‌کلمه دراتحاد میان هندو ومسلمان چه‌در داخل کابل وچه در داخل هندتاثیر خود را بخشید و نیز به اعضای هیات هندی که با هیات ترك و جرمنی وارد کابل شده بود اجازه تاسیس حکومت موقت‌هند درکابل را داد . ولی((مشروط بر اینکه در داخل افغانستان فعالیت نه نمایندودر کشور های خارجه به فعالیت بپردازند ولی برعکس‌امیر حبیب‌الله و پسرانشن‌سردار نصرالله و

۱ـ محمد سرور کاتب ، هفت سال در سفر ، ص ۹۷ .
۲ـ همان اثر ، ص ۹۸ .

شهزاده امان‌الله‌و سایر اعضای پارتی جنگ با حکومت موقت هند تماس های بسیار نزدیك داشتند)) (۱) .

بعد از آنکه حکومت مو قت‌هند در کابل‌تشکیل‌شد اعضای آن منجمله مهند راپرتاب ملاقاتها ی رسمی با سردار نصرالله انجام می دادند ویکنفر به نام عبدالرزاق اندری که شخص مورداعتماد سردار مذکوربود تعیین گردیده بودتادرحل پرابلم های هندویان از طریق غیر رسمی کمك و همکاری نماید وبه‌همین علت بود که منزل وی مرکز مجالسس بحث و گفتگو ها گردید.

علاوه از صدر اعظم ملاقات های زیادی با شهزاده عنایت‌الله وشهزاده امان‌الله صورت گرفته وقراریکه مهند راپراتاب در کتاب خود می‌نویسد : شهزاده گان مذکوربدیدن‌وی د رباغ بابر محل اقامتش می‌رفتند ...)) (۲).

هچنان سردار نصرالله‌خان علاوه‌ازینکه در رهایی محصلان هندی‌رول مهم داشت یك مقدار پول را غرض‌مصارف یو میه محصلین‌مهاجرکه عضویت حکومت موقت را حاصل‌کردند تعیین ومقرر کردند))(۳).

ونیزبه این ترتیب سردار نصرالله یکتعداد زیاد هندیان و افغانهای سرحد آزاد که درین جاگر د هم جمع شده بودند و به اثر رهنمایی سردار نصرالله به فعالیتهای جدی‌پرداختند . (٤).

به قول عبیدالله سندی‌شخصیت دیگر حکومت حبیب‌الله سردار-

۱- سید سعدالدین هاشمی، نقش افغانستان‌درآزادی‌هند،ص۹٤

۲- سید سعدالدین هاشمی، نقش افغانستان در آزادی هند ،ص ص ۹۷-۹۸.

۳- همان اثر ، ۱۲۳.

٤- همان اثر، ص ۱۳ .

محمد نادر خان بود که مسوولیت سرپرستی هندوستانی ها را به عهده داشت او به هر مشکل مبارسیده گی میکرد ، او این خدمتش را اظهار میکرد و نه به طمع آن بود که ما او را ستایش نماییم ... او به معاشرت هندوستانی علاقه داشت . (۱)

از طرف دیگر اعضای حکومت موقت حین اجرای فعالیتهای شان بعضا تحت فشار و مشکلات حکومت حبیب الله نیز واقع گردیده اند و آن به این ترتیب :

بعد از اینکه حکومت موقت هیات سه گانه را جانب روسیه ، ترکیه وژاپان گسیل نمود. از جمله هیا ت اولی با نتائجی وارد کابل شدواما دوگروپ هیات های د یگردرحین راه ازطر ف انگلیس دستگیر و نتیجه آن شد تا انگلیس بردولت افغانستان اعتراض نماید و سبب شد تا حکومت امیر حبیب الله تا دست شیخ محمد ابراهیم ومولوی محمد علی راکه مدرسین مکتب حبیبیه (عضو حکومت موقت هند) بودند از کار بگیرد ونیز عزیزاحمد برادرزاده مولانا عبیدالله سندی را که متعلم مکتب حبیبیه بودازمکتب اخراج نماید .

به قول مولانا عبیدالله ...» موقعیکه مولوی منضور انصاری از افغانستان جانب باغستان روانه شد ... بعداز آن ما را به اول رمضان (۱۳۳۵) به یك مکان تنگ آوردند وبندی کردند ، چنانکه در یك اطاقی که گنجایش بیش از ده نفر رانداشت (۲۵) تن مارا به آن انداختند مگر محافظت ما بدوش سردار سپهسالار نا در خان بود که او باما توجه زیادی نمودو حتی به خیمه ما تشریف می آورد بعد ازچندوقت محافظت ما بدوش مستوفی الممالك سپرده شد که ما تحت مواظبت سیف الرحمن (هندی) در خانه مستوفی بسر می بردیم .

رفقهای ما آنقدر در محافظت شدید کوتوال قرار داشتند که

۱- محمد سرور کاتب، هفت سال در سفر ، ص ۳۳-۳٤

حتی یك تن از اعضای ما به اسم رحمت علی ذکریا تصمیم بر فرار گرفت ، من ترسیدم که الزام فرار او بالای ما عاید نشود بناء ازروی ((تدبیر سنجیدم)) وازسیف الرحمن خواهش نمودم تا او را بجای دیگر ببرند ... همان بود که رحمتعلی ذکریا از ما جدا ساخته شد .... همان بود که مذکور از حبس گریخت و بعد از انقلاب روس به بخارا رفت .

محمد سرور می نویسد : بعداز فرار ذکریا سخت گیری بالای ما زیاد شد و پهره سختتر گردید .در سنه (۱۹۱۸) که ما در کوچه بد بوی زنده‌گی می کردیم دریـن‌وقت جنگ عظیم به پایان رسید حکومت عثمانیه شکست خـورد وقتیکه خبر متارکه به کابل رسید، مستوفی الممالك مولانا عبیدالله‌را پیش خود خواست و به استهزا پرایش گفت : ((اینه ترکی تمام‌شد) به این سخن مولانا رنجیده شد که بیان رنج او در پنجاه‌ازحدودامکان خارج است . (۱)

یکی دیگر از نمونه های کـه‌اعضای حکومت موقت تحت فشار حکومت حبیب‌الله قرار داشتنـدمتذکر میشویم : (درجون ۱۹۱۷) سید علی عباس بخاری از پشاورهجرت کرد و به کابل رسید در پشاور در مخالفت با انگلیسهـا بسیار مشهور بود . در مسلمانان هندوستان از لحاظ جذبات قوم‌پرستی یك شخصی قابل قدردانسته میشد او به داکتر انصاری مرحـوم‌و مولوی محمد علی جوهر رابطـه داشت به مولانا عبیدالله در دهلی‌ملاقات‌کرده بود وقتیکه به (جهت مشوره با حکومت موقت)به کابـل آمده بود ویرا حبیب‌الله نظر بند ساخت . نظربندی وی از نظر بندی‌ما سختتر بود او تنها در یکخانـه زنده‌گی میکرد ، برای او اجازه‌بازارفتن نبود و نه کسی به خانه او

۱ـ محمد سرور کاتب ، هفـت سال در سفر ، ص ص ۹۳ـ۹۴.
۲ـ همان اثر ، ص ۱۰۱ .

رفته میتوانست . معلوم میشود که امیر افغانستان به اشاره انگلیس بالای وی چنین نظر بندی را مقرر ساخته است ما یك دوبار به پهره دارهای خو د رشوت دادیم و مهماندار اورا وادار ساخته تاکه باوی ملاقات کردیم ... به سبب تنهایی و قیدو بند حراس وی مختل شده بود. مولانا نیز یك بار به دیدن وی کا میاب شده بود که بدین وسیله او بسیار تسلی یافته بود .

او یك شخص ایمان دار ودردمند اسلام و شیرابود و یك شخصیت حساس داشت ، حالات کنونی به عالم اسلام و نتیجه جنگ ترکیه به وی صد مه سخت رسانده بودند ...بعد ها به قول مولانا عبیدالله در عهد سلطنت امیر حبیب الله موقعیکه من با محمد ابراهیم مدرس مکتب حبیبیه مقابل شدم وی به من در باره تمام اراکین افغانیه معلومات مفصل داده بود ... وی درباره سردار نصرالله و نایب السلطنه و سردار عنایت الله (معین السلطنه) صحبت نمود ودر اخیر این را اضافه کرد که پشت پرده یك قوت دیگر است که با بسیار سنجیده گی بمیان می آید واوسردار امان الله خان است ... موقعیکه ما با سردار امان الله خان ملاقی شدیم طوری بود که بایکشهزاده ایکه در آینده پادشاه میشود صحبت نمودیم . وقتیکه حبیب الله خان کشته شد در آن وقت ما در خانه مستوفی الممالك نظر بند بودیم وزیر نظر مولانا سیف الرحمن بسر می بردیم ما از کار های مولانا سیف الرحمن چشم پوشی می نمودیم...ظاهرا باوی معا مله نیك می کردیم در چنین وقتی تکالیف زیادی به ما عاید شد مولانا سیف الر حمن نمی خواست که از احوال و حوادث روزباخبر شویم ، ولی پرنده های

هوایی بر شانه های ما نشستـــه‌برای ما معلومات داد (۱) . یعنـی اینکه ((شهزاده امان‌الله از طریـق‌مختلف کمك می رسانه .)) (۲)

به قول مولانا عبیدالله کی می گوید : ((وقتیکه به جلال آبـــاد رسیدیم در یك هفته در دهـــات‌گشت‌وگذار نمودیم‌وقتیکه اعلیحضرت امان‌الله در کابل پادشاه شـداو ما را از جلال آباد خواست و همینکه به نزدشس حضور یافتیم خنده کنان فرمود : راضی همـان هستم . که منظور وی اشاره بـــه‌صحبت های قبلی میان ما و خودشس بود))(۳) .

۱ـمحمد سرور کاتب ، هفـــت‌سال در سفر ، ص‌ص ۱.۱ـ۱.۲

۲ـ سیدسعدالدین هاشمی،نقشس‌افغانستان در آزادی هند ، ص۱۱٤.

۳ـ محمد سرور کاتب ، هفـــت‌سال در سفر ، ص ۱.۲ .

فصل سوم

سلطنت شاه امان الله و رابطه حکومت موقت در کابل

اول ـ سلطنت شاه امان‌الله فبروری ۱۹۱۹ ـ ۱۹۲۶ :

((امیر حبیب‌الله شب پنجشنبه ۱۸ جمادی لاول (۱۳۳۷هـ ـ ۱۹۱۹م) از شکار گاه کله گوش به ضرب تفنگچه دار فانی را وداع گفت : برادرش سردار نصرالله خان در جلال آباد اعلان پادشاهی کرد ولی مردم افغانستان برای بازیابی استقلال و حفظ تمامیت کشور نهضت قهرمانانه نمودند و آزادیخواهان افغان فرزند دوم امیر فقید سردار امان‌الله را به تخت نشاندند .))(۱)

دولت افغانستان بعد از جلوس امان‌الله خان به‌ده روزنامه‌ای (۳مارچ ۱۹۱۹) به‌لار چلمغور نایب‌السلطنه‌هند فرستاد و گفت که بایستی در معاهده (۱۹۰۵م) دولتین افغان و انگلیس تجدید نظر به عمل آید

۱ـ عبد الحی حبیبی، تاریخ مختصر افغانستان ، ج۲ ، ص۱۳۳.

و افغانستان برای عقدیك معاهده‌جدید با دولت انگلیس با حقوق مساوی طرفین آماده است . دولت‌افغانستان منتظر نه نشست متعاقبا یك هیات سیاسی به اتحاد شوروی‌اعزام نمود و دولت شوروی هم مواد اعلامیه (۲۷ مارچ ۱۹۱۹) به‌حیث نخستین دولت جهان استقلال افغانستان را شناخت (۱) .

((به مجرد اعلان استقلال افغا نستان در (فبروری ۱۹۱۹) سوقیات کابل در اپریل سال مذکور به استقامت سرحدی هند با آنکه هنوز حرب اعلان‌نشده بودو سفرای‌دولتین در دهلی (سردار عبدالرحمن خان) درکابل (حافظسیف‌الله خان) مقیم بودند و نخست در طول سرحدات آزاد افغانی هزاران نفرافغان‌مسلح آماده جنگ گردید و متعاقبا رهبران مردم چون حاجی‌ترنگزائی و ملا چکنور از سرحدات آزاد وارد جلال آباد شدند.

اعلامیه های دولت افغانستان‌و مکاتیب شاه امان الله درتمام قشله های نظامی انگلیس دروزای سر حدات دست بدست ملیشایشهای مسلح میگشت و همه از عقب جبهه‌برای حمله برسپاه انگلیس حاضر وآماده شد)) (۲).

جنگ در سرحد آغاز شد :

((بعد از ختم جنگ و بعدازارسال مرسول یك سلسله مکاتبات بین حکومت افغانستان و حکومت انگلیس هندوستانی بالاخره یك هیات که عبارت از علی احمد خان‌داوی بود وارد لاورپندی شد ... در نتیجه در (اگست ۱۹۱۹)معاهده‌صلح دولتین از طرف علی احمدخان

۱- میرغلام محمد غبار ،افغا نستان در مسیر تاریخ ، ص ۷۵۶.

۲- میر غلام محمد غبار، افغا نستان در مسیر تاریخ ، ص۷۵۷.

و هملتن کرانت در پنج ماده امضاشد))(۱) که نتیجه آن به نفع انگلیس تمام شد .

((در اپریل (۱۹۲۰) جریده حر یت هند فتوای عبدالهادی خان را منتشر ساخت که : آن مسلمانانیکه با اطمینان نمی‌توانند درهند باشند ازین کشور هجرت کرده به جائی‌روند که قوانین اسلام و خدمت به اسلام بوجه بهتری میسر باشد ، البته این جای مناسب هم افغانستان بود خصوصا که شاه امان‌الله درطی نطقی دروازه افغانستان رابروی سیل مهاجرین هندی باز گشود))(۲) .

حکوم تانگلیس بعد از تصفیه‌حساب با دولت انگلیس مشغول اصلاحات داخلی گردید .:. مردم همرای دولت از ر یفورمهای جدید استقبال کردند)) (۳)ونیز امان‌الله به سفر های متعدد در خارج پرداخت .

سر انجام تشنج اوضاع نظامی-سیاسی و انفجار اجتماعی (شورشی بچه سقاو) باعث از بین رفتن‌دولت‌جوانان افغان گردید . شاه‌امان‌الله از سلطنت استعفا داد (۱۳ جنوری۱۹۲۹ مطابق ۲۴ جدی ۱۳۱۷) حبیب‌الله کلکانی پسر عبدالرحمن‌خان با نیروی خود داخل کابل‌شد ولقب امیر حبیب الله غازی برایش‌داده شد . (٤)

---

۱ ـ همان اثر ، ص ۷۷٤ .

۲ـ همان اثر ، ص ۸۰۱.

۳ـ همان اثر، ۷۸٦ .

٤ـ سید سعد الدین هاشمی، تاریخ نوین افغانستان ، ص ص ٤۷ ـ ٤۸ .

حکومت موقت هند در کابل و شاه امان‌الله (۱۹۱۹- ۱۹۲۲) :

((وقتیکه امان‌الله به پادشاهی رسید روابط سابقه خودرا باحکومت موقت هند در کابل حفظ کرد وکمک‌های خود را از طریق امر پولیس مخفی خود با آنان دوام داد))(۱).

به قول مولانا عبیدالله ((دروقت‌سلطنت شاه امان‌الله ما چند مدتی را در روشنی آن متقبل حکومت‌موقت را مشاهده کردیم که روز نه امید برای آزادی هند دست‌داده‌باشد . شاه امان‌الله آنقدر که با صف اول وزرای خود اعتماد میکرددر معامله خود با ما نیز چنین بود ما در مجالس خصوصی‌وی اشتراک‌میکردیم اما بمانند بزرگان قومی و خاندانی اش با ما احترام می‌گذاشت (۲) .

((با رویکار آمدن شاه امان‌الله عبیدالله سندی خود راآزاداحساس کرد وحتی به مجالس خصوصی‌وی اشتراک داشت.امان‌الله که مراسم فاتحه خوانی شیخ الهند رادرکابل برگذار کرد راجع به محمود الحسن اظهار کرد مولانا محمودالحسن‌کاری‌را که آغاز کرده بود من آنرا به انجام می رسانم (۳).

جناب ظفر حسین بیگ در کتاب‌خود به نام(آپ بیتی) چاپ (۱۹٦٤) پرده از روی حقایق برداشته‌و می نویسد :

((امیر امان‌الله خان وقتیکه برسر اقتدار آمد به ملت وعساکرخود وعده داد که کشورش را ازچنگال‌انگلیسها آزاد خواهد ساخت.درین زمان در هندوستان بدامنی بودچنانکه در پنجاب به نسبت واقعات باغ جلیان والا شو و غلظه زیاد گردیده بوداما درین‌فرصت انگلیس

۱- همان اثر ، ص ۹٤.

۲- محمد سرور کاتب، هفت‌سال‌در سفر ، ص ۱۰۳ .

۳- همان اثر، ص ۸٦ و نقش‌افغانستان در آزادی هند ، ص۱۱٤.

یك دربار خاص را کـــه در آن شخصیتهای مشهور افغانستان شرکت داشتند دایر و درین مجلس نامه ایرا کـه ازهند آمـده بود واقعه، قتل عام جالیان ولاباغ و دیگـــرطغیان ها را بیان میداشت قرائت نمود. می گو یند هر کلمه راکـــه میخواند احساس همدردی نشـان داده گریه میکرد. شاه امان الله درآن جمله بیان داشت که اســتبداد در سرزمین برادر هند چه چیز راانجام داده است . توسط آنهااماکن مقدسه اشغال شده است ، من ازشما می پر سم که، اگـر برای جنگ مقدس آماده هستید کمر های تانرا ببندید . که وقت آن رسیده است از حاضرین مجلس غریو برخاست که غزا ـ جهاد ! (۱) .

به قول محمد سرور کاتب: «امیر عبدالرحمن و امیر حبیب اله خان در عهد شان اجازه نداشتند تا منا سبات سفارتی باکشور های خارجه داشته باشند در حالیکه شاه امان الله خان با انگلیس ها به مبارزه برخاست تصمیم گرفت تا با کشورهای خارجه روابط سفارتی را قایم سازد، بناءهندوستـا نی های مقیم کابل بدرد او خورد و هیاتی کـــه بروسیه بلشویك اعزام گردید درآن هندو ستا نی ها نیز شامل آن بودند.)) (۲) و از جمله شخصیت های برجسته یعنی صدر اعظم حکومت موقت مولوی برکت الله درآن سهم داشت . برکت الله دربرقراری مناسبات افغانستان واتحادشوروی نقش بزرگی را ایفـــا کرد در ماه می ۱۹۱۹ یك هیـــات افغانی بسر کردگی برکت الله بـه مسکو رسید او به حیث نمـاینـــده افغانستان به آنکشور فرستاده شده بود موصوف درین سفر خود را یك نشنالیست آسیایی معرفی کرد آرزوی خود را در اخراج برتانیه ازنیم قاره ابراز نمود و به این ارتباط

۱ـ فضل الدین توفیق ، نقش افغانستان در جنبش آزادی هند، ص ٤ .

۲ـ محمد سرور کاتب ، هفت سال در سفر ، ص ٦٩ .

اعلان کرد که شوروی و نشنالیست‌های شوروی متحدین طبیعی اند. روزنامه اور اوزستیا در شمار ه ششم ماه می ۱۹۱۹ راجع به او نوشت : او به حیث یکی از اشخاص بسیار مورد اعتماد امیر جدید و به منظور استقرار مناسبات دایمی باروسیه شوروی به حیث سفیر فوق‌العاده به‌مسکو فرستاده‌شد(۱).

((بعد از بسر اقتدار آمدن شاه امان‌الله برای مولانا عبیدالله‌سندی یکخانه بزرگ و آرام داده شد همچنان بالای (ظفر حسین)ودیگر طالب العلما نیز کدام قید وبندی نبود و در موقعیکه شاه امان‌الله علیه انگلیسها مقدمات جنگ راگر فت درین باره ظفر حسین در(آپ بیتی) می نویسد : مولانا صاحب عبیدالله و خوشی محمد خان ، مشاوران صالح محمد خان مقررشدند و به صالح محمد خان حکم داده شد که به مشوره مولا نا عمل کند .

در سمت جنوبی وزیرستان ،کوهات و کرم سردار محمد نادر خان‌خواست که من (ظفرحسین) را باخود به حیث مشاور ببرد ولی من جواب دادم و گفتم که این امر بعد ازاجازه مولانا ممکن است . وقتیکه من این خواهش سپه سالار را به مولانا مشور ه نمودم و او فرمود : لازم بود که به جا ی‌این جواب‌تجویزاورا قبول می کردی)) (۲).

بنا با لشکر سپه سالار محمد نادر خان ظفر حسین صاحب نیز به محاذ جنگ رفته بود خودمی نویسد :

صردار سپه سا لار مرادر خیمه‌خود جای داد و بالا ی من اعتماد زیاد داشت که من ا زاو سپاس گذاری کردم ازین مهربانی که او نسبت به من دا شت و رسو خ من در بین‌سر افسران افغانی نیز بیشتر

۱- سید سعدالدین هاشمی ، نقش افغانستا ندر آزاد ی هند، ص ۱۰۹.

۲- محمد سرور کاتب . هفت‌سال در سفر ، ص ۶۳ .

تجاویز مولانا عبیدالله عمل نکردندبا آنهم به تدابیر هندوستانی هاو جان نثاری های شان افغانستان آزاد گردید ولی افسوس است که هندوستانی‌هاهما نطور برده‌ماندند، چنانچه قبلا بود و بعد از ین افغانستا ن حلیف جنگی قدیم خویش یعنی هندوستان را به همت خود شان‌واگذاشت بعد از آن انگلیسهاچه نبود که بر هند و ستا ن نگردند و این به همه جهانیان معلوم است. ولی امان‌الله پادشاه مستقل شده تاج این کامیابی را بالای سر خودنهاد)) (۱).

((بعد از آنکه شاه امان‌الله درکابل پادشاهی را منعقد ساخت ودرین جلسه سردار سپه سالار رمحمد نادر خان به حضور شاه‌امان‌الله‌بود افسران نظامی وسرداران‌قبایل و آن کسانی راکه‌در جنگ‌از خود شایستگی نشان داده بودند معرفی نمود و شاه امان‌الله هر یك را به حضور پذیرفته و به بزرگان‌شان خلعت ، انعام و پول نقد داد. ظفر حسن گوید :سردار سپه‌سالار مرا به حضور امیر پیش نمود و الفاظی را ادا نمود به این‌قسم :عموجان نو جوان کم‌است ولی او چنین بهادری وشهامت راازخود نشان دادکه افسران راشرمنده‌ساخته است اویك مسلمان مهاجرهندوستانی است ...

چند روز بعد ازجنگ‌سردار محمدنادر سپه سالار به‌حیث وزیرحرب تمام قوای مسلح-افغانستان تعیین‌شد ومراامیرصاحب دروزارت خارجه مقرر کرد که به اثر سفارش‌وی(سپه سالار)سه چند معاش‌برایم‌داده‌میشد ولی متعاقباً سپه‌سالاربه حضوراعلیحضرت پیشنهادکردوبالاثر مراباخود به‌وزارت حربیه بردوبه‌حیث سکرتر خاص خود تعیین نمود که من درآنجا به ترجمه اخبارهای انگلیسی می پرداختم .(۲).

۱- همان اثر . ۸۰.

۲- محمد سرور کاتب ، هفت‌سال در سفر ، صص ۷۱-۷۲.

به‌قول ظفر حسن: (موقعیکه‌سپه سالاردرجلال‌آباد بحیث نایب‌الحکومه سمت مشرقی مقرر شد یك اخباررا به‌نام «اتحاد مشرقی» جاری‌ساخت من به حیث نا شر آن عهده‌داربودم‌ولی‌نام خود رادرتحت این اخبارذکر نمی کردم زیرا وزارت خارجه افغانستان بنابرا تخاذ روابط (جدید)با انگلیس این شرط رابالایم قبولانده‌بود.مدیرمسوول اخبارظاهرابرهان‌الدین کشککی یك‌ملای افغان بودکه تعلیمات مذهبی‌را درهندوستان‌حاصل کرده بودواو زبان اردورا به‌طورشکسته،شکسته می‌فهمیدوازدنیای اخبار هیچ اطلاعی نداشت فقط‌همینقدر میدانست که اداره اخبارزرا بدست خودگرفته و آنرابچلاندرحالیکه همه بار بالای شانه های‌من‌بود،

این اخبار درابتدا هفته وار نشرمیشد وبعددر هفته دو بار به نشر میرسید برعلاوه‌ترتیب سر مقاله،ترجمه اخبار ازانگلیسی واردونیزبدوش من‌بود سر مقاله های راکه من‌می‌نو شتم مجمو عا در بار ه اتحاد مردم مشرقی بود که‌باید آنها متحد ومتفق‌باشند ودربرقراری امن‌ساعی‌باشند وزیانی راکه از نا حیه جنگ‌افغان‌رانگلیس برجلال آباد وارد آمده آنرا تلافی نمایند. در اخبار خارجی‌اضافه‌تردر باره حالات هندوستان بودو در باره‌تبلیغ‌وشکست ترکهادرجنگ‌درنتیجه جنگ‌اول‌جهانی قومی‌مضامین به‌نشر می رساندم ازنشر اخبارچند هفته گذشته بود که بتا ریخ (۱۶مارچ ۱۹۲۰) متحدین یعنی برتانیه،فرانسه وغیره براستانبول مسلط شد... که‌دریك حمله(۲۱) هزارعساکر ترك به شهادت رسیده ند، این خبر برای من‌مبالغه آمیزتلقی شدولی‌آنچه برای من گفته شده بودکه انگلیسها به دارالخلافه‌ترك‌حمله‌نموده و درشهر قتل عام رابراه‌انداخته وغارت‌گری را آغاز نموده و خلیفه‌المسلمین رازندانی نموده وجوی‌های خون در شهر جاری شده است.

من بالای این خبر یک مضمون نوشتم و مردم قبایل را تحریک نموده به جهاد وادا شتم از اثر انتشا راین مضمون در مردم سرحد نفرت و دشمنی شدید علیه برتانیه آغازشد. احتمال داشت که وزیری وافریدی بغاوت کنند، بنابرین انگلیسها سخت اعتراض کرده واز وزارت خارجه خواهش کردند که این اخبار را از نشر بازدارد اما سپه‌لار محمد نادرخان اخبار را ازنشر بازنداشت ولی مرا از ایدیتری یا ناشری آن دور کرد (۱)

« جناب ظفر حسین نگاشته است که درین وقت افغانستان کدام نقشه منظم نداشت که از آن درمکاتب ودفاتر کار گرفته شود، وی به تقاضای سپه سالار یک نقشه رنگین را ترتیب نمود وموقعیکه که این نقشه باید به چاپ می‌رسید ظفر حسن به ترک کابل مجبور شد وآن نقشه ناتمام مانـــد.

یکنفر رفیق خلیفه حسن الله نوازخان نام داشت که اوهم همرای وی در ۱۹۱۵ ازلاهور گریخته به کابل آمده بودمولانا عبیدالله ویرا به سردار هاشم خان سپرده بودمثلیکه ظفرحسن را به سپه سالار نادر خان تسلیم کرده بودسر- دارمحمد هاشم خان ازکارالله نـوازآنقدر خوش بود که ویرا ازخودجدا نمی‌ساخت.

ظفر حسن از یک هندو ستانی دیگر بنام داکتر عبدالحفیظ نام می بردکـه برادر وکیل میاعبدالعزیز بود که فارغ علیگر بود ودر رشته استخراج معدن به انگلستان رفته وازآنجا درجرمنی داکری کیمیارا بدست آورد، بعدابه امر- یکا رفت ودرآنجا به حیث محقق کیمیا کارکرد ودرسنه (۱۹۱٤) او را انور پادشاه به ترکیه دعوت دادوی آنجارفت وا نور پاد شا ه عبدا لحفیظ راجهت آموزش وتعلیم باروت سازی وسایرمواد انفجاریه به جرمنی اعزام داشت ازآنجا واپس آمده تا(۱۹۱۸) درترکیه وبعد تا(۱۹۲۰) درکار خانه جات

۱ـ محمد سرور کاتب، هفت سال در سفر ،ص ۷٤.

کیمیا درآستریا کارمی کرد ،جمال پادشاه(که ذکرش دربحث روابط حکومت موقت باترکیه می اید) توسط داکتر عبدالحفیظ به کابل رسیده بود (۱).
«بعداز معاهده منصور ی ومعاهده بادا پس درحکومت جدیدافغانستان کسانی بروی کار آمدند که بطرف انگلیسها میلان داشتند، چنانکه به مخالفت ها علیه مولانا ودیگر هندو ستانیهای خدا پرست آغاز گردید)) (۲).
بناء سیاست ومو قف دولت اما نی در سازش کاری باانگلیس درمقابل فعا لیتهای اعضای حکومت مو قت وسایر هندیان رویه سردی را در پیش گر فت چنانکه کتاب هفت سال در سفر از قول مولانا عبیدالله می نگارد:

« .. درسال (۱۹۲۱) در هندوستان گر فتار یهای رهبران مسلمان عملی گردید واین وقت در حقیقت مصادف بود باآن زمانیکه سر دار محمود طرزی در راس یك هیا تی وارد هندوستان شده بود ...ظفر حسن می گوید:

وقتیکه من از جلال آباد به کابل آمدم دستگیری بسیا ری از رهبران مسلمان را شنیدم متاثر گرد یدم مولا نا علت گر فتار یهای مذ کور را این طور بیان داشت. سرد ار محمود طرزی قبل از ینکه به منصوری رهسپار شود اسمای بعضی ا ز دوستان ورهبران مسلمان در هندرا از من پر سید ویاد داشت کردونیز نامه های عنوانی آنهاازمن گرفت بعدا برای من چنین وانمود کرد که اگر باانگلیس به یك موا فقه نرسیم توسط همین مردم بغاوت براه اندا ختنه شود.

وقتیکه هیات واپس به کا بل مراجعت کرد مو صوف بمن در باره نامه ها چیزی نگفت که وی آن نامه هارارسا نده یاخیر؟ یااینکه آنها ر ا

۱ـ محمد سرورکاتب، هفت سال درسفر ص ص ۱۱۰ ـ ۱۱۱.
۲ـ همان اثر، ص ۱۳۲.

واپس به من مسترد نماید . من هم از روی نزاکت در باره نامه ها از محمود طرزی چیزی نه پرسیدم ولی از شاگرد ش عبد الهادی داو ی که باوی درین سفر همراه بود پر سیدم او یك جواب گنگ برایم ارا یه کرد واز جوابش برایم شبهه و شك پیدا شد، به این معنی که هیات مذکور برای اینکه در مذاکرات با انگلیس بعضی امتیازات راکما یی کند نامه مرا به انگلیسها سپرده است که بدان وسیله دوستان من در هندوستان گرفتار شدند وبالای آنها اتهام غداری و خیانت بر حکومت انگلیسی هندو سازش با حکومت دیگران زده شده است .))(۱).

در باره تغییر روابط حکومت امانی با اعضای حکومت مو لا عبیدا لله در یاد داشت خودنگا شته است: ((من از اعلیحضرت افتتاح یك یونور ستی را در کابل تقا ضا نمودم سفیر بر تانیه ،وزیر خار جه افغانستان محمود بیگ طرزی رارا ضی ساخت که افتتاح این یونور ستی داده نشود.

جناب ظفر حسن در آب بیتی خودمی نویسد : مولانا پرو گرام این یونور ستی را آماده ساخته بودوآنرابه محمود طرزی سپرد واو وعده کرد تا منظوری آنرا از شاه حاصل نماید بعد از امضای معاهدهٔ ۱۹۳۱ مولانا پی هم اسرار مینمود تاایجاداین یونور ستی منظور گردد وی (ظفرحسن) ادا مه می دهد که بجای این یونور ستی یك مکتب ابتدا ئیه به اجازه سردار سپه سالار درعلی آباد افتتاح شد که مصارف آن از ملکیت سپه سالار که نسبت فداکار یهایش در جنگ از طرف دولت صاحب شده بود پرداخته میشد.

ظفر حسن بعد از انجام کار خوددر وزارت حربیه دریك مکتب درس میداد بنا این مکتب به اساس خوب استوار گردید... ولی در سرمای سال ۱۹۲۱ -۱۹۲۲ عا یدات معینه برای مصارف مکتب کفایت نکرد از اینرو مولانا برای تامین آن ازسفارت روس کمك خواست.

۱-محمد سرور کاتب، هفت سال در سفر ، ص ۱۰۸.

مساله دیگر اینست که ظفـــرحسن میگوید : وزارت خارجه افغانستان به خاطر مو لانابر ضدخوشی محمد به کدام کار یا تهدیدی نپرداخت. اگرمولانا نمی بود حکومت افغانستان وی را از افغانستان خارج میکردو یا در قید می انداخت.)) (۱).

بهر حال مکتبی که به کمك سپه سالار تاسیس شده بود، درقلعه علی آباد مو قعیت داشت وزبان اردو در آن تدریس میشد کـــه مسئو لیت آنرا مولانا بدوش گرفته بود. طر فداران انگلیس در یـــن مکتب(بر ضد اصول تدریس هندی) محصلین را تحریك نمودند. ونتیجه آن شد تا محصلین آن اعتصاب نمایند ازین لحاظ مکتب مسدود شد. تفصیل این واقعه را ظفر حسن این طور شرح میدهد :

در افغانستان اشخاص صاحب رسوخی بوجود آمده بود که به ظاهر دم از قومپرستی می زدند ولی دراصل عروسك های دســـت انگلیسی بودند این اشخاص بـــه ظاهر تحت احساسات ملی خود نمایی می کردند ولی در حقیقت به اشاره انگلیس سازش کار ی خفیه رابااین تدرت استعماری شروع کردند ونسبت به اصول تدریس دراین مکتب پروپاگند میکردند که گویا مکتب علی آباد که زبان اردو در آنجا تدریس میشود یك روزشکل پوهنتونی را اختیار خواهد کرد ولکچر هندوستانی در آن برملیت افغانی غلبه حاصل خواهدنمود و روزی از لحاظ علمی محکوم هندوستان خواهد گردید، از چنین اشخاص یکی هم عبدالغنی خان سر معلم مکتب علی آباد بود که قبلا شاگرد تفسیر قرآن نزد مو لانا عبیدالله بود مغرضین ویرا فریب داد تا به حیث آله دست آنها علیه معلمین هندوستانی و زبان اردو دست به تحریکات زند که بر اثر تحریکات مذکور محصلین اعتصاب نموده به

۱ـ محمد سرور کاتب ، هفت سال در سفر ، ص ۱۳۲.

خانه های خود رفتند ووزیر معارف فیصله کرد که مکتب مذکور الی آمدن سپه سالار مسدود گردد(۱)

از تغییر سیاست حکومت اما نی در برابر امضای حکومت مو قت مثال دیگر این است که در سال ۱۹۲۲ جمال پاد شاه به روس رفت درغیاب وی حکومت افغانستان با هیـــات انگلیسی به امضای معاهده صلح رسیدو... آنها از دادن کارخا نه باروت سازی به افغا نستان انکـار کرده و حکومت افغا نستان خواست تا این کار خانه را خود بسازد چنانچه این حکومت داکتر عبدا لحفیظ را برای خر یداری ماشین به اروپا اعزام نمود، وی درسال ۱۹۲۱ به جرمنی رسید نماینده مقیم افغا نی در جرمنی گفت که سفارت افغا نستان دور ساخته شد زیرا ازمخا پول ندارد ،این یك بها نه بودوبه همین سبب بود که حکومت افغا نستان معاهده صلح باانگلیس را امضاء نموده بود بناء به تاس می از آن داکتر عبدا لحفیظ از افغا نستان دور ساخته شد زیرا ازمخا لفین سد رسخت انگلیس بودشایدانگلیسها باافغا نها به آنموا فقه رسیده بودند که آهسته آهسته مخالفان انگلیس را از کابل اخراج نماید .(۲)

((بدین ترتیب دولت افغانستان می خواست از داکتر عبدالحفیظ و سایر اشخاص مانند آن گریبان خودرا رها سازد واکنون نوبت به مولانا عبیدالله سندی ودیگر مجاهدیـن آزادی رسیدو این هم از آن جهت درنظر گر فته شده بود که انگلیسها به شاه امان الله گفتند که آنـــان سلطنت او را تخریب نمی کننـــد مشروط بر اینکه از فعالیتهای افغا نستان درنیم قاره هند جلو گیری شود ... بنا دولت امانی مجبور شد که دامنه فعا لیتهای شانرا مسدود سازد .)) (۳) .

۱ــ محمد سرور کاتب، هفت سال در سفر ، ص ص ۱۳۳ ــ ۱۳٤.

۲ــ محمد سرور کاتب، هفت سال درسفر ،ص ۱۲۱.

۳ــ سید سعدالدین ها شمی، نقش افغانستان در آزادی هند،ص ۱۰٤.

((به قول مو لانا عبیدالله سندی: وقتیکه اعلیحضرت کار حکومت مو-قت را توقف داد کمیته کانگرس کابل را بنا نهاد یم که روح وروان آن نور محمد بود که آمر کمیته کانگرس مابود وسکرتر آن داکتر انصاری بوداین اولین کمیته یی بود که در خارج ازامپراتوری انگلیس درخارج تاسیس گردید ه بود.))(۱) کـــه تفصیل آن دربخش فعالیتهای حکو-مت مو قت در هند می آید.

مولانا عبیدالله میکو ید درایام آخری زنده گی مادر کابل مولا نا محمد علی و مولانا شو کت علی و مولانا حسین احمد در زندان بودند وتجو یز جدایی رفقهای ما از طرف سلطنت امانی گر فته شده بود.(۲)

((خلاصه اینکه مولانا در نتیجه نها یی متو جه شد که انجام فعالیت های تعلیمی و سیاسی او در افغانستان نا ممکن گردیده بناعچاره ای نداشت بدون آنکه افغا نستان راترك کند.

ظفر حسن می گوید بعداز اینکه حکومت افغا نستان از دادن اجازه در تاسیس پو هنتون به مو لانـــــا جواب رد داد برای وی فقط دو راه باقی ما نده بودیا درافغا نستان باقی مانده از سیاست دست بردارد که این طریق مرادف به مرگ سیاسی وی خواهد بودو یا اینکه افغانستان راترك بگو ید وبه جای دیگر برای پیشبرد مرامش بسر ببرد وازآنجا بر ضد انگلیسها کار خود راادامه دهد. درین مو رد مولانا قر یبا یك سال غور نمودو بعداً به این فیصله رسید که از افغانستان برود و به مملکت اسلامی تر کیه رهسپار شود(۳) مولانامو قعیکه تصمیم رفتـــن خود را از افغانستان اتخاذ کردبان همه مسایلی که به آن بر خـــورد محبت و علایقی که نسبت به افغـــا نستان داشت چنین ابراز میکرد:

۱ــ محمد سرور کاتب، هفت سال درسفر، ص ۱۰۵.

۲ــ همان اثر، ص ۱۰۶

۳ــ سید سعدالدین ها شمی ، نقش افغانستان در آزادی هند ،ص ۱۱۰.

((اگر آینده رفقهای جوان من د ر مقابل من نمی بودوبرخی از فعالیت های حکومت مو قت باعث شکست من نمی گردید شاید من را ضی نمی شدم که‌از حدود سلطنت‌اعلیحضرت بروم)) (۱)

رفتن مو لانا به تر کیه از راه ایران ناممکن بود زیرا در آن زمان رسوخ انگلیسها در آنجا زیادبود بناء تصمیم گرفت که‌از راه‌روسیه به ترکیه سفر نما ید مولانا و همراهان‌وی در اکتوبر (۱۹۲۲) ازکابل روان شد ند حکومت افغان براساس‌مصلحت های خصو صی تا سرحد اتحاد شوروی باایشان همکار ی‌و همراهی نمودو آنها راسالم ازسرحد عبور داد ند اول به بخارا وارد شدند واز آنجابه تاشکندرسیدوبتاریخ (۱۰ نوامبر ۱۹۲۲) به مسکو موا صلت نموده بالاخره د. (۱۹۲۳) به استانبول رهسپار گردید مصادف باختم کار حکومت مو قت در کابل مهندراپراتاب وبر کت الله در فعالیت های آزادی خواهی در دنیـا معروف بود، از جمله مهند راپراتاب‌چند بار دیگر نیز به کابل سفـر نمود.

۱ـ فعالیت حکومت موقت هنددرسرحدات آزاد درداخل هند :

همینکه شاه امان الله رویکار آمد این‌وجیبه‌پیش‌آمد تااتحادوهمبستگی بین حکومت‌موقت هند ودولت‌امانی‌تحکیم بیشتر یابد، زیرا آنهاتاریخ مشترك داشتند ودرین جنگ‌دشمن شان نیز مشترك بود، بنا جهـت آزادی کشور های شان لازم‌وملزوم‌یکدیگر بودندوبرای این منظورفعا‌لیتهای مشترك رابه سر حد ا ت‌قبایلی آزادو با در دا خل هند بـراه انداختند چنانکه بااعلان استقلال افغانستان‌رهبران‌مردم ازداخل‌افغا‌نستان وسر حدات آزاد چون‌حاجی‌تر نگزا یی که عضو یت حکو مـت موقت را نیز دارا بود از سر حدات‌آزادوارد جلال آباد شد و به‌ایـن ترتیب آنها در سر حدات آماده گی‌نظامی برای مقابله باانگلیس ر ا

۱ـ همان اثر ،ص ۱۳۵.

گرفتند وبر علاوه در چنین شرایطی بود که شاه امان الله به‌مولاناعبید-الله سندی اجازه داد که مردم هندرا از حملات آینده افغانستان‌باخبر سازد وآماده علیه انگلیس سازد ندچنانکه مولانا اعلامیه های مبنی‌بر اتحاد حکومت موقت ولشکر یـــان‌افغانی راکه برای آزادی هند علیه انگلیس اقدام می نمایند ذریعـــــه‌اعضای حکومت‌موقت در پنجاب‌فرستاده و تکثیر نمود که ذکر آ ن گذشت.

به‌این ترتیب (در اوا خر اپریل۱۹۱۹) در سر حد ات آزادهیجان ملی پدیدار گردید در شهر پشاورکمیته سی‌و دو نفری‌بانمصداعضای انقلابی متشکل وبرمحو رنماینده‌افغانستان میر زا غلام حیدر خان در (پیس پسته خانه افغانی) بگردش افتاد ودر ماه می در اطراف پشاور قیا مهای مسلح‌بر ضد انگلیس به عمل آمد اعلامیه های دولت افغا - نستان و مکا تیب شاه امان الله‌خان‌در تمام قشله های نظامی/انگلیس‌در طول سر حدات دست بد ست‌ملیشاهای مسلح می‌گشت و همه از عقب جبهه بر سپاه انگلیس حاضروآماده‌میشد ....

همینطور از نیمه اپریل نعـره آزاد یخوا هی و مبارز طلبی افغا - نستان در سرا سر کشور پهناور هند چنین طنین انداخت ودرلا هور مردم قیام کردند ... ودردو خط‌آهن‌عمده از دهلی تا لاهور شور شهای سختی پد یدار شد تا آنکه حکومت‌نظامی اعلام وسر کوب گردیدند. در کجرانواله بر خاستند وکلیسای‌مسیو نری واستیشن خط آهن را آتش زدند دروزیر آباد مردم بـــه‌استیشن‌های‌مهم انگلیسی حملـه می‌کردند و ز د و خورد های زیاد بین مردم‌و حکومت انگلیس به عمل آمده البته انگلیس توانست بـــا اسلحه وبا عساکر این مردم‌ستمدیده‌وغیر مسلح وپراگنده - با شدت‌وفشاربرخورد نماید. معهذامردم‌هند درطول راه‌های خط آهن از بمبئی‌تاپشاور دست به فعالیت ضدانگلیسی وتخریب ایستگاه زیل زدند و حتی‌دربین دهلی و بمبئی‌قیامهای شدید

مردم در احمد آباد به عمل آمدو دردهلی حوادث ضد انگلیسی پدید ار گردید. (۱)

همان طور یکه گفتیم به اسا ســـاشتراك مساعی که بین حکو مـت امانی وحکومت مو قت موجود بود اعضای حکومت مو قت با لیاقتو شا یستگی های تمام وقابل‌ستایش‌در جبهات‌مبه گانه لشکر یان افغان جان نثار انه اشتراك ورز ید ندوتاکسـب استقلال افغا نستان جمـله سنگر را ترك نگفتند و لی با خاتمه جنگ‌درنتیجه معاهده‌که‌میان‌انگلیس وحکومت افغان صورت گرفت دیگرافغا نستـــــان از جملـــــه مستقیم سر حدات‌آزاد بازداشته‌شدولی با آن‌هم اعضای‌هئیت تماس‌های شان رابا مجاهدین سرحدات آزاد کما فی السابق‌حفظ نمودند.

((ظفر حسن عضو حکو مت مو قت میگو ید: من وقتیکه باسپه سا لار نادر خان (حکمران سمت شرقی)درجلال آباد بودم به منظور تحر یك در هندوستان یك رساله ای‌ترتیب‌نمودم تابدین وسیله مردم رابیشتر برضد انگلیس بشورانم ولی هـر باریکه به‌این کاراقدام کردم‌رسا له از طریق‌مرز می که حریض پول‌بودند بدست‌انگلیسها می رسید.به‌هر حال انگلیسها بالای‌حکومـــــت‌افغانستان اعترا ض کردند که‌بنابر آن وزارت خار جه افغانستان مرا زجر وتو بیخ نمود . (۲)

همچنان ظفر حسن در جا ی‌دیگرمی‌نـویسد : ((موقعیکه‌انگلیسهاو متحد ینش بر ترکیه حمله کردندو قتل وقتال و غار تگری را در آنجا براه انداختند من بالای این خبـریك مضمون نو شتم وآنرا دراخبار اتحاد و تر قی جلال آباد بچـــاپ رسا ندم تا مردم قبایل را تحر یك و به جهاد وا دارم ، چنانکه همین طور شد واز تا ثیر آن درمردم‌سرحد نفرت شد ید و دشمنی سختی علیه‌انگلیس ایجاد شدواحتما ل داشت

۱ــ میر غلام محمد غبار ، افغانستان‌در مسیر تاریخ، ص ۷۵۷.
۲ــ محمد سرور کاتب، هفت‌سال‌درسفر، ص ۷۳.

که وزیری و افریدی بغاوت کنند بنابرین انگلیسها بار دیگر به حکومت افغانستان احتجاج نمود وازوزارت خارجه افغا نستان خوا ست تا این اخبار را از نشر باز دارد.(۱).

قرار یکه مهند را پراتاب در کتاب خود می نو یسد: در جریان اقامت خویش در افغانستان در زمان شاه امان الله یك تعداد زیاد مقالات(به منظور آزادی هند) در جرایدهندی به نشر می رسا ندم که حتی بعضی آنها دو باره به چاپ رسانیده شده بود، از جمله زمینداورو اخبارهای کاپنتور ـ لاهور وامرتسر (۲).

ظفر حسن می گوید: شاه امان الله به سردار سلیمان (پسرکاکای نادر خان) کهامور مصارف را به عهده داشت هدایت دادتاجهت تدریس مکتب حبیبیه یك استاد از هندبخواهد و مقرر نماید، چنانکه پروفیسور محمد حسین پنجا بی برای این منظور به کابل آمد و تاچندی در مکتب حبیبیه تدریس می نمود ولی خو شی محمد از جمله اعضای حکومت مو قت که بحیث طر فدار کمو نیزم بودو یرا تحت تاثیر خود آورد وبه او هدایت داد تا به پنجاب رفته اخبار پیرا مو ن این نظر یات کمو نیستی رادر هندبخش نماید بناء پروفیسور حسین محمداز وظیفه خو یش از مکتب حبیبیه استعفا داد وبه پنجاب رفتو در آنجا یك اخبار هفته را بنام انقلاب در سال ۱۹۲۲ پیر ا مو ن کمو ـ نیستی به نشر رسا ند ... هنوزمدت کم از پخشی این اخبار گذشته بود که مورد عتاب انگلیس قرار گرفت... وبعدا پرو فیسور غلام محمد حسین وچند نفر دیگر رازندانی نمودند)) (۳) در حقیقت پخش این اخبار بانظر یات کمو نیستی تاثیر خود را در مبارزات هندوستانی هابجا گذاشت ونیز قابل یادآور یست که :((عبیدالله سندی گذشته

۱ـ همان اثر، ص ۷۵.

۲ـ سید سعدالدین هاشمی، نقش افغا نستان در آزادی ،هند، ص۱۰۳

۳ـ محمد سرور کاتب، هفت سال درسفر ،ص ۱۲۴ـ۱۲۵.

از فعا لیتهای دیگر ش در کا بـل یك گروپ از هندیان راازکابل به‌هند فرستاد تا دربین کارگران، دهقانان، محصلان ور وشنفکران یك جنبش را ایجاد کنند.)) (۱)

همچنان قبل ازینکه کار حکومت موقت هند در کابل از طرف شاه امان الله متو قف ساخته شـــود اعضای این حکومت تصمیم گر فتند تابه منظور ار تباط بامسا یل هنـداولین کمیته کانگرس ملی هند رادر خارج‌از امپرا توری انگلیس ایجـادنمایند ... عبیدالله توا نست که‌در کابل عضو یت کانگرس ملی تمـــام‌هند را حاصل کندویکی از تبلیغات چیان آن گردد در (۱۹۲۲)اویـــك شاخه ای از کا نگرس را در کا بل اساس‌گذاشت‌وخودش ریا ست آنرابه عهده داشت این نخستین شاخه کانگرس خارج‌از سر حدات امپرا توری بر تانیه بود درین کمیته‌داکتر نور محمد که کا ندهی کانگر س‌او راخوب میشنا ختند سهم فعـــال داشته چنانچه لقب روح روان‌کمیته‌رابه خود گر فت داکتر انصار ی

(عضو حکومت مو قت) یکـــی‌از دوستان صمیمی عبیدا لله‌محسوب میشد سکر تر این کمیته بودو از طریق اوبود که الحاق و توا صلیت کمیته کانگر س کابل به دفتر آل اند یا نشنل کانگرس به سهو لـت صورت گرفت . (۲).

مولانا عبیدا لله سندی که پس از تاسیس کمیته کانگرس عـــازم

۱ــ سید سعدالدین ها شـــمی، نقش افغانستان در آزادی هنـــد، ص ۱۱۶.

۲ــ سید سعد الدین ها شمی، نقش افغانستان در آزادی هند،ص ۱۱۵.

شوروی و بعد در سال ۱۹۲۳ به ترکیه رفت و بالا خره در سال ۱۹۳۹ به هند رهسپار شد ... طور یکه جواهرلعل نهرو در اتوپایو گرا فی خود او را توصیف کرده می نو یسد: او یـك انقلابی هندی است که بیشترو قت خود (۲٤) سال را در تبعید بسر برده و در مرا جعت به هند عضو کانگرس ملی هند گردید و بار دیگر به فعالیت های سیاسی شروع کردو به نوشتن کتب، مقالات ،خطا به ها پرداخت....(۱)

۱ـ همان اثر، ص ۱۱۸.

روابط حکومت مؤقت با کشور های خارج مصادف به سلطنت امان الله

الف ـ روابط با ترکیه:

طوریکه می دانیم((بعد از معزو لی سلطان عبدا لحمید قدرت بدست حزب اتحاد وتر قی افتاد ودر جنگ اول حکومت بدست این حزب بودکه طلعت پاشاه به حیث صدراعظم، انور پاشا وزیر جنگ و جمال پاد شاه نخست وزیر داخله وبعد بحیث گورنر علاقه های غرب امپرا تور ی عثمانی ایفای و ظیفه مینمودند ...موقعیکه در هند به حمایت ترک علیه انگلیس بغاوت شرو ع گردیده بوددرین مو قع هیاتی مر کزی ازمولانا محمد علی جو هر وداکتر انصاری به اروپا سفر نمود ودر آنجاداکتر انصاری به رهبران اتحاد وتر قی اطلاع داد که یکی از رهبران سه گانه اتحاد وترقی چون طلعت پاشاه یا انور پاشا ه ویاجمال پا شاه به کابل (جائیکه مر کز فعا لیتها ی حکومت مو قت هند است) بیایندو تحریک مسلما نان رادر هند تقو یه وتسریع نمایند.

جمال پاشا در موسوم خزان ۱۹۲۰ وبه کمك داکتر انصاری به کابل آمد... ظفر حسن نگاشته‌است که با آمدن جمال پاشاه مولانا برکت‌الله ، مولانا عبیدالله را به‌وی‌معرفی نمود وازین پس‌مولاناعبیدالله با جمال پاشا در تماس‌بودواوهدف آمدن خودرابه مولانابیان داشته بود.)) (۱).

((جمال پاشا خواست تااز‌اوضاع‌واخبار داخل هند باخبرشودویکنفر تعیین شد تامجلات هندو ستان راترجمه نماید ونیز خود جمال‌پاشا درمدت بسیار کم توانست زبان‌اردورا بیاموزد وبه‌این قسم خود رااز اوضاع هند باخبر سازد متعاقبا یکنفر تر کی دیگر بنام عصمت‌بیگ از راه روس به کابل رسیدوی زبان‌انگلیسی راخوب می دانست وازین سبب‌درکار جمال‌پاشاه سهو لبت روی داد.)) (۲)

((ظفر حسن می نگارد: وقتی که‌جمال پاشاه‌به کابل رسید درین وقت یکی هیات‌انگلیس به ریاست‌داپس نیز جهت مذاکرات مخفی متنازع فیه با افغانستان واردشده‌بود و خواهش بزرگ این هیات آن بود که‌افغانستان را از دوستی‌باروسیه باز دارد ودر عوض با انگلیس دوست بماند ....

ظفر حسن علاوه میکند : جمال پاشا متقین گردید که اگر حکومت وی باحکومت افغانستان کمك‌بزرگ‌ندهد افغانستان از معاهده با انگلیس برنمی گردد ورو سها برای‌افغانستان ساختن کار خانهٔ باروت سازی راوعده داد که باانگلیس درمعاهده صورت نگیرد جمال پاشا برای این منظور داکتر عبدالحفیظ را از ترکیه خواست و همچنان‌جمال پاشا بااو پس ملاقات نموده‌واورا تهدید نمود که اگر انگلیس با تر کیه‌صلح نکند ...وبالای متصرفات وی از سر حد پامیر حمله

۱ـ محمد سرور کاتب ، هفت‌سال‌درسفر،ص ص ۱۱۶ـ۱۱۷.

۲ـ محمد سرور کاتب، هفت‌سال‌درسفر ، ص ۱۱۸.

صورت خواهد گرفت و هندوستان ازدست انگلیسها خواهد رفت و لی این موضوع برای انگلیسها بی مفهوم بود ...)) (۱).

((به قول ظفر حسن آمدن جمال پاشا در کابل بالای تحریك هندوستان کدام اثری نه نمود ولی او بجای این کار برای مدرن ساختن لشکر افغانستان وارد تقای سطح تعلیم وتربیه نظامی آنان مساعی خودرا متوجه ساخت)) (۲).

((جمال پاشا در کابل به مشکلات زیاد مواجه بود اولا اینکه بر ضد وی انگلیسها دسایس را براه اندا ختند ثانیاء اینکه بزرگان سلطنت افغان باوی رقیب گرد یدند، شاه امان الله رانسبت به وی بد بین ساختند .)) (۳).

((بالاخره جمال پاشا افغانستان راترك نمودو در راه رفتن به روس توسط عمال انگلیس شهید شدوازاشخاصی چون داکتر عبدا لحفیظ (که یك مبارز جدی و فعال هندوستانی ودشمن سر سخت انگلیس بود)قرار فوق گر یبان خود را رهاساخت.)) (٤) ومتعاقبادولت امانی عبدا لحفیظ مذکور رانیز به بهانه خرید کار خانه باروت به جرمنی اعزام نموده وبه این ترتیب دشمنان سر سخت انگلیس رابیشتر ما نه از افغانستان خارج ساخت.

((نیز طور یکه قبلا اشاره کردیم ار تباط اعضای حکومت موقت بعد از توقف شدن فعا لیتهای آن کمافی السابق با ترکیه جریان داشت چنانکه عبیدالله سندی بعدازترك وشوروی در سال ۱۹۲۳ وارد ترکیه شد. (این سفر او طور مخفی صورت گرفت تاانگلیسها از آن آگاهی

۱ـ همان اثر، ص ۱۲۰ .

۲ـ همان اثر، ص ۱۱۷.

۳ـ محمد سرور کاتب، هفت سال درسفر ،ص ۱۲۰

٤ـ همان اثر، ص ۱۲۱

حاصل نکنند وی مدت سه سال در ترکیه توقف کرد وپلان ها ی آزادی هندو تحریك اتحاداسلا می‌رامی سا خت ... وکشور های‌اسلامی دیگر را تشو یق میکرد تاباامپر یا لیزم غرب مجادله‌نماید))(۱).

ب-روابط حکومت مو قت با اتحاد شوروی:

مولانا عبیدالله می گوید:((در ابتدای حکومت شاه امان الله منا- سبات حکومت مو قت بااتحاد شو روی به اجازه‌و مصلحت امیرامان- الله ایجاد گردید که‌در آن را جامهند را را تاب سهم ارزنده را ایفا نمود شاه امان الله ومهند را پراتاپ تجو یز نمودند تا جوا نان مابه روسئیه رفت‌و آمدنمایندوقتیکه‌در مسکو جماعت اشتراکی هندو- ستانی تاسیس گردید یك مرکزآن‌در تاشکند بود که رهبرآن‌مهندرا- پراتاپ تعیین گردید که چند سال آنرا اداره مینمود (۲)این مناسبات پیهم تقو یه می گردید ومخصوصاازلحاظ اینکه درسال ۱۹۱۸ خلافت اسلامی ترکیه از دست انگلیسهاشکست یافته بود مولانا عبیدالله خودنیز به‌این نتیجه رسیده بود که‌برای آزادی هندو ستان وعالم اسلام از چنگال آهنین انگلیسی‌غیرازینکه به‌اتحاد شو روی منا سبات قایم وتقو یه گردد ،راه دیگر ی وجود ندارد که‌درین صورت ازاتحاد شوروی هرنوع کمکی درین راه بدست آمده می توانست.

بناءاعضای بر جسته و فعال‌حکومت موقت بمنظور آزادی‌هند سمت فعالیت‌خودرا بیشتر متوجه ا تحادشوروی ساختند که فعالیت بعضی‌از اعضای حکومت مو قت را ذیلابررسی می نما ئیم:

((مهند را پراتاپ که‌از زمان‌شاه‌امان الله در صفحه جدید از فعالیت

۱- سید سعدالدین ها شمی، نقش افغا نستان در مبارزه هند، ص ۱۱۷.

۲- محمد سرور کاتب،هفت‌سال‌درسفر ، ص ۱۰۶.

های خو یش به‌اتحاد شوروی پرداخت چنانکه مو صوف در ۷می سال ۱۹۱۹ هـمراه باپنـج تن از اعضایش برکت‌الله (چاریا)دلیپ سنگ این دونفر از اعضای برجسته وفعال‌انجمن انقلا بیون هند در بر لیـن بودند با لنین ملا قات گردند.))(۱)

((پراتاپ نقل میکند که لینن درآغاز گفتگو بز بان انگلیسی ازآنان پر سید چه زبا نی را ترجیح‌می‌دهند‌آلمانی ، انگلیسی ، فرانسه یی یا روسی؟

گفتگو ها به انگلیسی انجام‌گرفت پراتاب کتاب خود بنام مذهب‌عاشق رابه لنین هد یه گرد از قضا لنین این کتاب راخوانده ءبود واعتقـاد داشت که کتاب (تولستو ی‌گرایی)را تبلیغ میکند .)) (۲).

((شخصیت اجتما عی و سیاسی‌هند ءلاقات بالنین کبیر را درسال ۱۹۱۹ بزرگتر ین رو یداد زنده گی‌خود می داند او در مقالات خود با رئیس حکو مت شو روی آرزوبرد تا شنا سا یی حکومت مو قت هنددر کابل رابرو سیه بقبولا ند و کمکی در زمینه بد ست آورد. حکو مـت شوروی بالاخره فیصله نمود که‌مهندراپرا تاب شخصی نیست که با لای او حساب شود چه برای این کاراوباید یك نفر انقلابی خون گرم با مفکوره های متر قی واز همه‌مهمتربه‌یك ساز مان‌انقلا بی مستحکم هند ارتباط داشته باشد تا تایید تـمام‌خلقهای انقلا بی را حاصل نما ید، بنابر ین یگا نه نتیجه من از یـن‌ملاقات آن بود که از مهندراپراتاب خواهش به عمل آ مد که سفیـر شوروی سواتز را تا کابل همرا هی کند.

۱ـسید سعد الدین‌ها شمی، نقش‌افغانستان در آزادی هند، ص ۱۰۰.

۲ـ غفوراوف وکیم، لنین‌وجنبش‌های آزادی بخش ملی در شرق ، ترجمه‌محمداخوان ، بخش‌سوم‌وچهارم‌کابل :مطبعه دولتی س ۱۳٦۲ ،ص ۱۰۸.

مهند را پراتاب همراه با سفیر شوروی ازطریق هرات وارد کابل شد ند متبا قی اعضای هندی د ر کشور شورا ها ماندند تاکار سازماندهی را بین هند یان وآسیای‌مرکزی انجام‌دهند.مهند راپراتاب‌می‌نو یسد که درنو بت اول سفر ش شخص درجه اول هیات ترك‌وجرمن را درهرات بازی میکرد در حا لیکه درین سفر اوبعد از دیپلو مات شوروی‌سور تز نفر دوم‌بحساب‌می‌آمدهمچنان وی علاوه میکند که‌اوبود که هیات شوروی را به نحو شایسته‌به شاه امان الله معر فی کردچه‌از وی چنین کاری آرزو برده شده بوددرین نو بت مهند را پراتاب مهمان شخص پاد شاه بودو در قصر سردار نصر الله بودو با ش میکرد.))(۱)

بار دیگر مهند را پراتاب با دو نفر از اعضای هندی خود ازتاشکند به‌مسکو رفتند ودر آنجا میر زامحمدیفتلی سفیر افغا نستان درنماینده‌گی افغانستان محل رهایش برایشان تهیه دید البته فر صتی است‌که (MN Roy) درشوروی درپی‌طرح پلان تشکیل قوای نظا می عرض حمله بدهند ، از طریق افغا نستان بود مهند را پراتاب زمینه ملا قات سفیر افغانستان و (MN Roy)رابه نما یندہ گی افغانستان‌در مسکو در حالیکه خودش حا ضربود فراهم ساخت وی به‌مهندراپراتاب تو صیه نمود که به هند باز گردد در حالیکه بر کت الله در ین وقت نیزدر مسکو بودبوی‌پیشنهادنمودواصرار ورزید که نبا ید به هندوستان اسیر برگردد.

پس مهند راپراتاب در اوا یل ۱۹۲۲ با پا سپورت افغا نی ا ز شوروی به برلین رفت (۲)ازین‌به‌بعد مهند راپراتاب الی کسب

۱ـسید سعدا لدین ها شمی، نقش افغانستان در آزاد ی هند ، ص‌ص ۱۰۰ـ۱۰۱

۲ـ سید سعد الدین هاشمی،نقش افغانستان در ... ، ص ۱۰۲.

استقلال هند به منظور فعالیتهای آزادی خوا هی هند چند ین مراتب به‌اتحاد شو روی مسافرت نمود.

((در جولای ۱۹۱۹ لینن نیزبار دوم برکت الله را بااعضای دیگر هیات هندی اش به حضور پذیرفت‌ودر اوا خر ۱۹۱۹ ودر اوایل ۱۹۲۰ یك سفر تبلیغا تی دراز مد تی‌در شهر های ولگا انجام داده و از شهر های دیگر شوروی نیز دیدن‌نمود ودر نیمه دوم سال ۱۹۲۰ به سفر تبلیغا تی نا حیه کسپین ،تر کستان (آسیای مرکزی) پردا خت. در رساله ایکه بنام بلشو یز مو اسلام که همراه کاظم بیگ نظر به تقا ضای چیچرن وزیر خار جه بز زبان دری‌نوشت وآنرا دربین‌آسیای مرکزی توزیع کرد بر کت‌الله سوسیالیزم ،مار کسیزم را در مفهوم بیت المال عام برای جمعیت‌دانست‌وتذکر داد که‌اسلام وبلشو یزم‌هر دو نقاط مشترك دار ندواز جمله آزادی وبرادر ی در هر دو موجود است، او تاکید میکرد که‌امپر یا لیزم هنوز امیدوار است که خلقهای مشرق زمین را در بردگی جاودانه‌نگهدارد. مابه صلح اتکا کنیم‌و جهان را از بی عدالتی نجات دهیم.عبدالرب واجار یا که‌درین سفرباوی همراه بودند و در انتشار مفکوره‌بلشو یزم دربین مسلما نان هند زحمت زیادکشیدند وآنهاراتشویق‌کردند که‌در عوض رفتن به تر کیه باید برای مفکوره بلشو یزم د ر آسیای میانه کار کرد. (۱).

((طور یکه دربالا ذکر کرد یم‌از به سراقتدار آمدن شاه امان‌الله‌به اجازه‌وی وبه مصلحت مو لاناعبیدا لله وبعضی رفقهای جوانش که به همرای شوروی مناسبات را قایم نموده بودمناسبات پیهم تقو یه میگردید .))(۲)

۱ـسید سعدا لدین ها شمی، نقش افغانستان در آزادی هند،ص ص ۱۰۹ـ۱۱۰

۲ـمحمد سرور کاتب ، هفت‌سال‌درسفر ، ص ۱۲۸.

((ازین جهت مولا نا ی مو صو ف باین حکومت رابطه خویشـــــرا استحکام بخشید وبرای آزادی هنداز حکومت شوروی طالب کمـــکو همکاری شد چنانکه به‌این مقصددرسنه ۱۹۲۰ خو شد یمحمد را بـــه تاشکند فرستاد که در آنجابلشویك‌ها پو هنتون شر قی راایجاد کرده بودند و در **آنجا بـــرای جوانـــان**آسیایی برضد امپر یا لیزم تعلیـــم داده می شد ونظر یات **بلشو یکـــی**در آنجا تبلیغ میگردید))(۱)دولت شوروی تو سط(MN Roy)عبیدالله‌را در کابل ملاقات وامداد های‌مادی ومعنوی مینمود، در مقابل عبیدالله‌لیدر های شوروی را ازوضع هنـد آگاه می ساخت. ...

عبیدالله حینیکه تصمیم رفتن به‌اتحاد شوروی گر فت ده نفر از همراهان وی منجمله اقبال،مسعود،نور محمد، محمد علی، عبدا لعزیز، سینات‌بنار جی، برادر زاده مولا نا عبیدالله ودیگر ان نیز درین سفر شامل بودند آنان در دسمبر ۱۹۲۲کابل رابه مقصد شو روی تر ك داد ند مصارف این سفر از طرف دولت شوروی توسط محمد علی که نام اصلی اش احمد حسین و یـــك‌کمو نیست سر سخت‌و مبارزداخلی در گروپ بود تادیه میشد (۲).

((عبیدالله سندی مدت هفت ماه‌در مسکو سپری کرد درین سفراز پندرانات صدرورئیس جمعیت‌اشتراکی هندی مسکو که مر کز آن در تاشکند بود باز دید به عمل آورددرآنجا که حکومت شوروی ازذهینت‌و احسا سات ضد امپر یا لیستی مولانابه خو بی آگاه بودو ار تباط او با کانگرس ملی هند ثابت بود از او استقبال گرم نمودند وبرایش زمینه مسایل را فراهم کردند تابه مطالعه‌سو سیا لیزم علمی بپر دازد درخلال

۱ـ محمد سرور کاتب، هفـــت سال درسفر ، ص ۷۶.

۲ـ سید سعد الدین ها شمی ، نقش افغا نستان در ...، ص ۱۱۶.

اقامت هفت ماهه اش در مسکو عبیدالله مو فق به دیدن لنین نگردید چه لنین در آن وقت مریض بود.))(۲)

همچنان درین زمان عبیدا للـــه سندی با چیچرن وزیر خار جه شوروی نیز ملا قات ها نمود ((ظفرحسن در (آپ بیتی) در باره ملا قات مولانا باستر چیچرن وزیر خار جه اتحاد شوروی آن وقت ذکر نموده است: این ملا قات در سال ۱۹۲۳ در هفته اول در عمارت وزارت خار جه صورت گرفت مولانا چهار بار با چیچر ن ملاقات کرد. » (۲).

((ملاقات مولانا باچیچرن روی مصالح و آزادی هندو ستان بودواز اتحاد شوروی درین زمینه طا لب کمك شد تا از طریق افغا نستان به کانگر س ملی هندوستان فرستاده شود.

چیچرن پرسید آیا این کمك مالی باشد یامادی ؟مولانا جواب داد چون در کانگرس ملی هند در هندوستان اتحاد عدم تعاون را از طریق مسالمت آمیز در پیش گرفته اند بناء کمك نقدی باشد ولی الحال به کانگر س ملی هندوستان پانزده ملیون روپیه داده شود که البته این امداد نقدی دولت اتحاد شوروی حیثیت قرضی راخواهد داشت که بعد ازحصول آزادی دین آنرا به شوروی اداخواهدکرد ....

ظفر حسن مینگارد : که چیچرن گفت که در آن کمك قرض به هندو ستان کدام اشکا لی نیست و لـی ضما نت رساندن این پول را ازطریق دولت افغا نستان به هند کی خواهدداد؟ مبادا دولت افغا نستان در این معامله باز به دولت انگلیسها بپیوندد وباز شمار امثل سابق از کشور خارج سازد بناء مولانا جواب داد که من ضامن این امرسپه سالار نادرخان را می دانم چیچرن در ملاقات ســوم مولانا را مطلع ساخت که حکومت قبول دارد ولی سوال اینست که این کمك چطور از طریق افغانستان بـه

۱ــ همان اثر ، ص ۱۱۷.

۲ــ محمد سرور کاتب، هفت سال درسفر ، ص ۱۳٦.

کانگر س هند رسا نده شود؟ آیاباسپه سالار ناد خان تماس گر فته شود یااینکه‌مولانا با رفقهایش روی‌این منظور واپس به کابل بر گردند ویا اینکه به گفته مو لانااین کاررا از طریق ترکیه انجام دهم واگر از آنجا میسر نشد به حجاز خوا هم‌رفت‌و توسط حجاج پیغام خودرا به هند وستان ارسال خواهم‌داشت.

بالاخره در ملا قات چهارم‌چیچرن‌به مولانااطلاع داد که حکو ممـــت شوروی هردو تجو یز شما را قبول‌دارد ... در ترکیه هر مقدار پو لی که به آن ضرورت باشد از سفارت‌ترکیه بدست خواهند آورد.))(۱).

ولی بعدا معلوم شد که پول‌مذ کور برای کانگرس هند ضرور ت پنداشته نشد ومولانا با اظهـــار تشکر آنرا مسترد کرد.((عبیدا- لله سندی در اواسط جولای ۱۹۲۳ از مسکو به‌استانبول روا نه‌گرد ید ودر استانبول در ۱۹۲٤ مو لانابا امضای خود وظفر حسن در اردوو انگلیسی یك منشور سپا سی را شایع نمود که در آن منشور عمیقا اثرات افکار سو سیا لیستی بـــه‌ملاحظه می رسید ، چنانکه درقسمت فوقانی این منشور چنین تجو یـز یافته است که‌به‌الفاظ ظفرحسن‌صا- حب چند مندر جا تی ازین منشوره‌قرار ذیل است:

تمام وسایل فواید عامه، ملکیت‌عامه مردم خواهد شد، ملکیت فردی وشخصی محدودخواهد شد،زمینهای‌فیودا لها به ملکیت عام درخوا هد آمدو نظام زمین داری منسو خ‌خواهدشدو تجارت خار جی بدست دولت خواهد بود وهندوستان حکو مت متحده خواهدبود، هندو ستان بـــه ولایت هایی تقسیم خواهد شد که‌درآن یك زبان تلفظ شود ودر آنجا یك‌رسم‌ورواج‌ویکنوع تمدن‌وجودخوا هدداشت، ازهرولایت بعدایك‌جمهور- یت تشکیل خواهد شد که‌درپارلمان‌این جمهور یتها اکثر یت دهقا نان ورنجبران به حیث قوای مدافع مردم‌خواهند بود.

۱- محمد سرور کاتب ، هفـت سال در سفر ، صص ۱۳٦ -۱۳۹.

در مناسبات بین المللی چنیـــن‌ذکر است : برای شکستاندن‌امپر-یالیزم وبرای تاسیس حکو مـــت های متذکره یك فدراسیون اروپایی تاسیس خواهد شدکه در آن‌شوروی‌نیز شامل باشد. (۱).

مولانا عبیدالله سندی در یادداشت‌تاریخی خود هفت سال در سفـــر نگاشته است: ((مناسبات با اتحادشوروی که توسط امان‌الله‌ومهندرا-پراتاب پایه گذاری شده بود بـــه‌تجو یز ایشان جوانان ما به‌شوروی رفت‌و آمد می کردند که از جمله داکتر خو شی محمد(به نام مستعمار میرزا محمد علی) قبلادر تر کیـــه‌هیات با میترا سنگ دروقت‌حکو-مت تزاریه روسیه اعزام شده‌بودکه‌از طرف حکومت مو قت هند نامه‌ای عنوانی تزاز روسی باخود برده‌بودودر طی آن ازتزار خواسته شـــده بود که دولت بر تانیه را مطالعه کند وبرای ختم انگلیس در هندو-ستان به این حکومت کمك نما یدوبعد از انقلاب بلشو یك وی باردیگر به روسیه رفت‌و قتیکه به مسکـــورسید عضو حزب کمونیست‌هندو-ستان گردید واو بعدا در کا بـــل‌بحیث رابطه میان سفارت شو روی وحکومت مو قت (ممو لانا عبیدالله)بود. به قول ظفر حسن رهبـــران شوروی‌در مسکو برای خو شـــی محمد گفته بود که‌وی در کابل بـا سفارت شوروی رابطه داشته باشدوهر مقدار پو لی‌که (برای فعا لیت حکوممت مو قت درکابل) ضرورت‌افتد آنرا از سفارت شو روی بد-ست آورد.

مولانا می گوید ... وقتیکه‌شیخ محمدابرا هیم مدرس مکتب حبیبیه بنابر اعترا ض دولت انگلیس از طرف حکومت افغانستان مجبور به ترك کابل شد همین مرزا محمدعلی‌را رفیق خود ساختم من هر قـــدر پیروزی را که‌درکابل و بعدا درروس‌بد ست آوردم از مسا عی جمیلـــه خو شی محمد بودو درین شـــك‌نیست که اگر وی با ما همد ست‌نمی

۱-محمد سرور کاتب ، هفت‌سال‌درسفر ،ص‌ص۱۲۸-۱۲۹.

شد ما کدام کار بزرگی راپیش برده نمی توانستیم ... ولی عضو جماعت اشتراکی انقلابی درروس گردید ه بود. (۱) واو بود که پرو فیسور غلام محمد حسین‌پنجابی‌راکه به حیث مدرس مکتب حبیبیه در کابل آمده بود تحت تا ثیر افکارکمو نیستی در آورده واو را به نشر اخبار بنام (انقلاب) در پنجاب تشویق نمود که‌ازین طریق‌تا ثیرات افکار کمو نیستی در هندبیشترگردید.

ج- روابط حکومت مو قت هندباسایر کشور ها.

عصر شاه امان الله زمینه‌خوبی را برای فعالیت اعضای حکومت مو قت هند در دور را دور دنیا مساعد ساخته بود ، چنا نکه شاه امان الله در بهار ۱۹۲۰ مهند راپراتاب رابه‌حضور خوددر وزارت‌خارجه طلب کرد هفت قطعه مکتوب را که عنوا نی حکمرا نان تبت ، چین، چاپان، سیام، ایالات متحده امریکا،جرمنی‌و ترکیه‌نو شته بودوباوسپرد مهند راپراتاب می نو یسید:حینیکه مشاهده کردم مکا تیب مذکور در ابر یشم وچرم پیچانیده شده ا ست متعجب شدم. زیرا قبلا چا نسلر جرمنی به عین شکل مکاتیب خودرا که عنوانی شهزادگان هندی در ۱۹۱۵ بمن داده بود،من از مو ضوع به شاه گفتم ، شاه تبسم کردو گفت: چیز یکه جر منی انجام داده میتوا ند افغا نستان نیز به اجرای آن قادراست.

مهند راپرا تاب علاوه میکند که شاه امان الله یك قطعه فو توی‌خود راکه‌به‌امضای وی‌مزین شده بودبایك قاب ساعت طلا یی معه زنجیر زرین آن بوی داده او را درآغوش‌کشیدو باوی خدا حافظی کردو او

۱-محمد سرور کاتب، هفت سال‌درسفر ، ص‌ص ۱۲۱-۱۲۲ .

مجبور شد که‌از طریق پامیرات به‌تبت ، چین،جاپان‌و دو را دورجهان سفر نما ید.

همینکه هیات افغانی بر یاست‌مهند راپرا تاب که تعداد شان به ۲۰ نفر میر سید سفر خود را آغاز کرد چند نفر از رفقهای هندی وی وعده ای از افراد نظامی از جمله‌مجرعبدا لکریم آنا نرا همرا هی کردند، آنان داخل تر کستان چین شده و مکتوب غازی امان الله عنوانی رئیس جمهور چین را به ما مـــور ا نسرحدی چین سپردند ودر مقابل‌سندی از آنها حاصل کردندو لی ما موران‌چینی به ایشان اجازه نداد که‌ازآن طریق به پا یتخت چین برو ند(مارچ۱۹۲۱) بلکه تجو یز کردند که از در وازه های شر قی داخل آ نکشورشونـد لذا هیات به تاشکند رفت ودر قو نسلگری افغا نستان بسر می بردند تا اینکه مکتو بی‌از محمود طرزی وزیر خارجه افغـا نستان‌راحاصل نمود ند که‌در آن را جـــع به صلح افغانستان و بر تانیه‌تذکرداده شده بود، لهذا بااودر مکتوب فوق وخلیفه هیات افغانی‌و بریاست‌مهند راپراتاب پایان یافت ومعاشی راکه برای هیات توسط غازی امان. امان‌الله داده شده بوددو باره مسترد گردید. (۱)

مهند راپراتاب‌در اوا یل سال ۱۹۲۲ با پاسپورت افغا نـــی از شوروی به برلین رفت و چندی درآنجا به کمك محمد ولی‌خان‌درنما- ینده گی افغانستان اقامت گز یدودرضمن محمدو لی خان او را درسفر های سو یس وایتا لیا ی خود همراه‌ساخت ، بعداء به کمك محمد و لی خان ویزه جاپان گر فتو از طریق ایالات متحده امر یکا به جاپان‌سفر کـــرد و د ر آنـــجا (بوس) یـك‌شخصیت آزاد یخواه هند راملا قات کردپس از نشر یك مقا له را جـع به‌افغانستان وتسلطونفوذاستعماری

۱-سید سعدالدین ها شمی ، نقش افغانستان در آزادی هند.ص ص۱۰۱ -۱۰۲.

درنیم قاره هند از جاپـــان وا رد پیکینگ شدوپس از طریق مغلستان به شوروی آمد، بعدا وارد افغا نستان شد، امان الله او را بـــه حضور خود خواست در حالیکه محمدولی خان نیزوجود داشت گذارشات سفر جاپان ویرا به‌دیده قـــــدر نگریست.

مهند راپراتاب از سال ۱۹۲٤ به‌بعد از افغا نستان به مسکو رفت‌و در آنجا یك نوبت دیگر به سفردورادور دنیا شروع کرد نخست‌به‌برلین سپس به پاریس ۱۹۲٤ کلفور ینا،نیو یارك ۱۹۲۵ تو کیو(جنوری ۱۹۲۵) پیکینگ جولای ۱۹۲۵و از آنجا وارد تبت شد در ۱۹۲۰ که‌در این سفر طو لانی خود مو فـــق گردید که با مولانا برکت‌الله(صدراعظم حکومت مو قت که او هـــم‌غرض فعالیت رفته بود) با مارکویی کمرو لی (لیدر نگرو) داکتر رحمت‌علی خان ((اعضای پار تی عذر خانم سون‌یات سن »پان جان لام،قره‌خان‌سفیر شوروی در پیکنگ ویکتعداد دیگر باز دید وملاقات نماید.

خلاصه اینکه رفت وآمد مهندرا پراتاب ازافغانستان به‌خارج ودوراـدور جهان واز خارج به داخل افغا نستان چندین نو بت ادا مه دا شت وحتی در بعضی حالات منجمله‌مطبوعات شا نگهای در تا بستان ۱۹۲۵م او را به‌اسم یك افغان کمو نیست (Rod) یاد کردند.))(۱)

طوریکه در بالا اشاره شد(مولانابرکت الله صد راعظم حکومت موقت نیز به منظور فعا لیت های‌آزادیخوا هانه هند مصروف مسا فر ت در دورا دورد نیا بود او در اوا یل ۱۹۲۷ دربر لین بود و با سفارت افغانستان تماس نزدیك داشت، موصوف درآنجا به‌مرض‌شکر مبتلا شد قبل ازآنکه‌آزادی جنبش‌رابیندجهان فانی را لبیك گفت))(۲).

۱ـسید سعدالدین ها شمی،نقش‌افغانستان در آزادی هند ،ص ص ۱۰۲ـ۱۰۵.

۲ـهمان اثر، ص ۱۱۰

همچنان مو لانا عبیدالله سندی بعد از ینکه از افغانستان بـــه اتحاد شوروی واز آنجا به تر کیه رفت بعد از آنجا نیز مصمم به‌رفتن مکه گردید این همان فر صتی است‌که کانگرس مسلما نا نآنجادر مکه دایر میشد ، مسلما ن های سا یرکشور های اسلامی در آن اشتراك کردند مولانا عبیدا الله چنان اند یشد که‌این بهتر ین فر صت است که از تجارب دیدار های مسلم بیا موزند واز تجارب ونظر یات خود دیگران راواقف سازد ،همان بودکه‌از طریق ایتا لیا عازم مکه شد ولی انگلیسها او را تعقیب و چنان موا نعی برایش خلق‌کردند که‌او نتوا- نست به‌وقت معینه در جلسات کا نگر س مکه حضور یابد با آنهم‌حین ورودش بر مکه توانست با بر خی از لیدر های مسلما نان که تا هنوز در آنجا باقی ما نده بودند باز دید نماید واز احوال مسلما نان‌به‌خو- بی آگاهی یابد.

مولا نا عبیدالله با لاخره مصمم شد که تحر یکات اسلامی و مذهبی خود را در هند وآنهم در کانگر س‌ملی هند داخل سازد همان بود که عزم رفتن به هند نمود. (۱)

۱ـسید سعدالدین ها شمی،نقش‌افغانستان در آزادی هند ،ص‌ص ۱۱۷ـ۱۱۸.

فصل چهارم

منبع اقتصادی حکومت مؤقت جهت پیشبرد فعالیت‌ها

در مورد اینکه اعضا ی حکومت‌موقت ازکدام منابع اقتصادی جهت پیشبرد مرامشان استفاده می کردنه‌چندان معلومات وسیع پیرامون آن تا کنون بد ست ندار یم،انچه‌دراین‌رابطه به‌بحث می‌پرازیم خیلی ناچیز خواهد بود .

مولانا عبیدالله سندی درین رابطه می‌نویسد : «موقع ضرورت مابه یك شکلی پول را بدست می آوریم (خداوند کار درنمی ماند) ... وقتیکه من بارفقهایم به‌قندهار آمدیم یك پونددداشتم که‌چهارنفر بودیم‌نایب‌الحکومه (قندهار) به ماخرج داد والی به‌او معلوم نبود که مادست خالی هستیم وقتیکه به‌کابل رسیدیم دریك‌ماه خرج ماختم شد ماهرقدر که‌لباس ولوازم زنده‌گی خریده بودیم به‌خاطر تنگدستی همه‌را فروختیم ودرین‌وقت یك دوست من از هندوستان چندروپیه را ارسال نمودوچونکه بامردم

ملاقات نمی‌نمودیم آنرا برای ساختن لباس مصرف نمودیم ویك وقت‌دیگر سردار نصرالله‌خان (نایب السلطنه) برای ما طور مهمانی پنجصد روپیه ارسال نمودکه این پول‌هم درمصارف رفقهای ما که به هندوستان رفتند خرچ شد .

درین وقت محمد ابرا هیم‌هندوستانی که‌معلم مکتب حبیبیه‌بود ودرمصارف باهم شریك بودیم وازاوکمك خوا سته نمی توا نستیم واوهم که شاید ما بامقدار زیاد پول‌ازهندوستان آمده ایم ، اما موقعیکه هیات اولی حکومت موقت که درآن‌داکتر میتراسنگ ومیرزا محمد علی (خوشی محمد) شا مل بودند عازم‌رو سیه بود ند مهنه‌را پرا تاب سفر خرچ‌میتر اسنگ را تهیه کرده پرداخت وفکر می‌شد که‌شایدمهند را پراتاپ ویا حکومت افغا نستان‌مصارف سفر میرزا محمد علی‌را نیز بپردازد . ولی اینطور نشد درین‌وقت من ازمحمد ابراهیم درین مورد پول قرض خواستم ولی او جواب رد داد واین یك سهوی بود که ازمحمد ابراهیم سرزد ، درحالیکه هیچ‌وقت‌دیگر ازمصرف پول وامداد خویش درحصه ما هندوستانی ها دریغ‌نکرده بودند .

همچنان چیزی را که مولانا محمدعلی درکابل کمایی کرده بود آنهم به‌مصارف هندوستانی ها در کابل‌مصرف شده بود ، بناء سنجیدیم‌که فعالیتهای سیا سی تنها بواسطه‌دا شتن نظر یات وتجار ب‌عملی‌به‌سر نمیرسد ، بلکه برای انجام این کارپول نیز ضرورت است مانند علم وعمل »(۱)

موقعیکه امیر حبیب الله رئیس‌هیات جرمن فن هستنگ را فرمان رخصت از افغانستان داد او دروقت‌وداع به‌نام من (عبیدالله سندی) سه صد پوندگذاشت ،را جا صاحب‌بمن‌حکم کرد که آنرا بگیرم ازین پول صد پوند را راجا صاحب ومولانا برکت‌الله جهت ساختن البسه برای

۱- محمد سرور کاتب، هفت‌سال‌درسفر ، ص‌ص ٦٤ - ٦٥ .

خود گرفتند ودوصد پوند دیگر راطور امانت به‌نزد شیخ محمدابراهیم (مدرس مکتب حبیبیه) امانت گذاشتند .

شیخ محمد ابراهیم ، مولانا محمدعلی وبرادر زاده‌ام عزیز احمد دریك اطاق زندگی میکردند بالای آن خانه‌دزدان درآمدند وتمام آن پول را به دزدی بردند من احساس خطر کردم که راجاصاحب گمان خواهد کرد که ما به این وسیله این پول را هضم میکنیم . لاکن وقتیکه زمان رفتن هیات دومی به استانبول رسید به‌پول مذکور ضرورت پیدا شد . از مولانا بشیر احمد ریس المجاهدین صد پوند قرض کرده وآنرا پرداختم که این‌احساس مولانا بشیر را هرگز فراموش کرده نمی توانم ، اگر چه پول قرض بود ولی بعداً توسطمرزا محمد علی (خوشی محمد) اداء گردیده وبه این ترتیب من ومولوی برکت‌الله به‌اثر مشوره راجاصاحب نزد سردرنصرالله‌خان نایب‌السلطنه‌رفتیم وچگونگی گم شدن پول را به وی قصه نمودیم وگفتیم که به صدپوند ضرورت داریم ، سردارصاحب به کمال مهربانی وعده داد ، شام‌همان روز صد پوند را باخود آورد وبه‌این ترتیب هیات دیگرهم رفت...(۱) .

یك بار دیگر ما بخاطر ضروریات‌خویش مبلغ یکهزار افغانی را ازمیر عزت‌بیگ ترکی برای مدت یکسال‌قرض نموده بودیم وقتیکه میعاد آن پوره شد ما تحت نظارت مستو فی‌الممالك نظر بند بودیم واین وقت بسیار تلاش کردیم تامبلغ یکهزار بدست آورده قرض را اداء نمائیم زیرا ندادن قرض به وقت معین آن بالای آینده ما تا ثیر می انداخت... بناء من مجبور شدم که تانزد معین‌الدوله سردار امان الله خان بروم ضمن ملاقات بااوچگونگی موضوع را به‌تفصیل بیان نمودم تامبلغ دوازده صد روپیه بمن اعطاء فرمایند که یکهزار آن را به‌قرض بپردازیم ودوصدروپیه دیگررا برای احتیاجات آن به آقای سیدعلی بخاری که از پشاور به کابل آمده بود ودرکابل نظر بند بود مصرف نما ئیم .

۱ـ محمد سرور کاتب ، هفت‌سال درسفر ، ص‌ص۸٤ ـ ۸۵ .

خلاصه اینکه سردار معین الدوله پول را برای ما در خانه مستوفی آورد ، قبلا ازین مرا یکبار خواسته بود ودرباره متقبل آن اشارة وکنایة صحبت شده بود . (۱) .

همچنان «سردار نصرالله خان»علاوه ازآنکه دررهائی محصلان کالج لاهور رول مهم داشت یك مقدارپول‌را غرض مصارف یومیه شان تعیین ومقرر نمود (۲) از طرف دیگربسیاری از اعضای حکومت در امور تعلیمی وفرهنگی و اداری دولت امیرحبیب الله وشاه امان الله سهم داشتند وازآن درك معاش اخذنموده‌وامرار حیات می‌نمودند ازجمله ظفر حسن‌که درمحاربه تل سهم وکارنامه‌های قابل وصفی را برای آزادی افغانستان ایفاء نمود وبعداً دراموراداری ونشراتی دولت افغانستان اشتغال داشت» دولت افغانستان‌برای وی مانند سایر هندوستانی ها یك معاش معمولی می‌داد .(۳)

بدین ترتیب دولت افغانستان‌بااعضای حکومت موقت گاهی طور مهمان معامله میکردونیزسایرکمك های لازم وسفر خرچ به ایشان می پرداخت .

بر علاوه حکومت افغانستان ،حکومت اتحاد شوروی نیز آمادگی برای کمك بااعضای حکومت موقت‌را بد و ش گرفته بود به قول ظفر حسن داکتر خوشی محمد عضوفعال جماعت اشتراکی انقلابی هند درروس تعیین شده بود و حکومت‌سوسیالیستی شوروی برای وی درمسکو گفته بود که وی درکابل‌با سفارت روس رابطه داشته باشد و «عندالزوم به‌هر مقدار پولی که‌ضرورت داشته باشد ازان سفارت

۱- همان‌اثر، ص‌ص ۱۰۰-۱۰۱ .
۲- سید سعد الدین هاشمی،نقش افغانستان در ... ، ص ۱۲۳ .
۳- محمد سرور کاتب، هفت‌سال درسفر ، ص ۱۰۴ .

به دست آورد (۱) وموقعیکه مولانا عبیدالله باهمراهانش از افغا نستان عازم شوروی می گردیدند، مصارف سفر آنها ازطرف اتحاد شوروی بواسطه همین خوشی محمد تادیه گردید . (۲)

به این ترتیب دیده میشود که اعضای برجسته حکومت موقت چون عبیدالله، مولوی برکت اللهوعبیداللهسندی وسایرین باسفارت حکو مت شوروی چه درکابل وچه درخودشور وی روابط خیلی صمیما نه ودو ستا نه دا شتند .

ظفر حسن می‌نویسد : موقعیکه برای انتخاب گاندی در اجلاس کانگرس ملی هند در سال (۱۹۲۱)مبلغ ده ملیون رو پیه ضرورت بود درحالیکه مبلغ چند صد هزار روپیه‌دیگر باقی مانده بود وبه اجلاس سالانه کانگرس صرف یک‌هفته‌باقی‌مانده بود واحتمال میرفت که به نسبت پوره‌نشدن پول مورد‌ضرورت‌موقعیت گاندی به مخاطره بیافتدبناء مولانا عبیدالله دراتحاد شوروی ازچیچرن وزیرخارجه شوروی تقاضای پول مورد ضرورت را طور قرضه‌نمود تاآنرا ازطریق افغانستان ویا جای دیگر به کانگرس هند برساندااما بعد معلوم شد که پول موردنیاز درهند بدست آمده ومولانا بااظهارامتنان پول متذکره را مسترد کرد .

به این ترتیب همه آزادی خواهان‌هند «امید وار بودند که حمایت بلشویک ها را جلب نمایند . س‌ک‌سروسای عضو شورای ملی حزب کمونیست هند بعد ها نوشت :

هیچ یک ازآنان درشوروی مایوس نشدند ، لنین ازهیچگونه کمکی که میتوانست آنها را در راه نیل به‌آزادی هند یاری دهد مضایقه نکرد» (۱) .

۱ـ همان اثر ، ص ۱۲۲ .

۲ـ سید سعد الدین هاشمی، نقش افغانستان‌در ... ، ص ۱۱۶ .

۳ـ غفور وف وکیم،لینن‌وجنبش‌های آزادی بخش ملی درشرق ، ص ۱۰۹ .

وانیز قابل تذکر است که احتمال‌دارد برکشور های کـــه با اعضای حکومت موقت در کـا بـــل روحیه‌دوستا نـه داشتند مانند : آلمان ، ترکیه ، ژا پا ن و غیر ه کمك نموده‌باشند وحتی مسا فـر تهایی درآن ممالك غرض اخذ کمك صورت‌گرفته‌است که متأسفانه درزمینه معلومات کافی بدست نداریم .

نتیجه

پیش ازآنکه انگلیسها در هندبرسند نظم اقتصادی آنجا که عبارت ازفیودالیزم بود شکست بر داشته‌بود وحتی هیچ نیروی خارجی درآن وقت به هند نمی‌آمد نظم فیودالی‌دیگر نمی توانست مدت درازی‌باقی بماند .

ازینرو دولت مغولی‌دهلی دراواخرخیلی ضعیف‌شده بود و یك خلای سیاسی وآشفتگی دربسیاری نواحی‌هند ایجاد کرده بود ، درچنین شرایطی بود که درهند اکثریت‌ملیتها ،مذاهب ،اعتقادات‌ورسم ورواج های مردم آن دیار را درنا برابری شدید اجتماعی وطبقاتی‌سوق داده بود .

بناء طبقه حاکمه انگلیس درداخل‌چنین اوضاعی که معبود طلائی را درهندو ستان به‌چشم سر می دیدبرای رسیدن به آن ارمان از هیچ قید و بند اخلاقی با لای مرد مهنددریغ نکرد ند .

به گفته نهرو : «ضعف ونادانی‌همیشه موجباتی برای حکو مت استبدا دی هستند اگر انگلیسهامیتوانند ازنفاق وجدایی ماسودببرند واستفاده کنند این گناه خود ماست‌که درمیان خود منازعه میکنیم ، اگر آنها می‌توانند ما را تجزیه کنندوباتحریك خود خواهی باگروه های

جداگانه ما درمیان‌ما تفرقه بیاندازندومارا تضعیف سازند خود این امر نشانی ازبرتری انگلیسها است...».

این فورمول نفاق‌بیندازو حکومت کن‌از انگلستان به میان آمد وپایه‌واساس‌برای موفقیتهای استعماری انگلیس درهند محسوب گردید ، چنانکه درتحت سایه همین سیاست استعمار گرانه کوشید تا اختلاف میان‌هندی ها ومسلمانان را یك طرف واختلاف میان خود دسته های‌مسلمانان اختلاف میان خود دسته های هندو ها وسایر طبقات راازطرف دیگر تازه نگهدارند و یکه نمایند تادرآتش آن مبارزات آزادیخواهانه هند را بسوزانند . به طور مثال انگلیسها برای تشدید وخامت و اختلاف بین هندوان ومسلمانان برای‌هندوان می‌فهماندندکه‌مسلمانان‌مسکو نینی‌اندغیرهندی یعنی فاتحین ومهاجمین خارجی‌اند . یابرعکس آن هندوان را در نزد مسلمانان بد جلوه میدادند ....

انگلیسها با طرح این سیاست‌میخواستند تا به حیث یك اقلیت مفتخوار مالك سرزمین هند وبادارصدها ملیون هندی باشند ...

این وضع البته درتمام جهات به‌مرام انگلیسها ادامه نیافت طولی نکشید مردم هند ماهیت استعماری‌انگلیس را درك نمودند وبه‌مصیبت های اجتماعی ، سیاسی واقتصادی‌کشور شان پی بردند وپس ازچند سالی باز هندی‌ها به‌تشکلات سری‌وتروریستی وقیامهای بزرگی علیه انگلیس دست زدندکه میتوان بعضی‌ازآنها را نام‌برد مانند مبارزات داکویتها ، تکها- تاثیرات مجاهدات‌سید احمد بریلوی ، قیام‌سپاهیان ۱۸۵۷ وامثال آن که این همه ریشه‌اصلی نهضت ملی جدید هند گردید که تاسیس حکومت موقت هند یکی‌از نتایج آن است .

مبارزات برحق مردم هند خامخادرپرتو روابطتاریخی وآزادیخواهانه باافغانها بی‌تاثیر نبود چنا نکه‌انگلیسها آنرا بهتر درك کرده بودند

وبه قول عبیدالله سندی انگلیسها تاآنوقتی بردهلی قصدنکردند تااینکه نخست رابطه بین دهلی وکابل راقطع نمایند باآنکه انگلیسها روابط بین کابل ودهلی را قطع نمودند وافغانستان را نیز مثل هند تحت استیلای خوددرآوردندو تجزیه نمودند بازهم ازناحیه روابط آزادیخواهانه بین افغانان وهندیان به ترس بودندچنانکه این روابط آزادیخواهانه با هندیان درزمان احمد شاه ، وشاه‌زمان، تاثیرجنگ اول‌افغان وانگلیس شورش بزرگ ۱۸۵۷ هند و تاثیراندیشه های سید جمال الدین‌افغان وامثال آن درمجموع به حیث عوامل‌موثر دست به دست یك دیگر داده وباعث ایجاد حکومت موقت هند درکابل شد (۱۹۱۹ - ۱۹۲۲) که مصادف بادوره امیر حبیب الله ودرشرایط خاص جنگ جهانی اول به وقوع پیوست .

اولین نتیجه مهم درکار حکومت‌موقت هند ازآن جهت است که این حکومت دربدو تاسیس خود چنان‌اقدامی را درانسجام سیاسی واجتماعی بین مبارزین آزادیخواه‌هند بوجود آورد که درپرتو آن مردم هند اعم ازمسلمانان وهندوها درآن‌شرکت داشته باشند واین اقدام‌ازآن جهت حایز اهمیت است که‌مبارزین‌هند بتوانند صرف نظر ازاختلافات میان هندوان ومسلمانان ازیك طرف‌واختلاف میان‌خود دسته‌های مسلمان ومیان خود دسته های هندو وسایرطبقات بدون امتیاز میان آنهاحکومتی را به پایه یك اندیشه واحدی ملی‌برای آزادی هند ایجاد نمایند .

چنانکه به‌تاسی ازین اقدام بودکه‌مهند را پراتاپ‌به حیث رئیس‌دولت، مولوی برکت الله بحیث صدراعظم‌وعبیدالله سندی‌به صفت وزیرداخله وبسیاری دیگران که هندو، مسلمان‌وسکها بودند درعضویت این‌حکومت شامل گردیدند ، ازطرف دیگرمهمترین هدف حکومت موقت آن بود تادرنتیجه قیام پیروزمند هند اختیاررا بدست گیرد ودرهند چنان‌حکومت را برای مردم به ارمغان آورد که‌جمهوریت دیموکراتیك باشد ودر سایه آن حقوق تمام مردم هند راتامین نماید .

به اساس همین روحیه یکی دیگرازنتایج مهم آن بود تااین حکومت روابط خود راباسایر مبارزین هندچه‌درداخل هند ویا خارج هند قایم سازد وازایشان مشوره گیرد ومشوره های لازم بدهد . به عبارت دیگر حکومت موقت مانند زنجیری‌بود که حلقه های آنرا مبارزین هند تشکیل میداد مانند : محمودالحسن،شیخ الهند ، ابوالکلام آزاد وسایر مبارزین شامل درکانگرس هند ...

، به اساس همین پیوستگی بودکه‌حکومت موقت‌هند توانست‌فعالیتهای وسیعی را دربین قبایل آزاد وچه‌درداخل هند براه بیاندازد که باعث درد سر شدید انگلیسها گردید ،ازجمله فعالیت حکومت هند درسر ـ حدات قبایل آزاد ازآن جهت بودکه‌مانند سایر مبارزین اسلاف چون سید احمد شهید وسایر رفقایش آن‌مناطق را به‌حیث مرکز فعالیتها ی نظامی خود قرار دادند تاازانجا به‌هندوستان حمله نما یند .چنین‌تصور میشد که مردم آن همیشه برای‌جهادآماده اند واگر آنها متحد ومتفق گردا نیده شوند وروح جهاد در آنهادمیده شود یک طاقت بزرگ را خواهد ساخت .

ولی بعدها در نتیجه فعالیتها ی‌پی‌گیر این‌حکومت درآن مناطق‌معلوم شد که این‌همه غلطی واشتباه‌محض‌بود زیرا به‌اساس اعتماد به‌آن‌مفکوره یك قیام عمومی درآزادی هند میسرنگردید طوریکه عبیدالله سندی در مورد گفته است : که حضرت سیداحمد شهید وسایر رفیقهایش فدای چنین مفکوره شدند (۱۸۳۱) در این‌موقع همان قبایل آزاد بودند که بعضی مجاهدین هندوستانی را چوروچپاول کردند ... ودراین وقت نه‌تنها مردم هند بلکه خواص آن‌مثل‌مولانا محمد علی ، مولانا ابوالکلام آزاد ، حضرت شیخ الهند ودیگران‌نیز درچنین اشتباهی درگیر بودند .

چنانکه این توجه که درکو های‌باغستان صورت گرفت اگر در سر زمین هند میشد آیا حال مسلمانان‌به این وضع میبود ؟ ای کاش این قدر کار را دروطن خود مینمودیم...

این همه ناکامی های مبارزین هندمخصوصاً حکومت موقت هند درسرحدات به آن مواجه شدندمولاناعبید الله عوامل آنرا چنین بررسی مینماید :

تاریخ گذشته اینرا نشان میدهدکه مردم قبایل آزاد آنقدر دربین خود بی اتفاق اند که اصلا متحد ساختن آنها محال خواهد بود ... علاوه براین جادوی پول وبالای قبایل آنقدر تاثیر دارد که ضرورت به تذکر نیست . بناء امید به چنین یك اخوت جزساده لوحی چیزی بیش نخواهد بود .

ازآنچه ازفعالیتهای حکومت موقت هند درداخل هند یاد آور میشویم از جمله میتوان حزب جنودر بانیه وارسال نامه های ابریشمی نام برد، حکومت موقت حزب جنود ربانیه رابرای آزادی هند تاسیس کرده بود که البته این حزب مرکب ازمجاهدین هند وسایر رهبران ممالك اسلامی بود که وظایف بزرگ نظامی برای ایشان داده شده بود .

که امیر حبیب الله یکی ازحامیان آنها بشمار میرفت ولی همینکه امیر مذکور بیطرفی خود را درجنگ اول جهانی اعلان نمود پیشرفت این پلان راسست ساخت ومانند آب بود که درآتش طغیانها وهیجانات ریخته شد وبه ناکامی مواجه شد ازطرف دیگرارسال نامه های ابریشمی که دربین طبقات مبارزین هند جریان داشت هدف آن بود تا مردم هند را به قیام عمومی علیه انگلیس وادار ند...این سلسله هم بالاخره ازهم گسیخت و انگلیس ازآن باخبر شد وآنرا به ناکامی مواجه ساخت .

بخش دیگر فعالیتهای حکومت موقت هندهمانا فعالیتهای بین المللی آن میباشد که نتایج آنرا ذیلا بررسی می نمائیم :

طوریکه میدانیم باشدت ووسعت جنگ جهانی اول هندوستان مستعمره ثروتمند انگلیس از نظر آلمانها وهمراهان او در جنگ نبود و میخواستند که درآن نیم قاره مخصوصاً در مسلمانان آنجا نفوذ

پیدا کنند واین کار بـــه وسیله خلافت عثمانیه که به جنگ بـا آن متحد بود میسر میگشت تامسلمانانرا به جهاد باانگلیس درهند تحریك کند تاانگلیس قوه خود را ازاروپـا به هند منتقل سازد ، به اساس همین سیاست یك دسته مبارزین هند ی با معیت هیا ت ترك و جر من به کابل آمدند تاحبیب الله را به طرفداری آلمان و تر کیه علیه انگلیس تحریك نمایند ولی حبیب الله برای هیات جواب رد داد وازجمله هندی هـــا توانستند حکو مت مو قت هندرا بنیاد بگذارند که بعضی اعضای جرمنی وترکی هیات نیز شا مل آن گرد یدند و باهمکاری حکومت موقت درسرحدات قبایـــل آزاد وهند دست به تحریکات زدند ،ولـی فعالیت حکومت در عـــر صه سیاست باکشور های بزرگ جهان ازآن جهت مهم است که این حکومت تجویز نمود تابرای شناسایی خویش نماینده گان وسفیران خود را بـــه ترکیه ، روسیه، جرمنی ، هندوستان چین وجاپان گسیل دارد . چنانکـه روابط این حکومت باتـرکیه موجب تشدیـد فـعالیتها در جهت نهضت خلافت درهند گردیـــد ودر ارتباط باروسیه هیات هایی را به آن کشور اعزام نمود که حامل مکتوب هـــای مهند را پراتاپ وبرکت الله عنوانی تزار روسیه و صدراعظم آن بود ودرآن خواسته شده بود تاتوجه روسیه را برای آزادی هند جلب کند ، ولی این روابط بعد از انقـــــلاب (۱۹۱۷) نتایج مثمررا بارآورد وبعضی اعضای آن حکومت بـه رفت وآمد هـا درآن کشور پرداختند وفعالیتهای زیاد راجهت آزادی هند انجام دادند وازآنجا اند یشه ها ی کمو نیستی را در هندانتقال وبه پخش نظریات درآن زمینه پرداختند .

همچنان در رابطه بـــا آلمان نیز تلاشها ازجانب حکومت موقت صورت گرفت ویك نقطه قابل توجه اینجاست که در اثر فعا لیتها ی مهندراپراتاب حکومت جرمنی باحکومت شوراها به مفاهمه رسیدند واجازه ده پرونـــد طیاره جنگی المانی را درخاك شوروی اماده ساختند . تاازآنجا جهت آزادی

هند به‌کاربر ود...و لی‌شرایط‌جنگ‌اول جهانی به‌زودی به‌ضرر آلمانها خاتمه یافت واین پلان به‌منصه اجراقرار نگر فت .

درحقیقت حکومت موقت درنـظرداشت که بااستفاده ازاوضاع جهانی ازبـــروز اختلاف و شکاف مـــیان‌قدرتهای استعماری استفاده کـــرده وهند را آزاد سازد ، چنانکه بـــرای‌رسیدن به‌آن منظور باآلمان وترکیه موافقه رسیده بود اگر آنها به جنگ‌برنده شوند استقلال‌هندرا برسمیت بشناسند ولی شرایـط جنگ تغییریافت واین نقشه نیز ممکن نگردید .

محدودیت دیگری کـــه در جهت‌اجرای فعالیت حکومت موقـت هند موجود بود آن بـود کـــه حکو مت‌در شرایـــط خاص امیر حبیب الله تاسیس یافته بود ، چون حبیب‌الله‌نمی توانست اززیر بار انگلیسها بالا شود ، بناء ناچار بود به‌این حکومت‌بفهماند کـه در داخل افغا نستا ن فعالیت ننماید بلکه درکشور هـــا ی‌خارجی به فعالیت بپردازاند ، والـی برعکس سردار نصرالله ، شهز اده‌امان‌الله وسایر اعضاء پارتی جنگ بـه حکومت موقت تماسهای بسیارنزدیك داشتند . درحقیقت درسایه آنها بود که حکومت موقت تاحدودی‌موفق بـــه اجرای بعضی فعالیتهای سیاسی درداخل وخارج هند گردد .چنانکه، باروی‌کار آمدن شاه‌امان‌الله محدودیت قید وبند رفـــع گـردیدو حکومت مـوقت آینده خویش را در آتیه هند رو شن مید یدوا لبته به پا س همین روا بطنیك‌بودکه اعضای حکومت موقت درجنگ آزادی افغا نستان سهم فعال وقابل قدر را ایفاء کردند ونیزدرامور اداری ،فرهنگی،سیاسی ونظامـی افغانستان از هیچ گونه مساعی دریغ نه‌ورزیدند .

شاه امان الله البته قبل ازرسیدن بـه‌قدرت وکسب استقلال کشورش به ایشان وعده داده بود که در راه‌آزادی هند با ایشان از هیچگو نـه همکاری دریغ نه نماید ، ولی همینکه‌افغا نستان‌آزادشد ودولت‌شاه‌امان‌الله باداپس به‌موافقه رسید پس‌ازآن‌دولت امانیه به‌خاطر رعایت پالیسی

باانگلیس ازتوجه خود به حکومت‌موقت هند کاست وبالاخره به کار حکومت موقت هند درکابل‌خاتمه‌داد.(۱۹۲۲) .

نتیجه نهایی که ازین بحث گرفته‌میشود آنست که پس ازانجام کار حکومت موقت اعضای آن‌بیکارنه نشستند بلکه به‌فعالیتهای خود باسایر نهضت ها وجریانات آزادی‌خواهی‌هندادامه‌دادندوبه فعالیتهایی به دورادور دنیا پرداختند واز جمله‌به‌کابل نیز رفت وآمد ها نمودند . به هر صورت‌حکومت‌موقت‌هندیکی‌ازبزرگترین ومهمترین پدیده های تاریخ مردم جهت آزادی کشور هندمحسوب میشود ، گرچه خود به اساس پلانهای مطروحه‌اش‌به‌موفقیت‌نرسید ولی تاثیر خود را درتسریع سایر جنبش‌ها ونهضت های آزادی‌بخش ملی هند بجا گذاشت تااینکه کشور هند آزاد گردید (۱۹٤۷) .

منابع و مآخذ

ـ ادمك ، لودويك : تاريخ روابطسياسی افغانستان اززمانعبدالرحمن تااستقلال ، ترجمه علی محمدزهما،کابل : موسسه نشراتی افغانکتاب، س ١٣٤٦ .

ـ آزاد ، ابـوالكلام : هند آزادیگرفت، ترجمه امير فريدون تركانی، تهران : خيابان كوچه ٤٦ .

ـ افينوف . ا . وديگران : تاريخعصر جديد ، ترجمه فريدون شايان، جلد دو ل ،كا بل :مطبعه دو لتـی،س ١٣٦٢ .

ـ انتونوا . ك : تاريـخ هند درقرون وسطی ، تـرجمه پوهاند مير حسين شاه ، كابل : پوهنتونكابل،س ١٣٦٠ .

ـ بلگرامی ، اصغر حسن ، افغا نستان وهند برتـانوی از ١٧٩٣ ـ ١٩٠٧، مترجم عبدالوهاب فنايـی،كابل : اكادمیعلوم ج.ا ، س١٣٦١ .

ـ توفيق ، فضل الـدين : نقشافغانستان در جنبش آزاد يخواهـی هند ، رسالـه نشر ناشـــده دورهٔليسانس ، كابل : پوهنتون كا بل ، س ١٣٦١ .

- جلالی ، علی احمد : مطالعه‌تاریخ افغانستان ازنگاه عسکری ، کابل : مدیریت عمومی نشرات ستردرستیز وزارت‌دفاع ملی، س۱۳٤۷.
- حبیبی، پوهاند دکتورعبدالحی: تاریخ مختصر افغانستان ، جلددوم، کابل : مطبعه دولتی ، س۱۳٤۱ .
- حبیبی، پوهاند دکتورعبدالحی: جنبش مشروطیت در افغا نستان ، کابل ، مطبعه‌دولتی ، س ۱۳٦۳ .
- حکمت ، علی اصغر : سرزمین‌هند ، برر سی تا ریخی ،اجتماعی‌و سیاسی هندوستان از ادوار باستان‌تاعصر حاضر ، تهران ، س ۱۳۳۷.
- خان ، عبدالغفار خان : زماژوندا‌وجدوجهد ، کابل : مطبعه دولتی ، س ۱۳٦۲ .
- راوی ، حبیب : تاثیر استقلال‌افغانستان بالای هند ، رساله نشر ناشده دورهٔ‌لیسانس،کابل: پوهنتون‌کابل ، س ۱۳٦۱ .
- کا تب ، محمد سرور : هفت‌سال درسفر از ۱۹۱۵ تـا ۱۹۲۲ ، لاهور ، چو ك انا ر کلی ،
- کانکوفسکی ، یودی : دپاکستان‌تاریخ ، مترجم جمعه خان صوفی ، کابـل : ریاست نشرات وتبلیغات‌وزارت اقوام وقبایل ، س ۱۳٦٤ .
- غبار ، میر غـلام محمد : افغانستان درمسیر تاریخ، کابل : مطبعه دولتی ، طبع دوم ، س ۱۳۵٤ .
- صد قی ، محمد عثما ن : سیـد جمال الدین افغان پیشوای انقلا ب شرق ، کابـل : موسسه انتشارات‌بیهقی ، س ۱۳۵۵ .
- ضمیر صافـی ، محمد حسن :افغانستان درقرن شانزدهم ، کابل: پوهنتون کابل . س ۱۳٦۳ .
- محمد، مهدی : سلطه حکمرانی‌انگلیس درکشور هند ، رساله نشر ناشده دوره لیسانس ، کـابـل :پوهنتون کابل ، س ۱۳٦٦ .

ACKU 4501

ـمیا پور بنی ،ا کبر شا ه :دآزادی‌په‌تلاش ، کابـــل : مطبعه دولتی ، س ۱۳٦٦ .

ـ نهرو ، جواهر لعل : نگاهـی‌بتاریخ جهان ، ترجمه محمدتفضیلی، جلد دوم ، تهران ، س ۱۳٤٦ .

ـ وکـیم ، غفورو اوف : لنین وجنبش های آزادیبخش ملی درشرق، ترجمه : محمد اخوان ، بخش سوم‌وچهارم ، کابـل : مطبعه دولتی ، س ۱۳٦۲ .

ـ هـــاشمی ، سید سعدالدین :نقش افـغا نستان درآزادی هند ، کابل : پوهنتون کابل ، س۱۳٦۲ .

ـ هـــاشمی ، سید سعدالدین :تاریخ نوین افغانستان ، کابـــل : پوهنتون کابل ، س ۱۳٦٤ .

ـ اداره نشرات آریانا: جمال‌الدین‌افغانی ، دایـــرة المعارف آریانا ، ۱۳٤۱۱ . جلد چهارم .

ـ پـــراساد ، دکتور اس . ان :افغانستان مرکز ملیون وانقلابیو ن هندی ، مجله ادب ، شماره چهارم، پوهنتون کابل : حوت سال ۱۳٤٥ .

ـ پراتاب ، مهندرا : یك نهایت‌ضروری خط ، سراج الاخبارافغانیه، ش ۱۷، س ۱٦۱٦، ص ٤.

ـ (...) محمود : سرگـرمـــی‌جاسوسان جرمنی درهند ، سراج ـ الاخبار افغانیه ، ش ۱۱ ، س۱٦۱٦،ص ۱٥ .

ـ ب.ن : جرمنی‌ها تاکجامیروند،سراج الاخبار افـــغانیه ، ش ۱٦ ، س ۱٦۱٦ ، ص ۱۲ .

ـ (...) : اخوت هندو ستانـی‌و ... سراج الاخبار افغانیه ، ش۲ ، س ۱٦۱٦ ، ص ۱۳ .

ARIC
B
4.36
PAK
4501
cp.2

نمبر مسلسل : (۳٦٦)

مطبعه دولتی